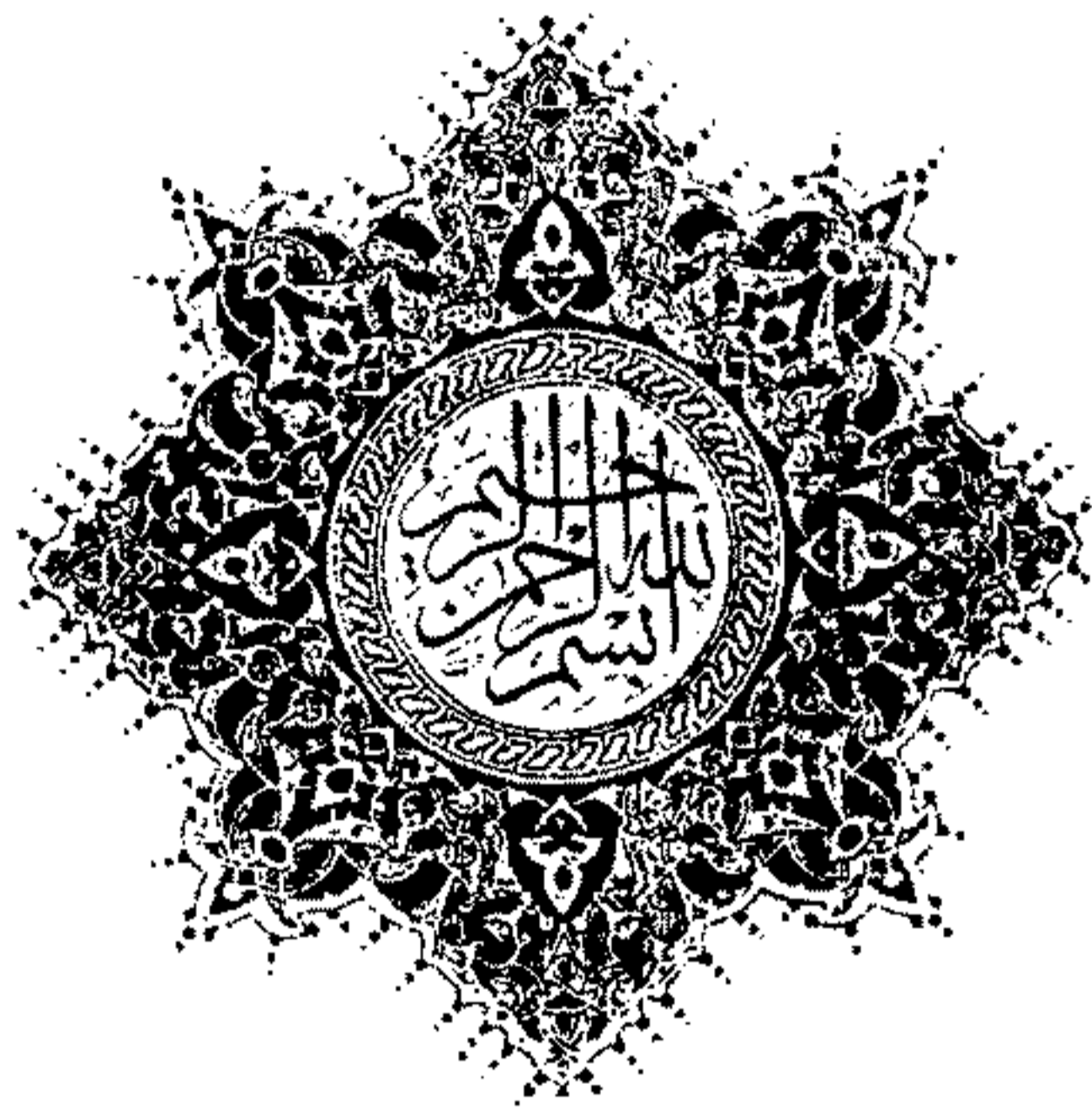


# سارہ سرمل دہلیاب

زندگی نامہ و مسند  
احمد بن اسحاق قمی  
محرم اسرار امام حسن عسکری علیہ السلام  
با مقدمہ: حضرت آیت اللہ میر سید محمد یثربی

مہدی عبدی





انتشارات فقه

نام کتاب: ستاره سرپل زهاب

مؤلف: مهدی عبدی

نوبت چاپ: اول - اردیبهشت ۱۳۸۵

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

چاپخانه: برهان

قیمت: ۱۵۰۰ تومان

شابک: ۸-۱۰۲-۴۹۹-۹۶۴ - 8 - 102 - 499 - 964 ISBN:

ص.پ. ۳۶۶۳ - ۳۷۱۸۵ - تلفن: ۷۷۳۴۸۷۲ - ۲۵۱ - ۹۸+

«کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤلف است»

# ستارہٴ سر پل ذہاب

زندگی نامہ و مسند

احمد بن اسحاق قمی رحمۃ اللہ علیہ

محرم اسرار امام حسن عسکری علیہ السلام

مہدی عبدی

اهدا:

ثواب این اثر را هدیه می‌نمایم به روح بزرگ بانوی کربلا، حضرت زینب کبری علیها السلام و به روح پرفتوح حضرت امام خمینی علیه السلام بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، علمای ربانی، شهدا از صدر اسلام تا کنون خصوصاً شهدایی که غریبانه و مظلومانه در شهرستان سرپل ذهاب شربت شهادت نوشیدند و به لقای پروردگارشان نایل آمدند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا  
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

### مقدمه

سیره نویسی و تأمل و تحقیق در احوال پیشینیان از آن رو واجد اهمیت است که پرده ابهام از چهره زمان به یک سو می نهد و هویت و شخصیت راستین ایشان را نمایان می کند و در این چهره نمایی ارزشهای والایی که سازنده این شخصیت است باز بینی شده و آثار تربیتی فراوان به معاصران و آیندگان هدیه می کند.

عالم عالی مقام و محدث جلیل القدر جناب احمد بن اسحاق قمی رحمته الله از شمار همین نامداران است که کنکاش و واریسی در سرگذشت و احوال او به واقع کلید دست یابی به گنجینه های عظیمی از ارزشهای گران سنگ اعتقادی و اخلاقی مورد احتیاج بشر است به ویژه که او تنها یک سالک و رهرو ساده نیست بلکه پاسدار و نگهبان تمامی آن اصول و ارزشها است و همه عمر گرانبهایش را به نشر و ترویج و دفاع از آنها سپری نموده است.

او به حق مصداق شایسته و بارزی از این سخن مولایش امام

عسکری علیه السلام است که فرمودند:

« علماء شيعتنا مرابطون بالثغر الذي يلي إبليس و عقاريتة يمنعونهم عن الخروج على ضعفاء شيعتنا وعن ان يتسلط عليهم إبليس و شيعته النواصب ألا فمن انتصب لذلك من شيعتنا كان افضل ممن جاهد الروم و الترك و الخزر الف الف مرة لانه يدفع عن اديان محبيننا و ذلك يدفع عن ابدانهم»<sup>(۱)</sup>.

علمای شیعه مرزبانان ثغور و حدود اعتقادی شیعیان ما اهل بیت علیهم السلام هستند که از تهاجم و استیلای ابلیس و پیروان ناصبیش بر ایشان صیانت می کنند و آنان را پاداشی بسیار بالاتر و بیشتر از مجاهدین رویا روی دشمن مقرر شده زیرا که اینان نگه دار جانند و آنان نگهبان ایمان.

بدون تردید احمد بن اسحاق رضی الله عنه و امثال او از چهره های تابناک و درخشانی اند که در جایگاه راوی و ناشر معارف علوم مأخوذه از سر چشمه ولایت، خوش درخشیدند و تأثیر فراوانی در اشاعه فرهنگ اصیل اسلام و تربیت انسانهای وارسته از خود به جای نهادند. ولی آنچه که احمد بن اسحاق رضی الله عنه را از بسیاری دیگر از راویان ممتاز می کند.

اولاً؛ قابلیت و شایستگی ویژه ای است که وی را تا سر حد وکالت مقام عصمت بالا می برد. تفویض این مسئولیت از یک سو و پذیرش آن از سوی دیگر برای کسانی که با شرایط تاریخی آن زمان آشنا نباشند و عظمت و ارجمندی منزلت وی و تصلب ایمان راسخ او را گواهی نموده و اثبات

۱- الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۷، ج ۲، ص ۳۸۵، بحار الانوار، ج ۲، ص ۵، الصراط المستقیم، ج ۳، ص ۵۵.

می‌کند. و ثانیاً؛ صلاحیت بسی بدیلی است که از او شخصیتی می‌سازد که مفتخر به شأن صاحب سرّ معصوم علیه السلام می‌گردد و آنچه که معصوم علیه السلام از همگان پنهان می‌دارد بدو می‌نمایاند.

این همه و بسیاری نکات ناگفته دیگر از احمد بن اسحاق رضی الله عنه انسانی وارسته، مؤمن، آگاه و پر تلاش می‌سازد که لحظه‌ای از انجام وظیفه هدایت دریغ نمی‌ورزد و هیچ چیز درون پر خروش او را آرام و سکون نمی‌بخشد جز اینکه نسل معاصر و آیندگان و در یک کلمه منظومه امت اسلامی را به مدار خورشید ولایت رهنمون شود.

او دریافته است که گردش امت جز بر مدار ولایت حاصلی غیر از سر گشتگی و ضلالت نخواهد داشت. او آنچه را روایت می‌کند درایت نموده و برای تحقق باورهایش بی‌قرار است او راوی این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرموده:

«أَيُّهَا الْأُمَّةُ الْمُتَحَيَّرَةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا أَمَا إِنَّكُمْ لَوْ قَدَّمْتُمْ مَنْ قَدَّمَ اللَّهُ وَ أَخَّرْتُمْ مَنْ أَخَّرَ اللَّهُ وَ جَعَلْتُمْ الْوِلَايَةَ وَ الْوِرَاثَةَ حَيْثُ جَعَلَهَا اللَّهُ مَا عَالَ وَلِيُّ اللَّهِ وَ لَا طَاشَ سَهْمٌ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ وَ لَا اخْتَلَفَ اثْنَانِ فِي حُكْمِ اللَّهِ...».

تقدیم و پیروی از امامی که خداوند معین نموده موجب می‌شود که شایستگان از آن رو بدرآیند و احکام و قوانین الهی جاری شده و هرگز دو نفر در حکمی از احکام الله اختلاف نکنند. او هم چنانکه در تربیت افراد سعی و کوشش دارد، آرزومند حاکمیت صالحین و اوصیاء رسول الله صلی الله علیه و آله است، زیرا می‌داند که دینداری افراد با دینداری اجتماعی تلازم دارد و جامعه دینی جزء با حکومت صالحان زاهد و بریده از خواهشهای نفسانه، میسر نیست. او



نظاره گر جامعه و حاکمانی است که به نام حکومت دینی فرسنگها فاصله با دین و معنویت ایجاد کرده و در نتیجه هویت دینی را از افراد سلب نموده‌اند. چیزی که او و امثال او را در چنین شرایطی رنج می‌دهد انفصال و جدایی امت از حقایق دینی و تظاهر به دینداری و بی‌اعتقادی به سرمایه‌های معنوی و نفاق رفتاری است. او تلاش می‌کند استعداد های انسانی را به کانون معنویت و امامت متوجه کند و حاکمیت دینی را با محوریت امامت استقرار بخشد. حاصل این تلاش‌های بی‌وقفه و پاسداری او از ارزشهای والای مکتب غنی و پر مایه تشیع را در کتاب «ستاره سر پل ذهاب» ملاحظه می‌فرمایید. وقتی نور چشم گرامی فاضل فرزانه جناب حجة الاسلام آقای شیخ مهدی عبدی از این جانب خواستند تا بر مجموعه‌ایی که گردآوری نموده‌اند مقدمه بنویسم ابتدا عذر خواهی کردم. ولی بعد که محصول زحمات ایشان را تورو کردم، اجابت خواسته ایشان و تقدیر از زحمات و حسن سلیقه نامبرده حداقلی بود که می‌بایست انجام می‌گرفت.

سعیشان مشکور و عمل فاخرشان، مقبول درگاه حضرت بقیة الله سلام الله علیه باشد. انشاء الله

عید مولود ۱۴۲۷

میر سید محمد یثربی

## پیشگفتار

از آنجا که پرورش و به سعادت رساندن انسانها رسالت پیامبران الهی و ائمه اطهار علیهم السلام بوده و در زمان حیات پربرکتشان از هیچ تلاشی برای محقق ساختن اهداف بلند خویش فروگذار نبودند. لذا میراث به جای مانده از گنجینه خزائن معرفتی آنان می تواند برای سالکان حقیقت و ره‌پویان وادی معرفت رهنما باشد.

نگارنده به چند علت به نگارش کتاب ستاره سرپل ذهاب که شامل زندگی نامه و مسند احمد بن اسحاق قمی رحمته الله می باشد، اقدام نمود. یکی از این اهداف رسیدن به ثواب احیای مؤمن بود چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: « من ورّخ مؤمناً فقد أحياه »<sup>(۱)</sup> یعنی کسی که تاریخ زندگی مؤمنی را بنویسد، او را زنده کرده است. خداوند عزوجل در این باره می فرماید: ﴿ و مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً ﴾<sup>(۲)</sup> یعنی کسی که یک نفر را زنده کند مانند آن است که تمام مردم را زنده کرده، در مقابل اگر کسی انسانی را بکشد: ﴿ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعاً ﴾<sup>(۳)</sup> چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد.

۱- سفینه البحار، حاج شیخ عباس قمی، ماده «ورّخ».

۲- سوره مائده، آیه ۳۲.

۳- سوره مائده، آیه ۳۲.

پس حسب روایت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کسی که تاریخ زندگی مؤمنی را بنویسد آن مؤمن را زنده کرده است؛ و این کار به نص آیه شریفه ﴿ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ﴾ همانند زنده کردن تمام مردم می باشد.

و پر واضح است که هر چه مقام فرد مؤمن بالاتر باشد پاداشی که نصیب زنده کننده نام و یاد او می شود نیز بالاتر است. ممکن است سوال شود چگونه بانوشتن تاریخ مؤمنی او زنده می شود؟ پاسخ این است که انسان دارای دو بُعد جسمی و شخصیتی می باشد و ما در اینجا قصد داشتیم نام و شخصیت احمد بن اسحاق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را زنده کنیم تا به آن ثواب بزرگ نائل آییم.

حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام نیز بنا به فرموده قرآن کریم به همین بُعد اشاره دارد و خطاب به پروردگار عالمیان عرضه می دارد: ﴿ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴾<sup>(۱)</sup>.

یعنی مرا بر زبان اقوام آتیه (در بُعد تاریخی و شخصیتی) نیکو و سخنم دلپذیر گردان.

یکی دیگر از اهدافی که نگارنده را بر آن داشت که اقدام به نگارش این نوشتار نماید این بود که جناب احمد بن اسحاق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ یکی از راویان حدیث است و نام او در اسناد روایات فراوانی به چشم می خورد.

اطلاع پیدا کردن از شخصیت او از نظر عدالت و عدم عدالت، ثقه و غیر ثقه بودن، ممدوح و غیر ممدوح بودن و یا مهمل و مجهول بودن و نیز اطلاع از اساتید، شاگردان و معاصران و اینکه او در چه طبقه ای قرار دارد تا

روایات مرسل و مسند مشخص گردد و اموری از این قبیل که قبول حدیث به آن بستگی دارد ما را بر آن داشت که زندگی نامه او را بنویسیم تا تشنگان حقیقت و دانش پژوهان محترم، در قبول احادیث او دیدی روشن تر داشته باشند. و هدفی که نگارنده از جمع آوری احادیثی که جناب احمد بن اسحاق رضی الله عنه راوی آنهاست این بود که حدیث یکی از منابع مهم فهم دین به حساب می آید زیرا خداوند در قرآن کریم می فرماید:

﴿ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴾<sup>(۱)</sup>، «و شما آنچه رسول خدا دستور دهد بپذیرید، و آنچه نهی کند واگذارید، و از خدا بترسید که عِقَابِ خدا بسیار سخت است.»

یکی از چیزهایی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای ما بیان داشته و طبق آیه شریفه‌ای که گذشت واجب است از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اطاعت کنیم، پیروی کردن از قرآن و عترت پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که اگر به آن دو عمل کنیم هرگز گمراه نخواهیم شد<sup>(۲)</sup>. زیرا پس از قرآن، مهمترین راهنمای مسلمین در اصول عقائد و معارف اسلامی و اخلاقیات و احکام فردی و اجتماعی احادیث معصومین علیهم السلام است که همواره مفسر و مبین قرآن کریم بوده و هست.

چرا که قرآن در اغلب آیات به بیان کلیات پرداخته و جزئیات را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین پس از او واگذار نموده است و جز آنان کسی قادر به درک معانی عمیق قرآن نیست ﴿ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴾<sup>(۳)</sup> و

۱- سوره حشر، آیه، ۷.

۲- این تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابدا... مستدرک، ج ۷، ص ۲۵۴.

۳- سوره واقعه، آیه، ۷۹.

مطهر و ن همان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هستند که خداوند در قرآن کریم درباره آنان فرموده است:

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ﴾<sup>(۱)</sup>

از آنچه گفتیم ضرورت شناخت راویان، حفظ - ضبط و حراست از احادیث معصومین علیهم السلام امری است ضروری و مقدس در این باره احادیث فراوانی وجود دارد که ما در اینجا به دو روایت اکتفاء می‌کنیم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

«من حفظ علی امتی اربعین حدیثاً ینتفعون بها بعثه الله یوم القیامة فقیهاً

عالماً» و امام محمد باقر علیه السلام نیز فرموده‌اند:

« و الذی نفسی بیده لحدیث واحد تأخذه عن صادق خیر من الدنیا و ما

حملت من ذهب و فضه» نگارنده خداوند را بسیار شاکر است که این توفیق را عنایت فرمود تا قدمی کوچک در این راه مقدس بردارد.

نگارنده کتاب را در دو بخش تنظیم نموده است:

**بخش اول** شامل شش فصل می‌باشد در فصل اول به معرفی

شخصیت جناب احمد بن اسحاق رضی الله عنه پدر، جد و تبار او پرداخته، در فصل دوم نظر دانشمندان علم رجال را در مورد وی از سده سوم تا چهاردهم هجری ذکر نموده، در فصل سوم اشاره‌ای به جایگاه علمی، اساتید، شاگردان و تألیفات او نموده، در فصل چهارم توضیحی درباره تعداد و

۱- سوره احزاب، آیه ۳۳. «خدا چنین می‌خواهد که رجس هر آلایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند» (آیه موافق اخبار شیعه و اهل سنت راجع به شخص پیغمبر و علی و فاطمه و حسین علیهم السلام است، و اگر راجع به زنان پیغمبر بود بایستی ضمیر مؤنث ذکر شود و به سیاق جمله صدر آیه باشد).

موضوع روایاتی که ایشان روای آن است به همراه ترجمه شماری از آنها را نگاشته، فصل پنجم کتاب را به چگونگی رحلت ایشان اختصاص داده و در فصل ششم توضیحاتی را در باره بارگاه مطهر و لوح مزار ایشان آورده است.

**بخش دوم** کتاب شامل هفت فصل می باشد. فصل اول احادیثی است که احمد بن اسحاق رضی الله عنه با سلسله سند خویش از امام علی رضی الله عنه نقل می کند، فصل دوم روایاتی است که وی از امام صادق رضی الله عنه نقل می کند، فصل سوم روایاتی است که وی از امام کاظم و امام رضا رضی الله عنهما نقل می کند، فصل چهارم روایات امام جواد رضی الله عنه می باشد که احمد بن اسحاق رضی الله عنه راوی آنهاست، فصل پنجم روایاتی است که ایشان از امام هادی رضی الله عنه نقل می کند، فصل ششم روایاتی است که وی از امام حسن عسکری رضی الله عنه نقل می کند و فصل هفتم شامل روایاتی است که ایشان از وجود مقدس امام عصر (عج) بیان می کند و یا اینکه دیگر راویان در رابطه با او و وجود مقدس امام مهدی (عج) بیان کرده اند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از همه کسانی که در چاپ و نشر این اثر حقیر را یاری نموده اند تقدیر و تشکر نمایم که اگر توفیق خداوند و زحمات این عزیزان نبود، این اثر به این زودی به چاپ نمی رسید.

تقدیر و تشکر ویژه می نمایم از حجج اسلام آقایان محمد نجفی دارابی، محمد جعفر احمدی، محمد غفوری، امیر قیطاسیان و همچنین از آقایان مصطفی نجفی دارابی (صفحه آرا) و علی عینی راد (حروف چین) همچنین تقدیر و تشکر می نمایم از مدیر کل محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه، و آقای **صدراله بابلی** ریاست محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان سرپل ذهاب و دبیر اجرایی اولین همایش

بزرگداشت شخصیت جناب احمد بن اسحاق رضی الله عنه که باید بگویم تشویق‌ها و دلگرمی ایشان سبب شد این حقیر با جدیت کار را دنبال نمایم و ایشان لطف کرده در چندین نوبت عکس‌هایی از بارگاه جناب احمد بن اسحاق رضی الله عنه برایم ارسال نمودند که عکس‌هایی که بر روی جلد و داخل کتاب مشاهده می‌کنید از جناب ایشان است.

از خداوند متعال توفیق روزافزون و عاقبت به خیری همه این عزیزان و خدمتگزاران مخلص به اسلام و مسلمین را خواستارم.  
در پایان از همه خوانندگان و صاحب نظران محترم خواهشمند است با راهنمایی خود، نویسنده را در رفع نقایص این کتاب یاری کنند.  
**و ما توفیقی الا بالله، علیه توکلت والیه انیب**

میلاد باسعادت پیامبر اکرم و امام صادق علیه السلام

قم مقدسه

۱۳۸۵/۱/۲۷

۱۷ ربیع الاول ۱۴۲۷ هـ ق

مهدی عبدی و ندرینی

## بخش اوّل

### زندگی نامه

فصل اوّل: مردی از تبار خوبان

فصل دوّم: در منظر دانشمندان

فصل سوّم: بر قلّه دانش

فصل چهارم: راوی نور

فصل پنجم: پرواز به ملکوت

فصل ششم: سر پل ذهاب و بارگاه احمد بن اسحاق رحمته الله



## فصل اوّل

### مردی از تبار خوبان

ابو علی<sup>(۱)</sup> احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک بن احوص<sup>(۲)</sup> اشعری قمی از دانشمندان سده سوم هجری است. او بارها به حضور امامان هم عصرش شرفیاب شد و موذت و ارادت خویش را به پیشگاه مقدّس آنان ابراز داشت. او عالمی زاهد، فقیهی پارسا و محدّثی بزرگ از خاندان معروف اشعری و اهل قم بود، که از دریای دانش امام جواد و امام هادی علیهما السلام دانش آموخت. و از امتیازی ویژه در نزد امام حسن عسکری علیه السلام برخوردار بود تا آنجا که می توان او را محرم اسرار آن امام همام دانست.

هنگامی که وجود مقدّس امام عصر (عج) متولد گردید امام حسن عسکری علیه السلام نامه ای برای احمد نوشت و او را از آن مولود مبارک بشارت

۱- ابو علی، کنیه احمد بن اسحاق رضی الله عنه می باشد.

۲- رجال النجاشی، ص ۹۱، ش ۲۲۵، رجال علامه، ص ۱۵، ش ۸، رجال ابن داود، ص ۳۶، ش ۵۹، نقدالرجال ص ۱۸، ش ۱۲، بهجة الآمال، ج ۲، ص ۱۸، منتهی المقال ج ۱، ص ۲۳۳، ش ۱۱۶، ثقات الرواة، ج ۱، ص ۷۸، ش ۴۴.

داد. در فرازی از نامه آمده است: «أَحْبَبْنَا إِعْلَامَكَ لِإِسْرَافِكَ اللَّهُ بِهِ مِثْلَ مَا سَرَّنا بِهِ»<sup>(۱)</sup>. ای احمد بن اسحاق «دوست داشتم این خبر را به تو بدهم تا به این سبب خداوند تو را خوشحال کند، آنگونه که مرا خوشحال نمود». با وجود انبوه علما و محدثان قم بخصوص دانشمندان خاندان اشعری که احمد خود یکی از آنان به شمار می آید امام حسن عسکری علیه السلام او را به عنوان وکیل خویش انتخاب کرد. پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام احمد مورد توجه و عنایت حضرت مهدی (عج) قرار گرفت و توقیعاتی<sup>(۲)</sup> از طرف آن حضرت برایش صادر گردید.

### تحقیقی در نسب

نجاشی، شیخ طوسی و برخی از دانشمندان رجالی جَدّ اول احمد یعنی «سعد بن مالک بن احوص» را فرزند سائب بن مالک بن عامر اشعری دانسته اند<sup>(۳)</sup>. پس نسب احمد را می توان اینگونه دانست: «احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک بن احوص بن سائب بن مالک بن عامر اشعری» برخی از دانشمندان در کتابهای رجالی و حدیثی خود پس از آوردن نام احمد بن اسحاق علیه السلام به جای نام پدر بزرگ او (عبدالله) به جهت اختصار

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۴۳۳.

۲- پاسخ کتبی امام زمان (عج) به سوالاتی که از ایشان می شد و توسط سفراء به سوال کنندگان تحویل می گردید توقیع نام داشت.

۳- رجال النجاشی، ص ۸۱، ش ۱۹۸، الفهرست للطوسی، ص ۲۵، ش ۶۵، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۹۰، ش ۵۰۸، ثقات الرواة، ج ۱، ص ۱۱۵.

نام پدرش (سعد) را بعد از نام اسحاق ذکر نموده‌اند، برخی به طوری که در صفحه قبل گذشت نسب احمد را ذکر کرده که صحیح نیز همان است و برخی نیز به گونه‌های دیگر و یا ناقص نسب او را ذکر نموده‌اند که تمام آن وجوه را در اینجا متذکر می‌شویم.

۱- احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک الاحوص<sup>(۱)</sup>.

۲- احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن الاحوص<sup>(۲)</sup>.

۳- احمد بن اسحاق بن عبدالله الاشعری القمی<sup>(۳)</sup>.

۴- احمد بن اسحاق بن سعد بن عبدالله الاشعری القمی<sup>(۴)</sup>.

۵- احمد بن اسحاق بن سعد الاشعری القمی<sup>(۵)</sup>.

۶- احمد بن اسحاق القمی<sup>(۶)</sup>.

### پدری دانشمند

هر چند از سال ولادت احمد اطلاع دقیقی در دست نیست اما با توجه به تصریح دانشمندان رجالی احمد در زمان امامت امام جواد علیه السلام (۲۰۳، ۲۲۰ هـ ق) حیات داشته است او در شهر مقدس قم در دامان پدری

۱- جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۱، منهج المقال، ص ۳۱، طرائف المقال، ج ۱، ص ۲۷۵، ش

۱۸۴۵، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۵۰، ش ۲۹۴.

۲- الفهرست للطوسی، ص ۲۶، ش ۶۸.

۳- معالم العلماء، ص ۱۴، ش ۶۹.

۴- رجال البرقی، ص ۵۶.

۵- الرجال للطوسی، ص ۳۹۸، ش ۱۳، و ص ۴۲۷، باب الهمزة، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۳۹۱.

۶- مجمع الرجال، ج ۱، ص ۴۹۵.

فرزانه و دانشمند که اسحاق نام داشت پرورش یافت.

اسحاق از راویان و محدثان بزرگ قم بود که به محضر امام صادق و امام کاظم علیه السلام شرف یاب شده و از محفل الهی شان توشه برچید. دانشمندان علم رجال از او به خوبی یاد کرده و عدالتش را تصریح نموده اند. برقی و شیخ طوسی او را جزء اصحاب امام صادق علیه السلام دانسته اند و نجاشی او را راوی از امام صادق و امام کاظم علیه السلام دانسته و کتابی را برای وی ذکر نموده است<sup>(۱)</sup>.

اسحاق علاوه بر تربیت فرزند دانشمندی همچون احمد از اساتید و مشایخ راویانی چون، سهل بن یسع، زکریا بن آدم، عبدالله بن محمد همدانی، علی بن ابی صالح، علی بن بزرج، محمد بن ابی عمیر، یونس بن یعقوب و احمد بن یزید خزاعی، به حساب می آید<sup>(۲)</sup>.

### پدر بزرگی فرزانه

**عبدالله بن سعد** پدر بزرگ احمد بن اسحاق رضی الله عنه می باشد او و برادرش احوص جزء اولین اشعریانی هستند که از عراق به قم مهاجرت نمودند<sup>(۳)</sup>. نام عبدالله بن سعد در اسناد روایات دیده نمی شود. اما این مرد فرزانه توانست در طول حیات پر برکت خویش فرزندان عاشق و علاقه مند به

۱- رجال البرقی، ص ۲۸، الرجال للطوسی، ص ۱۴۹، ش ۱۴۲، رجال النجاشی، ص ۷۲، ش ۱۴۷.

۲- مجمع الرجال، ج ۱، ص ۱۹۶، جامع الرواة، ج ۱، ص ۸۲، رجال النجاشی، ص ۷۳، الفهرست، ص ۱۶.

۳- در صفحات آینده به علت مهاجرت آنان از عراق به ایران اشاره ای خواهد شد.

اهل بیت علیهم السلام پرورش دهد و آنها را جهت کسب معارف الهی به خدمت حضرات معصومین علیهم السلام گسیل دارد. که بعدها هر یک از فرزندان و فرزندانزادگان او از چهره‌های تابناک جهان تشیع گردیدند در اینجا اشاره‌ای به نام فرزندان عبدالله می‌نماییم.

۱- اسحاق بن عبدالله

۲- آدم بن عبدالله

۳- ادریس بن عبدالله

۴- عامر بن عبدالله

۵- عبدالملک بن عبدالله

۶- عمران بن عبدالله

۷- عیسی بن عبدالله

۸- شعیب بن عبدالله

۹- یسع بن عبدالله

۱۰- یعقوب بن عبدالله

۱۱- موسی بن عبدالله

امام صادق علیه السلام در مورد عمران فرزند عبدالله فرمود: «هذا نجیب قوم النجباء ما نصب لهم جبار الا قصمه الله»<sup>(۱)</sup>، یعنی او نجیبی از خانواده نجباست... همچنین امام صادق علیه السلام در مورد یکی دیگر از فرزندان عبدالله فرمود: «عیسی بن عبد الله هو منّا حیّاً و هو منّا میتاً»<sup>(۲)</sup>.

۱- اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۲۴، ش ۶۰۹، الاختصاص، ص ۶۹.

۲- همان، ش ۶۰۷، الکافی، ج ۲، ص ۷۸، حدیث ۱۰.

این دو سخن امام صادق علیه السلام در مورد عمران و عیسی علیه السلام، پدر آن دو یعنی عبدالله را نیز در برمی گیرد.

### جدّ اول

جدّ اول احمد، «سعد بن مالک» است. او از وجوه و اشراف کوفه بود وی خلافت عثمان را درک نموده و جهت جاری کردن حد بر امیر کوفه ولید بن عتبه که شراب نوشیده بود شهادت داد<sup>(۱)</sup>.

### جدّ چهارم

«سائب بن مالک» جدّ چهارم احمد بن اسحاق می باشد. وی از بزرگان شیعه و از سران اصحاب مختار بن عبیده ثقفی و رئیس شرطه او بود. یک بار نیز در غیاب مختار، جانشین وی در کوفه بود. زمانی که مختار از لشکریان مصعب بن زبیر شکست خورد و به دارالاماره کوفه پناه برد و در آنجا محاصره شد، سائب به همراه جمعی در کنار وی بود. سرانجام سائب و مختار همراه هفده نفر دیگر از قصر بیرون آمدند و به قتل رسیدند<sup>(۲)</sup>. این جریان در چهاردهم رمضان المبارک سال (۶۷ هـ ق)، ۱۸ ماه پس از امارت یافتن مختار روی داد و نقل شده که سائب در جنگ می گفت:

۱- تاریخ قم، ص ۲۹۰ و ۲۹۱.

۲- پیشگامان تشیع، ص ۱۵۵-۱۵۷ با تلخیص، به نقل از الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۲۷۳، اخبار الطوال، ص ۳۵۱ تاریخ قم، ص ۲۹۰.

یا سائب ابن مالک یا اشعری  
حسبی من العترة اولاد النبی  
أشدد علی الدرع کی لا انثنی  
حسبی علی و علی و علی

ای سائب، پسر مالک ای اشعری، زره را بر خودت محکم کن تا به دشمن تمایل پیدا نکنی از خاندان پیامبر فرزندان او مرا بس است.  
مرا علی و علی و علی علیه السلام بس است.

از این جریان آشکار می‌گردد که وی به جهت حبّ اهل بیت علیهم السلام و خون خواهی آنان به قتل رسیده است<sup>(۱)</sup> پس از قتل سائب، حجاج بن یوسف ثقفی (۹۵، ۷۵ هـ ق) بنا به دلایلی باعث قتل محمد بن سائب شد. پس از قتل وی، اشعریان از عراق به ایران آمدند. در تاریخ قم، در این باره به کتاب احفص بن حمید - آزاد کرده سائب - استناد شده و روایات گوناگونی در این زمینه ذکر شده؛ از جمله در روایاتی آمده است: پس از قتل محمد در کوفه، اعلام کردند: «هر کس را که بعد از سه روز از آل سائب بن مالک در کوفه بیابند، خون او هدر باشد، پس فرزندان سائب از کوفه انتقال کردند و رحلت نمودند»<sup>(۲)</sup>.

نویسنده تاریخ قم مهاجرت اشعریان را بنا بر خواست خود آنان روایت کرده، می‌گوید:

«زیرا که دانستند حجاج پس از کشتن محمد بن سائب بر ایشان میل نکنند و اعتماد بر نصیحت و مشورت اینان ننماید؛ بلکه ایشان را بکشد. پس آمدن

۱- پیشگامان تشیع، ص ۱۵۵-۱۵۷ با تلخیص، به نقل از الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۲۷۳، اخبار الطوال، ص ۳۵۱ تاریخ قم، ص ۲۹۰.

۲- همان.

به پنهانی، چنان چه حجاج را از بیرون آمدن ایشان خبر نبود»<sup>(۱)</sup>.

مؤلف تاریخ قم، نظریات مختلف درباره علت مهاجرت اشعریان را ذکر می کند و این نظر را درست می داند و می گوید: «من این روایات را به تمامی در این کتاب یاد کردم.... و به نزد من روایت اخیره درست تر است؛ زیرا که آمدن قوم عرب بدین ناحیت بدین روایت و تاریخ والی شدن حجاج بر عراق موافق و مساوی است». پیشتر گفتیم که عبدالله و احوص فرزندان سعد بن مالک، اولین افراد از خاندان اشعری بودند که از کوفه به قم مهاجرت نمودند. اما سال دقیق حرکت آنان از عراق معلوم نیست. برخی سال ۸۳ (ه ق) را زمان شهر شدن قم از سوی اشعریان ذکر می نمایند، که لازمه حرکت اشعریان از عراق به سوی ایران، در همان سال یا کمی پیش از آن می باشد.

محمد بن حسن قمی، مؤلف (تاریخ قم) که کتابش منبع اصلی تاریخ این خاندان است، زمان رسیدن اشعریان به قم را «نوروز سال ۸۲ از پادشاه شدن یزدگرد» مطابق سال ۹۴ (ه ق) می داند و می گوید: و من که مصنف این کتابم چنین می گویم که آمدن عرب در این وقت که ذکر شد صحیح است و در آن هیچ شکی نیست.

بنابر قول اول ۸۳ (ه ق) حرکت اشعریان از عراق به سوی ایران در زمان خلافت عبدالملک (بن مروان) و بنابر قول دوم ۹۴ (ه ق) در زمان ولید بن عبدالملک رخ داده است<sup>(۲)</sup>.

۱- پیشگامان تشیع، ص ۱۵۵-۱۵۷ با تلخیص.

۲- همان.



## جد پنجم

«مالک بن عامر بن هانی بن خفاف اشعری» جد پنجم احمد بن اسحاق می باشد. وی از اصحاب حضرت رسول اکرم ﷺ بود. وی پدر سائب بن مالک و جد بسیاری از اشعریان قم است. مالک اولین مسلمان اشعری است، او پیش از هجرت اشعریان، خدمت پیامبر ﷺ رسیده و اسلام آورده و پس از آن همراه با عده‌ای در سال هفتم هجری برای مرتبه دوم، به محضر آن حضرت شرفیاب شده است.

در این رابطه در تاریخ قم آمده: «و مالک بن عامر الاشعری از دیگر مهاجران سبقت گرفت، به صحبت رسول الله ﷺ سبب آن که نشانه اسلام و ایمان در دل او پدید آمده بود و از صحبت رسول ﷺ بازگردید و دیگر باره در صحبت مهاجران دیگر به مکه رفت و چنان چه او را ثواب دو هجرت حاصل شد»<sup>(۱)</sup>.

مالک جریان زندگی خود را در قصیده‌ای شرح داده و در مورد اسلام آوردنش سروده است:

اتیت النبی فبا یعتہ علی ما به، غیر متنکر<sup>(۲)</sup>

«نزد پیامبر ﷺ رفتم و بر آن چه او بر آن بود، با او بیعت نمودم؛ در حالی که این امر برایم قبیح نمی نمود».

با راهنماییهای مالک، دیگر بستگان او اسلام آورده، با پیامبر ﷺ

۱- پیشگامان تشیع، ص ۲۱۸ و ۲۱۹، به نقل از تاریخ قم، ص ۲۷۸، الاصابة، ج ۳، ص ۳۴۶، ش ۷۶۴۰، اسد الغابة، ج ۴، ص ۲۸۲.

۲- همان.

بیعت نمودند، مالک در جنگها یاور پیامبر ﷺ بود و همراه او با دشمنان اسلام نبرد می کرد در یکی از جنگها هنگامی که مالک بن عامر غنیمتی را به دست آورده بود، رسول گرامی از وی خواست تا مقداری از آن غنیمت را برای مصرف در راه خدا قرار دهد، مالک نیز پذیرفت و یک پنجم آن را بدان منظور کنار نهاد، پس از این واقعه خداوند به شیوه تقسیم مالک رضایت داده و آیه خمس<sup>(۱)</sup> بر پیامبر اکرم ﷺ نازل گردید<sup>(۲)</sup>.

### جدّ اعلا

بنابر نظر بسیاری از علمای انساب و تراجم مانند ابن کلبی، ابن ماکولا، ابن حزم، ابن اثیر، ابن سعد، بلاذری و سیوطی، اشعریون منسوب به «نبت بن ادد» هستند. سمعانی از ابن کلبی نقل می نماید، «انما سمي نبت بن ادد.... الأشعر لأن أمه ولدته و هو اشعر و الشعر على كل شيء منه».

جوهری می گوید: «اشعر» یعنی کسی که بدنش پر مو است. «رجل اشعر» یعنی «کثیر شعر الجسد». نیای خاندان اشعری «نبت بن ادد» پر مو زاده شد، بدین سبب وی را «اشعر» نامیدند<sup>(۳)</sup>. اشعریان همواره مورد توجه پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت او علیهم السلام بودند. پیامبر ﷺ به مناسبتی برای آنان دعا کرده فرمود: «اللهم اغفر للأشعريين صغيرهم و كبيرهم»<sup>(۴)</sup>.

۱- سورة انفال، آیه، ۴۱.

۲- ستارگان حرم، ج ۱، ص ۱۰، نحوی، سیدسیف الله، بالندکی تصرف.

۳- پیشگامان تشیع، ص ۱۱ و ۱۴ و ۱۵.

۴- بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۰.

یعنی خدایا کوچک و بزرگ اشعریان را مورد رحمت خود قرار ده. و امام صادق علیه السلام در مورد عمران بن عبدالله رضی الله عنه فرمود: او نجیبی از خاندان نجیبان است<sup>(۱)</sup>. و امام رضا علیه السلام در مورد زکریا بن آدم بن عبدالله رضی الله عنه که قصد داشت از قم مهاجرت کند فرمود: «لا تفعل فان هذا اهل بیتک يدفع عنهم بک كما يدفع عن اهل بغداد بابی الحسن الکاظم علیه السلام»<sup>(۲)</sup>. یعنی ای زکریا بن آدم این کار را انجام مده و از قم مهاجرت ننما، (زیرا خداوند) بواسطه وجود تو بلا و عذاب را از خاندان تو (اهل قم) دفع می کند چنان چه به وجود پدرم امام کاظم علیه السلام شر و بلا را از اهل بغداد دور ساخته است.

و پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم در بجایی دیگر برای آنان دعا کرده فرمود: «اللهم کثر عدده و ولده»<sup>(۳)</sup>، یعنی خداوندا (فرزندان اشعریان) را افزایش ده. به یمن دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تعداد اشعریان افزایش یافت و در سرزمینهای اسلامی سکنی گزیدند. از افتخارات بزرگ اشعریان همین بس که بسیاری از آنان جزء اصحاب ائمه علیهم السلام و راوی احادیث آنان قرار گرفتند.

۱- اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۶۲۴، ش ۶۰۹.

۲- رجال الکشی ص ۵۹۴، حدیث ۱۱۱۱، الرجال ابن داود، ص ۱۵۸.

۳- تاریخ قم، ص ۲۶۸.

## فصل دوّم

در منظر دانشمندان

قرن سوّم، چهارم و پنجم هجری قمری

۱- احمد بن محمد بن خالد برقی<sup>(۱)</sup> (متوفای ۲۷۴ یا ۲۸۰ هـ ق).

۲- محمد بن عمر بن عبدالعزیز (معروف به شیخ کشی) (متوفای

۲۹۶ یا ۳۴۰ هـ ق).

۳- شیخ ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس (معروف به

نجاشی) (متوفی ۴۵۰ هـ ق).

۴- شیخ محمد بن حسن طوسی (معروف به شیخ الطائفه) (متوفای

۴۶۰ هـ ق).

برقی احمد بن اسحاق را در زمره اصحاب امام جواد، امام هادی و

امام حسن عسکری علیهم السلام دانسته، در اصحاب امام جواد علیه السلام از او به عنوان

---

۱- حضرت آیت الله شیخ جعفر سبحانی، کتاب رجال برقی را تألیف نوه احمد بن محمد بن

خالد برقی یعنی احمد بن عبدالله بن احمد برقی می داند که شیخ صدوق از او روایت نقل

می کند، ترجمه کلیات علم الرجال، علی اکبر روحی، مسلم قلی پور گیلانی، ص ۶۸.

احمد بن اسحاق بن سعد الاشعری القمی و در اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام از کنیه او نیز یاد کرده ولی در اصحاب امام هادی علیه السلام به عنوان «احمد بن اسحاق» اکتفا نموده است<sup>(۱)</sup>.

**شیخ کشی** چند روایت در جلالت قدر او آورده من جمله روایت می نماید از محمد بن علی بن قاسم قمی از احمد بن حسین قمی که محمد بن احمد بن صلت قمی، نامه ای برای امام [عصر (عج)] نوشت و قصه احمد بن اسحاق قمی و نیاز او به هزار دینار برای انجام مراسم حج را یادآوری نمود و معروض داشت اگر سرورم صلاح بداند، دستور فرماید این مبلغ را به او قرض دهم تا پس از بازگشت به شهر خویش آن مبلغ را باز گرداند.

امام علیه السلام در جواب نامه این توفیق رافرستاد: «هی له مناصلة، وإذا رجع فله عندنا سواها».

این از طرف من به ایشان بخشایشی است و چون او از سفر بازگشت، غیر از آن مبلغ نیز نزد ما چیزی دارد. سپس می گوید: و حال احمد بن اسحاق به خاطر کسالتی که داشت به گونه ای بود که حتی امید آن نداشت به کوفه برسد. (وفی هذه من الدلالة)<sup>(۲)</sup> و این خبر به ما نشان می دهد که وجود مقدس امام علیه السلام می دانسته که احمد به سلامت به انجام این سفر موفق می گردد.

باز شیخ کشی با چند واسطه از ابی محمد رازی نقل می کند: من و

۱- رجال البرقی، ص ۵۹ و ۶۰.

۲- اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ج ۲، ص ۸۲۱، ش ۱۰۵۱.

احمد بن ابی عبدالله برقی در «عسکر»<sup>(۱)</sup> بودیم که فرستاده‌ای از طرف آن «مرد»<sup>(۲)</sup> به نزد ما آمد و گفت: «غائب علیل»<sup>(۳)</sup>، و ایوب بن نوح و ابراهیم بن محمد همدانی، و احمد بن حمزه و احمد بن اسحاق ثقاتٌ جمیاً»<sup>(۴)</sup>، یعنی امام علیؑ این افراد را مورد اطمینان می‌داند.

باز شیخ کشتی نقل می‌نماید که: «احمد بن اسحاق نامه‌ای برای امام [عصر (عج)] نوشت و اجازه خواست که به سفر حج برود. حضرت نیز به وی اجازه داد و پارچه‌ای هم برای او فرستاد، احمد بن اسحاق چون پارچه (کفن) را دید گفت: سرورم، خبر وفات مراداده است و هنگام بازگشت از سفر حج در خلوان (سرپل ذهاب) درگذشت».

آنگاه شیخ کشتی می‌افزاید: «احمد بن اسحاق بن سعدالقمی عاش بعد وفات ابی محمد علیؑ»<sup>(۵)</sup> و آیت بهذا الخبر لیکون اصح لصلاحه و ما ختم له به»<sup>(۶)</sup>. یعنی احمد بن اسحاق بعد از شهادت امام حسن عسکری علیؑ مدتی در قید حیات بود و من این خبر را آوردم تا بدانید او در حالی که نیک بخت بود در عاقبت به خیری چشم از جهان فرو بست.

۱- عسکر در لغت به معنای لشکر است و نام محله‌ای از شهر سامرا بوده که محل تجمع سپاهیان متوکل عباسی که امام حسن علیؑ در آنجا تحت مراقبت آنان بوده لذا به او عسکری می‌گفته‌اند.

۲- در بیان شیعیان آن زمان چنین مرسوم بوده که بخاطر «تقیه» نام امام عصر (عج) را نمی‌بردند و به کنایه از ایشان یاد می‌کردند.

۳- منظور از غائب علیل، علی بن جعفر یمانی یا یمنی است که گویا بیمار و علیل بوده است، منتهی المقال، ص ۲۶.

۴- اختیار معرفة الرجال (رجال کشتی) ج ۲، ص ۸۲۱، ش ۱۰۵۳.

۵- منظور از ابی محمد علیؑ امام حسن عسکری علیؑ است.

۶- اختیار معرفة الرجال (رجال کشتی)، ش ۱۰۵۲.

شیخ ابوالعباس نجاشی نیز نام او را در زمره اصحاب هرسه امام آورده و او را «وافد القمیین»<sup>(۱)</sup> دانسته است<sup>(۲)</sup>.

شیخ الطائفه طوسی در کتاب رجالش او را جزء اصحاب امام جواد و امام حسن عسکری علیه السلام دانسته ولی او را در شمار اصحاب امام هادی علیه السلام ذکر نکرده از طرف دیگر احمد بن اسحاق رازی را از اصحاب امام هادی علیه السلام دانسته است<sup>(۳)</sup>. شیخ در کتاب دیگرش «الفهرست» می نویسد: احمد بن اسحاق... ابوعلی کبیر القدر وکان من خواص ابی محمد علیه السلام و رأی صاحب الزمان (عج) و هو شیخ القمیین و وافدهم و له کتب... و مسائل الرجال لأبی الحسن الثالث علیه السلام<sup>(۴)</sup>.

یعنی احمد بن اسحاق از یاران خاص امام حسن عسکری علیه السلام بوده و امام عصر (عج) را دیده است و تألیفاتی داشته که یکی از آنها «مسائل الرجال» از امام هادی علیه السلام است. با توجه به اینکه شیخ طوسی در کتاب فهرستش (مسائل الرجال، امام هادی علیه السلام) را تألیف احمد بن اسحاق قمی دانسته و در کتاب رجالش احمد بن اسحاق رازی را جزء اصحاب امام هادی علیه السلام ذکر کرده نه احمد بن اسحاق قمی را می توان فهمید که به احمد بن اسحاق قمی، رازی هم گفته می شده چون برقی نیز در کتاب رجالش در

۱- این عبارت به این معنی است که او از جانب علماء و مردم قم به محضر مبارک معصومین علیهم السلام سفر می نموده و مسائل شرعی مورد نیاز جامعه را از ائمه علیهم السلام سوال و پاسخ آن را دریافت می نموده و مقام سفارت و نمایندگی و سرپرستی علمای قم را داشته است.

۲- رجال النجاشی، ص ۹۱، ش ۲۲۵.

۳- الرجال للطوسی، ص ۳۹۸، ش ۱۳، ص ۴۲۷، ش ۱ (باب الهمزه)، ص ۴۱۰، ش ۱۰.

۴- الفهرست للطوسی، ص ۲۶، ش ۶۸، (منظور از ابوالحسن ثالث، امام هادی علیه السلام می باشد).

اصحاب امام هادی علیه السلام فقط از یک احمد بن اسحاق نام برده است البته مرحوم شوشتری در قاموس الرجال می نویسد: «اشتهاره بالرازی بعید؛ وان أمکن رفع المناقاة بین القمّی والرازی بکون احدهما موطناً والآخر مسکناً». او به رازی مشهور نیست اگر چه می توان به این مسئله که یکی از این دو شهر «قم و یاری» موطن وی و دیگری مسکن او بوده اشکال را رفع نمود<sup>(۱)</sup>. علاوه بر مرحوم شوشتری که احتمال داده احمد بن اسحاق قمی و احمد بن اسحاق رازی، یک نفر بیشتر نباشد برخی دیگر از علماء همچون میرزا محمد استرآبادی<sup>(۲)</sup>، محمد بن علی اردبیلی<sup>(۳)</sup>، ابو علی حائری<sup>(۴)</sup> و... نیز همین احتمال را داده اند. و این احتمال هم می رود که کلمه رازی بعد از نام احمد بن اسحاق علیه السلام در کتاب رجال طوسی تصحیف قمی باشد.

شیخ طوسی در کتاب دیگرش «الغیبة» می نویسد: «قَدْ كَانَ فِي زَمَانِ السُّفَرَاءِ الْمَحْمُودِينَ (المدوحين) اقوامٌ ثِقَاءٌ تَرَدُّ عَلَيْهِمُ التَّوْقِيعَاتُ مِنْ قِبَلِ الْمَنْصُوبِينَ لِلسُّفْرَةِ مِنَ الْأَصْلِ وَ مِنْهُمْ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ...»<sup>(۵)</sup>.

یعنی در زمان سفرای امام زمان (عج)، افراد مورد اطمینانی وجود داشتند که همواره توقیعاتی مبنی بر ثقه بودن آنان از طریق این سفرا (و از جانب ولی عصر (عج)) برای آنها صادر می گردید که از جمله آنها، احمد بن اسحاق است.

۱- قاموس الرجال، ج ۱، ص ۳۹۷، ش ۲۹۱.

۲- منهج المقال، ص ۳۱.

۳- جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۱.

۴- منتهی المقال، ج ۱، ص ۲۳۲.

۵- الغیبة للشیخ للطوسی، ص ۲۵۸.



## در منظر دانشمندان قرن ششم و هشتم هجری

- ۱- محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی،  
معروف به ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ هـ ق).
- ۲- تقی الدین حسن بن علی بن داوود حلّی،  
معروف به ابن داوود (متوفای بعد از سال ۷۰۷ هـ ق).
- ۳- حسن بن یوسف بن مطهر  
معروف به علامه حلّی (متوفای ۷۲۶ هـ ق).

**ابن شهر آشوب** می گوید او از یاران خاص امام حسن عسکری علیه السلام بوده و امام زمان (عج) را ملاقات نموده است<sup>(۱)</sup>.

**ابن داوود** نیز او را ثقه و در زمره اصحاب هر سه امام دانسته و می گوید او امام زمان (عج) را دیده است<sup>(۲)</sup>.

**علامه حلّی** نیز او را ثقه و وافد قمیین دانسته و می گوید:

او از امام جواد و امام هادی علیهما السلام روایت نقل می کند و از یاران خاص امام حسن عسکری علیه السلام و شیخ قمیین (بزرگ قمی ها) بوده و امام زمان (عج) را دیده است<sup>(۳)</sup>.

۱- معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و اسماء المصنفین منهم، ص ۱۴، ش ۶۹.

۲- الرّجال ابن داوود، ص ۳۶، ش ۵۹.

۳- خلاصة الاقوال فی علم الرّجال، (معروف به رجال علامه)، ص ۱۵، ش ۸.

## در منظر دانشمندان

### قرن یازدهم و دوازدهم هجری

- ۱- زکّی الدّین عناية الله قهپائی (متوفای ۱۰۱۹ هـ ق)
  - ۲- میرزا محمد بن علی بن ابراهیم استرآبادی (متوفای ۱۰۲۸ هـ ق)
  - ۳- سید مصطفی تفرشی (متوفای ۱۰۴۴ هـ ق)
  - ۴- محمد بن علی اردبیلی (متوفای ۱۱۰۱ هـ ق)
- مرحوم ملا عناية الله قهپائی**، ابتدا احادیثی را که شیخ کشّی در مورد احمد بن اسحاق آورده را ذکر کرده و سپس سخنان ابن داوود، طوسی در فهرست و نجاشی را در مورد احمد آورده و بعد می نویسد:
- «وسیدکر انشاء الله تعالی فی احمد بن هلال العبرتائی، بعنوان الاسحاقی»<sup>(۱)</sup>.

منظور مرحوم قهپائی این است که در آنجا شما به جلالت قدر احمد بن اسحاق و خاندان او پی می برید.

البته مرحوم شوشتری می گوید دلیلی نداریم که به احمد بن اسحاق، (اسحاقی) بگویند. «فلم یقم دلیل علی أنّه یقال له الاسحاقی»<sup>(۲)</sup>.  
مرحوم اردبیلی نیز می گوید:

«الظاهر ان هذه اشتباه بمحمد بن اسحاق کما فی الکافی»<sup>(۳)</sup>.

۱- مجمع الرجال، ج ۱، ص ۹۵ و ۹۶.  
۲- قاموس الرّجال، ج ۱، ص ۳۹۷، ش ۲۹۱.  
۳- جامع الرواة، ج ۱، پاورقی ص ۴۲.

**مرحوم استرآبادی**، احمد بن اسحاق را ثقۀ و وافد قمیین دانسته ، می گوید: او از امام جواد و هادی علیهما السلام روایت نقل می کند و از اصحاب خاص امام حسن عسکری علیه السلام و بزرگ مردم قم بوده و امام زمان (عج) را دیده است و بعد از آن سخنان نجاشی، کشی و طوسی در الغیبة را نقل کرده و سپس از ربیعة الشیعة ابن طاووس نقل می کند.

«انه من الوكلاء و انه من السفراء و الابواب المعروفین الذین لا تختلف الشیعة القائلون بامامة الحسن بن علی علیه السلام فیهم»<sup>(۱)</sup>.

یعنی احمد بن اسحاق از وکلای «امام زمان (عج)» و سفیران معروف آن حضرت (در غیبت صغری) بوده، که شیعیان قائل به امامت امام حسن عسکری علیه السلام تردیدی درباره (آن وکلاء) نداشتند.

**مرحوم سید مصطفی تفرشی** نیز به اجمال از او نام برده او را ثقۀ دانسته و می گوید سعد بن عبدالله از او روایت نقل می کند<sup>(۲)</sup>.

**مرحوم اردبیلی** نیز به نقل از علامۀ حلّی، طوسی، نجاشی، کشی و ابن طاووس اجمالی از شرح حال احمد را آورده و سپس می گوید:

«ما يدلّ علی نهاية جلاله احمد بن اسحاق رضی الله عنه»<sup>(۳)</sup>.

---

۱- منهج المقال، ص ۳۱ و ۳۲، رجوع شود به اعلام الوری ج ۱، ص ۴۴۴، آنجا که می گوید: «فانظر کیف قد حصلت الغیبتان لصاحب الأمر علی حسب ما تضمنت الأخبار السابقة لوجوده عن آبائه وجدوده. أما غیبة الصغری منها فهي التي كانت فیها موجودین و أبوابه معروفین لا تختلف الأمامیة القائلون بامامة الحسن بن علی فیهم ابوهاشم داود بن القاسم الجعفری و محمد بن علی بن بلال و عثمان بن سعید و...».

۲- تقد الرجال، ص ۱۷ و ۱۸، ش ۱۲.

۳- جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۲ و ۴۳.

## در منظر دانشمندان

### قرن سیزدهم و چهاردهم هجری

- ۱- شیخ محمد بن اسماعیل مازندرانی (معروف به ابو علی حائری) (متوفای ۱۲۱۵ یا ۱۲۱۶ ه.ق).
  - ۲- حاج سید علی اصغر بن علامه سید محمد شفیع جاپلقی بروجردی (متوفای ۱۳۱۳ ه.ق).
  - ۳- حاج میرزا حسین طبرسی نوری (معروف به محدث نوری) (متوفای ۱۳۲۰ ه.ق)
  - ۴- علامه شیخ علی بن عبدالله محمد بن محب الله بن محمد جعفر علیاری تبریزی (متوفای ۱۳۲۷ ه.ق)
  - ۵- علامه شیخ عبدالله مامقانی (متوفای ۱۳۵۱ ه.ق)
  - ۶- شیخ عباس قمی (متوفای ۱۳۵۹ ه.ق)
  - ۷- مرجع فقید حاج سید ابوالقاسم خوئی (متوفای ۱۴۱۴ ه.ق)
  - ۸- علامه شیخ محمد تقی شوشتری (متوفای ۱۴۱۶ ه.ق)
- مرحوم ابو علی حائری به نقل از علامه حلی، نجاشی، طوسی، ابن طاووس و کشی شرح حال احمد را آورده و می نویسد:
- ملا محمد امین کاظمی در «مشرکات» گفته است: «احمد بن اسحاق بن سعد» که سعد بن عبدالله و محمد بن حسن صفار و حسن (حسین) بن محمد و علی بن ابراهیم و محمد بن یحیی عطار از او روایت نقل می کنند و

«احمد بن اسحاق بن عبدالله» که سعد بن عبدالله و عباس بن معروف، از او روایت نقل می‌کنند دو نفر هستند با امکان این احتمال که یک نفر باشند<sup>(۱)</sup>.

### مرحوم حاج سید علی اصغر فرزند علامه سید محمد شفیع

بروجردی نیز در طرائف المقال احمد را از اصحاب امامان همام جواد، هادی و عسکری علیهم السلام دانسته و می‌نویسد: او امام زمان (عج) را دیده است و سپس می‌افزاید: «و جلالته و وثاقته ظاهرة»<sup>(۲)</sup>.

### محدث نوری علیه السلام نیز در باره او می‌گوید: احمد بن اسحاق اشعری از

بزرگان اصحاب ائمه علیهم السلام و صاحب مراتب عالیه در نزد ایشان و از وکلای معروفین بود و کیفیت وفات او به نحو دیگر نیز ذکر شده... و حضرت... کافور خادم را برای او فرستاد در حلوان و غسل و کفن او به دست کافور یا مانند او شد بی اطلاع کسانی که با او بودند. و حلوان همین زهاب معروف است که در راه کرمانشاهان است به بغداد و قبر آن معظم در نزدیک رودخانه آن قریه است به فاصله تقریباً هزار قدم از طرف جنوب و بر آن قبر بنای محقری است... و قبرش را مزار معتبری باید قرار داد که از برکت صاحب قبر و به توسط او به فیضهای الهیه برسند<sup>(۳)</sup>.

### مرحوم علیاری نیز پس از آوردن اجمالی از شرح حال احمد بن

اسحاق علیه السلام سخنان دانشمندان اقدم رجال مانند علامه حلی، نجاشی، ابن

۱- منتهی المقال، ج ۱، ص ۲۳۱ و ۲۳۳، هداية المحدثین، ص ۱۶۹.

۲- طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، ج ۱، ص ۲۷۵ و ۲۷۶، ش ۱۸۴۵.

۳- نجم الثاقب، باب ششم، ص ۳۵۵ و ۳۵۶.

شهر آشوب، کشی، شهید ثانی، ابن داوود، علامه مجلسی و ملا محمد امین کاظمی را در مورد او آورده و بعد می نویسد:

« احمد بن اسحاق رضی الله عنه وافد القمیین، معناه الذی يأخذ العلم من الامام عليه السلام من قبل القمیین»<sup>(۱)</sup>.

**علامه مامقانی** نیز شرح حالی از احمد بن اسحاق رضی الله عنه را به نقل از نجاشی، طوسی، علامه حلی، شیخ حر عاملی، ابن طاووس، کشی و ملا محمد امین کاظمی آورده و می نویسد:

احمد بن اسحاق رضی الله عنه ثقّه می باشید و اینکه کشی در آن چند روایتی که در مورد جلالت احمد بن اسحاق رضی الله عنه آورده می توان جزم پیدا کرد که منظورش احمد بن اسحاق قمی است نه احمد بن اسحاق رازی<sup>(۲)</sup>.

**مرحوم شیخ عباس قمی رضی الله عنه** مولف گرانقدر مفاتیح الجنان، در مورد احمد اینگونه می نویسد: شیخ اجل ابو علی احمد بن اسحاق ... ثقّه رفیع القدر از اجلاء اهل قم است و خانواده و خویشان او از اصحاب ائمه عليهم السلام و از محدّثین کبارند<sup>(۳)</sup>.

مرجع فقید **مرحوم حضرت آیت الله العظمی خوئی** نیز شرح حال مفصل احمد بن اسحاق را به نقل از منابع پیشین آورده می نویسد:

« وقع بهذا العنوان، فی اسناد عدّة من الرویات، تبلغ سبعة وستین

۱- بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، ج ۲، ص ۱۸-۲۱.

۲- تنقیح المقال، ج ۱، ص ۵۰، ش ۲۹۴.

۳- منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۳۷.

مورداً». و سپس موارد روایات او را از ائمه اطهار علیهم السلام در کتاب‌های کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار آورده و بعد از آن نام تعدادی از مشایخ و راویان احمد را ذکر می‌کند و احتمال اتحاد احمد بن اسحاق قمی را با «احمد بن اسحاق ابهری» داده است و می‌گوید: احتمال دارد «ابهری» تصحیف اشعری باشد در غیر این صورت وی شخصی مجهول الحال است و سپس می‌گوید: علاوه بر روایاتی که شیخ کشی نقل کرده که احمد بن اسحاق بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در قید حیات بوده چند روایت دیگر نیز دلالت بر این امر دارد و سپس آن روایات را می‌آورد<sup>(۱)</sup>.

انشاءالله این روایات را در فصل پنجم همین نوشتار ملاحظه خواهید

کرد.

**علامه محمد تقی شوشتری** نیز در قاموس الرجال شرح حالی از

احمد را به نقل از کتابهای پیشین همچون رجال و فهرست طوسی، رجال کشی، رجال نجاشی و برقی آورده و به پاره‌ای از تحریفات که در تنقیح المقال علامه مامقانی رخ داده اشاره می‌نماید.

و در پایان می‌نویسد: در بزرگی و جلالت احمد همین بس که

امام عصر (عج) او را توثیق نموده، چنانکه از خبر شیخ کشی و غیبت شیخ طوسی دانستید و پارچه کفنی که امام علیه السلام برای او فرستاد و نامه‌ای که امام حسن عسکری علیه السلام برای او نوشت و او را از تولد فرزندش حضرت مهدی (عج) آگاه کرد تا او نیز خوشحال شود.

۱- معجم الرجال الحدیث، ج ۲، ص ۴۳-۵۰، ش ۴۲۸-۴۳۳.

«و يكفى هذا جلالاً، توثيق الحجّة ﷺ له، كما عرفت من خبري الكشّي و الغيبة وبعثه ﷺ ثوباً لكفنه... و كتابته ﷺ اليه يعلمه بميلاد القائم ﷺ ليسرّ، كما سرّ»<sup>(١)</sup>.



## فصل سوّم

### بر قلّة دانش

احمد جهت کسب معارف الهی بارها به پیشگاه چهار پیشوای معصوم هم عصرش سفر نمود و از انوار الهی ایشان توشه برچید علاوه بر آن با دیگر اصحاب ائمه علیهم السلام نیز همدم بود و از محفل علمیشان بهره می جست از سوی دیگر گروهی از افراد جهت کسب علوم اهل بیت علیهم السلام به حضورش شتافتند که از خرمن وجودش دانش بیاموزند او نیز از باب اینکه زکات علم نشر آن است آموخته‌های خویش را در اختیار آنان قرار داد که در این فصل مشایخ و راویان او یا به تعبیری اساتید و شاگردان او را برشمرده به جایگاه علمی و تألیفات او اشاره‌ای می‌نماییم.

### مشایخ

۱- بکر بن محمد ازدی ابن عبد الرحمن بن نعیم الازدی الغامدی

(ابو محمد)

- ۲- حسن بن عباس بن حریش (جریش) رازی
- ۳- داود بن قاسم (ابی هاشم جعفری)
- ۴- زکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد اشعری قمی
- ۵- زکریا بن محمد (ابو عبدالله زکریا بن محمد ازدی، معروف به مؤمن).
- ۶- سعدان بن (عبدالرحمن) بن مسلم (ابو الحسن عامری)
- ۷- عبد الله بن میمون بن اسود قداح مکی
- ۸- قاسم بن یحیی بن حسن بن راشد (راشدی)
- ۹- هاشم حناط
- ۱۰- یاسر خادم (خادم امام رضا علیه السلام مولی حمزة بن یسع اشعری)

## راویان

- ۱- ابی سعید مراغی
- ۲- احمد بن ادريس بن احمد (ابو علی اشعری قمی).
- ۳- احمد بن محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک اشعری قمی (ابا جعفر).
- ۴- احمد بن علی (بن ابراهیم).
- ۵- حسین بن محمد بن عامر بن عمران اشعری قمی (ابو عبدالله).
- ۶- سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی (ابو القاسم).
- ۷- سهل بن زیاد آدمی (ابو سعید رازی).
- ۸- عبدالله بن جعفر حمیری، ابن حسین بن مالک بن جامع حمیری

قمی (ابو العباس).

۹- عبدالله بن عامر بن عمران اشعری

۱۰- علی بن ابراهیم

۱۱- علی بن احمد رازی

۱۲- علی بن سلیمان زُراری

۱۳- علی بن مهزیار

۱۴- محمد بن ابی علاء همدانی واسطی

۱۵- محمد بن جعفر بن بَطَّة

۱۶- محمد بن حسن بن فروخ صفار (ابوالاعرج)

۱۷- محمد بن عبدالجبار (ابی صهبان قمی)

۱۸- محمد بن یحیی (ممکن است او ابو جعفر محمد بن یحیی عطار

قمی باشد)

۱۹- یحیی بن محمد بن جریح بغدادی

### جایگاه علمی

احمد علاوه بر اینکه فقیه و محدثی بزرگ بود بر دیگر دانش‌های عصر خویش نیز آگاه بود چنانکه برخی از دانشمندان از مناطق دور و نزدیک به محفل او حاضر شده و مشکلات علمیشان را از او سوال می نمودند. آن چنانکه در یکی از روایات آمده است دو تن از دانشمندان به نامهای محمد بن ابی علاء همدانی واسطی و یحیی بن محمد بن جریح

ستاره سرپل ذهاب.....

بغدادی می گویند :

در بحثی که بایکدیگر داشتیم بر یک مبدأ تاریخی اختلاف نظر پیدا نمودیم و هیچ کدام نتوانستیم دیگری را متقاعد سازیم، لذا برای یافتن پاسخ مناسب بایکدیگر قرار گذاشتیم به نزد **احمد بن اسحاق قمی** که از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام در شهر قم بود برویم. این دو سپس به قم آمده و به نزد احمد می روند... (۱)

یکی دیگر از محدثان و دانشمندان بزرگ شیعه به نام سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری که بیش از ۳۶ جلد کتاب تألیف نموده و یکی از شاگردان احمد بن اسحاق علیه السلام به شمار می آید گوید :

بین من و یکی از دانشمندان ناصبی مناظره‌ای صورت گرفت من جوابهایی به آن شخص دادم ولی مقبول او نشد. با تزویر خود را از دست آن (ناصری) رهانیدم ولی از خشم اندرونم پر شده و از غصه نزدیک بود جگرم پاره پاره شود، و من پیش از آن طوماری تهیه کرده بودم و در آن چهل و چند مسأله دشوار را نوشته بودم که پاسخگویی برای آنها نیافته بودم و می خواستم از عالم شهر خود **احمد بن اسحاق** که مصاحب مولایمان امام حسن عسکری علیه السلام بود پرسش کنم (۲).

۱- بحار الانوار، ج ۳۱، ص ۱۲۰ و ۱۲۷، ج ۹۵، ص ۳۵۱ و ۳۵۴، باب ۱۳، مراجعه شود به حدیث ۱۰۵، همین نوشتار حدیث فضیلت روز نهم ربیع الاول.

۲- کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۵۴، «وَأَثَبْتُ فِيهِ نَيْفًا وَأَرْبَعِينَ مَسْأَلَةً مِنْ صِبْغِ الْمَسَائِلِ لَمْ أَجِدْ لَهَا مُجِيبًا عَلَيَّ أَنْ أَسْأَلَ عَنْهَا خَيْرَ أَهْلِ بَلَدِي أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ صَاحِبَ مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ علیه السلام».

## تألیفات

احمد به علت مسولیت‌های ناشی از سفارت پیشوایان معصوم خصوصاً وکالت داشتن از سوی امام حسن عسکری علیه السلام که وظایف او را قدری سنگین تر می نمود همچون دستگیری از مستمندان، دلجوئی از فقراء، پاسخگویی به سوالات مراجعه کنندگان و دیگر فعالیت‌های فرهنگی سیاسی اجتماعی از پای ننشسته دست به قلم برده و آنچه را که از حضور پرفیض ائمه اطهار علیهم السلام و دیگر اساتیدش فرا گرفته بود را به رشته تحریر درآورد.

دانشمندان رجال تألیفاتی را برای او ذکر نموده‌اند که در اینجا به آنها اشاره‌ای می‌نماییم.

۱- علیل الصوم<sup>(۱)</sup>.

۲- مسائل الرجال<sup>(۲)</sup> «بخشی از سخنان امام هادی علیه السلام که احمد بن

اسحاق رضی الله عنه آنها را جمع آوری نموده بود».

۳- علیل الصلاة<sup>(۳)</sup>.

۱- رجال النجاشی، ص ۹۱، ش ۲۲۵، منهج المقال، ص ۳۱، منتهی المقال، ج ۱، ص ۲۳۳،

ش ۱۱۶، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۵۰، ش ۲۹۴.

۲- همان مدارک.

۳- الفهرست للطوسی، ص ۲۶، ش ۶۸، معالم العلماء، ص ۱۴، ش ۶۹، مجمع الرجال، ج ۱،

ص ۹۶، بهجة الآمال، ج ۲، ص ۱۸، معجم الرجال الحدیث، ج ۲، ص ۴۸، ش ۴۳۳.

## فصل چهارم

### راوی نور

نام احمد در اسناد بیش از ۱۳۰ روایت واقع شده است. نگارنده بر اساس جستجویی که در کتب رجالی و حدیثی انجام داد موفق گردید روایاتی را که احمد بن اسحاق رضی الله عنه در سلسله سند آن واقع شده و یا به نحوی در مورد وی می باشد را جمع آوری نماید که در بخش دوم همین نوشتار از منظر خوانندگان گرامی خواهد گذشت. از روایات بدست آمده، احمد بن اسحاق رضی الله عنه با سلسله سند خویش ۲ روایت از امیرالمومنین علی رضی الله عنه، ۸۷ روایت از امام صادق رضی الله عنه، ۶ روایت از امام موسی کاظم رضی الله عنه ۱ روایت از امام رضا رضی الله عنه، ۴ روایت از امام جواد رضی الله عنه، ۹ روایت از امام هادی رضی الله عنه و ۱۳ روایت از امام حسن عسکری رضی الله عنه نقل می کند همچنین نام احمد در چند روایت که از امام عصر (عج) به ما رسیده و یا این که دیگر راویان نقل کرده اند و به گونه ای در مورد وجود مقدس امام عصر (عج) و احمد بن اسحاق رضی الله عنه می باشد به چشم می خورد که به ۸ مورد می رسد.

این احادیث در موضوعات گوناگونی می باشد. که تعداد ۱۷ مورد از روایات در مورد وجود مقدس امام عصر (عج)، حدود ۱۸ روایت در مورد اهل بیت علیهم السلام، ۲۵ روایت در مورد احکام فقهی و حدود ۲۵ روایت در مورد ادعیه و عبادات و مابقی روایات در موضوعات اخلاقی و اجتماعی بوده و اندکی از روایات نیز در مورد مسائل تاریخی، اعتقادی و تفسیر قرآن کریم می باشد.

نگارنده به علت فرصت اندک و مشغله فراوان نتوانست ترجمه همه روایات را بیاورد، اما به خوانندگان گرامی این وعده را می دهد که در فرصت مناسب کلیه احادیث مذکوره را ترجمه و آنجایی که نیاز به شرح و توضیحی باشد را آورده، در اختیار خوانندگان محترم قرار دهد اما از باب اینکه آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید، از میان آن گنجینه های نور ترجمه شماری را آورده ایم.

### شک شیعیان در مورد امامت، امام حسن عسکری علیه السلام

شرائط نامساعد و جو پر اختناقی که امام دهم و یازدهم در آن زندگی می کردند به گونه ای بود که به شدت تحت مراقبت و کنترل خلفای ستمگر عباسی در شهر سامراء بودند از اینرو امام هادی علیه السلام امکان معرفی فرزندش حسن را به عموم شیعیان به عنوان امام بعدی نداشت و اصولاً این کار حیات امام حسن عسکری علیه السلام را از ناحیه حکومت در معرض خطر جدی قرار می داد.

به همین جهت کار معرفی امام حسن عسکری علیه السلام به شیعیان و گواه گرفتن آنان در این باب، در ماههای پایانی عمر امام هادی علیه السلام صورت گرفت به طوری که هنگام رحلت آن حضرت هنوز بسیاری از شیعیان از امامت حضرت عسکری علیه السلام آگاهی نداشتند گویا عامل دیگری نیز در این زمینه بی تأثیر نبوده و آن اعتقاد گروهی از شیعیان به امامت «محمد بن علی» برادر حضرت عسکری علیه السلام در زمان حیات امام هادی علیه السلام بوده است. این گروه بر اساس همین پندار غلط او را در محضر امام هادی علیه السلام احترام می کردند، ولی حضرت با این پندار مبارزه می کرد و آنان را به امامت فرزندش حسن علیه السلام راهنمایی می نمود.

پس از شهادت حضرت هادی علیه السلام گروهی از خیانتکاران نادان، همچون «ابن ماهویه» این پندار را دستاویز قرار داده و به اغوای مردم و منحرف ساختن افکار از امامت حضرت عسکری علیه السلام پرداختند.

این عوامل دست به دست هم داده و موجب شک و تردید گروهی از شیعیان در امامت آن حضرت در آغاز کار گردیده بود چنانکه برخی از آنان در صدد آزمایش امام بر می آمدند و برخی دیگر در این زمینه با امام مکاتبه می کردند<sup>(۱)</sup>. این تزلزلها و تردیدها به حدی بود که **احمد بن اسحاق** گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام در پاسخ نامه گروهی از شیعیان این نامه صادر شد و در ضمن آن آمده بود:

**«هیچ یک از پدرانم، مانند من، گرفتار شک و تزلزل شیعیان در امر**

۱- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۶۴۴ و ۶۴۵، باندکی تصرف.



امامت نشده‌اند، اگر این امر امامت موقت بود و شما بدان معتقد و متدین شده بودید، شک محلی داشت، اما اگر آن متصل باشد مادامی که امور خدای تعالی متصل است، پس معنای شک در آن چیست؟»<sup>(۱)</sup>.

### هدیه دادن قلم به احمد بن اسحاق رضی الله عنه

احمد بن اسحاق رضی الله عنه گوید: به خدمت امام حسن عسکری رضی الله عنه رسیدم و از او درخواست کردم که چیزی بنویسد و من خط او را ببینم تا اگر نامه‌ای از او رسید، خطش را بشناسم (و دشمن نتواند بنام امام نامه جعل کند) امام فرمود: بسیار خوب، سپس فرمود: ای احمد! خط با قلم درشت و ریز در نظرت مختلف می‌نماید، مبادا به شک افتی (اسلوب خط را ببین نه ریز و درشتیش را) آنگاه دوات طلبید و خط نوشت، وقتی می‌نوشت با خود گفتم: تقاضا می‌کنم قلمی را که با آن منی نویسد را به من ببخشد، چون از نوشتن فارغ شد، با من سخن می‌گفت و تا مدتی قلم را با دستمالش پاک می‌کرد، سپس فرمود: بگیر، ای احمد، و قلم را به من داد.

گفتم: قربانت گردم، مطلبی را در دل دارم که بخاطر آن اندوهگینم، می‌خواستم آنرا از پدر شما بپرسم، پیش آمد نکرد، فرمود: ای احمد! چیست آن؟ عرض کردم: آقای من! از پدران شما برای ما روایت کرده‌اند که: خوابیدن پیغمبران بر پشت و خوابیدن مؤمنین به جانب راست و خوابیدن منافقین به جانب چپ و خوابیدن شیاطین برو افتاده و دمر است.

فرمود: چنین است. عرض کردم: آقای من! من هر چه کوشش می‌کنم که به پهلوی راست بخوابم، ممکن نمی‌شود و خوابم نمی‌برد، حضرت ساعتی سکوت نمود، سپس فرمود:

احمد! نزدیک من بیا.

نزدیکش رفتم، فرمود دستت را زیر لباست ببر، من بردم. آنگاه دست خود را از زیر جامه‌اش درآورد و زیر جامه من کرد و با دست راست خود به پهلوی چپ من و با دست چپ خود به پهلوی راست من کشید - تا سه بار - احمد گوید از آن زمان که با من چنین کرد نتوانستم به پهلوی چپ بخوابم و هیچ وقت بر آن پهلو خوابم نمی‌برد<sup>(۱)</sup>.

بر اساس تحقیق یکی از دانشمندان معاصر، از کرامات و گزارشهای غیبی و اقدامات خارق العاده امام حسن عسکری علیه السلام «قطب راوندی» در کتاب «خرائج» جمعاً چهل مورد، «سید بحرانی» در «مدینه المعاجز» صد و سی و چهار مورد، «شیخ حر عاملی» در «اثبات الهداة» صد و شش مورد، و «علامه مجلسی» در «بحار الانوار» هشتاد و یک مورد را ثبت کرده‌اند و این بخوبی روشنگر فزونی بروز کرامات و گزارشهای غیبی از ناحیه آن حضرت می‌باشد.

به نظر می‌رسد علت این امر شرائط نامساعد و جو پر اختناق بود که امام علیه السلام در آن زندگی می‌کرد و گاه به جهت زدودن شکها و تردیدهایی که برخی در مورد امامت آن حضرت داشتند و گاه برای حفظ یاران خود از

خطر، و یا دلگرمی آنان، و یا هدایت گمراهان، پرده‌های حجاب را کنار زده، از آن سوی جهان ظاهر، خبر می‌داد، و این از مؤثرترین شیوه‌های جلب مخالفان و تقویت ایمان شیعیان بود<sup>(۱)</sup>.

### نامه امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق رضی الله عنه

شیخ صدوق رضی الله عنه با سند خویش از احمد بن حسن [بن علی بن احمد] بن اسحاق قمی<sup>(۲)</sup> نقل می‌کند که گفت: چون حضرت مهدی (عج) به دنیا آمد، از سوی مولای ما حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نامه‌ای به جدّم احمد بن اسحاق رضی الله عنه رسید.

در آن به خطّ خود آن حضرت که معمولاً نامه‌ها با همان خطّ به دست جدّم می‌رسید، چنین نوشته شده بود:

«برای ما فرزندی به دنیا آمده پیش تو پنهان بماند و از مردم پوشیده باشد. ما خبر آن را آشکار نکردیم، مگر به نزدیک‌ترین خویشان، به خاطر خویشاوندی و به دوست، به خاطر ولایتش، دوست داشتیم که به تو اعلام

۱- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۶۴۴ و ۶۵۵، با اندکی تصرف.

۲- ناقل این حدیث احمد بن حسن (نتیجه احمد بن اسحاق) می‌باشد. احمد بن اسحاق فرزندی داشته به نام علی، لذا می‌بینیم که دانشمندان علم رجال کنیه احمد را ابو علی ذکر کرده‌اند. شیخ حر عاملی در وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۰۰، حدیث ۲۲۸۴۱، حدیثی را از علی بن احمد بن اسحاق اشعری نقل می‌کند. پسر احمد بن اسحاق یعنی علی فرزندی داشته است به نام حسن لذا به او ابی الحسن علی بن احمد بن اسحاق رضی الله عنه گفته می‌شده. نام او در برخی از روایات من جمله در روایتی از کتاب «الفصول المختاره»، ج ۱، ص ۱۷۲ آمده است و حسن نوه احمد بن اسحاق فرزند پسری داشته است به نام احمد. گویای این مطلب همین حدیثی است که شیخ صدوق رضی الله عنه نقل می‌کند.

کنیم تا بدین سبب خداوند تو را خوشحال کند، آنگونه که ما را با آن شاد نمود، والسلام»<sup>(۱)</sup>.

نگارنده: بین مقام و منزلت احمد بن اسحاق رضی الله عنه چقدر در نزد امام حسن عسکری علیه السلام زیاد بوده که امام علیه السلام او را از تولد مهدی موعود، منجی عالم بشریت، همان که عالمی چشم به راه اوست را چگونه با خبر می‌کند.

### امام، حجت خدا

مژده وصل میدهد گردش آسمان مرا

هیچ نبود از آسمان این حرکت، گمان مرا  
اطلاع از وجود مسعود فرزند عسکری علیه السلام که سالهای سال گذشتگان  
بشارت قدوم مبارکش را به شیعیان داده‌اند، در دل و جان احمد شعله افکند  
و عشق و علاقه شعله‌وار زبانه کشید. تصمیم گرفت شب هجران و فراق را به  
صبح وصال مبدل کند، محبوب خود را ملاقات کند.

قبله مقصود احمد سامراء بود، احمد به سمت سامراء حرکت کرد.  
راه دور و دراز قم - سامراء خیلی طولانی‌تر از همیشه بود احمد شب و روز  
راهپیمایی می‌کرد ولی دیرتر به مقصود می‌رسید و هر چه نزدیکتر می‌شد  
آتش عشق شعله‌ورتر می‌شد، دلش می‌خواست پر در آورد و به پرواز در آید  
و زودتر کعبه آمال خویش را در آغوش گیرد.

مدت زیادی سپری نشد که به سامراء رسید و یکسره به طرف منزل

.....ستارهٔ سرپل زهاب

حضرت شتافته و پس از کسب اجازه وارد شد امام شعله‌های درونی وی را مشاهده کرد و سوز و گداز درونی او را دریافت و ابتدای سخن نمود<sup>(۱)</sup>.  
فرمود:

ای احمد، در وضعیت شک و تردیدی که برخی از مردم (در بارهٔ امام بعد از من) داشتند، شما چه حالی داشتید؟

گفتم سرورم! چون نامهٔ شما رسید، هیچ مرد و زن و نوجوان فهمیده‌ای نبود مگر آنکه به حق اعتقاد یافت.

فرمود: احمد، خدا را بر این سپاس بگو، آیا ندانستید که زمین از حجت خالی نمی‌ماند؟ و منم آن حجت. (یا فرمود: منم حجت)<sup>(۲)</sup>.

### خدا را سپاس که مهدی (عج) را دیدم

احمد بن اسحاق رضی الله عنه می‌گوید:

مولایم امام حسن علیه السلام فرمود:

«حمد سزاوار خداوندی است که مرا از دنیا نبرد تا جانشین بعد از

خویش را دیدم او شبیه‌ترین افراد از حیث صورت و سیرت به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشد. خداوند او را در ایام غیبتش محافظت خواهد کرد و پس از آن او را ظاهر گرداند و زمین را پر از عدل و داد می‌کند آن چنانکه پر از ظلم و جور شده باشد<sup>(۳)</sup>».

۱- زندگانی احمد بن اسحاق، سفیر امام زمان (عج) ص ۹۳، باندکی تصرف.

۲- حدیث ۱۱۴، همین نوشتار.

۳- حدیث ۱۱۳، همین نوشتار.

### فرزندم مهدی (عج) ظهور خواهد کرد

با این جملات؛ شگفتی و خوشحالی احمد فزونی گرفت و خستگی راه از او مرتفع شده و نفسی آرام برآورد؛ برای اینکه بعد از خواندن نامه حال از زبان امام حسن عسکری علیه السلام خبر وجود امام زمان (عج) را شنیده بود.

اما احمد بن اسحاق که عشقی لبریز دارد و تا با چشم، دیدار نکند عین الیقین و حق الیقین برایش حاصل نمی شود مانند حضرت ابراهیم علیه السلام که ﴿رَبِّ اَرِنِي﴾ بر زبان جاری کرد تا اینکه قلبش مطمئن شود، احمد هم خواسته های درونی خود را می خواست اظهار کند تا هم جمال یار را مشاهده کند و هم قلب خود را آرام و مطمئن سازد.

احمد تصمیم داشت که سخن و کلامی پیدا کند که راه مذاکره را شروع و خواسته خود را اظهار دارد<sup>(۱)</sup> که حضرت امام حسن عسکری علیه السلام قبل از پرسش فرمود:

«ای احمد بن اسحاق خداوند متعال از زمانی که حضرت آدم را خلق نمود زمین را خالی از حجّت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجّت نخواهد گذاشت، به واسطه اوست که بلا را از اهل زمین دفع می کند و به خاطر اوست که باران می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد. گوید: گفتم: ای فرزند رسول خدا امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت شتابان برخاست و داخل اندرونی رفت و سپس برگشت در حالی که بر

۱- زندگانی، احمد بن اسحاق علیه السلام، سفیر حضرت امام زمان (عج) ص ۹۴، با اندکی تصرف.

.....ستارهٔ سرپل ذهاب

شانه‌اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید.

فرمود: ای احمد بن اسحاق اگر نزد خدای تعالی و حجتهای او گرامی نبودی این فرزندم را به تو نشان نمی‌دادم، او همانم و هم کنیهٔ رسول خدا ﷺ است، کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد.

ای احمد بن اسحاق! مثل او در این امت مثل خضر و ذوالقرنین است، او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی‌یابد مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعاء به تعجیل فرج موفق سازد «اللهم عجل لولیک الفرج».

احمد بن اسحاق گوید: گفتم: ای مولای من آیا نشانه‌ای هست که قلبم بدان مطمئن شود؟

که ناگاه آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن درآمد و فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ»، ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده جستجوی نشانه مکن!

احمد بن اسحاق گوید: من شاد و خرم بیرون آمدم و فردای آن روز به نزد امام حسن عسکری علیه السلام بازگشتم و گفتم: ای فرزند رسول خدا! شادی من به واسطهٔ منتی که بر من نهاده‌اید بسیار است، بفرمائید آن سنتی که از حضرت خضر و ذوالقرنین علیهم السلام دارند چیست؟

فرمود: ای احمد! غیبت طولانی، گفتم: ای فرزند رسول خدا! آیا

غیبت او به طول خواهد انجامید؟ حضرت فرمود: به خدا سوگند چنین است تا به غایتی که اکثر معتقدین به او بازگردند و باقی نماند مگر کسی که خدای تعالی عهد و پیمان ولایت ما را از او گرفته و ایمان را در دلش نگاشته و با روحی از جانب خود مؤید کرده باشد.

ای احمد بن اسحاق! غیبت او سرّی از اسرار الهی و غیبی از غیبهای پروردگار است. آنچه را که به تو عطا کردیم (نشان دادیم) پنهان کن و از شاکرین باش تا فردای قیامت در بهشت برین با ما باشی.

شیخ صدوق رحمته الله می گوید: این حدیث را فقط از علی بن عبدالله و رّاق شنیدم، آن را به خطّ او یافتیم و از وی پرسش کردم، او نیز آن را از سعد بن عبدالله از احمد بن اسحاق همچنان که ذکر کردم روایت نمود<sup>(۱)</sup>.

### نص بر امامت حضرت مهدی (عج)

احمد بن اسحاق رحمته الله از ابو هاشم جعفری روایت کرده است: به امام حسن عسکری رحمته الله عرض کردم: شکوه و عظمت شما مانع می شود سؤالی را که دارم از شما بپرسم؟ آیا اجازه می دهی پرسشم را مطرح کنم؟  
فرمود: بپرس. گفتم: سرورم، آیا فرزندی داری؟  
فرمود: آری. عرض کردم: اگر برای شما حادثه‌ای پیش آمد او را کجا بجویم؟ فرمود: در مدینه<sup>(۲)</sup>.

۱- حدیث ۱۱۶، همین نوشتار.

۲- حدیث ۱۱۷، همین نوشتار.



## حضرت مهدی (عج) شبیه به حضرت خضر و ذوالقرنین علیهما السلام

مرحوم قطب راوندی نقل کرده است: احمد بن اسحاق رضی الله عنه نزد امام حسن عسکری علیه السلام رفته بود تا از او درباره جانشین پس از او بپرسد. حضرت پیش از آنکه احمد پرسشی کند، فرمود: مَثَل او مثل خضر است، مثل او مثل ذوالقرنین است، خضر از آب حیات نوشید و حیات جاوید یافت تا آنگاه که در صور دمیده شود. خضر همه ساله در موسم حج حضور می یابد (حضرت مهدی نیز طبق برخی از روایات همه ساله در موسم حج حضور دارد). و در عرفات وُقُوف می کند و دعای مومنان را آمین می گوید. خداوند به سبب او وحشت و تنهایی قائم ما را در دوران غیبتش به انس تبدیل می کند و تنهایی او را به وی پیوند می دهد، او زندگی می کند در حالی که از دیدگان پنهان است<sup>(۱)</sup>.

### گزارش سفر

شیخ صدوق رضی الله عنه باسند خویش از سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی چنین روایت کرده است: من شوق زیادی به گردآوری کتابهایی داشتم که مشتمل بر علوم مشکله و دقایق آنها باشد و در کشف حقایق از آن کتابها تلاش و کوشش می کردم و آزمند حفظ موارد اشتباه و نامفهوم آنها بودم و بر آنچه از معضلات و مشکلات علمی دست می یافتم به آسانی به کسی

ابراز و اظهار نمی‌کردم تا در وقت مباحثه و مجادله مخالفین را مغلوب خود کنم و در مقام مباحثه و گفتگوی با مخالفین مذهب امامیه به اندازه‌ای جدیت داشتم که از سلامتی خود هم چشم پوشیده تا مرز خطر پیشروی می‌کردم و عیوب و نواقص مرام آنها و پیشوایانشان را بی‌پرده می‌گفتم و شرح می‌دادم تا آنکه گرفتار یک ناصبی شدم که در منازعه عقیدتی سخت‌گیرتر و در دشمنی با اهل بیت علیهم‌السلام کینه‌توزتر و در جدال و پیروی از باطل تندتر و در پرسش بد زبان‌تر و در پیروی از باطل از همه متعصب‌تر بود.

یک روز که با وی مناظره می‌کردم گفت: ای سعد! وای بر تو و بر اصحاب تو، شما رافضیان<sup>(۱)</sup> زبان به طعن مهاجر و انصار می‌گشائید و ولایت و امامت آنها را از ناحیه رسول خدا انکار می‌کنید، این اولی کسی است که بر جمیع صحابه به واسطه شرف سابقه خود سرآمد است، آیا نمی‌دانید که رسول خدا او را با خود به غار نبرد مگر برای آنکه می‌دانست او خلیفه است و او کسی است که در امر تأویل مقتدا است و زمام امت بدو واگذار می‌شود و او تکیه گاه امت می‌گردد. تا در جمع تفرقه و جبران شکست و سدّ خلل و اقامه حدود و لشکرکشی برای فتح بلاد مشرکین به او اعتماد شود و همانگونه که پیامبر بر نبوت خود می‌ترسید بر خلافت خود هم می‌هراسید زیرا کسی که در جایی پنهان می‌شود یا از کسی فرار می‌کند قصدش جلب

۱- رافضی در لغت به معنی (ترک کننده) است، که در محاورات به شیعه یا شیعیان اطلاق می‌کنند. در وجه تسمیه آنان به رافضیه دو نظریه وجود دارد. صحیح‌ترین این دو نظریه آن است که چون شیعیان در مقابل حکومت‌های وقت ایستادگی کرده، آنها را نمی‌پذیرفتند، به آنها رافضیه می‌گفتند، چنان که به سایر گروه‌های مخالف نیز رافضی می‌گفتند (احمد بن اسحاق امامت، ص ۲۸).

.....ستارهٔ سرپل ذهاب

مساعدت دیگران نیست و چون می بینیم که پیامبر به غار پناه برد و چشم به مساعدت کسی هم نداشت روشن می شود که مقصود پیامبر چنانکه شرح دادیم حفظ جان اولی بود و علی را در بستر خود خوابانید چون به او اعتنایی نداشت و با او همسفر نشد زیرا که سنگینی می کرد و می دانست که اگر او کشته شود کارهای او را دیگری هم می تواند انجام دهد. سعد گوید: من پاسخ های متعددی به وی دادم اما او هر یک را نقض کرد و به من بازگردانید، سپس گفت: ای سعد! ایراد دیگری دارم که بینی رافضیان را خرد می کند، آیا شما نمی پندارید که اولی که از شک و تردید مبرا است و دومی که حامی ملت اسلام بوده است منافق بودند و بی دینی خود را نهان می کردند و در این باب به واقعهٔ شب عقبه<sup>(۱)</sup> استدلال می کنید، حالا به من بگو آیا اولی و

---

۱- داستان عقبه از این قرار است: پیامبر از جنگ تبوک باز می گشت. حدود پانزده نفر از اعضای حزب نفاق که در این جنگ حضور داشتند از توطئه های خود به هنگام رفتن به تبوک نتیجه ای نگرفته بودند، تصمیم گرفتند هنگامی که پیامبر می خواهد وادی «مشفق» را از طریق گردنه پیماید، شتر حضرت را رم دهند و پیامبر را ترور کنند. عمار و یاسر مهار شتر حضرت را در دست داشتند و حذیفه یمانی نیز آن را می راند بر اساس دستور فرماندهی کسی حق نداشت از این گردنه بالا بیاید اما صدای پای چند نقابدار به گوش رسید. حضرت به حذیفه فرمود: از حرکت آنها جلوگیری کن!

منافقان که دریافتند حضرت از طریق وحی از ماجرای توطئه باخبر شده، بی درنگ گردنه را ترک کرده، خود را میان جمعیت مخفی ساختند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حذیفه فرمود: آنها را شناختی؟ او گفت: تاریکی شب و پوشیدگی صورت آنها مانع از شناخت من بود. پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را به حذیفه معرفی کرد و افزود آنان تصمیم داشتند شتر را رم داده مرا به دره پرتاب کنند. پروردگارم مرا با خبر ساخت، من نامشان را برای تو می گویم، اما تو برای کسی بازگو مکن.... فردای آن روز «اسید بن حضیر» به خدمت حضرت رسید و گفت: حرکت در دل صحرا به مراتب آسانتر از پیمودن «عقبه» بود، شما چرا آن مسیر را برگزیدید؟ پیامبر داستان شب قبل را ذکر کرد. او درخواست کرد آنها را معرفی کنید تا به وسیله طایفه خود اعدام گردند. پیامبر این کار را صلاح ندانست و فرمود: دوست ندارم مردم بگویند: «...»

دومی از روی رغبت اسلام آوردند و یا آنکه به زور و اکراه؟ سعد گوید: من اندیشه کردم که چگونه این سوال را از خود برگردانم که تسلیم وی نشوم و بیم آن داشتم که اگر بگویم اولی و دومی از روی میل و رغبت اسلام آوردند او بگوید:

با این وصف دیگر پیدایش نفاق در دل آنها معنی ندارد، زیرا نفاق هنگامی به قلب آدمی در آید که هیبت و هجوم و غلبه و فشار سختی انسان را ناچار سازد که بر خلاف میل قلبی خود چیزی را اظهار کند چنانکه خدای متعال فرموده است: ﴿فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا﴾<sup>(۱)</sup> و اگر می گفتم آنها به اکراه اسلام آوردند مرا مورد سرزنش قرار می داد و می گفت: آنجا شمشیری نبود که موجب وحشت آنها بشود! (جواب این دو شبهه را از امام عصر (عج) در صفحات آینده خواهید دید).

### دانشمند همشهری

سعد گوید: من با تزویر خود را از دست او رهانیدم ولی از خشم اندرونیم پر شده بود و از غصه نزدیک بود جگرم پاره پاره شود، و من پیش از

---

محمد وقتی قدرت پیدا کرد یاران خود را کشت. اسید عرضه داشت: اینان از یاران شما نیستند؟ پیامبر فرمود: در ظاهر به شهادتین اعتراف دارند. (احمد بن اسحاق، امین امامت، باقری بیدهندی، ناصر، ص ۳۹ و ۴۰، به نقل از: مجمع البیان، امین الاسلام طبرسی، ج ۳، ص ۴۶، سیره حلبی، ج ۲، ص ۱۶۲).

۱- سوره مؤمن، آیه ۸۵.

.....ستارهٔ سرپل دهب

آن طوماری تهیه کرده بودم و در آن چهل و چند مسألهٔ دشوار را نوشته بودم که پاسخگویی برای آنها نیافته بودم و می خواستم از عالم همشهری خود **احمد بن اسحاق** که مصاحب مولایمان امام حسن عسکری علیه السلام بود پرسش کنم و به دنبال او رفتم، او به قصد سرّ من رای (سامراء) و برای شرفیابی حضور امام علیه السلام از قم بیرون رفته بود و در یکی از منازل راه به او رسیدم و چون با او مصافحه کردم گفتم: خیر است، گفتم: اولاً مشتاق دیدار شما بودم و ثانیاً طبق معمول سؤالی از شما دارم، گفتم: در این مورد با هم برابر هستیم، من هم مشتاق ملاقات مولایم ابو محمد علیه السلام هستم و می خواهم مشکلاتی در تأویل و معضلاتی در تنزیل را از ایشان پرسش کنم.

### پیشنهاد سفر

(ابن اسحاق گفت: با هم به سامراء برویم) این رفاقت میمون و مبارک است زیرا به وسیلهٔ آن به دریایی خواهی رسید که عجائش تمام و غرائبش فانی نمی شود و او پیشوای ما است. (من هم این پیشنهاد را پذیرفتم) و بعد از آن با هم به سوی سامراء حرکت کردیم تا به خانهٔ مولایمان رسیدیم اجازه خواستیم و برای ما اذن دخول صادر شد.

### دیدار با ماه و مشتری

و بر شانهٔ احمد بن اسحاق انبانی بود که آن رازیر یک عبای طبری پنهان کرده بود و در آن یکصد و شصت کیسهٔ دینار و درهم بود و سر هر کیسه

را صاحبش مهر زده بود.

سعد گوید: من نمی‌توانم مولای خود ابو محمد علیه السلام را در آن لحظه که دیدار کردم و نور سیمایش ما را فرا گرفته بود به چیزی جز ماه شب چهارده تشبیه کنم و بر زانوی راستش پسر بچه‌ای نشسته بود که در خلقت و منظر مانند سیاره مشتری بود و بر سرش فرقی مانند آلفی بین دو واو بود و در پیش روی مولای ما اناری طلایی بود که نقشهای بدیعی در میان دانه‌های قیمتی آن می‌درخشید که آن را یکی از رؤسای بصره تقدیم کرده بود و در دستش قلمی بود که چون می‌خواست بر صفحه کاغذ چیزی بنویسد آن پسر بچه انگشتانش را می‌گرفت و مولای ما آن انار طلایی را در مقابلش رها می‌کرد و او آن را به آوردن آن سرگرم می‌کرد تا او را از نوشتن باز ندارد.

### خبر دادن امام عصر (عج) از امور پنهان

سعد گوید: به امام حسن عسکری علیه السلام سلام کردیم و او پاسخ گرمی داد و اشاره فرمود که بنشینیم و چون از نوشتن نامه فارغ شد، احمد بن اسحاق انبانش را از زیر عبایش بیرون آورد و آن را در مقابلش نهاد امام علیه السلام به آن پسر بچه (امام عصر (عج)) نگریست و فرمود: پسر جان! مهر از هدایای شیعیان و دوستانت بردار و او فرمود: ای مولای من! آیا رواست دست طاهر را به هدایای نجس و اموال پلیدی که حلال و حرامش به یکدیگر در آمیخته است دراز کنم؟ و مولایم فرمود: ای فرزند اسحاق آنچه در انبان است بیرون بیاور تا حلال و حرام آن را جدا کند و چون اولین کیسه را

.....سناره سر پل دهاب

احمد از انبان بدر آورد آن پسر بچه فرمود: این کیسه از آن فلان بن فلان است که در فلان محله قم ساکن است و در آن شصت و دو دینار است که چهل و پنج دینار آن مربوط به بهای فروش زمین سنگلاخی است که صاحبش آن را از پدر خود به ارث برده و چهارده دینار آن مربوط به بهای نه جامه و سه دینار آن مربوط به اجاره دکانهاست. مولای ما فرمود: پسر جان! راست گفتی، اکنون این مرد را راهنمایی کن که حرام آن کدام است؟ فرمود: بررسی کن که آن دینار ری که تاریخ آن فلان سال است و نقش یک روی آن محو شده و آن قطعه طلای آملی که وزن آن ربع دینار است کجاست و سبب حرمتش این است که صاحب این دینارها در فلان ماه از فلان سال یک من و یک چارک (سه کیلو و دو یست و پنجاه گرم) نخ (پنبه) به همسایه بافنده خود داده که آن را ببافد و مدتی بعد دزد ربوده است، اما صاحب نخها وی را تکذیب کرده و به جای آن، یک من و نیم (سه کیلو و نیم) نخ باریکتر از وی بازستانده است و از آن جامه‌ای بافته است که این دینار ری و آن قطعه طلای آملی بهای آن است. و چون سر کیسه را باز کرد در آن نامه‌ای بود که بر آن نام صاحب آن دینارها و مقدار آن نوشته شده بود و آن دینارها و آن قطعه طلا به همان نشانه در آن بود. سپس کیسه دیگری در آورد و آن کودک فرمود: این از فلان بن فلان ساکن فلان محله قم است و در آن پنجاه دینار است که دست زدن به آن بر ما روا نیست. (احمد) گفت: برای چه؟ فرمود: برای آنکه از بهای گندمی است که صاحبش بر زارع خود در تقسیم آن ستم کرده است، زیرا سهم خود را با پیمانۀ تمام برداشته اما سهم زارع را با پیمانۀ ناتمام داده است، مولای ما فرمود: پسر جان! راست گفتی.

سپس به احمد بن اسحاق فرمود: همه را بردار و به صاحبانش برگردان و یا سفارش کن به صاحبانش برگردانند که ما را در آن حاجتی نیست، و جامه آن عجوز (پیره زن) را بیاور. احمد گوید: آن لباس در جامه دانی بود که من فراموش کرده بودم و چون احمد بن اسحاق رفت تا آن لباس را بیاورد.

### پنج پرسش از امام مهدی (عج)

ابو محمد علیه السلام به من نظر کرد و فرمود: ای سعد! تو برای چه آمدی؟ گفتم: احمد بن اسحاق مرا به دیدار مولایمان تشویق کرد، فرمود: و مسائلی که می خواستی بررسی! گفتم: ای مولای من آن مسائل نیز به حال خود است، فرمود: از نور چشمم پرس! و به آن پسر بچه اشاره فرمود و آن پسر بچه (امام عصر (عج)) فرمود: از هر چه می خواهی پرس!

### پیامبر صلی الله علیه و آله طلاق همسرانش را به حضرت علی علیه السلام تفویض کرد

۱ - گفتم: ای مولا و ای فرزند مولای ما از اجداد شما برای ما روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله طلاق زنان خود را به دست امیرالمومنین علیه السلام قرار داد تا جایی که در روز (جنگ) جمل به دنبال آن زن فرستاد و به او فرمود: تو با فتنه انگیزی خود بر اسلام و مسلمین غبار ستیزه پاشیدی و فرزندان خود را از روی نادانی به پرتگاه نابودی کشاندی، اگر دست از من برنداری تو را طلاق می دهم، در حالی که زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله با وفات وی



ستارهٔ سر پل ذهاب.....

مطلّقه شده‌اند. فرمود: طلاق چیست؟ گفتم: باز گذاشتن راه فرمود: اگر طلاق آنها با وفات رسول خدا ﷺ صورت می‌گیرد چرا بر آنها حلال نبود که شوهر کنند؟ گفتم: برای آنکه خدای تعالی شوهر کردن را بر آنها حرام کرده است، فرمود: چرا در حالی که وفات رسول خدا ﷺ راه را بر آنها باز گذاشته است؟ گفتم: ای فرزند مولای من! پس آن طلاق که رسول خدا ﷺ به امیرالمومنین علیه السلام واگذار کرده چه بود؟ فرمود: خدای تعالی شأن زنان پیامبر را عظیم گردانید و آنان را به شرافت مادری <sup>(۱)</sup> امت مخصوص کرد و رسول خدا به امیرالمومنین فرمود: ای ابالحسن؟ این شرافت تا وقتی برای آنها باقی است که به طاعت خدا مشغول باشند و هر کدام آنها که پس از من خدا را نافرمانی کند و بر تو خروج نماید راه را برای شوهر کردن وی بازگذار و او را از شرافت مادری مؤمنین ساقط کن.

### فاحشهٔ مُبینه چیست؟

۲- گفتم: معنای «فاحشهٔ مُبینه» که چون زن در زمان عدّه مرتکب شود بر شوهرش رواست که او را از خانهٔ خود اخراج کند چیست؟ فرمود: مقصود از فاحشهٔ مُبینه مساحقه است نه زنا، زیرا اگر زنی زنا کند و حدّ بر او جاری شود مردی که می‌خواسته با او ازدواج کند نبایستی بخاطر اجرای حدّ از ازدواج با او امتناع ورزد اما اگر مساحقه کند بایستی رجم شود و رجم خواری است و کسی که خدا فرمان رجمش را دهد او را

خوار ساخته است و کسی را که خدا خوار سازد وی را دور ساخته است و هیچ کس را نزد که با وی نزدیکی کند.

### معنای آیه ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾<sup>(۱)</sup> چیست؟

۳ - گفتم: ای فرزند رسول خدا معنای فرمان خداوند به پیامبرش موسی عليه السلام که فرمود: نعلین خود را بدر آر که تو در وادی مقدّس طُوًی هستی چیست، که فقهای فریقین می‌پندارند نعلین او از پوست مردار بوده است. فرمود هر که چنین گوید به موسی افترا بسته و او را در نبوتش نادان شمرده است زیرا امر از دو حال بیرون نیست یا نماز موسی در آن روا و یا ناروا بوده است، اگر نمازش در آن روا بوده طبعاً جایز است که به آن نعلین در آنجا پا نهد که هر چند آن بقعه مقدّس و مطهر باشد اما از نماز مقدّس تر و مطهرتر نبوده است، و اگر نماز موسی در آن روا نبوده است لازم آید که موسی حلال و حرام را نداند و نداند که چه چیزی در نماز روا و چه چیزی نارواست که این خود کفر است. گفتم: پس مقصود از آن چیست؟ فرمود: موسی در وادی مقدّس با پروردگار خویش مناجات کرد و فرمود:

بارالها! من خالصانه تو را دوست دارم و از هر چه غیر تو است دل شسته‌ام، با آنکه اهل خود را بسیار دوست می‌داشت. خدای تعالی به او فرمود: نعلین خود را بدر آر، یعنی اگر مرا خالصانه دوست داری و از هر چه غیر من است دل شسته‌ای، قلب را از محبت اهل خود تهی ساز.

## تأویل آیه ﴿ کهیصص ﴾ چیست؟

۴ - گفتم: ای فرزند رسول خدا تأویل آیه ﴿ کهیصص ﴾<sup>(۱)</sup> چیست؟  
فرمود: این حروف از اخبار غیبی است که خداوند زکریا را از آن مطلع کرده و بعد از آن داستان آن را به محمد ﷺ بازگفته است و داستان آن از این قرار است که زکریا از پروردگارش درخواست کرد که اسماء خمسۀ طیّبه (پنج تن) را به او بیاموزد و خدای تعالی جبرئیل را فرو فرستاد و آن اسماء را بدو تعلیم داد، زکریا چون محمد و علی و فاطمه و حسن را یاد می کرد اندوهش بر طرف می شد و گرفتاریش زایل می گشت و چون حسین را یاد می کرد بغض و غصه گلایش را می گرفت و می گریست و مبهوت می شد، روزی گفت: بارالها! چرا وقتی آن چهار نفر را یاد می کنم تسلیت می یابم و اندوهم بر طرف می شود، اما چون حسین را یاد می کنم اشکم جاری می شود و ناله ام بلند می شود؟ خدای تعالی او را از این حکایت آگاه کرد و فرمود: « کهیصص » و « کاف » اسم کربلاست و « هاء » رمز هلاکت عترت است و « یاء » نام یزید ظالم بر حسین علیه السلام است و « عین » اشاره به عطش و « صاد » نشانه صبر او است.

و چون زکریا این مطلب را شنید نالان و غمگین شد و تا سه روز از مسجدش بیرون نیامد و به کسی اجازه نداد که نزد او بیاید و گریه و ناله سر داد و نوحه او چنین بود: بارالها! از مصیبتی که برای فرزند بهترین خلائق خود تقدیر کرده ای دردمندم، خدایا، آیا این مصیبت را در آستانه او نازل

می‌کنی؟ و آیا جامهٔ این مصیبت را بر تن علی و فاطمه می‌پوشانی؟ و آیا این فاجعه را در ساحت آنها فرود می‌آوری؟ و بعد از آن می‌گفت: بارالها! فرزندی به من عطا کن تا در پیری چشمم بدو روشن باشد و او را وارث و وصی من قرار ده و منزلت او را در نزد من مانند منزلت حسین قرار بده و چون او را به من ارزانی داشتی مرا شیفتهٔ او گردان آنگاه مرا دردمند او گردان همچنان که حبیب محمد را دردمند فرزندش گرداندی، و خداوند یحیی را بدو داد و او را دردمند وی ساخت و دورهٔ حمل یحیی شش ماه بود و بارداری از حسین علیه السلام نیز شش ماه بود و برای آن نیز داستانی طولانی است.

### چرا مردم نمی‌توانند امام انتخاب کنند؟

۵ - گفتم: ای مولای من علت چیست که مردم از برگزیدن امام برای خویشان ممنوع شده‌اند؟ فرمود: امام مصلح برگزیدند و یا امام مفسد؟ گفتم امام مصلح، فرمود: آیا امکان ندارد که برگزیدهٔ آنها مفسد باشد؟ چون کسی از درون دیگری که صلاح است و یا فساد مطلع نیست. گفتم: آری امکان دارد، فرمود: علت همین است و برای تو دلیل دیگری بیاورم که عقلت آن را بپذیرد، فرمود: رسولان الهی که خدای تعالی آنها را برگزیده و بر آنها کتاب فرو فرستاد و آنها را به وحی و عصمت مؤید ساخته تا پیشوایان امتها باشند چگونه‌اند؟ آیا مثل موسی و عیسی علیهما السلام که پیشوایان امتند و بر برگزیدن شایسته ترند و عقلشان بیشتر و علمشان کامل تر آیا ممکن است منافق را به جای مؤمن برگزینند؟ گفتم: خیر، فرمود: این موسی کلیم الله است که با

ستاره سرپل زهاب.....

و فور عقل و کمال علم و نزول وحی بر او از اعیان قوم و بزرگان لشکر خود برای میقات پروردگارش هفتاد تن را برگزید و در ایمان و اخلاص آنها هیچگونه شک و تردیدی نداشت، اما منافقین را برگزیده بود، خدای تعالی می فرماید: ﴿وَ اخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا﴾<sup>(۱)</sup> تا این آیه ﴿لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَرَىٰ اللَّهَ جُهْرَةً﴾<sup>(۲)</sup> تا آنجا که فرمود: ﴿فَاخَذْتَهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ﴾<sup>(۳)</sup> و چون می بینیم که برگزیده پیامبر افسد بوده و نه اصلح در حالی که می پنداشته آنها اصلح هستند، می فهمیم برگزیدن مخصوص کسی (خداوند) است که ما فی الصدور و ضمائر و سرائر مردم را بداند و برگزیدن مهاجرین و انصار ارزشی ندارد جایی که برگزیده پیامبران به جای افراد صالح افراد فاسق باشند (بین انتخاب دیگران چگونه خواهد بود).

### پاسخ امام عصر علیه السلام به شبهات آن ناصبی

سپس مولا ایمان فرمود: ای سعدا! دشمن تو می گوید که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هنگام مهاجرت برگزیده این امت را همراه خود به غار برد چون می دانست که خلافت با او است و در تأویل، پیشواست و زمام امور امت به دست او خواهد افتاد و او در ایجاد اتحاد و سدّ خلل و اقامه حدود و اعزام نیرو برای تصرف سرزمین های کفر معتمد است و همانگونه که پیامبر بر نبوت خود می ترسید بر خلافت خود هم می هراسید زیرا کسی که در

۱- سوره اعراف، آیه ۱۵۵.

۲- سوره بقره، آیه ۵۵.

۳- سوره نساء، آیه ۱۵۳.

جایی پنهان می شود یا از کسی فرار می کند قصدش جلب مساعدت دیگران نیست و علی را در بستر خود خوابانید چون به او اعتنائی نداشت و با او همسفر نشد زیرا که بر او سنگینی می کرد و می دانست که اگر او کشته شود شخص دیگری را نصب خواهد کرد که بتواند کارهای او را انجام دهد.

### پس چرا دعوی او را این چنین نقض نکردی که آیا رسول خدا ﷺ

به زعم شما نفرمود: دوران خلافت پس از من سی سال است و این سی سال مدت عمر خلفای راشدین است و گریزی نداشت جز آنکه تو را تصدیق کند، آنگاه می گفتی: آیا همانگونه که رسول خدا می دانست که خلیفه پس از وی اولی است آیا نمی دانست که پس از اولی، دومی و پس از دومی، سومی و پس از او علی رضی الله عنه خلیفه خواهد بود؟ و او راهی جز تصدیق تو نداشت سپس به او می گفتی: پس بر رسول خدا صلی الله علیه و آله واجب بود که همه آنها را (با خود) به غار ببرد و بر جان آنها بترسد همچنانکه بر جان اولی می هراسید و به واسطه ترک آن سه و تخصیص اولی به همراهی خود آنها را خوار نسازد. و آنگاه که گفت: به من بگو که اسلام اولی و دومی آیا از روی میل و رغبت بوده یا به اکراه و اجبار؟ چرا به او نگفتی که اسلام آندو از روی طمع بوده است زیرا آنها با یهودیان مجالست داشتند و از آنها از پیشگوییهای تورات و سایر کتب پیشینیان و داستان محمد صلی الله علیه و آله و پایان کار او استخبار کرده بودند و آنها یاد آور می شدند که محمد بر عرب مسلط می شود همچنانکه بخت نصر بر بنی اسرائیل مسلط شد و از پیروزی او بر عرب گریزی نیست همچنانکه از پیروزی بخت نصر بر بنی اسرائیل گریزی نبود جز آنکه او در دعوی نبوت خود دروغگو بود. پس به نزد محمد آمدند و در

ادای شهادت **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** همراهی کردند و به طمع آنکه چون امور او استقرار یافت و احوالش استقامت گرفت به هر یک حکومت شهری خواهد رسید و چون از رسیدن به این مقصد ناامید شدند نقاب بر چهره کشیدند و با عده‌ای از همگامان منافق خود به بالای آن گردنه رفتند تا او را بکشند و خدای تعالی مکر آنها را بر طرف ساخت و در حالی که خشمگین بودند برگشتند و خیری به آنها نرسید، چنانکه طلحه و زبیر به نزد علی علیه السلام آمدند و با او به طمع آنکه هر کدام به حکومت شهری نایل شوند بیعت کردند و چون مایوس شدند بیعت خود را شکستند و بر او خروج کردند و خداوند هر یک از آندو را به سرنوشت بیعت شکنان دیگر به خاک افکند. سعد گوید: سپس مولای ما حسن بن علی علیه السلام با آن پسر بچه (امام عصر (عج)) برای اقامه نماز برخاستند و من نیز برگشتم و در جستجوی **احمد بن اسحاق** بر آمدم و او گریان به استقبال من آمد گفتم: چرا تأخیر کردی؟ و چرا گریه می‌کنی؟ گفتم: آن جامه‌ای را که مولایم فرمود بیاور گم کرده‌ام، گفتم: گناهی بر تو نیست برو او را خبر ده، شتابان رفت و خندان برگشت و بر محمد و آل محمد صلوات فرستاد. گفتم: چه خبر؟ گفت: آن جامه را دیدم که زیر پای مولایم گسترده بود و روی آن نماز می‌خواند. سعد گوید: خدا را سپاس گفتیم و بعد از آن تا چند روز به منزل مولایمان می‌رفتیم اما آن پسر بچه را نزد او نمی‌دیدیم<sup>(۱)</sup>.

---

۱- این روایت صد در صد در همین جا پایان یافته است به دلیل این که سعد بن عبدالله دو روایت دیگر نقل می‌کند که گویای این مطلب است که احمد بن اسحاق بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در قید حیات بوده این دو روایت را در فصل پنجم همین نوشتار تحت عنوان نامه امام عصر (عج) به احمد بن اسحاق و دیدار حسن بن نصر با امام عصر (عج) ملاحظه کنید. دانشمند محترم محقق مدقق حجة الاسلام والمسلمین شیخ علی دوانی «...»

و چون روز خدا حافظی فرا رسید با احمد بن اسحاق و دو تن از همشهریان خود بر مولایمان وارد شدیم و احمد بن اسحاق در مقابل امام ایستاد و گفت: ای فرزند رسول خدا! هنگام کوچ فرا رسیده و محنت شدت گرفته است، از خدای تعالی مسألت می‌نماییم که بر جدت محمد مصطفی و پدرت علی مرتضی و مادرت سیده النساء و بر عمو و پدرت آن دو سرور جوانان اهل بهشت و پدرانت که ائمه طاهرین هستند درود بفرستد و همچنین بر شما و فرزند شما درود بفرستد و امیدواریم که خدای تعالی شما را برتری دهد و دشمنانتان را سرکوب کند و این ملاقات را آخرین دیدار ما قرار ندهد. گوید: چون این کلمات را بیان کرد مولای ما گریست به اندازه‌ای که اشک از دیدگانش جاری شد، سپس فرمود:

ای پسر اسحاق! خود را در دعا به سختی مینداز و زیاده روی مکن که تو در این سفر به ملاقات خدا خواهی رفت، احمد بی هوش بر زمین افتاد<sup>(۱)</sup>

---

نیز در مفاخر اسلام توضیحاتی را در این مورد آورده است: به نظر می‌رسد حدیث سعد بن عبد الله تا همین قسمت پایان یافته، ولی راویان یا راوی و کاتب دنباله آن را با یکی از سه حدیثی که از ابو عبدالله بلخی، نقل شده مخلوط کرده‌اند تطبیق این سه حدیث با آن چه در خبر سعد بن عبد الله اشعری پیرامون وفات احمد بن اسحاق و اعطای کفن از سوی امام به وی آمده، به طور قطع باید گفت احمد بن اسحاق در یکی از سفرهای بعد، پس از رحلت حضرت عسکری علیه السلام که به سامراء آمده بود، چنین اتفاقی برایش روی داده است، موضوع کافور خادم در زمان امام زمان (عج) بوده نه در زمان امام حسن عسکری علیه السلام، زیرا از قرائن پیداست که احمد بن اسحاق در آغاز غیبت امام یا در حدود سال ۲۶۳ وفات یافته و با بقای کافور... هماهنگ است. «مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۳۷، دوانی علی».

۱- به طور قطع احمد بن اسحاق بعد از امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفته است. بنابراین در حدیث منقول از سعد بن عبد الله اشتباه و خلطی از ناحیه کاتب یا راوی یا راویان روی داده است. بدین معنی که احمد بن اسحاق بار آخر که با سعد بن عبد الله به حضور امام حسن عسکری علیه السلام رسید و هنگام وداع آن سخنان جالب و هیجان‌انگیز را بر زبان آورد و از «...» ←



و چون به هوش آمد گفت: شما را به خدا و حرمت جدتان سوگند می‌دهم که خرقه‌ای به من عطا فرمائید تا آن را کفن خود سازم، مولای ما دست به زیر بساط کرد و سیزده درهم بیرون آورد و فرمود: آن را بگیر و جز برای مصرف خود هزینه مکن و آنچه را که از من خواستی (کفن) از دست نخواهی داد و خدای تعالی اجر نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد.

سعد گوید: در بازگشت از محضر مولایمان سه فرسخ مانده به شهر حلوان (سرپل ذهاب) **احمد بن اسحاق** تب کرد و بیماری سختی بر وی عارض شد که از ادامه حیات ناامید گردید و چون به حلوان وارد شدیم و در یکی از کاروانسراهای آن فرود آمدیم **احمد بن اسحاق** یکی از همشهریان خود را که در آنجا ساکن بود فراخواند، سپس گفت: امشب از نزدم بیرون بروید و مرا تنها بگذارید، ما از نزد او بیرون آمدیم و هر یک به خوابگاه خود رفتیم. سعد گوید: نزدیک صبح دستی مرا تکان داد، چشم باز کردم و به ناگاه دیدم کافور خدمتکار ابو محمد علیه السلام است و می‌گوید: «أَحْسَنَ اللَّهُ بِالْخَيْرِ عَزَاكُم» خدا در این مصیبت به شما جزای خیر دهد و مصیبت شما را به نیکی جبران کند ما از غسل و تکفین دوست شما فارغ شدیم، برخیزید و او

---

جمله گفت: «امیدواریم خداوند این سفر را آخرین زیارت من قرار ندهد و امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «ای احمد بن اسحاق! در این دعا اصرار مکن که در مراجعت به لقای پروردگار نائل می‌شوی» و با شنیدن آن احمد بن اسحاق نقش بر زمین شد و از هوش رفت، در حقیقت امام حسن عسکری علیه السلام از رحلت خود خبر داده بود، نه از وفات احمد بن اسحاق! بیهوش شدن احمد بن اسحاق هم با آن مقام علمی و معنوی به خاطر اطلاع از رحلت حضرت بوده نه مردن خود!! تقاضای کفن هم برای این بوده که می‌دانسته دیگر حضرت را نمی‌بیند (مفاخر اسلام، ج ۲، ص ۳۷).

را دفن کنید که او نزد آقای شما از همه گرامی تر بود آنگاه از دیدگان ما نپنهان شد و ما با گریه و ناله بر بالین او حاضر شدیم و حق او را ادا کردیم و از کار دفن او فارغ شدیم. خدای او را رحمت کند<sup>(۱)</sup>.

### قیام حضرت مهدی (عج)

احمد بن اسحاق از سعدان بن مسلم از عمر بن ابان از ابان بن تغلب روایت می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: گویا می‌بینم آن کسی را که ایستاده است در نجفی که کنار کوفه است و حال آنکه پوشیده است زره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را و به آن مباحثات می‌کند و آن زره بر تنش (نه کوتاه است و نه بلند) و در پوشش آن زره که با استبرق زینت شده سوار می‌شود بر بهترین اسب (أدھم) که در وسط پیشانی یعنی بین دو چشم آن اسب نشانه‌ای است و به سرعت حرکت می‌کند به گونه‌ای که مردم هر شهر او را می‌بینند و هیچ شهری نباشد جز آنکه اهل آن شهر گمان برند که قائم (عج) همراه آنان در آن شهر است. و با دست بلند می‌کند پرچم حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را و عمود آن پرچم از عرش الهی است و به کمک و مدد خداوند آن پرچم را حرکت می‌دهد و به سبب آن پرچم حمله‌آور نمی‌شود به سوی کسی مگر اینکه خداوند آن شخص را هلاک می‌کند و هنگامی که آن پرچم را حرکت می‌دهد هر مؤمنی دلش (ایمانش) مثل آهن محکم می‌گردد و به هر یک از اصحابش قدرت چهل مؤمن عطا شده است و هر مؤمنی گر چه در گور باشد شادان

.....ستاره سرپل نهاب

شود، و به دیدار هم روند، و مژده ظهور قائم (عج) را به یکدیگر دهند. و سیزده هزار و سیصد و سیزده ملک بر او نازل می شود.

پرسیدم این همه ملائکه بر او نازل می شوند؟ فرمود: آری!

آن ملائکه که بودند با نوح علیه السلام در کشتی و آنها که بودند با ابراهیم علیه السلام، آن زمانی که او را داخل آتش انداختند و آنها که با موسی علیه السلام بودند، زمانی که شکافت دریا را برای بنی اسرائیل و آنها که با عیسی علیه السلام بودند، زمانی که خداوند او را به آسمان بالا برد و چهار هزار ملائکه مسومین، یعنی نشان کرده شده با عمامه های زرد که با پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند و هزار ملائکه مردفین، یعنی از پی یکدیگر برآمده و سیصد و سیزده ملک که در (جنگ) بدر بودند و چهار هزار ملک که نازل شدند و اراده داشتند یاری کنند حسین بن علی علیه السلام را. پس اذن نداد ایشان را در مقاتله و آنها در نزد قبر آن حضرت هستند، ژولیده و غبار آلود و گریه می کنند بر او تا روز قیامت و رئیس ایشان ملکی است که او را منصور می گویند.

پس کسی آن حضرت را زیارت نمی کند مگر آنکه استقبالش می نمایند و هر کس وداع نماید قبر حسین علیه السلام را بدرقه اش می نمایند و اگر آن زائر بیمار شود عیادتش می کنند و اگر بمیرد بر او نماز می خوانند و برایش استغفار می کنند بر او بعد از مردنش و همه این ملائکه در زمینند و انتظار می کشند قیام آن حضرت را تا وقت خروجش را<sup>(۱)</sup> «اللهم عجل لولیک الفرج و جعلنا من انصاره و اعوانه بحق محمد و آل محمد».

### احترام به سادات

علامه مجلسی رحمته الله به نقل از حسن بن محمد قمی مولف کتاب تاریخ قم نقل می‌کند که یکی از سادات به نام حسین بن حسن بن جعفر بن محمد بن اسماعیل بن جعفر صادق علیه السلام در شهر مقدس قم زندگی می‌کرد و به کارهای ناروا دست می‌زد و گاهی به کردار ناشایست تظاهر می‌کرد. سید حسین یک روز جهت حاجتی به درب منزل احمد بن اسحاق آمد و احمد در آن زمان وکیل اوقاف قم بود. وقتی که به درب منزل احمد رسید احمد او را راه نداد و از محبت خود منع کرد آن سید ملول و غمگین به منزل خود مراجعت نمود.

پس از مدتی از این جریان احمد بن اسحاق جهت موسم حج به مکه عزیمت نمود در بازگشت چون به سامراء رسید به درب خانه امام حسن عسکری علیه السلام رفته اجازه ورود خواست. اما حضرت به وی اجازه ورود نداد. احمد گریه فراوانی کرد تا اینکه سرانجام امام او را پذیرفت. هنگامی که به خدمت پیشوای معصوم خود رسید عرض کرد: ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله به چه سبب مرا از دیدار خود منع کردید، در حالی که من شیعه و از دوستان شما هستم!

امام علیه السلام فرمود: چرا به سید حسین اجازه ورود ندادی؟! احمد گریست و در آن حال گفت: به خدا سوگند تنها هدفم بیداری و توبه تو او بود. امام علیه السلام فرمود: راست می‌گویی، ولی وظیفه داشتی به خاطر ما او را گرامی داشته، کوچک‌شماری و از اهانت بپرهیزی که گرفتار شوی و

گناهکار گردی.

**احمد بن اسحاق** هنگامی که به قم بازگشت اعیان و اشراف و طبقات مختلف مردم به دیدنش آمدند، سید حسین نیز در میان دیدار کنندگان بود. احمد با مشاهده سید به سوی او شتافت، وی را گرامی داشت و در صدر مجلس نشانید. سید حسین که هرگز انتظار چنین احترامی را نداشت با شگفتی سبب را پرسید. احمد ماجرای دیدار با امام علیه السلام را بیان کرد. چون سید از حکایت با خبر شد از کردار زشت خود پشیمان شده، توبه کرد و ابزار گناهش را نابود ساخت و از پروا پیشگان و ملازمان مسجد شد، تا آن زمان که جان را تسلیم حق نمود و چون از دنیا رفت او را در جوار قبر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دفن نمودند<sup>(۱)</sup>.

### فضیلت عالم بر عابد

**احمد بن اسحاق** رضی الله عنه از سعدان بن مسلم از معاویه بن عمّار نقل می کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی است که از شما روایت بسیار نقل می کند و میان مردم انتشار می دهد و دل مردم و شیعیان را استوار می کند و شاید عابدی از شیعیان شما باشد که در روایت چون او نباشد کدامیک بهترند؟ امام فرمود: آنکه احادیث ما را روایت کند و دلهای شیعیان را استوار سازد از هزار عابد بهتر (برتر) است<sup>(۲)</sup>.

۱- حدیث ۱۱۹، همین نوشتار.

۲- حدیث ۶۲، همین نوشتار.

### پاداش کسی که به دیدن دوست مؤمنش رود

احمد بن اسحاق از بکر بن محمد نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مسلمانی از برادر مسلمانش در راه خدا و برای خدا دیدن نکند جز آنکه خدای عزوجل فریادش زند: ای زائر خوش باش و بهشت برایت خوش باشد <sup>(۱)</sup>.

### ثواب دست دادن با برادر مؤمن

احمد بن اسحاق از بکر بن محمد از اسحاق بن عمار نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: کسی قدر خدای عزوجل را نداند و نیز قدر پیغمبرش را نداند و قدر مؤمن را هم نداند، مؤمن برادرش را ملاقات می‌کند، پس خداوند به آنها نظر می‌کند و گناهان از رخسارشان بریزد تا از یکدیگر جدا شوند، چنانکه تندباد برگ را از درخت فرو میریزد <sup>(۲)</sup>.

### پاداش خوشحال کردن مؤمن

احمد بن اسحاق از سعدان بن مسلم از عبدالله بن سنان نقل می‌کند: که مردی خدمت امام صادق علیه السلام بود و این آیه را قرائت کرد «کسانی که مردان و زنان مؤمن را به غیر آنچه کرده‌اند (بدون گناه) آزار دهند، بهتان و گناه

۱- حدیث ۵۶، همین نوشتار.

۲- حدیث ۵۳، همین نوشتار.

ستاره سرپل نهاب.....

آشکار به گردن گرفته اند»<sup>(۱)</sup>.

امام صادق علیه السلام فرمود: پس ثواب کسیکه به مؤمنی شادی رساند چیست؟ عرض کردم قربانت، ده حسنه. فرمود: آری به خدا، و هزار هزار حسنه<sup>(۲)</sup> (یعنی به مقدار افزایش شادی و خلوص نیت و زحمتی که در آن راه تحمل می کند، حسنه افزایش یابد).

### احترام به سالخوردگان

احمد بن اسحاق از سعدان بن مسلم از ابوبصیر نقل می کند که: امام صادق علیه السلام فرمود: از احترام به خداست احترام به سپیدموی مسلمان<sup>(۳)</sup>.

### ریشه های کفر

احمد بن اسحاق از بکر بن محمد از ابوبصیر نقل می کند که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است: حرص و تکبر و حسد. اما حرص در داستان آدم علیه السلام است زمانیکه از خوردن آن درخت نهی شد و حرص او را بر انگیخت که از آن بخورد و اما تکبر، در داستان شیطان است که چون مأمور به سجده آدم شد سرپیچی کرد. و اما حسد، در داستان دو پسر آدم (هابیل و قابیل) است، زمانیکه یکی دیگری را کشت<sup>(۴)</sup>.

۱- سوره احزاب، آیه ۵۸.

۲- حدیث ۵۷، همین نوشتار.

۳- حدیث ۵۲، همین نوشتار.

۴- حدیث ۶۱، همین نوشتار.

مرحوم مجلسی گوید: گویا مراد از ریشه‌های کفر گناهانی است که گاهی موجب کفر شود نه همیشه، و کفر نیز معانی بسیاری دارد، مانند انکار خداوند سبحان و عناد و لجاج نسبت به صفاتش و مانند انکار پیغمبران و حجج او و انکار تعلیمات آنها و مانند نافرمانی خدا و رسولش و چون ناسپاسی نعمتهای خدا تا رسد به ترک اولی، پس حرص گاهی سبب ترک اولی و گاهی موجب گناه صغیره یا کبیره‌ای می‌شود، تا به شرک و انکار خدا می‌رسد، و حرص آدم علیه السلام موجب ترک اولای او شد ولی در فرزندش تکامل پیدا کرد تا به کفر و انکار خدا رسید، از اینرو حرص را ریشه کفر نامیدند، و همچنین نسبت به تکبر و حسد و صفات دیگر. و اما راجع به شیطان برخی حسد را موجب سجده نکردنش دانسته‌اند، ولی از آیه شریفه «خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ»<sup>(۱)</sup> که خودش بدان تمسک کرده و نیز از این روایت پیدا است که همان استکبار (خودپسندی و منیت و بزرگی طلبی) او باعث گناهِش شد.

### چرا دعا مستجاب نمی‌شود؟

احمد بن اسحاق از سعدان بن مسلم از اسحاق بن عمار نقل می‌کند که: امام صادق علیه السلام فرمود: راستی مؤمن برای حاجت خود به درگاه خداوند عزوجل دعا می‌کند و خداوند عزوجل می‌فرماید: اجابتش را به تأخیر اندازید برای اشتیاق به آواز و دعاء او و چون روز قیامت شود خداوند

۱-سوره اعراف، آیه ۱۲، سوره ص، آیه ۷۶.



عزوجل فرماید: ای بنده من دعا کردی و اجابت تو را به تأخیر انداختم اکنون ثواب تو چنین و چنان است و تو مرا درباره چنین و چنان (ناقابل دعا کردی) و من اجابت تو را به تأخیر انداختم و ثوابت چنان و چنین است، گوید: مؤمن آرزو می کند که کاش هیچ دعائی برای او در دنیا به اجابت نرسیده بود (و ثوابش برای آخرت او ذخیره شده بود) برای آنچه که از حسن پاداش الهی می بیند<sup>(۱)</sup>.

### وقت استجابت دعا

**احمد بن اسحاق** از سعدان بن مسلم از معاویه بن عمار نقل می کند که: امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم را این شیوه بود که چون طلب حاجتی می کرد آن را هنگام ظهر طلب می کرد و چون آهنگ آن می نمود چیزی صدقه می داد و به مستحق می رسانید و مقداری عطر می بوئید (استعمال می کرد) و به مسجد می رفت و برای حاجت خود دعا می کرد به آنچه از خدا می خواست<sup>(۲)</sup>.

### فایده دعا

**احمد بن اسحاق** از بکر بن محمد روایت می نماید که امام صادق علیه السلام فرمود: دعاء قضاء را دفع می کند و بدرستی که مؤمن مرتکب گناه می شود و به همین سبب از روزی محروم می شود<sup>(۳)</sup>.

۱- حدیث ۳۲، همین نوشتار.

۲- حدیث ۳۳، همین نوشتار.

۳- حدیث ۳۴، همین نوشتار.

### فضیلت نماز اول وقت

احمد بن اسحاق از بکر بن محمد از دی نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: (نماز) اول وقت برای مؤمن خیرش از زن و فرزند او برایش بیشتر است <sup>(۱)</sup>.

### شرف و عزت مؤمن به چیست؟

احمد بن اسحاق از سعدان بن مسلم از عبدالله بن سنان نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: شرافت مؤمن به خواندن نماز شب است و عزت او چشم پوشی از ناموس مردم است <sup>(۲)</sup>.

### تجدید وضو ده حسنه دارد

احمد بن اسحاق از سعدان بن مسلم از بعضی از اصحاب نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود: وضو گرفتن بر روی وضو، ده حسنه دارد <sup>(۳)</sup>. «منظور این است که اگر شخصی مثلاً صبح وضو گرفته و تا هنگام نماز ظهر یکی از کارهایی که وضو را باطل می‌کند انجام نداده باشد می‌تواند با همان وضویی که به قصد طهارت گرفته نمازش را بخواند اما اگر برای نماز ظهر مجدداً وضو بگیرد خداوند ده حسنه به او عنایت می‌فرماید».

۱- حدیث ۶۴، همین نوشتار.

۲- حدیث ۶۳، همین نوشتار.

۳- حدیث ۲۷، همین نوشتار.

## قبولی اعمال به شناخت اهل بیت علیهم السلام است

احمد بن اسحاق از سعدان بن مسلم از معاویه بن عمار نقل می کند که  
امام صادق علیه السلام درباره آیه:

«وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا»<sup>(۱)</sup>.

خدا را نامهایی نیکوست او را با آنها بخوانید فرمود:

به خدا سوگند آن نامهای نیکو ما هستیم که خدا عملی از بندگان  
نپذیرد مگر آنکه همراه با شناخت ما باشد<sup>(۲)</sup>.

## خوشبخت ترین انسان

احمد بن اسحاق از بکر بن محمد ازدی از امام صادق علیه السلام نقل  
می فرماید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:  
خداوند می فرماید:

ریشک برانگیزترین دوستانم نزد من بنده مؤمنی است که بهره ای از  
شایستگی دارد و عبادت پروردگارش را نیکو انجام می دهد. مرا در نهان  
عبادت می کند و در میان مردم گمنام است. با انگشت به او اشاره نمی شود.  
روزیش به قدر کفاف است و بر آن صبر می کند. مرگش زود می رسد و میراث  
و گریه کننده هایش کم هستند<sup>(۳)</sup>.

۱-سوره اعراف، آیه ۱۸۰.

۲-حدیث ۵، همین نوشتار.

۳-حدیث ۶۵، همین نوشتار.

### چگونگی صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

احمد بن اسحاق از بکر بن محمد نقل می‌کند که می‌گوید شنیدم امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به بعضی از اصحابش که اینگونه بر پیامبر صلوات می‌فرستند «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ».

فرمود؛ اینطور صلوات نفرستید بلکه به این طریق که می‌گوییم صلوات بفرستید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلْتَ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ»<sup>(۱)</sup>.

### ده منزلت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

احمد بن اسحاق از بکر بن محمد از دی از بعضی از اصحاب نقل می‌کند از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام که فرمود: امام علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: برای من نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ده منزلت است که هر کدام از آنها، مرا بیش از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد خوشحال می‌کند.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: تو برادر من در دنیا و آخرت هستی جایگاه تو در روز قیامت، از همه مردم به جایگاه من نزدیکتر است. خانه تو در بهشت، مقابل خانه من است. همان گونه که برادران دینی روبروی یکدیگرند. تو در دنیا و آخرت، صاحب لواء من هستی. تو در میان خاندان من و نسبت به اموال من و مسلمین در تمامی صحنه‌هایی که حضور ندارم،

.....ستارهٔ سرپل زهاب

وصی، وارث و جانشین من هستی. شفاعت تو شفاعت من است. دوست تو دوست من و دوست من، دوست خداست. دشمن تو دشمن من، و دشمن من، دشمن خداست<sup>(۱)</sup>.

### نوشاندن آب فرات به کودکان

احمد بن اسحاق از سعدان بن مسلم «سند حدیث مرفوعه است» نقل می‌کند که امیر المومنین علی علیه السلام فرمود: آگاه باشید، چنانکه کوفیان کام نوزادان خود را به آب فرات برمی‌داشتند، همگی از شیعیان ما می‌شدند<sup>(۲)</sup>.

### ثواب برگزاری مجالس اهل بیت علیهم السلام

احمد بن اسحاق از بکر بن محمد ازدی، نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

آیا شما جلساتی برگزار می‌کنید که در آن احادیث ما را بازگو کنند؟  
عرض کردم فدایت شوم آری.

امام علیه السلام فرمود: ما این جلسات را دوست داریم زیرا که امر ما (احکام خداوند) زنده می‌شود. خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را (احکام خداوند) را زنده می‌کند.

بدان هر کس از (شیعیان) نام ما را ذکر کند یا اینکه نزد او نام ما برده

۱- حدیث ۱۲، همین نوشتار.

۲- حدیث ۲، همین نوشتار.

شود و به اندازه بال مگسی گریه کند خداوند گناهان او را می بخشد اگر چه به اندازه کفهای روی دریا باشد<sup>(۱)</sup>.

## فصل پنجم

### پرواز به ملکوت

احمد بن اسحاق، آن محدث و فقیه و ارسته پس از عمری تلاش خستگی ناپذیر در راه زنده نگه داشتن آخرین و کامل ترین دین الهی، تحت فرمان نهمین، دهمین، یازدهمین و دوازدهمین جانشینان بر حق پیامبر اکرم ﷺ تا آخرین لحظه کوشید و پرچم وکالت را جاودانه به اهتزاز در آورد و لحظه‌ای در این راه مقدس درنگ نکرد.

سرانجام آن مرد پاک نهاد هنگامی که از موسم حج باز می‌گشت پس از اینکه به شهر سامراء رسید از امام عصر (روحی له الفداء) دو حاجت طلبید یکی اینکه پارچه کفنی به او بدهد و دوم اینکه امام استعفای او را از وکالت قبول کند چون پیر شده بود و نمی‌توانست از عهده عمل برآید.<sup>(۱)</sup> حاجت اول برآورده شد شیخ اجل کثی می‌گوید وقتی پارچه (کفن) به احمد رسید

او گفت: «نعمي إلی نفسي» سرورم خبر وفات مراد داده است<sup>(۱)</sup>.

در مورد حاجت دوم امام علیه السلام به او فرمود: «چون به قم رسیدی، می نویسم به سوی تو آنچه را که خواستی»<sup>(۲)</sup> شیخ ابو جعفر محمد بن جریر طبری می گوید: احمد از امام زمان علیه السلام اجازه خواست از سامراء به سوی قم حرکت کند، امام علیه السلام نیز به او اجازه سفر داد اما امام علیه السلام فرمود: «او به قم نمی رسد در راه بیمار می شود و وفات می کند» پس هنگامی که بسوی قم باز می گشت در حلوان «سرپل ذهاب» دعوت حق را لیک گفت و به سوی معبودش پرواز کرد و در آنجا مدفون شد... استأذن فی المسیر إلی قم فخرج الإذن بالمضي و ذکر أنه لا یبلغ إلی قم و أنه یمرض و یموت فی الطريق بحلوان و مات و دفن بها رضی الله عنه و أقام مولانا علیه السلام بعد مضي أحمد بن اسحاق الأشعری بسر من رأی مدة ثم غاب»<sup>(۳)</sup>.

برخی با توجه به حدیث طولانی سعد بن عبدالله ابن ابی خلف اشعری که در فصل چهارم تحت عنوان «گزارش سفر» از نظرتان گذشت بر این عقیده اند که احمد در زمان امام حسن عسکری علیه السلام رحلت نموده است اما آنچه مسلم است احمد بن اسحاق تا چند سال بعد از امام حسن عسکری علیه السلام که در سال ۲۶۰ (ه. ق) به شهادت رسیده در قید حیات بوده است. گذشته از آن چه تا کنون ذکر کرده ایم قرائن و دلائل محکم دیگری نیز

۱- اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ج ۲، ص ۸۲۱، ش ۱۰۵۲.

۲- نجم الثاقب، باب ششم، ص ۳۵۵.

۳- دلائل الإمامة، ج ۱، ص ۲۷۱.



وجود ندارد که ما را بر زنده بودن احمد بن اسحاق در سالهای آغازین امامت حضرت مهدی (عج) رهنمون می‌سازد.

امام قبل از آنکه دلائل دیگر را ذکر کنیم فهرست وار دلائل گذشته را مرور می‌کنیم.

۱ - خبر کشتی در «اختیار معرفة الرجال» که در آن آورده بود امام زمان (عج) احمد بن اسحاق را ثقه دانسته بود.

۲ - خبر کشتی که در آن آورده بود امام زمان (عج) کفنی برای احمد بن اسحاق فرستاد و بعد از آن آورده بود «احمد بن اسحاق بن سعد القمی عاشر بعد وفاة ابي محمد عليه السلام و أتيت بهذا الخبر ليكون اصح لصلاحه و ما ختم له به»

۳ - تصریح شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «الغیبة» بر این مطلب با این جملات «قد كان في زمان السفراء المحمودين اقوام ثقة ترد عليهم التوقيعات من قبل المنصوبين للسفارة من الاصل و منهم احمد بن اسحاق»

۴ - تصریح ابن طاووس در «ربيعه الشيعة» بر این مطلب با این جملات: «انه من الوكلاء و انه من السفراء و الابواب المعروفين الذين لا تختلف الشيعة القائلون بإمامة الحسن بن علي عليه السلام فيهم».

۵ - تصریح شیخ ابو جعفر محمد بن جریر طبری در «دلائل الامامة» که روایت نموده بود از امام عصر عليه السلام که ایشان فرموده بود: «احمد بن اسحاق به قم نمی‌رسد، در راه مریض می‌شود و وفات می‌کند».

۶ - روایتی را که محدث نوری در نجم الثاقب آورده بود که از

استعفای احمد بن اسحاق از وکالت امام زمان علیه السلام به دلیل کهولت سن سخن می گفت.

## دلایل دیگر

### ۱ - نامه امام عصر علیه السلام به احمد بن اسحاق علیه السلام

یکی دیگر از دلایلی که ما را بر زنده بودن احمد بن اسحاق علیه السلام در زمان امامت حضرت مهدی علیه السلام رهنمون می سازد روایتی است که شیخ طوسی از جماعتی از علماء از هارون بن موسی تلعکبری، از احمد بن علی رازی از ابو الحسین اسدی، از سعد بن عبدالله اشعری، روایت می کند که احمد بن اسحاق گفت:

یکی از شیعیان آمد به نزد من و گفت: «جعفر بن علی»<sup>(۱)</sup> نامه ای به

---

۱ - جعفر، برادر امام حسن عسکری علیه السلام به واسطه فساد محیط شهر سامراء پایتخت متوکل عباسی و به علت اینکه پدرش امام علی النقی و برادرش امام عسکری علیه السلام پیوسته تحت تعقیب خلفای بنی عباس قرار داشتند و در زندان آنها به سر می بردند، لذا بر اثر بی سرپرستی و آمیزش با ناصبی ها و دشمنان اهل بیت عصمت و طهارت همچون پسر نوح گشت که با بدان بنشست و خاندان نبوتش گم شد، او نیز منحرف گشت و رنگ محیط و مردم نا اهل به خود گرفت و مصداق کامل «انه لیس من اهلک، انه عمل غیر صالح» گردید. شیخ طوسی ضمن حدیثی که نقل می کند از شرابخواری و مستی او حکایت می کند، می گوید: کارهای زشت و گفتارهای ناهنجاری که از وی روایت شده به قدری زیاد است که نمی توان احصاء نمود و ماکتاب خود را پاکتر از آن می دانیم که آنها را ثبت کند. جعفر بن علی از طرف دستگاه بنی عباس تقویت می شد و آن عنصر فاسد را عامل خود دانسته و در مقابل امام حسن عسکری علیه السلام تقویت می کردند پس از آن حضرت او را وا داشتند که خود را امام دوازدهم شیعه بداند تا بدان وسیله مسئله امام غائب را لوث کنند. جعفر نیز دعوی امامت و جانشینی برادر کرد. امام زمان (عج) طی تویعهایی از جمله همین تویع او را دروغگو دانست. به همین جهت در بین شیعیان به جعفر «کذاب» مشهور شد. «مفاخر اسلام»، ج ۲، ص ۴۰»

وی نوشته و خود را امام دانسته و ادعا کرده بود که امام بعد از پدرم من هستم و علم حلال و حرام و آنچه مورد احتیاج مردم است و سایر علوم همه و همه در نزد من است.

**احمد بن اسحاق** گفت: وقتی آن نامه را خواندم نامه‌ای در این خصوص به امام عصر (عج) نوشتم و نامه جعفر را هم در لابه لای آن گذاردم و به ناحیه مقدسه حضرت ارسال داشتم و جواب آن بدین گونه صادر شد:

بنام خداوند بخشنده مهربان. خداوند تو را پاینده بدارد از نامه تو و آنچه را که در لابه لای آن گذارده و فرستاده بودی به من رسید و از تمام مضمون آن به اختلاف الفاظش و خطاهای چندی که در آن روی داده است مطلع گشتم. اگر به دقت در آن می‌نگریستی، تو نیز متوجه برخی از آنچه من از آن فهمیدم می‌شدی! خداوند بی شریک و پرورش دهنده موجودات را بر نیکی که به ما عطا فرموده و فضیلتی که به ما داده است سپاسگذارم که همیشه حق را به کمال می‌رساند و باطل را از میان می‌برد. خداوند بر آنچه هم اکنون من می‌گویم گواه است و من هم ضامن بر آن هستم، و در روز قیامت که وقوع آن تردید ندارد، وقتی در پیشگاه باریتعالی گرد آمدیم و از آنچه درباره آن اختلاف داریم سوال کرد گواهی به صدق گفتار من خواهد داد، و آن این است که:

خداوند صاحب این نامه (جعفر کذاب) را نه بر کسی که نامه به او نوشته و نه بر تو و نه بر هیچ یک از مخلوفات، امام واجب‌الاطاعة قرار نداده و اطاعت و پیمان او را بر هیچ کس لازم ندانسته است. من به زودی مطلبی را

.....ستارهٔ سر پل ذهاب

به همهٔ شما می‌گویم که بخواست خدا بدان اکتفا کنید.

ای احمد بن اسحاق خدا تو را رحمت کند! بدان که خداوند بندگانش را بیهوده نیافریده و سرنوشت آنها را مهمل نگذاشته است. بلکه آنها را با قدرت کاملهٔ خود آفرید و به آنان چشم و گوش و قلب و فکر عطا فرموده است. آنگاه پیغمبران را به منظور بشارت به عدل خداوند و ترساندن آنها از نافرمانی او، به سوی آنها فرستاد، تا آنان را به پیروی از ذات مقدسش وا دارند، و از نافرمانیش پرهیز دهند، و آنچه را از امر خداوند و دین خود نمی‌دانند به آنها بفهمانند.

آنگاه به واسطهٔ فضل و دلایل آشکار و براهین روشن و علائم غالبه، کتابهایی بر آنها نازل فرمود و فرشتگان را به سوی آنها فرستاد تا آنها میان خدا و پیغمبران واسطه و فرمانبر باشند. یکی را خلیل و دوست خود گرفت و آتش را بر وی گلستان کرد (حضرت ابراهیم علیه السلام) و دیگری را مخاطب ساخت و با وی سخن گفت و عصایش را از دهبایی آشکار گردانید (حضرت موسی علیه السلام) و دیگری به اذن پروردگار مرده را زنده کرد و هم به اجازهٔ او افراد لال و پیسی را شفا داد (حضرت عیسی علیه السلام) و دیگری را منطق الطیر و فهم زبان مرغان موهبت کرد، و سلطنت بر همه چیز داد (حضرت سلیمان علیه السلام)

آنگاه محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان رحمتی برای جهانیان برانگیخت، و نعمت خود را به وسیلهٔ ظهور او بر مردم تمام کرد و طومار نبوت را با وجود مبارکش مهر نمود، و او را به سوی همهٔ مردم فرستاد و از راستگویی او آیات و علامات خود را آشکار ساخت، و در حالی که وی پسندیده و نیکبخت بود

قبض روحش نمود. سپس منصب خلافت او را برای برادر و پسر عمو و جانشین بدون فصل و وارثش علی بن ابیطالب علیه السلام و پس از وی برای جانشینان او که از دودمان وی بودند یکی پس از دیگری قرار داد، تا دین خود را به وسیله آنها زنده گرداند، و نور خود را کامل نماید و میان آنها و برادران و اولاد عموی آنها و مردم طبقه پائین و از کسان وی، فرق آشکاری گذاشت. تا بدان وسیله حجت خدا را از ارتکاب گناهان حفظ کرده و از عیبها پیراسته گردانیده و از پلیدیها پاکیزه نموده و از شبهات برکنار دارد، و آنها را خزینه علم و امین حکمت و محل سرّ خود قرار داده و با دلائل روشن تایید فرمود: اگر جز این بود مردم همه یکسان بودند و هر بی سروپائی دعوی امر الله و منصب خدائی می کرد و دیگر حق از باطل، و عالم از جاهل امتیاز نمی یافت!

این مفسد (جعفر کذاب) که بر خداوند دروغ بسته و ادعای امامت دارد، نمی داند به چه چیز خود نظر داشته است؟ اگر امید به فقه و دانائی در احکام دین خدا دارد، به خدا قسم او نمی تواند حلال را از حرام تشخیص دهد، و میان خطا و صواب فرق بگذارد، و چنانچه به علم خود بالیده، او قادر نیست حق را از باطل جدا سازد، و آیات محکم قرآنی را از متشابه آن تمیز دهد و حتی از حدود نماز و وقت (وجوب و استحباب) آن اصلا اطلاع ندارد. و اگر به تقوا و پرهیزکاری خود اطمینان داشته است؛ خداوند گواه است که او چهل روز نماز واجبش را ترک کرد، به این منظور که با ترک نماز بتواند شعبده بازی را یاد بگیرد! شاید خبر آن به شما رسیده باشد. ظرفهای

.....ستاره سرپل نهاب

شراب او را همه دیده‌اند علاوه بر اینها آثار و علائم نافرمانی وی از امر و نهی مشهود و نزد همگان محقق است.

و چنانچه ادعای وی مبتنی بر معجزه است معجزه خود را بیاورد نشان دهد، و اگر حجتی دراد آنرا اقامه نماید و چنانچه دلیلی دارد ذکر کند! چنانکه خداوند فرموده است:

«این کتابی است (قرآن مجید) که از جانب خداوند مقتدر حکیم نازل شده، ما آسمانها و زمین و آنچه را که در بین آسمانها و زمین است، جز به حق و مدتی که نامبرده شده، نیافریدیم، ولی به آنها (مخالفان از مردم مکه) که کافر گشتند، و از آنچه آنها را بیم داده‌اند، دوری می‌گزینند، بگو: به من بگوئید آنها را که خدا می‌داند به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را خلق کرده‌اند؟ آیا (به نظر آنها) در خلقت آسمانها، خداوند شریکی داشته است؟ اگر کتابی قبل از این (قرآن) از جانب خدا آمده (و شما اطلاع دارید) یا دارای پاره‌ای دانش پیغمبران می‌باشید، به من نشان دهید، اگر راست می‌گوئید (و این ادعا دلالت بر راستی گفتار شما دارد) کیست گمراه‌تر از کسی که معبودی جز خدای یکتا را می‌خواند؟ کسی که تا روز قیامت، آنها را اجابت نکند (و دعایش مستجاب نمی‌شود) و آن خدایان باطل از این که (بت پرستان) آنها را به یاری می‌خوانند، غافل هستند، در وقتی که این مردم (بت پرستان) که همین خدایان آنها دشمن ایشان خواهند بود، پرستش آنها را انکار می‌کنند»<sup>(۱)</sup>.

ای احمد بن اسحاق! خداوند توفیقات تو را افزون کند، آنچه را گفتم از این ستمگر (جعفر کذاب) بپرس، او را بدین گونه امتحان کن و یک آیه قرآن را از وی سؤال کن که تفسیر کند و یا از یک نماز واجبی از او سؤال کن تا حدود و اجبات آنرا بیان نماید، تا چنانکه باید پی به ارزش آن ببری و نقص و کمبود او برایت آشکار گردد. محاسبه او با خداست.

خداوند حق را برای اهلش حفظ کند، و در جای خود قرار دهد. بعلاوه خداوند جز در حسن و حسین (علیهما السلام) امامت را در هیچ دو برادر دیگری قرار نداده است. هرگاه خدایند به ما اجازه دهد که سخن بگوئیم آن وقت حق و حقیقت آشکار می گردد. و باطل از میان می رود، و هر گونه شک و تردیدی بر طرف می شود. من شاکر الطاف خداوند و مرحمت او هستم، و حسبنا الله و نعم الوکیل و صلی الله علی محمد و آله محمد<sup>(۱)</sup>. (از ترجمه آقای علی دوانی استفاده شد با اندکی تصرف)

## ۲ - آیا حضرت مهدی (عج) را دیده‌ای؟

دلیل دیگری که ما بر زنده بودن احمد بن اسحاق رضی الله عنه بعد از شهادت امام حسن عسکری رضی الله عنه رهنمون می سازد خبری است که عبدالله جعفر حمیری راوی اوست.

عبدالله بن جعفر حمیری می گوید:

پس از چند سال که از رحلت امام حسن عسکری رضی الله عنه گذشته بود به

قصه حج وارد مدینه شده و نزد احمد بن اسحاق رفتیم.

دیدم که اباعمر و (عثمان بن سعید) اولین نائب خاص امام زمان (عج) نزد وی است.

به عثمان بن سعید گفتم:

این شیخ - یعنی احمد بن اسحاق - چنین و چنان می گوید<sup>(۱)</sup>. پس آنچه که بین ما گذشته بود - یعنی از فضائل عثمان بن سعید و موقعیتش در نزد امام معصوم علیه السلام همه را بازگو نمودم و گفتم:

شما اکنون کسی هستید که شکی در راستی و صداقت گفتارتان نیست؛ پس شما را سوگند می دهم به حق خداوند و حق دو امامی که (امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام) شما را توثیق نموده اند، آیا شما فرزند امام حسن عسکری علیه السلام را که صاحب الزمان است را دیده اید؟ [عثمان بن سعید] به گریه افتاد و فرمود:

آیا قول می دهی تا زنده هستم، کسی را بر این راز آگاه نسازی؟

---

۱ - روزی احمد بن اسحاق به حضور امام هادی علیه السلام رسید و به ایشان چنین عرض کرد: سرورم من گاهی توانایی دیدار شما را داشته، گاهی نیز از این فیض محروم می مانم و در همه حال سعادت حضور در نزد شما برایم فراهم نمی گردد حال گفتار چه کسی را بپذیریم و از دستور چه کسی پیروی نمایم؟ امام علیه السلام به عثمان بن سعید که در جوار آن حضرت بود اشاره کرد و فرمود این ابو عمرو (عثمان بن سعید) مردی مورد اعتماد و امین است، آنچه را او برای شما گفت در واقع از جانب من می گوید و هر آنچه به شما رساند، از طرف من می رساند. احمد بن اسحاق بعد از رحلت امام هادی علیه السلام به نزد امام حسن عسکری علیه السلام رفته و همان پرسش را مطرح نمود، امام علیه السلام فرمود: عمری (عثمان بن سعید) و پسرش (محمد بن عثمان) مورد اعتمادند. هر چه از جانب من به تو برسانند بواقع من رسانیده ام و هر چه از طرف من به تو بگویند بواقع من گفته ام. از آنها بشنو و اطاعت کن، زیرا که هر دو ثقه و امین هستند. حدیث ۱۰۴، همین نوشتار.



گفتم آری.

فرمود: محققاً که او را دیده‌ام و.....

گفتم: اسم آن حضرت چیست؟

فرمود: از بردن اسم نهی شده‌اید<sup>(۱)</sup>.

### ۳ - دیدار حسن بن نصر با امام عصر (عج)

و آخرین دلیلی که ما را بر زنده بودن احمد بن اسحاق رضی الله عنه بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام رهنمون می‌سازد این چنین است که شیخ کلینی از علی بن محمد از سعد بن عبدالله روایت می‌کند: حسن بن نصر و ابو صدام و جماعتی دیگر بعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیه السلام دربارهٔ وجوهی که در دست و کلاه آن حضرت بود سخن می‌گفتند (که آنها را چه باید کرد؟) و خواستند جستجو کنند. (تا وصی آن حضرت را پیدا کنند) حسن بن نصر نزد ابی صدام آمد و گفت: من می‌خواهم حج گزارم، ابو صدام گفت:

امسال را به تاخیر انداز، حسن گفت: من در خواب می‌ترسم (زیرا خوابهای پریشان می‌بینم) و ناچار باید بروم، آنگاه به احمد بن یعلی بن حماد وصیت کرد (درباره کارهای شخصی و امور مربوط به خانواده‌اش) و پولی هم برای ناحیه وصیت کرد و به او دستور داد که هیچ پولی به کسی ندهد مگر با دست خودش و به دست او (یعنی حضرت صاحب الزمان علیه السلام) بعد از آنکه او را کاملاً بشناسد. حسن گوید: چون به بغداد رسیدم، منزلی

۱ - حدیث ۱۲۶، همین نوشتار.

.....ستاره سرپل نهاب

اجاره کردم و آنجا فرود آمدم، یکی از وکلاء نزد من آمد و مقداری جامه و پول دینار نزد من گذاشت، گفتم اینها چیست؟

گفت: همین است که می بینی بعد از او دیگری آمد و مانند او اموال و پول آورد تا خانه پر شد، سپس **احمد بن اسحاق** هم هر چه نزدش بود آورد من به فکر فرو رفته بودم که ناگاه نامه آن مرد (صاحب الزمان علیه السلام) به من رسید که: وقتی فلان مقدار از روز گذشت، آنچه نزدت هست بیاور. من هر چه داشتم برداشتم و رهسپار شدم. در میان راه دزدی راهزن با ۶۰ نفر همراهش بودند ولی من از آنجا گذشتم و خدا مرا از شر او نگهداری فرمود تا به سامرا رسیدم، نامه ای به من رسید که هر چه همراه داری بیاور، من آن چه داشتم در سبد سردار باربرها نهادم: چون به دهلیز خانه رسیدیم مرد سیاه پوستی را دیدم آنجا ایستاده است گفت: حسن بن نصر، توثی؟ گفتم: آری، گفت وارد شو، من وارد منزل شدم و به اتاقی رفتم و سبد را خالی کردم. در گوشه اتاق نان بسیاری دیدم به هر یک از باربرها دو گرده نان داد و آنها را بیرون کرد، آنگاه دیدم از اتاقی که پرده ای بر آن آویخته بود، کسی مرا صدا زد و گفت: حسن بن نصر برای منی که خدا بر تو نهاد، (که امام خود را شناختی و حقش را به او رسانیدی) او را شکر کن و شک منما، شیطان دوست دارد که تو شک کنی، و دو جامه به من داد و گفت: اینها را بگیر که محتاجش خواهی شد آنها را گرفتم و بیرون آمدم. سعد گوید: حسن بن نصر برگشت و در ماه رمضان درگذشت و در آن دو جامه کفن شد. <sup>(۱)</sup>

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۷، باب مولد الصاحب علیه السلام، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰۸، باب

با توجه به روایاتی که گذشت به روشنی آشکار می‌گردد که احمد بن اسحاق رضی الله عنه در سالهای آغازین امامت حضرت مهدی علیه السلام در سرپل ذهاب در گذشته است.

## فصل ششم

### سر پل ذهاب و بارگاه احمد بن اسحاق رحمته الله

#### ۱- موقعیت جغرافیایی

شهرستان سر پل ذهاب با وسعتی حدود ۱۲۵۱/۱ کیلومتر مربع مساحت<sup>(۱)</sup> در شرق استان کرمانشاهان واقع شده است این شهرستان از جانب شمال به شهرستان جوانرود، از شرق به شهرستان اسلام آباد غرب، از جنوب به شهرستان گیلانغرب و از غرب به شهرستان قصر شیرین و کشور عراق محدود است. شهر سر پل ذهاب مرکز شهرستان در ۱۴۰ کیلومتری غرب کرمانشاه قرار گرفته است.

#### ۲- وجه تسمیه و سابقه تاریخی

واژه ذهاب<sup>(۲)</sup> به معنی گذر، گذشتن، رفتن، شدن و عبور آمده

۱- دفتر تقسیمات کشوری، سازمان تقسیمات کشوری جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۷۹.

۲- (ذهاب) را گاهی به صورت (زهاب) نیز نوشته‌اند (سرپل زهاب) زهاب در لغت به معنای تراویدن آب باشد از کنار رودخانه و چشمه و تالاب و امثال آن و یا آبی که قعرش پیدا  $\leftarrow$

ستارهٔ سر پل ذهاب.....

است<sup>(۱)</sup> نام سر پل بدین جهت است که در این محل پلی بر رود الوند قرار داشته است، بنا بر این پل ذهاب به معنی پل گذر یا پل عبور است، که می توان گفت چون پل احداث شده بر روی رودخانهٔ الوند در این محل واقع و محل گذر و عبور و مرور بوده است بین ساکنان آن به سر پل گذر یا ذهاب معروف و این سرزمین را سر پل ذهاب نامیده اند.

شهرستان سر پل ذهاب در گذشتهٔ دور «حُلوان» نام داشته. (حُلوان بالضم ثم السكون؛ و الحُلوان في اللغة الهبة) حُلوان در لغت به معنای هبه است، به این شهر حُلوان می گفتند چون حاکم آن «حُلوان بن عمران بن الحاف بن قضاعة» بوده است. این شهر بنا بر قولی در سال ۱۶ (ه ق) و بنا بر قول دیگر در سال ۱۹ (ه ق) به دست مسلمین فتح شده است<sup>(۲)</sup>. حُلوان در روزگار ساسانیان استانی به نام خسرو شاد فیروز بوده است<sup>(۳)</sup>.

سر پل در روزگار کهن مسکون بوده است، زیرا سنگ نبشتهٔ بسیار مهمی از لحاظ تاریخی متعلق به آنوبائی نی در این محل کشف شده است. در عهد آنوبائی نی، پادشاه آشور یعنی حدود ۶۰۰۰ سال قبل، ذهاب شهری بوده است<sup>(۴)</sup>.

این شهرستان در زمان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بارها مورد حملهٔ هوایی و زمینی نیروهای بعث عراق قرار گرفته و چند نوبت به تصرف

---

نباشد، (لغت نامه دهخدا، جلد ۲۴، لغت ذهاب).

۱- لغت نامه دهخدا، لغت ذهاب، ج ۲۴، ص ۱۹۰.

۲- معجم البلدان، حموی یاقوت، ج ۲، ص ۲۹۰ و ۲۹۱.

۳- کرمانشاهان باستان، ص ۸۱، گلزاری مسعود، جلیلی محمد حسین.

۴- ژاک دومرگان، هیئت علمی فرانسه در ایران، مطالعات جغرافیایی، ج ۲، ص ۱۱۰ و ۱۱۸.

نیروهای اشغالگر ارتش عراق قرار گرفت که با جانفشانیهای فرزندان دلیر ایران زمین از لوٹ متجاوزان پاک گردید و خاک آن به خون پاک شهیدان گلگون گردید.

### بارگاه احمد بن اسحاق رضی الله عنه

آستان احمد بن اسحاق که در شهرستان (سرپل ذهاب) قرار دارد، از گذشته‌های دور مورد توجه شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم السلام بوده؛ چه، بر سر مزار او همواره بنایی - هر چند محقر - بوده است که مردم به زیارت او می‌رفته‌اند. (سخن مرحوم محدث نوری در نجم الثاقب گواه این مطلب است)

در گذشته، این بنا - به نسبت کمکهایی که از طرف افراد و اهالی سرپل ذهاب صورت می‌گرفته - چند بار مرمت و بازسازی شده است؛ ولی نه آن چنان که در خور توجه عموم و شایسته مقام احمد بن اسحاق بوده باشد. مضافاً بر اینکه به علت پایین بودن مرقد این بزرگوار از سطح زمین، زائران می‌بایست چند پله را پائین می‌رفتند تا بتوانند صاحب قبر را که مدفنش با ضریح محقر و کوچکی پوشیده شده بود، زیارت کنند. با سوابقی که از این بارگاه سراغ داریم، تا سالهای قبل از ۱۳۶۸، توجه چندانی به آن نمی‌شده و همچنان محقر باقی بوده است... اما از سال ۱۳۶۸ تاکنون، به همت افرادی دلسوز در اداره کل اوقاف استان کرمانشاه کارهای بسیاری بر روی این بارگاه انجام شده است:

ساختمان جدید الاحداث آستان احمد بن اسحاق، براساس آیین نامه ۲۸۰۰ ایران، تا حدود ۹۵٪ کارهایش به انجام رسیده است. این ساختمان دارای ۲۲۰۰ متر مربع زیربنا (با احتساب گنبد و گلدسته‌ها) بوده و کل مساحت عرصه آن ۱۰۰/۰۰۰ متر مربع می‌باشد.

هزینه‌ای که جهت بازسازی این بنا صرف شده، تا پایان سال ۱۳۷۵ مبلغ ۸۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد که تماماً از محل اعتبارات ستاد بازسازی آستان تأمین گشته است.

### مشخصات فنی

- اساس بنا اسکلت فلزی و آجر است.
- ساختمان اصلی دارای چهار رواق بزرگ، چهار رواق کوچک، یک رواق دور تا دور از خارج بنا و خود حرم می‌باشد.
- مدخل ورودی حرم را سردری بزرگ به عرض ۱۲ متر و ارتفاع ۱۶ متر تشکیل می‌دهد.
- گنبدی آبی رنگ به ارتفاع ۲۷ متر و قطر ۱۵ متر با دو گلدسته به ارتفاع ۲۷ متر در دو طرف آن، که جلوه‌ای خاص به این بارگاه داده‌اند.
- بقعه مذکور، بجز سردر بزرگی که مدخل ورودی و اصلی حرم را تشکیل می‌دهد، دارای سه در فرعی نیز می‌باشد.
- ضریحی که بر روی قبر بنا شده، با آب طلا و کروم زینت یافته و ابعاد آن  $۲/۲۰ \times ۱/۸۰$  و به ارتفاع ۲/۵ متر می‌باشد.

- نمای ساختمان از خارج، آجر ۵ سانت اصفهان است.

- برای معماری داخلی از نماهای متفاوتی استفاده شده است: کف و ۱/۵ متر از بدنه (دور تا دور) با سنگ مرمر سبز مزین شده و بقیه تا زیر سقف با آجر ۳ سانت اصفهان با ملاط کاشی فیروزه‌ای تزیین گردیده است. سقف و رواقها نیز با آجر و کاشی سنتی به صورت گره انجام گرفته است.

البته در برنامه‌های آینده برای هرچه با شکوه‌تر کردن این بارگاه: احداث زائرسرا، واحدهای تجاری و دیگر تأسیسات لازم در نظر گرفته شده است<sup>(۱)</sup>.

### لوح مزار

بر روی سنگ مزار احمد این عبارات حک شده است:

هو الباقي، جناب شيخ ابو علي احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالك الاحوص الاشعري القمي رحمته الله از محدثين عاليمقام و رفيع المنزله و جليل القدر است آنجناب راوی روایات از حضرت جواد و حضرت هادی علیه السلام و از اصحاب و وکلای مخصوص حضرت عسگری علیه السلام، مفتخر است که به فیض زیارت حضرت ولی عصر ارواحنا فدا موفق گردیده توفیق شریف در مدحش بیرون آمده از وکلا و سفراء و ابواب معروف است آن بزرگوار در سال قبل از ۲۶۰ هجری قمری به رحمت ایزدی پیوست، در این

۱- آن سفر کرده (در راه سفر به کربلا)، دیدار حضرت ولی عصر علیه السلام با احمد بن اسحاق قمی، ص ۱۱۷ - ۱۲۰، این مطالب را جناب آقای مجید مسعودی در سال ۱۳۷۷ نگاشته اما هم اکنون کارهای فراوانی برای بقعه جناب احمد بن اسحاق رحمته الله صورت گرفته است.



ستاره سر پل ذهاب.....

محل به امر امام حسن عسگری دفن گردید.

با توضیحاتی که از نظر شما خوانندگان محترم گذشت متن این سنگ نوشته دارای چند اشتباه می باشد که زینده است توسط هیأت محترم أمناء آن بقعه و اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه اصلاح گردد.

۱- مالک الاحوص ، اشتباه است و صحیح آن مالک بن الاحوص

می باشد.

۲- آن بزرگوار در سال قبل از ۲۶۰ هجری قمری به رحمت ایزدی

پیوست ، اشتباه است و صحیح آن این چنین است که آن بزرگوار چند سال

بعد از ۲۶۰ هجری قمری و در سالهای آغازین امامت حضرت مهدی علیه السلام به

رحمت ایزدی پیوسته است.

۳- در این محل به امر امام حسن عسگری علیه السلام دفن گردید ، اشتباه

است ، و صحیح آن است که ایشان بعد از شهادت امام حسن عسگری علیه السلام

چند سال در قید حیات بوده است.

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى ابَائِهِ  
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا  
وَدَكِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»

## بخش دوم

### مسند احمد بن اسحاق

فصل اول: ابن اسحاق و روایات او از امام علی علیه السلام

فصل دوم: ابن اسحاق و روایات او از امام صادق علیه السلام

فصل سوم: ابن اسحاق و روایات او از امام کاظم و امام رضا علیهما السلام

فصل چهارم: ابن اسحاق و روایات او از امام جواد علیه السلام

فصل پنجم: ابن اسحاق و روایات او از امام هادی علیه السلام

فصل ششم: ابن اسحاق و روایات او از امام حسن عسکری علیه السلام

فصل هفتم: ابن اسحاق و روایاتی از امام مهدی علیه السلام

## مُسْنَدٌ چيست؟

مسند حدیثی است که سند آن، در همه طبقات و با ذکر همه رجالش تا به معصوم علیه السلام مذکور و متصل است و بر آن متصل و موصول هم اطلاق شده و مقابل آن منقطع است. شیخ بهایی می گوید: «ان علمت سلسلة با جمعها فمسند»، یعنی اگر بر تمامی سلسله حدیث آگاه شدی، مسند است. و شهید ثانی از آن تعبیر می کند که: «هو ما اتصل سنده مرفوعاً من رواية الى منتهاه الى المعصوم علیه السلام»، یعنی: مسند حدیثی است که سند آن از ابتدا آن تا به معصوم متصل است. حدیث مسند می تواند، صحیح، حسن، موثق، و یا ضعیف باشد زیرا اگر راویان در حدیث مسند، شرایط صحت را دارا بودند، صحیح و اگر شرایط حدیث حسن را دارا بودند حسن و اگر شرایط حدیث موثق را دارا بودند، موثق و گرنه، مصداق حدیث ضعیف خواهد بود<sup>(۱)</sup>، و اما کتاب المسمى بالمسند، فیضاف الى مؤلفه کمسند احمد بن حنبل، او الى راویه کمسند ابی حنیفة، الذی الفه بعض اصحابه<sup>(۲)</sup>، لازم به ذکر است در این مجموعه گردآوری شده چند حدیث مرفوعه نیز وجود دارد.

۱- علم الحدیث، پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدرایه، ص ۴۸ و ۴۹.

۲- جهت اطلاع بیشتر به مجله نور علم، شماره ۴ و ۵، مقاله آقای سید محمد جواد حسینی جلالی مراجعه شود.

## « فصل اوّل »

احمد بن اسحاق رضي الله عنه وروايات او از امام علي رضي الله عنه

### ١ - ولایت اهل بیت عليهم السلام

« أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا قَالَ أَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ رضي الله عنه رَجُلٌ بِالْبَصْرَةِ بِصَحِيفَةٍ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ رضي الله عنه انْظُرْ إِلَيَّ هَذِهِ الصَّحِيفَةُ فَإِنَّ فِيهَا نَصِيحَةً فَتَنْظُرَ فِيهَا ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ وَجْهَ الرَّجُلِ فَقَالَ إِنْ كُنْتَ صَادِقًا كَافِيْنَاكَ وَإِنْ كُنْتَ كَاذِبًا عَاقِبْنَاكَ وَإِنْ شِئْتَ أَنْ تُقِيلَكَ أَقْلْنَاكَ فَقَالَ بَلْ تُقِيلُنِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ رضي الله عنه فَلَمَّا أَذْبَرَ الرَّجُلُ قَالَ أَيُّهَا الْأُمَّةُ الْمُتَحَيِّرَةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا أَمَا إِنَّكُمْ لَوْ قَدَّمْتُمْ مَنْ قَدَّمَ اللَّهُ وَ أَخْرَجْتُمْ مَنْ أَخْرَجَ اللَّهُ وَ جَعَلْتُمْ الْوِلَايَةَ وَ الْوِرَاثَةَ حَيْثُ جَعَلَهَا اللَّهُ مَا عَالَ وَ لِيَّ اللَّهُ وَ لَا طَاشَ سَهْمٌ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ وَ لَا اخْتَلَفَ

.....ستارة سريل ذهاب

اِثْنَانِ فِي حُكْمِ اللَّهِ وَلَا تَنَازَعَتِ الْأُمَّةُ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا عَلِمَ ذَلِكَ  
عِنْدَنَا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَذُوقُوا وَبَالَ مَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَمَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ وَ  
سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»<sup>(١)</sup>.

## ٢ - استحباب نوشاندن آب فرات به کودکان

« وَ عَنْهُ وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ  
سَعْدَانَ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ رَفَعُوهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ أَمَا إِنَّ أَهْلَ الْكُوفَةِ  
لَوْ حَنَّكُوا أَوْلَادَهُمْ بِمَاءِ الْفُرَاتِ لَكَانُوا شِيعَةً لَنَا»<sup>(٢)</sup>.

١- الكافي، ج ٧، ص ٧٨، باب نادر، وسائل الشيعة، ج ٢٦، ص ٧٨، حديث ٣٢٥٢٩.

٢- وسائل الشيعة، ج ٢٥، ص ٢٦٨، حديث ٣١٨٨١.

## « فصل دوّم »

احمد بن اسحاق رضي الله عنه وروايات او از امام صادق عليه السلام

الف: رواياتى كه در مورد اهل بيت عليهم السلام است،

### ۲- ولايت اهل بيت عليهم السلام

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد عن أبي عبد الله عليه السلام قال إن الله تبارك و تعالی إذا أراد بعبد خيرا فخذ بعنقه فأدخله في هذا الأمر إدخالاً <sup>(۱)</sup> .

### ۳- ولايت و عمل

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد الأزدي قال قال أبو عبد الله عليه السلام أبلغ موالينا عنا السلام و أخبرهم أنا

۱- قرب الاسناد، ص ۳۵، حديث ۱۱۳، المحاسن، ص ۲۰۲، حديث ۴۳، بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹۸، باب ۱۷.

لن نغني عنهم من الله شيئاً إلا بعمل وأنهم لن ينالوا ولا يتنا إلا بعمل وورع  
وأن أشد الناس حسرة يوم القيامة من وصف عدلاً ثم خالفه إلى غيره»<sup>(۱)</sup>.

#### ۵- قبولی اعمال به شناخت اهل بیت عليهم السلام است

«الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى جَمِيعاً عَنْ أَحْمَدَ بْنِ  
إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي  
قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿ وَ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا ﴾ قَالَ نَحْنُ وَاللَّهِ  
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»<sup>(۲)</sup>.

#### ۶- آثار محبت اهل بیت عليهم السلام

«[عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن  
محمد قال و قال أبو عبد الله عليه السلام من أحبنا لله نفعه الله بذلك و لو كان  
أسيراً في يد الديلم و من أحبنا لغير الله فإن الله يفعل به ما يشاء إن حبنا  
أهل البيت ليحط الذنوب عن العباد كما تحط الريح الشديدة الورق عن  
الشجر»<sup>(۳)</sup>.

#### ۷- در پناه آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم

«[عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن

۱- قرب الاسناد، ص ۳۳، حدیث ۱۰۶، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۸، باب ۷.

۲- الكافي، ج ۱، ص ۱۴۳، باب نوادر.

۳- قرب الاسناد، ص ۳۹، حدیث ۱۲۶، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۷۷، باب ۹.

محمد الأزدي عن أبي عبد الله عليه السلام قال : إذا كان يوم القيامة جئنا آخذين بحجزة رسول الله ﷺ و جئتم آخذين بحجزتنا فأين يذهب بنا و بكم إلى الجنة و الله»<sup>(١)</sup>.

#### ٤ - امام زمان (عج)

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد قال : و دخلت أنا و أبو بصير على أبي عبد الله عليه السلام و علي بن عبد العزيز معنا فقلت لأبي عبد الله عليه السلام أنت صاحبنا فقال إني لصاحبكم ثم أخذ جلدة عضده فمدها فقال أنا شيخ كبير و صاحبكم شاب حدث»<sup>(٢)</sup>.

#### ٥ - قيام حضرت مهدي (عجل الله تعالى فرجه الشريف)

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عليه السلام عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ وَ قَدْ لَبَسَ دِرْعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَيَسْتَفِضُّ هُوَ بِهَا فَتَسْتَدِيرُ عَلَيْهِ فَيَغْشَاهَا بِخِدَاجَةٍ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ يَرْكَبُ فَرَسًا أَذْهَمَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ شِمْرًاخٌ فَيَسْتَفِضُّ بِهِ انْتِفَاضَةً لَا يَبْقَى أَهْلُ بِلَادٍ إِلَّا وَ هُمْ يَرَوْنَ أَنَّهُ مَعَهُمْ فِي بِلَادِهِمْ فَيُنْشَرُ رَايَةَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَمُودُهَا مِنْ عَمُودِ الْعَرْشِ وَ سَائِرُهَا

١- قرب الاسناد، ص ٣٨، حديث ١٢١، المحاسن، ص ١٧٩، معاني الاخبار، ج ١٦، ص ٩.

٢- قرب الاسناد، ص ٤٤، حديث ١٤٢، بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٨٠، حديث ٥.



مِنْ نَصْرِ اللَّهِ لَا يَهْوِي بِهَا إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا إِلَّا أَهْلَكَهُ اللَّهُ فَإِذَا هَزَّهَا لَمْ يَبْقَ مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ وَ يُعْطَى الْمُؤْمِنُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرَحَةُ فِي قَبْرِهِ وَ ذَلِكَ حَيْثُ يَتَزَاوَرُونَ فِي قُبُورِهِمْ وَ يَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِمِ فَيَنْحَطُّ عَلَيْهِ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ آلَافَ [ألف] مَلَكٍ وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشَرَ مَلَكًا قُلْتُ كُلُّ هَؤُلَاءِ الْمَلَائِكَةُ قَالَ نَعَمْ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ نُوحٍ فِي السَّفِينَةِ وَ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ مُوسَى حِينَ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَ الَّذِينَ كَانُوا مَعَ عِيسَى حِينَ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ أَرْبَعَةٌ آلَافٍ مَلَكٍ مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله مُسَوِّمِينَ وَ أَلْفٌ مُرْدِفِينَ وَ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثٌ عَشْرَةٌ مَلَائِكَةٌ بَدْرِيِّينَ وَ أَرْبَعَةٌ آلَافٍ مَلَكٍ هَبَطُوا يُرِيدُونَ الْقِتَالَ مَعَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَلَمْ يُؤْذَنْ لَهُمْ فِي الْقِتَالِ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْثٌ غُبْرٌ يَبْكُونَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ رَأْسُهُمْ مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ مَنْصُورٌ فَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا اسْتَقْبَلُوهُ وَ لَا يُودِّعُهُ مُودِّعٌ إِلَّا شَيَّعُوهُ وَ لَا يَمْرُضُ مَرِيضٌ إِلَّا عَادُوهُ وَ لَا يَمُوتُ مَيِّتٌ إِلَّا صَلَّوْا عَلَى جَنَازَتِهِ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ كُلُّ هَؤُلَاءِ فِي الْأَرْضِ يَنْتَظِرُونَ قِيَامَ الْقَائِمِ (عجل الله تعالى فرجه الشريف) إِلَى وَقْتِ خُرُوجِهِ عليه السلام» (١)

١٠ - دعا و سفارش امام صادق عليه السلام به شيعيان

«أخبرنا الشيخ الفقيه أبو علي الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي رحمه الله بمشهد مولانا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام في شعبان

سنة إحدى عشرة و خمسمائة قال أخبرنا السعيد الوالد قال أخبرنا محمد بن محمد رحمه الله قال أبو القاسم جعفر بن محمد عن أبيه رحمه الله عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد بن عيسى عن أحمد بن إسحاق عن بكر بن محمد عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام قال سمعته يقول لخيشمة « يا خيشمة أقرئ موالينا مني السلام، و أوصهم بتقوى الله العظيم، و أن يعود غنيهم على فقيرهم و قويهم على ضعيفهم، و أن يشهد أحياءهم جنائز موتاهم، و أن يتلاقوا في بيوتهم، فإن لقياهم حياة أمرنا» ثم رفع يده عليه السلام فقال: «رحم الله من أحيأ أمرنا»<sup>(١)</sup>

### ١١ - ثواب برگزاري مجالس اهل بيت عليهم السلام

«قال حدثني محمد بن الحسن الصفار قال حدثني أحمد بن إسحاق بن سعد عن بكر بن محمد الأزدي عن أبي عبد الله عليه السلام قال لفضيل: تجلسون و تحدثون؟ قال: قلت جعلت فداك نعم، قال «إن تلك المجالس أحبها، فأحيوا أمرنا يا فضيل، فرحم الله من أحيأ أمرنا إنه من ذكرنا أو ذكرنا عنده فخرج من عينه مثل جناح الذباب غفر الله له ذنوبه و لو كانت أكثر من زبد البحر»<sup>(٢)</sup>.

١- بشارة المصطفى، ج ١، ص ٧٧، الأمالى للطوسى، ج ١، ص ١٣٥، وسائل الشيعه، ج ١٤، ص ٥٨٧، بحار الانوار، ج ٧٤، ص ٢٢٣، باب ٩.

٢- بشارة المصطفى، ج ١، ص ٢٧٥، وسائل الشيعه، ج ١٤، ص ٥٠١، حديث ١٩٦٩١، ثواب

## ١٢- ده منزلت امام علي عليه السلام نزد رسول خدا ﷺ

حَدَّثَنَا أَبِي (رضي الله عنه) عَنْ سَعْدِ (بن) عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَانَ لِي مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَشْرٌ مَا يَسُرُّنِي بِالْوَحْدَةِ مِنْهُنَّ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ قَالَ أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْتَ أَقْرَبُ النَّاسِ مِنِّي مَوْقِفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْزِلَكَ تَجَاهَ مَنْزِلِي فِي الْجَنَّةِ كَمَا يَتَوَجَّهُ الْإِخْوَانُ فِي اللَّهِ وَأَنْتَ صَاحِبُ لِيوَائِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْتَ وَصِيِّي وَوَارِثِي وَخَلِيفَتِي فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْمُسْلِمِينَ فِي كُلِّ غَيْبَةٍ شَفَاعَتِكَ شَفَاعَتِي وَوَلِيِّكَ وَوَلِيِّي وَوَلِيُّ اللَّهِ وَوَلِيُّكَ عَدُوِّي وَوَلِيُّكَ عَدُوِّي عَدُوِّي اللَّهُ (١).

## ١٣- فضيلت اميرالمؤمنين علي عليه السلام

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَأَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام كَثِيرًا مَا يَقُولُ التَّقِينَا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالتَّيْمِيُّ وَصَاحِبُهُ وَهُوَ يَقُولُ ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي

→ الاعمال، ج ١، ص ١٢٩، وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٥٠١، قرب الاسناد، ص ٣٦، .....  
 حديث ١١٧، المحاسن، ص ٦٣، حديث ١١٠، تفسير القمي، ج ٢، ص ٢٩٢، كامل  
 الزيارات، ص ١٠٣، ذيل الحديث ٨، بحار الانوار، ج ٧٤، ص ٣٥٠، باب ١٨.  
 ١- النخصل، ج ٢، ص ٤٣٠، حديث ٩، بحار الانوار، ج ٢٩، ص ٣٣٨، باب ٩٠، ج ٨٣، ص  
 ٢٣، باب ٣٨.

لَيْلَةَ الْقَدْرِ ﴿ وَيَتَخَشَّعُ وَيَبْكِي فَيَقُولَانِ مَا أَشَدَّ رِقَّتَكَ بِهَذِهِ السُّورَةِ فَيَقُولُ  
 لَهُمَا إِنَّمَا رَقَّتُ لِمَا رَأَتْ عَيْنَايَ وَوَعَاهُ قَلْبِي وَلِمَا رَأَى قَلْبُ هَذَا مِنْ بَعْدِي  
 يَعْنِي عَلِيًّا عليه السلام فَيَقُولَانِ أَرَأَيْتَ وَمَا الَّذِي يَرَى فَيَسْتَلُو هَذَا الْحَرْفَ ﴿ تَنْزِلُ  
 الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿  
 قَالَ ثُمَّ يَقُولُ هَلْ بَقِيَ شَيْءٌ بَعْدَ قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلِّ أَمْرٍ فَيَقُولَانِ لَا فَيَقُولُ  
 هَلْ تَعْلَمَانِ مِنَ الْمَنْزُورِ إِلَيْهِ بِذَلِكَ فَيَقُولَانِ لَا وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم  
 فَيَقُولُ نَعَمْ فَهَلْ تَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ مِنْ بَعْدِي فَيَقُولَانِ نَعَمْ قَالَ فَهَلْ تَنْزِلُ الْأَمْرُ  
 فِيهَا فَيَقُولَانِ نَعَمْ فَيَقُولُ إِلَى مَنْ فَيَقُولَانِ لَا نَدْرِي فَيَأْخُذُ بِرَأْسِي فَيَقُولُ إِنْ لَمْ  
 تَدْرِيَا هُوَ هَذَا مِنْ بَعْدِي قَالَ فَإِنْ كَانَا يَفْرَقَانِ تِلْكَ اللَّيْلَةَ بَعْدَ رَسُولِ  
 اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم مِنْ شِدَّةِ مَا يَدْخُلُهُمَا مِنَ الرَّغْبِ «<sup>(۱)</sup>.

#### ۱۴ - ایمان حضرت ابی طالب علیه السلام

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ  
 مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قِيلَ لَهُ إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ  
 أَبَا طَالِبٍ كَانَ كَافِرًا فَقَالَ كَذَبُوا كَيْفَ يَكُونُ كَافِرًا وَهُوَ يَقُولُ:  
 أَلَمْ تَعْلَمُوا وَجَدْنَا مُحَمَّدًا

نَبِيًّا كَمُوسَى خُطَّ فِي أَوَّلِ الْكُتُبِ <sup>(۲)</sup>

۱- بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۲۴، بحار الانوار، ج ۹۴، ص ۲۱، باب ۵۳.

۲- الكافي، ج ۱، ص ۴۴۸.

١٥ - كيفيت صلوات بر پیامبر ﷺ

« وَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ وَقَدْ قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ لَا وَ لَكِنْ قُلْ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ »<sup>(١)</sup>.

١٦ - سيره امام سجاد ﷺ

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عُمَارَةَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ لَمَّا كَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي وَعِدَ فِيهَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ قَالَ لِمُحَمَّدٍ ﷺ يَا بَنِي ابْنِي وَضُوءٌ قَالَ فَقُمْتُ فَجِئْتُهُ بِوَضُوءٍ قَالَ لَا أَبْغِي هَذَا فَإِنْ فِيهِ شَيْئًا مِيتًا قَالَ فَخَرَجْتُ فَجِئْتُ بِالْمِصْبَاحِ فَإِذَا فِيهِ فَأَرَهُ مِيتَةً فَجِئْتُهُ بِوَضُوءٍ غَيْرِهِ فَقَالَ يَا بَنِي هَذِهِ اللَّيْلَةُ الَّتِي وَعَدْتُهَا فَأَوْصِي بِنَاقَتِهِ أَنْ يُحْظَرَ لَهَا حِظَارٌ وَ أَنْ يُقَامَ لَهَا عَلْفٌ فَجَعَلْتُ فِيهِ قَالَ فَلَمْ تَلْبِثْ أَنْ خَرَجْتَ حَتَّى أَتَيْتِ الْقَبْرَ فَضَرَبْتَ بِجِرَانِهَا وَ رَغْتُ وَ هَمَلْتُ عَيْنَاهَا فَأَتَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ﷺ فَقِيلَ لَهُ إِنَّ النَّاقَةَ قَدْ خَرَجَتْ فَأَتَاهَا فَقَالَ صَهْ الْآنَ قَوْمِي بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ فَلَمْ تَفْعَلْ فَقَالَ وَ إِنْ كَانَ لِيَخْرُجُ عَلَيْهَا إِلَى مَكَّةَ فَيُعَلِّقُ السَّوْطَ عَلَى الرَّحْلِ فَمَا يَقْرَعُهَا حَتَّى يَدْخُلَ الْمَدِينَةَ

١ - قرب الاسناد، ص ٤١، حديث ١٣٠، بحار الانوار، ج ٩٤، ص ٤٩، حديث ١٠، ونبائل الشيعة، ج ٧، ص ١٩٧، حديث ٩١٠٣.

قَالَ وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَخْرُجُ فِي اللَّيْلَةِ الظَّلْمَاءِ فَيَحْمِلُ الْجِرَابَ فِيهِ الصَّرْرُ مِنَ الدَّنَائِيرِ وَالدَّرَاهِمِ حَتَّى يَأْتِيَ بِأَبَا بَابًا فَيَقْرَعُهُ ثُمَّ يَنْبِيلُ مَنْ يَخْرُجُ إِلَيْهِ فَلَمَّا مَاتَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقَدُوا ذَاكَ فَعَلِمُوا أَنَّ عَلِيًّا عليه السلام كَانَ يَفْعَلُهُ <sup>(١)</sup>.

### ١٧ - چگونگی تغسیل و تدفین ائمه عليهم السلام

« [بصائر الدرجات] أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَأَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله هَبَطَ جِبْرَائِيلُ وَمَعَهُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ الَّذِينَ كَانُوا يَهْبِطُونَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ قَالَ فَفُتِحَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بَصْرُهُ فَرَأَاهُمْ فِي مُنْتَهَى السَّمَاوَاتِ إِلَى الْأَرْضِ يُغْسِلُونَ النَّبِيَّ مَعَهُ وَيُصَلُّونَ مَعَهُ عَلَيْهِ وَيَحْفَرُونَ لَهُ وَاللَّهُ مَا حَفَرَ لَهُ غَيْرَهُمْ حَتَّى إِذَا وُضِعَ فِي قَبْرِهِ نَزَلُوا مَعَ مَنْ نَزَلَ فَوَضَعُوهُ فَتَكَلَّمُوا وَفُتِحَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام سَمْعُهُ فَسَمِعَهُ يُوصِيهِمْ بِهِ فَبَكَى وَسَمِعَهُمْ يَقُولُونَ لَنَا لَوْهٌ جُهْدًا وَإِنَّمَا هُوَ صَاحِبُنَا بَعْدَكَ إِلَّا أَنَّهُ لَيْسَ يُعَايِنُنَا بِبَصَرِهِ بَعْدَ مَرَّتِنَا هَذِهِ حَتَّى إِذَا مَاتَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام رَأَى الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عليهما السلام مِثْلَ ذَلِكَ الَّذِي رَأَى وَرَأَى النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله أَيْضًا يُعِينُ الْمَلَائِكَةَ مِثْلَ الَّذِي صَنَعُوا بِالنَّبِيِّ حَتَّى إِذَا مَاتَ الْحَسَنُ عليه السلام رَأَى مِنْهُ الْحُسَيْنُ عليه السلام مِثْلَ ذَلِكَ وَرَأَى النَّبِيَّ وَ عَلِيًّا يُعِينَانِ

الْمَلَائِكَةَ حَتَّى إِذَا مَاتَ الْحُسَيْنُ رَأَى عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام مِنْهُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ رَأَى النَّبِيَّ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ عليه السلام يُعِينُونَ الْمَلَائِكَةَ حَتَّى إِذَا مَاتَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ رَأَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مِثْلَ ذَلِكَ وَ رَأَى النَّبِيَّ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ يُعِينُونَ الْمَلَائِكَةَ حَتَّى إِذَا مَاتَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ رَأَى جَعْفَرُ مِثْلَ ذَلِكَ وَ رَأَى النَّبِيَّ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ يُعِينُونَ الْمَلَائِكَةَ حَتَّى إِذَا مَاتَ جَعْفَرُ رَأَى مُوسَى مِنْهُ مِثْلَ ذَلِكَ هَكَذَا يَجْرِي إِلَى آخِرِنَا»<sup>(١)</sup>.

### ١٨ - چگونگی بیعت زنان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

«[الكافي] أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَتَدْرِي كَيْفَ بَايَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم النِّسَاءَ قُلْتُ اللَّهُ أَعْلَمُ وَ ابْنُ رَسُولِهِ أَعْلَمُ قَالَ جَمَعَهُنَّ حَوْلَهُ ثُمَّ دَعَا بِتَوْرٍ بِرَامٍ فَصَبَّ فِيهِ نَضُوحًا ثُمَّ غَمَسَ يَدَهُ فِيهِ ثُمَّ قَالَ اسْمَعْنَ يَا هَوُلَاءِ أَبَايَعُكُنَّ عَلِيٌّ أَنْ لَا تُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَ لَا تَشْرِقْنَ وَ لَا تَزْنِينَ وَ لَا تَقْتُلْنَ أَوْلَادَكُنَّ وَ لَا تَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ تَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيكُنَّ وَ أَرْجُلِكُنَّ وَ لَا تَعْصِينَ بُعُولَتِكُنَّ فِي مَعْرُوفٍ أَقْرَرْتُنَّ قُلْنَ نَعَمْ فَأَخْرَجَ يَدَهُ مِنَ التَّوْرِ ثُمَّ قَالَ لِهِنَّ اغْمِسْنَ أَيْدِيكُنَّ فَفَعَلْنَ فَكَانَتْ يَدُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم الطَّاهِرَةَ أَطْيَبَ مِنْ أَنْ يَمَسَّ بِهَا كَفَّ أَنْثَى لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ»<sup>(٢)</sup>.

١- بحار الانوار، ج ٢٧، ص ٢٨٩، باب ٢، وج ٢٢، ص ٥١٣، باب ٢.

٢- الكافي، ج ٥، ص ٥٢١، بحار الانوار، ج ٢١، ص ١٣٤، باب ٢٦، وسائل الشيعه، ج ٢٠، ص ٢١٠، حديث ٢٥٤٥١، وج ٢٠، ص ٢٠٨، حديث ٢٥٤٤٨.

١٩- با حالت جنابت به زیارت ائمه عليهم السلام فرويد

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد قال : خرجنا من المدينة نريد منزل أبي عبد الله عليه السلام فلحقنا أبو بصير خارجاً من زقاق من أزقة المدينة وهو جنب ونحن لا نعلم حتى دخلنا على أبي عبد الله عليه السلام فسلمنا عليه فرفع رأسه إلى أبي بصير فقال له يا أبا بصير أ ما تعلم أنه لا ينبغي للجنب أن يدخل بيوت الأنبياء فرجع أبو بصير و دخلنا»<sup>(١)</sup>.

ب: احاديث فقهي

٢٠- آداب نماز

« قُرْبُ الْأَسْنَادِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ الصَّادِقَ عليه السلام وَ أَنَا جَالِسٌ عِنْدَهُ عَنِ الْخُورِ الْعَيْنِ فَقَالَ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَ خَلِقُ مِنْ خَلْقِ الدُّنْيَا أَوْ خَلِقُ مِنْ خَلْقِ الْجَنَّةِ فَقَالَ لَهُ مَا أَنْتَ وَ ذَاكَ عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ فَإِنَّ آخِرَ مَا أَوْصَى بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ حَثَّ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ إِيَّاكُمْ أَنْ يَسْتَخِفَّ أَحَدُكُمْ بِصَلَاتِهِ فَلَا هُوَ إِذَا كَانَ شَابًّا أَتَمَّهَا وَ لَأَ هُوَ إِذَا كَانَ شَيْخًا قَوِيَّ عَلَيْهَا وَ مَا أَشَدُّ مِنْ سَرِقَةِ الصَّلَاةِ فَإِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ

١- قرب الاسناد ص ٤٣، حديث ١٤٠، بصائر الدرجات، ص ٢٦١، حديث ٢٣، دلائل الامامة، ص ١٣٧، بسحار الانوار، ج ١٠٠، ص ١٢٦، باب ٢، وج ٧٨، ص ٦٢، باب ٣، وسائل الشيعة، ج ٢، ص ٢١١، باب ١٦.



فَلْيَعْتَدِلْ وَإِذَا رَكَعَ فَلْيَتَمَكَّنْ وَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ فَلْيَعْتَدِلْ وَإِذَا سَجَدَ فَلْيَتَفَرَّجْ وَ  
لْيَتَمَكَّنْ فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ فَلْيَعْتَدِلْ وَإِذَا سَجَدَ فَلْيَتَفَرَّجْ وَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ فَلْيَلْبَثْ  
حَتَّى يَسْكُنَ ثُمَّ سَأَلَتْهُ عَنْ وَقْتِ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ فَقَالَ إِذَا غَابَ الْقُرْصُ ثُمَّ  
سَأَلَتْهُ عَنْ وَقْتِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ قَالَ إِذَا غَابَ الشَّفَقُ قَالَ وَ آيَةُ الشَّفَقِ  
الْحُمْرَةُ قَالَ وَ قَالَ بِيَدِهِ هَكَذَا»<sup>(١)</sup>.

## ٢١ - آداب نماز جمعه

« مَجَالِسُ الصَّدُوقِ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هَارُوتِ [هَارُونَ] الْفَامِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ  
بْنِ جَعْفَرِ بْنِ بُطَّةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام عَنْ  
آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام النَّاسُ فِي الْجُمُعَةِ عَلَى ثَلَاثَةِ مَنَازِلَ  
رَجُلٌ شَهِدَهَا بِإِنْصَاتٍ وَ سُكُونٍ قَبْلَ الْإِمَامِ وَ ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِذُنُوبِهِ مِنَ الْجُمُعَةِ  
إِلَى الْجُمُعَةِ الثَّانِيَةِ وَ زِيَادَةٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿ مَنْ جَاءَ  
بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا ﴾<sup>(٢)</sup> وَ رَجُلٌ شَهِدَهَا بِلَغَطٍ وَ مَلَقٍ وَ قَلَقٍ فَذَلِكَ  
حُظُّهُ وَ رَجُلٌ شَهِدَهَا وَ الْإِمَامُ يَخْطُبُ فَقَامَ يُصَلِّي فَقَدْ أَخْطَأَ السُّنَّةَ وَ ذَلِكَ  
مِمَّنْ إِذَا سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ شَاءَ أَعْطَاهُ وَ أَنْ شَاءَ حَرَمَهُ »<sup>(٣)</sup>.

١- بحار الانوار، ج ٨١، ص ٢٣٦، باب ١٦، وح ٨٤، ص ٢٣٦، صدر الحديث ١٥، و ص ٧٩،  
حديث ٣٥، من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٤١، حديث ٦٥٥، تهذيب الاحكام، ج ٢، ص  
٣٠، حديث ٨٨، وسائل الشيعه، ج ٤، ص ٢٠٥، حديث ٤٩٣٠، دعائم الاسلام، ج ١، ص  
١٣٨ و ١٣٩، قرب الاسناد، ص ٣٦، حديث ١١٨.

٢- الانعام، آية ١٦٠.

٣- بحار الانوار، ج ٨٦، ص ١٨٩ و ١٩٠، أمالي للطوسي، ج ١، ص ٤٣٠، حديث ٩٦٢، وسائل

## ۲۲ - وظیفه مأموم در نماز جماعت

قُرْبُ الْأِسْنَادِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنِّي لِأَكْرَهُ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يُصَلِّيَ خَلْفَ الْإِمَامِ فِي صَلَاةٍ لَا يُجَهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ فَيَقُومُ كَأَنَّهُ حِمَارٌ قَالَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَيَصْنَعُ مَاذَا قَالَ: «يُسَبِّحُ»<sup>(۱)</sup>.

## ۲۳ - ازدواج موقت

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ ذَكَرْتُ لَهُ الْمُتْعَةَ أَهِيَ مِنَ الْأَرْبَعِ فَقَالَ تَزَوَّجْ مِنْهُنَّ أَلْفًا فَإِنَّهُنَّ مُسْتَأْجَرَاتٌ<sup>(۲)</sup>.

## ۲۴ - جایز بودن ازدواج موقت

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْأِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْمُتْعَةِ فَقَالَ ﴿فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ﴾

→ الشیعه، ج ۷، ص ۴۱۶، قرب الاسناد، ص ۳۴، حدیث ۱۱۱، مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۰۹، حدیث ۶۵۶۰.

۱- بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۷۹، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۶۰، قرب الاسناد، ص ۳۷، حدیث ۱۲۰، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۵۶، حدیث ۱۱۶۱، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۷۶، حدیث ۸۰۶.

۲- الکافی، ج ۵، ص ۴۵۲، الاستبصار، ج ۳، ص ۱۴۷، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۱۸، حدیث ۲۶۴۰۷.

فَاتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَ لَأِ جُنَاحَ عَلَيكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ  
الْفَرِيضَةِ ﴿١﴾ .

## ٢٥ - سنت نبوی

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد قال : سألته عن المتعة فقال أكره له أن يخرج من الدنيا و قد بقيت عليه خلة من خلل رسول الله ﷺ لم يقضها» (٢) .

## ٢٦ - تقيه سپر مؤمن است

« عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ  
عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ إِنَّ التَّقِيَّةَ تُرْسُ الْمُؤْمِنِ وَ لَأِ إِيْمَانٌ  
لِمَنْ لَأِ تَقِيَّةَ لَهُ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَوْلُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ﴿ إِيْمَانٌ أَكْرَهُ  
وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالإِيْمَانِ ﴾ قَالَ وَ هَلِ التَّقِيَّةُ إِلا هَذَا» (٣) .

١- النساء، آية ٢٤، وسائل الشيعة، ج ٢١، ص ٩ و ١٣، حديث ٢٦٣٧٢، قرب الاسناد، ص ٤٣، حديث ١٣٨، الكافي، ج ٥، ص ٤٤٨، حديث ١، تهذيب الاحكام، ج ٧، ص ٢٥٠، حديث ١٠٧٩، الاستبصار، ج ٣، ص ١٤١، حديث ٥٠٧، بحار الانوار، ج ١٠٣، ص ٢٩٨ .  
٢- قرب الاسناد، ص ٤٤، حديث ١٤١، من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٢٩٥، حديث ١٤٠٣، مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ٤٥١، حديث ١، بحار الانوار، ج ١٠٣، ص ٣٠٥، حديث ١٤ .

٣- قرب الاسناد، ص ٣٥، حديث ١١٤، الكافي، ج ٢، ص ١٧٥، حديث ٢٢، بحار الانوار، ج ٧٥، ص ٣٩٤، حديث ٦، وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٢٢٧، حديث ٢١٤٢٧ .

## ۲۷ - تجدید وضو ده حسنه دارد

« وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ أَحْمَدَ بْنَ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ الطُّهْرُ عَلَى الطُّهْرِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ <sup>(۱)</sup> .

## ۲۸ - مصیبت زده چه لباسی بپوشد؟

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يَتَّبِعِي لِصَاحِبِ الْمُصِيبَةِ أَنْ لَا يَلْبَسَ رِداءً وَأَنْ يَكُونَ فِي قَمِيصٍ حَتَّى يُعْرِفَ <sup>(۲)</sup> .

## ۲۹ - در معنا و مفهوم مولا

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ وَ عَلِيَّ بْنَ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ مَعِيَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ فَقَالَ لِي مَنْ هَذَا فَقُلْتُ مَوْلَى لَنَا فَقَالَ أَعْتَقْتُمُوهُ أَوْ أَبَاهُ فَقُلْتُ بَلْ أَبَاهُ فَقَالَ لَيْسَ هَذَا مَوْلَاكَ هَذَا أَخُوكَ وَ ابْنُ عَمِّكَ وَ إِنَّمَا الْمَوْلَى

۱- الكافي، ج ۳، ص ۷۲، حدیث ۱۰، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۷۶، حدیث ۹۹۲.

۲- الكافي، ج ۳، ص ۲۰۴، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۱، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۶۳، حدیث ۱۶۰.

هُوَ الَّذِي جَرَتْ عَلَيْهِ النِّعْمَةُ فَإِذَا جَرَتْ عَلَى أَبِيهِ فَهُوَ أَخُوكَ وَ ابْنُ عَمِّكَ»<sup>(١)</sup>.

### ۳۰ - فروش آن در این صورت بهتر است

«الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَأَلَهُ رَجُلٌ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ يَكُونُ لِي الْغُلَامُ فَيَشْرَبُ الْخَمْرَ وَ يَدْخُلُ فِي هَذِهِ الْأُمُورِ الْمَكْرُوهَةِ فَأُرِيدُ عِتْقَهُ فَهَلْ عِتْقُهُ أَحَبُّ إِلَيْكَ أَوْ أَبِيعُهُ وَ أَتَصَدَّقُ بِثَمَنِهِ فَقَالَ إِنَّ الْعِتْقَ فِي بَعْضِ الزَّمَانِ أَفْضَلُ وَ فِي بَعْضِ الزَّمَانِ الصَّدَقَةُ أَفْضَلُ فَإِذَا كَانَ النَّاسُ حَسَنَةً حَالَهُمْ فَالْعِتْقُ أَفْضَلُ فَإِذَا كَانُوا شَدِيدَةً حَالَهُمْ فَالصَّدَقَةُ أَفْضَلُ وَ بَيْعُ هَذَا أَحَبُّ إِلَيَّ إِذَا كَانَ بِهَذِهِ الْحَالِ»<sup>(٢)</sup>.

### ۳۱ - احكام ذبح حيوانات

«قُرْبُ الْأِسْنَادِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ قَالَ جَاءَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ السَّلَامِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَالَ لَهُ إِنَّ رَجُلًا ضَرَبَ بَقْرَةً بِفَأْسٍ فَوَقَّذَهَا ثُمَّ ذَبَحَهَا فَلَمْ يُرْسِلْ إِلَيْهِ الْجَوَابَ وَ دَعَا سَعِيدَةَ «هِيَ مَوْلَاةُ أُمِّ فَرُوهِ ابْنَةِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عليه السلام» فَقَالَ لَهَا «إِنَّ هَذَا جَاءَنِي فَقَالَ: إِنَّكَ أَرْسَلْتِ

۱- الكافي، ج ۶، ص ۱۹۹، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۲۵، حديث ۳۴۹۹، وسائل

الشيعة، ج ۲۳، ص ۵۲، حديث ۲۹۰۸۹، و ص ۶۹، حديث ۲۹۱۲۶، قرب الاسناد، ص

۴۱، حديث ۱۲۳، تهذيب الاحكام، ج ۸، ص ۲۵۹، حديث ۱۵۰، الاستبصار، ج ۴، ص

۲۲، حديث ۸.

۲- الكافي، ج ۶، ص ۱۹۴، باب نوادر.

إِلَى فِي صَاحِبِ الْبَقْرَةِ الَّتِي ضَرَبَهَا بِفَأْسٍ فَإِنْ كَانَ الدَّمُ خَرَجَ مُعْتَدِلًا فَكُلُوا وَ  
 أَطْعِمُوا وَإِنْ كَانَ خَرَجَ خُرُوجًا عِتِيًّا فَلَا تَقْرُبُوهُ» قَالَ فَأَخَذَتِ الْغُلَامَ فَأَرَادَتْ  
 ضَرْبَهُ فَبَعَثَتْ إِلَيْهَا «اسْقِيهِ السَّوِيقَ وَالسُّكَّرَ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ يَشُدُّ  
 الْعَظْمَ»<sup>(۱)</sup>.

ج : ادعیه

### ۳۲ - چرا دعا مستجاب نمی شود؟

«الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ  
 إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ  
 فِي حَاجَتِهِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَخْرُوا إِجَابَتَهُ شَوْقًا إِلَى صَوْتِهِ وَ دُعَائِهِ فَإِذَا  
 كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَبْدِي دَعَوْتَنِي فَأَخْرْتُ إِجَابَتَكَ وَ  
 ثَوَابَكَ كَذَا وَ كَذَا وَ دَعَوْتَنِي فِي كَذَا وَ كَذَا فَأَخْرْتُ إِجَابَتَكَ وَ ثَوَابَكَ كَذَا وَ  
 كَذَا قَالَ فَيَتَمَنَّى الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرَى مِنْ حُسْنِ  
 الثَّوَابِ»<sup>(۲)</sup>.

۱- قرب الاسناد، ص ۴۴، حدیث ۱۴۳، الکافی، ج ۶، ص ۳۰۵، بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۳۱۷،  
 باب ۸، ج ۶۳، ص ۲۷۹، باب ۳، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۵۶، حدیث ۲۳۶، بتفاوت  
 سیر صدر الحدیث، ولم نفهم ما المراد بذيله وإن كان المجلسی أيضاً نقل الحدیث كاملاً فی  
 بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۱۷، حدیث ۱۸، ج ۶۶، ص ۲۷۹، حدیث ۱۵، و اورد علیه بیاناً  
 يمكن الرجوع اليه لعل فيه توضيح ما التبس.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۴۹۰، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶۲، حدیث ۸۷۳۰.

### ٣٣ - وقت استجابت دعا

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ  
مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ كَانَ أَبِي إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ طَلَبَهَا  
عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ قَدَّمَ شَيْئًا فَتَصَدَّقَ بِهِ وَشَمَّ شَيْئًا مِنْ طِيبٍ  
وَ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ دَعَا فِي حَاجَتِهِ بِمَا شَاءَ اللَّهُ <sup>(١)</sup> » .

### ٣٤ - فايده دعا

« ما، [الأمالى للشيخ الطوسى] الْمُفِيدُ عَنْ ابْنِ قُوتُوْبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ  
سَعْدِ بْنِ ابْنِ عَيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ  
اللَّهِ عليه السلام إِنَّ الدُّعَاءَ لَيُرَدُّ الْقَضَاءَ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُذْنِبُ فَيُحْرَمُ بِهِ الرِّزْقَ <sup>(٢)</sup> » .

### ٣٥ - دعای امام صادق عليه السلام

عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ  
مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام « اللَّهُمَّ أَنْتَ تَقْتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي  
كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ كَمُ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ  
الْفُؤَادُ وَ تَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَ يَخْذُلُ عَنْهُ الْقَرِيبُ وَ يَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تُعِينِي فِيهِ

١- الكافي، ج ٢، ص ٢٧٧، وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٦٧، حديث ٨١٤٥.

٢- بحار الانوار، ج ٧٠، ص ٣٥٣، باب ١٣٧، وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٣٧، حديث ٨٦٥١.

قرب الاسناد، ص ٣٢، حديث ١٠٤، مستدرک الوسائل، ج ١١، ص ٣٢٧، حديث ١٣١٦٩.

الْأُمُورِ أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَاغِباً إِلَيْكَ فِيهِ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَنِيهِ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ لَكَ الْحَمْدُ كَثِيراً وَ لَكَ الْمَنْ فَاضِلاً»<sup>(۱)</sup>.

### ۳۶ - دعائی دیگر از امام صادق علیه السلام

« عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ الزُّرَّارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَ شِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَ سُوءِ الْقَضَاءِ وَ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَ مِنْ الضَّرْرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ أَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلَاءٍ لَا طَاقَةَ لِي بِهِ أَوْ تُسَلِّطَ عَلَيَّ طَاغِيًا أَوْ تَهْتِكَ لِي سِرًّا أَوْ تُبْدِي لِي عَوْرَةً أَوْ تُحَاسِبَنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُنَاقِشًا أُخَوِّجَ مَا أُكُونُ إِلَى عَفْوِكَ وَ تَجَاوُزِكَ عَنِّي فِيمَا سَلَفَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْكَرِيمِ وَ كَلِمَاتِكَ الثَّامَّةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عِتْقَائِكَ وَ طُلُقَائِكَ مِنَ النَّارِ»<sup>(۲)</sup>.

### ۳۷ - دعای امام صادق علیه السلام بعد از نماز طواف

« عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْأِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ خَرَجْتُ أَطُوفُ وَ أَنَا إِلَى جَنْبِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام حَتَّى فَرَغَ مِنْ طَوَافِهِ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى رَكَعَتَيْنِ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ سَاجِداً (سَجَدَ وَ جَهِيَ لَكَ تَعَبُداً وَ رِقَالاً لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ (وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ) وَ هَا

۱- تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۹۴.

۲- تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۸۷، حدیث ۱۸.



أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ  
فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ ( ثُمَّ  
رَفَعَ رَأْسَهُ وَ وَجَّهَهُ مِنَ الْبُكَاءِ كَأَنَّمَا غُمِسَ فِي الْمَاءِ )<sup>(۱)</sup>.

### ۳۸ - دعای امام صادق علیه السلام بعد از نماز

عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ  
بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ السَّرَّاجِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام «اللَّهُمَّ إِنِّي  
أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ وَالصِّدْقَ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَبْتَلِيَنِي  
بِبَلِيَّةٍ تَحْمِلُنِي ضُرُورَتُهَا عَلَى التَّعَوُّدِ بِشَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ  
تُدْخِلَنِي فِي حَالٍ كُنْتُ أَوْ أَكُونُ فِيهَا فِي عُسْرٍ أَوْ يُسْرٍ أَظُنُّ أَنَّ مَعَاصِيكَ  
أَنْجَحُ لِي مِنْ طَاعَتِكَ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ قَوْلًا حَقًّا مِنْ طَاعَتِكَ أَلْتَمِسُ بِهِ  
سِوَاكَ وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَجْعَلَنِي عِظَةً لِغَيْرِي وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَكُونَ أَحَدٌ أَسْعَدَ  
بِمَا آتَيْتَنِي بِهِ مِنِّي وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَكَلَّفَ طَلَبَ مَا لَمْ تَقْسِمْ لِي وَمَا قَسَمْتَ  
لِي مِنْ قِسْمٍ أَوْ رَزَقْتَنِي مِنْ رِزْقٍ فَأَتَيْتَنِي بِهِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ حَلَالًا طَيِّبًا  
وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ رَزَحَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ وَ بَاعَدَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ أَوْ نَقَصَ  
بِهِ حَظِّي عِنْدَكَ أَوْ صَرَفَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ تَحُولَ  
حَظِيَّتِي أَوْ ظُلْمِي أَوْ جُزْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَ اتِّبَاعُ هَوَايَ وَ اسْتِعْجَالُ  
شَهْوَتِي دُونَ مَغْفِرَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ ثَوَابِكَ وَ نَائِلِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ

۱- وسائل الشيعه، ج ۱۳، ص ۴۳۹، حدیث ۱۸۱۶۳، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۹۴،  
مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۱۵، حدیث ۱۱۲۲۰، قرب الاسناد، ص ۴۰، حدیث ۱۲۷،  
بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۱۳، حدیث ۱.

مَوْعُودِكَ الْحَسَنَ الْجَمِيلَ عَلَى نَفْسِكَ « ثُمَّ تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ فَإِذَا فَرَعْتَ فَقُلِ  
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَبِوَأَجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ  
 وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ دَعَاكَ الدَّاعُونَ وَ  
 دَعَوْتُكَ وَسَأَلَكَ السَّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ وَطَلَبَكَ الطَّالِبُونَ وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ وَ  
 رَغِبَ الرَّاعِبُونَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الثِّقَّةُ وَالرَّجَاءُ وَالْإِيكُ مُنْتَهَى  
 الرَّغْبَةِ وَالِدُّعَاءِ فِي الشَّدَّةِ وَالرِّخَاءِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ  
 اجْعَلِ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَالنُّورَ فِي بَصْرِي وَالنَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَذِكْرَكَ  
 بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى لِسَانِي وَرِزْقًا وَاسِعًا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي  
 وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ  
 بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ « ثُمَّ تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ فَإِذَا فَرَعْتَ فَقُلِ «اللَّهُمَّ صَلِّ  
 عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ وَلا تَشْغَلْنِي بِمَا قَدْ تَكَفَّلْتَ  
 لِي بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا يَرْتَدُّ وَنَعِيمًا لَا يَنْفَدُ وَمُرَافَقَةً نَبِيِّكَ  
 صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي أَعْلَى جَنَّةِ الْخُلْدِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِزْقَ يَوْمِ بِيَوْمٍ  
 لَا قَلِيلًا فَأَشْقَى وَلَا كَثِيرًا فَأَطْغَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي  
 مِنْ فَضْلِكَ مَا تَرْزُقُنِي بِهِ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِي هَذَا وَتَقْوِينِي بِهِ عَلَى  
 الصَّوْمِ وَالصَّلَاةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ رَبِّي وَرَجَائِي وَعِصْمَتِي لَيْسَ لِي مُعْتَصِمٌ إِلَّا  
 أَنْتَ وَلا رَجَاءٌ غَيْرُكَ وَلا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ  
 مُحَمَّدٍ وَآتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِي بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ  
 النَّارِ « ثُمَّ تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ فَإِذَا فَرَعْتَ فَقُلِ «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ وَلكَ  
 الْمُلْكُ كُلُّهُ وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ وَالْإِيكُ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ وَأَنْتَ  
 مُنْتَهَى الشَّأْنِ كُلِّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَرَضِّنِي بِقَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ  
حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اللَّهُمَّ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ  
فَضْلِكَ وَارْزُقْنِي مِنْ بَرَكَاتِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَتَوَفَّنِي عِنْدَ  
انْقِضَاءِ أَجَلِي عَلَى سَبِيلِكَ وَلَا تُؤَلِّ أَمْرِي غَيْرَكَ وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ  
هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ» ثُمَّ تُصَلِّي  
رَكَعَتَيْنِ<sup>(۱)</sup>.

### ۳۹ - دعای بعد از نماز مغرب

«الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ  
يَسَارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَأَمِّرْ يَدَكَ عَلَى جِبْهَتِكَ وَ  
قُلْ «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ  
أَذْهِبْ عَنِّي الْهَمَّ وَالْغَمَّ وَالْحَزْنَ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ»<sup>(۲)</sup>.

### ۴۰ - دعای قنوت در نماز عید فطر و قربان

عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الزُّرَّارِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ  
بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ تَقُولُ  
بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَتَيْنِ فِي صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ «اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَأَهْلَ  
الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ فِي  
هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَ

۱- تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۷۴.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۵۴۹، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۸۴، حدیث ۸۵۰۴.

مَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ عَبْدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَ صَلِّ عَلَيَّ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ رُسُلِكَ وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَاذَ بِكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ»<sup>(١)</sup>.

#### ٤١ - این دعا را در ماه مبارک رمضان بخوانید

عَلِيٌّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ «اللَّهُمَّ إِنِّي بِكَ أَتَوَسَّلُ وَ مِنْكَ أَطْلُبُ حَاجَتِي مَنْ طَلَبَ حَاجَةً إِلَى النَّاسِ فَإِنِّي لَأَطْلُبُ حَاجَتِي إِلَا مِنْكَ وَ حُدُكَ لَأَشْرِيكَ لَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِفَضْلِكَ وَ رِضْوَانِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي عَامِي هَذَا إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ سَبِيلًا حَجَّةً مَبْرُورَةً مُتَقَبَّلَةً زَاكِيَةً خَالِصَةً لَكَ تُقَرُّ بِهَا عَيْنِي وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي وَ تَرْزُقُنِي أَنْ أَغْضُ بَصْرِي وَ أَنْ أَحْفَظَ فَرْجِي وَ أَنْ أَكْفَ بِهَا عَنْ جَمِيعِ مَحَارِمِكَ حَتَّى لَا يَكُونَ شَيْءٌ آثَرَ عِنْدِي مِنْ طَاعَتِكَ وَ خَشْيَتِكَ وَ الْعَمَلِ بِمَا أَحْبَبْتَ وَ التَّرْكِ لِمَا كَرِهْتَ وَ نَهَيْتَ عَنْهُ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ

١ - تهذيب الاحكام، ج ٣، ص ١٣٩، بحار الانوار، ج ٨٧، ص ٣٨٠، باب ١، وسائل الشيعه، ج

٧، ص ٤٦٨، حديث ٩٨٨١.

فِي يُسْرِ وَيَسَارٍ وَ عَافِيَةٍ وَ أَوْزِعْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ  
تَجْعَلَ وَفَاتِي قَتْلًا فِي سَبِيلِكَ تَحْتَ رَايَةِ نَبِيِّكَ مَعَ أَوْلِيَائِكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ  
تَقْتُلَ بِي أَعْدَاءَكَ وَ أَعْدَاءَ رَسُولِكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُكْرِمَنِي بِهَوَانٍ مَنْ شِئْتَ  
مِنْ خَلْقِكَ وَ لَا تُهِنِّي بِكَرَامَةٍ أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مَعَ الرَّسُولِ  
سَبِيلًا حَسْبِيَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ»<sup>(١)</sup>.

#### ٤٢ - دعای خدا حافظی با ماه مبارک رمضان

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ  
أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي وَدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي  
كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ وَ قَدْ  
تَصَرَّمَ فَأَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ إِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ  
تَغْفِرْهُ لِي أَوْ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ أَوْ تُقَايَسَنِي بِهِ أَنْ يَطَّلِعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ أَوْ  
يَتَصَرَّمَ هَذَا الشَّهْرُ إِلَّا وَ قَدْ غَفَرْتَهُ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ  
بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا أَوْلِيَّهَا وَ آخِرُهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَ مَا قَالَ الْخَلَائِقُ  
الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ الْمَعْدُودُونَ الْمُوقِّرُونَ ذِكْرَكَ وَ الشُّكْرَ لَكَ الَّذِينَ  
أَعْتَنَهُمْ عَلَى أَدَاءِ حَقِّكَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ النَّبِيِّينَ  
وَ الْمُرْسَلِينَ وَ أَصْنَافِ النَّاطِقِينَ وَ الْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ عَلَى  
أَنَّكَ بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَ عَلَيْنَا مِنْ نِعْمِكَ وَ عِنْدَنَا مِنْ قَسَمِكَ وَ إِحْسَانِكَ

١ - الكافي، ج ٤، ص ٧٤، وسائل الشيعه، ج ١٠، ص ٣٢٥، حديث ٣٣١٩، مستدرک  
الوسائل، ج ٧، ص ٤٤٧.

وَ تَظَاهِرُ امْتِنَانِكَ فَبِذَلِكَ لَكَ مُنْتَهَى الْحَمْدِ الْخَالِدِ الدَّائِمِ الرَّائِدِ الْمُخَلَّدِ  
 السَّرْمَدِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ طَوْلَ الْأَبَدِ جَلَّ ثَنَاؤُكَ أَعْتَنَّا عَلَيْهِ حَتَّى قَضَيْنَا صِيَامَهُ وَ  
 قِيَامَهُ مِنْ صَلَاةٍ وَ مَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِنْ بَرٍّ أَوْ شُكْرٍ أَوْ ذِكْرٍ اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا  
 بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ وَ تَجَاوَزْكَ وَ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ وَ غُفْرَانِكَ وَ حَقِيقَةَ  
 رِضْوَانِكَ حَتَّى تُظْفِرَنَا فِيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ وَ جَزِيلٍ عَطَاءٍ مَوْهُوبٍ وَ  
 تَوْقِينًا فِيهِ مِنْ كُلِّ مَرْهُوبٍ أَوْ بَلَاءٍ مَجْلُوبٍ أَوْ ذَنْبٍ مَكْسُوبٍ اللَّهُمَّ إِنِّي  
 أَسْأَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ وَ جَمِيلِ  
 ثَنَائِكَ وَ خَاصَّةِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ  
 شَهْرَنَا هَذَا أَعْظَمَ شَهْرٍ رَمَضَانَ مَرَّةً عَلَيْنَا مُنْذُ أَنْزَلْتَنَا إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَاتٍ فِي عِصْمَةِ  
 دِينِي وَ خَلَاصِ نَفْسِي وَ قَضَاءِ حَوَائِجِي وَ تَشْفِيعِي (حَاجَتِي وَ تَشْفِيعِي) فِي  
 مَسَائِلِي وَ تَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَ صَرْفِ السُّوءِ عَنِّي وَ لِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي فِيهِ وَ أَنْ  
 تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ خَرَّتْ لَهُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَ جَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ  
 فِي أَعْظَمِ الْأَجْرِ وَ كَرَامَةِ الذُّخْرِ وَ حُسْنِ الشُّكْرِ وَ طُولِ الْعُمُرِ وَ دَوَامِ الْيُسْرِ  
 اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَ طَوْلِكَ وَ عَفْوِكَ وَ نِعْمَائِكَ وَ جَلَالِكَ وَ قَدِيمِ  
 إِحْسَانِكَ وَ امْتِنَانِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ  
 مِنْ قَابِلٍ عَلَيَّ أَحْسَنَ حَالٍ وَ تُعَرِّفَنِي هِمَالَهُ مَعَ النَّاطِرِينَ إِلَيْهِ وَ الْمُعْتَرِفِينَ لَهُ  
 فِي أَعْفَى عَافِيَتِكَ وَ أَنْعَمِ نِعْمَتِكَ وَ أَوْسَعِ رَحْمَتِكَ وَ أَجْزَلِ قَسْمِكَ يَا رَبِّي  
 الَّذِي لَيْسَ لِي رَبٌّ غَيْرُهُ لَا يَكُونُ هَذَا الْوَدَاعُ مِنِّي لَهُ وَ دَاعٍ فَنَاءٍ وَ لَا آخِرَ  
 الْعَهْدِ مِنِّي لِلِقَاءِ حَتَّى تُرِيَنِيهِ مِنْ قَابِلٍ فِي أَوْسَعِ النِّعَمِ وَ أَفْضَلِ الرَّجَاءِ وَ أَنَا  
 لَكَ عَلَيَّ أَحْسَنِ الْوَفَاءِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ أَسْمَعْ دُعَائِي وَ ارْحَمْ  
 تَضَرُّعِي وَ تَذَلُّلِي لَكَ وَ اسْتِكَانَتِي وَ تَوَكُّلِي عَلَيْكَ وَ أَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ لَا أَرْجُو

نَجَاحاً وَ لَا مُعَافَاةً وَ لَا تَشْرِيفاً وَ لَا تَبْلِيغاً إِلَّا بِكَ وَ مِنْكَ فَاْمُنْ عَلَيَّ جَلَّ  
تَنَافُوكَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَ أَنَا مُعَافَى مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ  
وَ مَحْذُورٍ وَ مِنْ جَمِيعِ الْبَوَائِقِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنَا عَلَى صِيَامِ هَذَا الشَّهْرِ وَ  
قِيَامِهِ حَتَّى بَلَّغَنِي آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ»<sup>(۱)</sup>.

### ۴۳ - دعای هنگام افطار در ماه مبارک رمضان

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ  
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ تَقُولُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ إِلَى  
آخِرِهِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنَا فَصُمْنَا وَ رَزَقَنَا فَأَفْطَرْنَا اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا وَ أَعِنَّا  
عَلَيْهِ وَ سَلِّمْنا فِيهِ وَ تَسَلِّمْهُ مِنَّا فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى  
عَنَّا يَوْماً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ»<sup>(۲)</sup>.

### ۴۴ - اعمال ماه مبارک رمضان

« وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَاتِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ الرَّازِيِّ  
(الزراري) عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ  
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام صَلَّى فِي الْعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَمَانِيًا بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ  
اِثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً بَعْدَ الْعَتَمَةِ فَإِذَا كَانَتِ اللَّيْلَةُ الَّتِي يُرْجَى فِيهَا مَا يُرْجَى  
فَصَلِّ مِائَةَ رَكْعَةٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ ﴿ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴾ عَشْرَ مَرَّاتٍ قَالَ

۱- الكافي، ج ۴، ص ۱۶۵، تهذيب الاحكام، ج ۳، ص ۱۲۲، حديث ۳۹.

۲- الكافي، ج ۴، ص ۹۵.

قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِنْ لَمْ أَقْوِ قَائِمًا قَالَ فَجَالِسًا قُلْتُ فَإِنْ لَمْ أَقْوِ جَالِسًا قَالَ  
فَصَلِّ وَ أَنْتَ مُسْتَلْقٍ عَلَيَّ فِرَاشِكَ»<sup>(۱)</sup>.

#### ۴۵ - اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

« عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ  
عَنْ مُرَازِمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَإِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ  
فَخُذْ فِي الدُّعَاءِ وَقِرَاءَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ غَيْرِهِ مِمَّا يُسْتَحَبُّ أَنْ يُقْرَأَ  
فَإِنْ لَمْ يَتَّهَيَّا لَكَ أَنْ تَدْعُو بَيْنَ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ فَادْعُ فِي الْعَشْرَاتِ فَإِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ  
ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ فَاقْرَأْ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ اقْرَأْ سُورَةَ  
الْعَنَكَبُوتِ وَ الرُّومِ مَرَّةً وَاحِدَةً»<sup>(۲)</sup>.

#### ۴۶ - زیارت امام حسین عليه السلام

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ  
بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا أَتَيْتَ الْقَبْرَ بَدَأْتَ فَأَثْنَيْتَ عَلَيَّ  
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ صَلَّيْتَ عَلَيَّ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَ اجْتَهَدْتَ فِي ذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ  
تَقُولُ سَلَامٌ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ وَمَلَائِكَتِهِ فِيمَا تَرُوحُ وَ تَعْدُو وَ الزَّكَايَاتُ الطَّاهِرَاتُ  
لَكَ وَ عَلَيْكَ سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامُ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ وَ  
النَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ وَ الشُّهَدَاءِ عَلَيَّ أَنْكَ صَادِقٌ وَ صِدِّيقٌ صَدَقْتَ وَ نَصَحْتَ

۱- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۳۱، حدیث ۱۰۰۳۹، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۶۴.

۲- تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۰۰.



فِيمَا أَتَيْتَ بِهِ وَ أَنْكَ تَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ الدَّمُ الَّذِي لَا يُدْرِكُ ثَارَهُ تَرْتَهُ  
أَحَدٌ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ لَا يُدْرِكُهُ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ جِئْتِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ  
وَافِدًا إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِكَ فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ  
وَ بِكَ يَتَوَسَّلُ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ فِي حَوَائِجِهِمْ وَ بِكَ يُدْرِكُ أَهْلُ التِّرَاتِ  
مِنْ عِبَادِ اللَّهِ طَلِبَتَهُمْ ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا ثُمَّ قُمْ مُسْتَقْبِلَ وَ الْقِبْلَةَ بَيْنَ كَتْفَيْكَ الْقَبْرِ  
فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْمُتَوَحِّدِ بِالْأُمُورِ كُلِّهَا خَالِقِ الْخَلْقِ فَلَمْ يَعْرُبْ عَنْهُ  
شَيْءٌ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ عَالِمِ كُلِّ شَيْءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ ضَمَّنَ الْأَرْضَ وَ مَنْ عَلَيْهَا دَمَكَ  
وَ تَارَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ مَا وَعَدَكَ مِنَ النُّصْرِ وَ  
الْفَتْحِ وَ أَنَّ لَكَ مِنَ اللَّهِ الْوَعْدَ الْحَقَّ فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ وَ تَمَامِ مَوْعِدِهِ إِيَّاكَ  
أَشْهَدُ أَنَّهُ قَاتَلَ مَعَكَ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ كَمَا قَالَ اللَّهُ وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ  
رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ ثُمَّ كَبُرَ سَبْعَ تَكْبِيرَاتٍ ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا وَ  
اسْتَقْبِلِ الْقَبْرَ ثُمَّ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ  
شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ عَنِ  
اللَّهِ مَا أَمَرْتَ بِهِ وَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ تَمَّتْ بِكَ كَلِمَاتُهُ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ  
حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ  
أُمَّةً خَذَلَتْ عَنْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ بِالْوَلَايَةِ لِمَنْ وَ الْبَيْتَ وَ وَالْتَ رُسُلَكَ وَ  
أَشْهَدُ بِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ تَبَرَّاتَ مِنْهُ وَ بَرَّاتَ مِنْهُ رُسُلَكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ كَذَّبُوا  
رُسُلَكَ وَ هَدَمُوا كَعْبَتَكَ وَ حَرَّفُوا كِتَابَكَ وَ سَفَكُوا دَمَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَ  
أَفْسَدُوا عِبَادَكَ وَ اسْتَذَلُّوهُمْ اللَّهُمَّ ضَاعِفْ لَهُمُ اللَّعْنَةَ فِيمَا جَرَتْ بِهِ سُنَّتِكَ  
فِي بَرِّكَ وَ بَحْرِكَ اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِي سَمَائِكَ وَ أَرْضِكَ اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ لِي

لِسَانِ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ وَ حَبِّبِ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ حَتَّى تُلْحِقَنِي بِهِمْ وَ تَجْعَلَهُمْ  
لِي فَرَطًا وَ تَجْعَلَنِي لَهُمْ تَبَعًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ثُمَّ امْشِ قَلِيلًا فَكَبِّرْ سَبْعًا وَ  
هَلِّ سَبْعًا وَ اِحْمَدِ اللَّهَ سَبْعًا وَ سَبِّحِ اللَّهَ سَبْعًا وَ أَجِبْهُ سَبْعًا تَقُولُ لَبَّيْكَ دَاعِيِ  
اللَّهِ إِنْ كَانَ لَمْ يُجِبْكَ بَدَنِي فَقَدْ أَجَابَكَ قَلْبِي وَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ رَأْيِي وَ  
هُوَ آيَ عَلَى التَّسْلِيمِ لِخَلْفِ النَّبِيِّ الْمُرْسَلِ وَ السَّبْطِ الْمُتَّجِبِ وَ الدَّلِيلِ الْعَالِمِ وَ  
الْأَمِينِ الْمُسْتَخْرَنِ وَ الْمُوصِيِ الْبَلِيغِ وَ الْمَظْلُومِ الْمُهْتَضَمِ جِثَّتْ انْقِطَاعًا إِلَيْكَ  
وَ إِلَى وَلَدِكَ وَ وَوَلَدِكَ الْخَلْفِ مِنْ بَعْدِكَ عَلَى بَرَكَاتِهِ الْحَقِّ فَقَلْبِي لَكَ  
مُسَلِّمٌ وَ أَمْرِي لَكَ رَبِّكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكَ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ  
الْحَاكِمِينَ لِدِينِهِ وَ يَبْعَثُكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَأَمَعَ عَدْوَكُمْ إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ  
بِرَجْعَتِكُمْ لَأُنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَ لَأُكْذِبُ لَهُ مَشِيَّةً وَ لَأُزْعِمُ أَنْ مَا شَاءَ لَأَكُونَ  
ثُمَّ امْشِ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى الْقَبْرِ فَقُلْ وَ أَنْتَ قَائِمٌ سُبْحَانَ اللَّهِ يُسَبِّحُ لِلَّهِ ذِي  
الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ وَ يُقَدِّسُ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِكِ  
الْقُدُّوسِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي وَفْدِكَ إِلَى خَيْرِ بَقَاعِكَ وَ  
خَيْرِ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْجَبْتِ وَ الطَّاغُوتِ ثُمَّ اِرْفَعْ يَدَيْكَ حَتَّى تَضَعَهُمَا  
مُمَدَّدَتَيْنِ عَلَى الْقَبْرِ ثُمَّ تَقُولُ أَشْهَدُ أَنَّكَ طَهَّرْتَ طَاهِرًا مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ قَدْ  
طَهَّرْتَ بِكَ الْبِلَادُ وَ طَهَّرْتَ أَرْضُ أَنْتَ فِيهَا وَ أَنَّكَ ثَارُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ  
حَتَّى يَسْتَشِيرَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِهِ ثُمَّ ضَعْ يَدَيْكَ وَ خَدَيْكَ جَمِيعًا عَلَى الْقَبْرِ  
ثُمَّ اجْلِسْ عِنْدَ رَأْسِهِ فَادْكُرِ اللَّهَ بِمَا أَحْبَبْتَ وَ تَوَجَّهْ إِلَيْهِ وَ اسْأَلِ اللَّهَ حَوَائِجَكَ  
ثُمَّ ضَعْ يَدَيْكَ وَ خَدَيْكَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ وَ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ  
فَلَقَدْ صَبَرْتَ وَ أَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ قَتَلَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْأَيْدِيِ وَ الْأَلْسُنِ

ثُمَّ قُمْ إِلَى قَبْرِ وَلَدِي فَتُنِّي عَلَيْهِمْ بِمَا أَحْبَبْتَ وَتَسْأَلُ رَبَّكَ حَوَائِجَكَ وَمَا بَدَأَ لَكَ ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ قُبُورَ الشَّهَدَاءِ قَائِمًا فَتَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الرَّبَّانِيُّونَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ وَ أَنْصَارُ آبِشْرُوا بِمَوْعِدِ اللَّهِ الَّذِي لَا خُلْفَ لَهُ وَإِنَّ اللَّهَ مُدْرِكُكُمْ بِكُمْ تَارِكُمْ وَأَنْتُمْ سَادَةُ الشَّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ اجْعَلِ الْقَبْرَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَصَلِّ مَا بَدَأَ لَكَ وَكُلَّمَا دَخَلْتَ الْحَيْرَ فَسَلِّمْ ثُمَّ امْشِ حَتَّى تَضَعَ يَدَيْكَ وَخَدَيْكَ جَمِيعًا عَلَى الْقَبْرِ فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ فَاصْنَعْ مِثْلَ ذَلِكَ وَلَا تُقَصِّرْ عِنْدَهُ مِنَ الصَّلَوَاتِ مَا أَقَمْتَ فَإِذَا انْصَرَفْتَ مِنْ عِنْدِهِ فَوَدِّعْهُ وَقُلْ سَلَامٌ لِلَّهِ وَ سَلَامٌ وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ وَ ذُرِّيَّتِكَ وَ مَنْ حَضَرَكَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ» (١)

#### ٤٧ - دعا جهت رفع اندوه

وَعَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِيقِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَا تَدْعُ أَنْ تَدْعُوَ بِهَذَا الدُّعَاءِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَصْبَحْتَ وَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ إِذَا أَمْسَيْتَ «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي دِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي تَجْعَلُ فِيهَا مَنْ تُرِيدُ» فَإِنَّ أَبِي عليه السلام كَانَ يَقُولُ هَذَا مِنَ الدُّعَاءِ

١- كامل الزيارات، ج ١، ص ٢١٦، بحار الانوار، ج ٥٣، ص ٩٨، باب ٢٩، وج ٨٦، ص ٨٠، باب ٢، وج ٩٨، ص ١٦٨، باب ١٨، مستدرک الوسائل، ج ١٠، ص ٣٢٦، حديث ١٢١٠٤، وج ٦، ص ٥٤٦، حديث ٧٤٧٨.

المخزُون<sup>(١)</sup>.

٤٨ - دعا جهت رفع تب

« [الكافي] الحسين بن محمد عن أحمد بن إسحاق الأشعري عن بكر بن محمد الأزدي قال قال أبو عبد الله عليه السلام حم رسول الله صلى الله عليه وآله فاتاه جبرئيل عليه السلام فعوذته فقال بسم الله أرقيك - يا محمد - و بسم الله أشفيك، بسم الله من كل داء يعنك و بسم الله و الله شافيك و بسم الله خذها فليهنك، بسم الله الرحمن الرحيم ﴿ فلما أقسم بمواقع النجوم ﴾<sup>(٢)</sup> لتبرأن بإذن الله قال بكر و سألته عن رقية الحمى فحدثني بهذا<sup>(٣)</sup>.

٤٩ - دعاى ورم و زخم

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد قال : سألته عن رقية الحمى فحدثني بها و سألته عن رقية الورم و الجراح فقال أبو عبد الله عليه السلام تأخذ سكيناً ثم تمرّ بها على الموضع الذي تشكو من جرح أو غيره فتقول « بسم الله أرقيك من الحد و الحديد و من أثر العود و الحجر الملبود و من العرق الفاتر و الورم الآجر و من الطعام و عقره و من الشراب و برده أمضي إليك بإذن الله إلى أجل مسمى في

١- الكافي، ج ٢، ص ٥٣٤، حديث ٣٧، وسائل الشيعة، ج ٧، ص ٢٢٩، حديث ٩١٩١.

٢- الواقعة ٥٦: ٧٥.

٣- بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ٢٥، باب ٥٦، وح ٩٥، ص ٦٥، قرب الاسناد، ص ٤٢، حديث

١٣٤، طب الأئمة، ص ٣٨، مكارم الاخلاق، ص ٣٩١ و ٣٩٩، الكافي، ج ٨، ص ١٠٩.

حديث ٨٨.

الانس و الأنعام بسم الله فتحت و بسم الله ختمت ثم أوتد السكين في الأرض»<sup>(١)</sup>.

٥٠ - هنگام خواب اين دعا را بخوانيد

« وَ تَقُولُ أَيْضاً حِينَ تَأْخُذُ مَضْجَعَكَ مَا رَوَاهُ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ قَالَ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ « الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَّا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَّنَ فَخْبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » كَانَ يَخْرُجُ مِنَ الذُّنُوبِ كَهَيْئَةِ يَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ »<sup>(٢)</sup>.

د: احاديث اخلاقي و متفرقه

٥١ - نيكي به مؤمن

« عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ أَكْثَرُ مَا كَانَ يُوصِينَا بِهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْبِرُّ وَ الصَّلَاةُ »<sup>(٣)</sup>.

١- قرب الاسناد، ص ٤٢، حديث ١٣٥، طب الانمه، ص ٣٤، مكارم الاخلاق، ص ٤١٠، نحوه، بحار الانوار، ج ٩٥، ص ٦٥، حديث ٤٤.

٢- بحار الانوار، ج ٧٣، ص ٢٠٧، باب ٤٤، فلاح السائل، ج ١، ص ٢٧٧، قرب الاسناد، ص ٣٥، حديث ١١٥، الكافي، ج ٢، ص ٣٨٩، حديث ١، من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ٢٩٧، حديث ١٣٥٧، ثواب الاعمال، ص ١٨٤، حديث ١، تهذيب الاحكام، ج ٢، ص ١١٧، حديث ٤٣٨، وسائل الشيعة، ج ٦، ص ٤٤٨.

٣- وسائل الشيعة، ج ١١، ص ٥٩٣، و ج ١٦، ص ٣٧٨، حديث ٢١٨٠٩، قرب الاسناد، ص ٤٣، حديث ١٣٧، بحار الانوار، ج ٧٤، ص ٣٩٠، باب ٣.

۵۲ - احترام به سالخوردهگان

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِجْلَالُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ »<sup>(۱)</sup>.

۵۳ - ثواب دست دادن با برادر مومن

« عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَهُ وَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ قَدْرَ نَبِيِّهِ وَكَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ قَدْرَ الْمُؤْمِنِ إِنَّهُ لَيَلْقَى أَخَاهُ فَيُصَافِحُهُ فَيَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا وَالدُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْ وَجُوهِهِمَا حَتَّى يَفْتَرِقَا كَمَا تَتَحَاتُّ الرِّيحُ الشَّدِيدَةُ الْوَرَقَ عَنِ الشَّجَرِ »<sup>(۲)</sup>.

۵۴ - پاداش برآوردن حاجت مسلمان

« وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ مَنْ طَافَ بِهَذَا الْبَيْتِ طَوَافًا وَاحِدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ حَسَنَةٍ وَمَحَا عَنْهُ سِتَّةَ آلَافِ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ سِتَّةَ آلَافِ دَرَجَةٍ حَتَّى إِذَا كَانَ عِنْدَ الْمُلتَزِمِ فَتَحَ لَهُ سَبْعَةَ أَبْوَابٍ مِنْ أَبْوَابِ

۱- الكافي، ج ۲، ص ۶۵۸، وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۹۸، حديث ۱۵۷۴۱.

۲- الكافي، ج ۲، ص ۱۸۳، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۲، باب ۱۰۰، وسائل الشيعه، ج ۱۲، ص ۲۲۱، حديث ۱۶۱۳۷.

الْجَنَّةِ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ هَذَا الْفَضْلُ كُلُّهُ فِي الطَّوَّافِ قَالَ نَعَمْ وَ أُخْبِرُكَ  
بِأَفْضَلٍ مِنْ ذَلِكَ قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُسْلِمِ أَفْضَلُ مِنْ طَوَّافٍ وَ طَوَّافٍ حَتَّى بَلَغَ  
عَشْرًا»<sup>(۱)</sup>.

۵۵ - پاداش کسی کہ حاجت مومنی را برآورد

« [ثواب الأعمال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ  
بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَا قَضَى مُسْلِمٌ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ  
اللَّهُ عَلَيَّ ثَوَابُكَ وَ لَأِ أَرْضَى لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ »<sup>(۲)</sup>.

۵۶ - پاداش کسی کہ به دیدن دوست مؤمنش رود

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ  
بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَا زَارَ مُسْلِمٌ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فِي اللَّهِ وَ لِلَّهِ  
إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَيُّهَا الزَّائِرُ طِبْتُ وَ طَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ »<sup>(۳)</sup>.

۵۷ - پاداش خوشحال کردن مؤمن

« [الكافي] عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۶۴، حدیث ۲۱۷۷۱.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۰۵ و ۳۲۶، باب ۲۰، قرب الاسناد، ص ۳۹، حدیث ۱۲۴،  
وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۵۸.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۱۷۷، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۸، باب ۲۱، قرب الاسناد، ص ۳۶،  
حدیث ۱۱۶، ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۱۸۵، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۸۱.

بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ كَانَ رَجُلٌ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقَرَأَ هَذِهِ  
الآيَةَ ﴿ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا  
بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴾ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَمَا ثَوَابُ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيْهِ  
السُّرُورَ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ عَشْرُ حَسَنَاتٍ قَالَ إِي وَ اللَّهِ وَ أَلْفُ أَلْفِ  
حَسَنَةٍ <sup>(١)</sup>.

#### ٥٨ - مؤمن سبک بار است

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ  
قَالَ دَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْحَمَّامَ فَقَالَ لَهُ صَاحِبُ الْحَمَّامِ أَخِيهِ لَكَ فَقَالَ لَا  
حَاجَةَ لِي فِي ذَلِكَ الْمُؤْمِنُ أَخَفُّ مِنْ ذَلِكَ <sup>(٢)</sup>.

#### ٥٩ - امر کنندۀ به خیر و شر

« عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْأِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ  
مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ لِلْقَلْبِ أُذُنَيْنِ رُوحُ الْإِيمَانِ يُسَارُهُ بِالْخَيْرِ  
وَ الشَّيْطَانُ يُسَارُهُ بِالشَّرِّ فَأَيُّهُمَا ظَهَرَ عَلَى صَاحِبِهِ غَلَبَهُ <sup>(٣)</sup>.

١- بحار الانوار، ج ٧١، ص ٢٩٦، باب ٢٠، الكافي، ج ٢، ص ١٩٢، حديث ١٣، وسائل  
الشيعة، ج ١٦، ص ٣٥٤، حديث ٢١٧٤٦.  
٢- الكافي، ج ٦، ص ٥٠٣، بحار الانوار، ج ٤٧، ص ٤٧، باب ٤، وسائل الشيعة، ج ٢، ص  
٥٧، حديث ١٤٧١.  
٣- وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٣١٣، حديث ٢٥٧٠٦، الكافي، ج ٢، ص ٢٦٧، قرب الاسناد،  
ص ٣٣، حديث ١٠٨، بحار الانوار، ج ٦٩، ص ١٧٨.



## ٦٠- روح ایمان

کا، [الكافي] عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ  
عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ لِلْقَلْبِ أُذُنَيْنِ فَإِذَا هَمَّ الْعَبْدُ بِذَنْبٍ  
قَالَ لَهُ رُوحُ الْإِيمَانِ لَا تَفْعَلْ وَقَالَ لَهُ الشَّيْطَانُ افْعَلْ وَإِذَا كَانَ عَلَى بَطْنِهَا نُزِعَ  
مِنْهُ رُوحُ الْإِيمَانِ <sup>(١)</sup>.

## ٦١- ریشه های کفر

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي  
بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أُولُ الْكُفْرِ ثَلَاثَةٌ الْحِرْصُ وَالِاسْتِكْبَارُ وَ  
الْحَسَدُ فَأَمَّا الْحِرْصُ فَإِنَّ آدَمَ عليه السلام حِينَ نُهِيَ عَنِ الشَّجَرَةِ حَمَلَهُ الْحِرْصُ عَلَى  
أَنْ أَكَلَ مِنْهَا وَ أَمَّا الْاسْتِكْبَارُ فَأِبْلِيسُ حَيْثُ أَمَرَ بِالسُّجُودِ لِآدَمَ فَأَبَى وَ أَمَّا  
الْحَسَدُ فَأَبْنَا آدَمَ حَيْثُ قَتَلَ أَحَدَهُمَا صَاحِبَهُ <sup>(٢)</sup>.

## ٦٢- فضیلت عالم بر عابد

« مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ  
سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلٌ  
رَأَوِيَهُ لِحَدِيثِكُمْ يَبُتُّ ذَلِكَ فِي النَّاسِ وَيُسَدِّدُهُ فِي قُلُوبِهِمْ وَ قُلُوبِ شِيعَتِكُمْ

١- بحار الانوار، ج ٦٦، ص ١٩٨، باب ٣٣، حديث ١٦، وح ٦٧، ص ٤٤، حديث ٢.

٢- الكافي، ج ٢، ص ٢٨٩، وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٣٣٩، حديث ٢٠٦٨٤، بحار الانوار، ج

٦١، ص ١٠٤، باب ٩٩.

و لَعَلَّ عَابِدًا مِنْ شِيعَتِكُمْ لَيْسَتْ لَهُ هَذِهِ الرَّوَايَةُ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ قَالَ الرَّاويَةُ لِحَدِيثِنَا يَشُدُّ بِهِ قُلُوبَ شِيعَتِنَا أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ»<sup>(۱)</sup>.

۶۳- شرف و عزت مومن به چیست؟

«و عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ شَرَفُ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ وَعِزُّ الْمُؤْمِنِ كَفُّهُ عَنْ أَعْرَاضِ النَّاسِ»<sup>(۲)</sup>.

۶۴- فضیلت نماز اول وقت

«قُرْبُ الْأِسْنَادِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ بْنِ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَزْدِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لَفُضِّلُ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْأَخِيرِ خَيْرٌ لِلْمُؤْمِنِ مِنْ وُلْدِهِ وَ مَالِهِ»<sup>(۳)</sup>.

۶۵- خوشبختترین انسان

«الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدِ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ أَوْلِيَائِي عِنْدِي عَبْدًا مُؤْمِنًا ذَا حَظٍّ مِنْ صَلَاحِ أَحْسَنِ عِبَادَةِ رَبِّهِ وَ عَبْدًا

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۷۷، حدیث ۳۳۲۴۶، و ص ۱۳۷، حدیث ۳۳۴۱۷، الکافی، ج ۱، ص ۳۳، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۰، باب ۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۴۹، حدیث ۱۰۲۶۳، الکافی، ج ۳، ص ۴۸۸، حدیث ۹.

۳- بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۲، باب ۶، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۲ و ۱۲۳، حدیث

اللَّهِ فِي السَّرِيرَةِ وَكَانَ غَامِضاً فِي النَّاسِ فَلَمْ يُشْرَ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ وَكَانَ رِزْقُهُ كَفَافاً فَصَبَرَ عَلَيْهِ فَعَجَّلَتْ بِهِ الْمَنِيَّةُ فَقَلَّ تَرَاتُهُ وَ قَلَّتْ بَوَاكِيهِ، ثَلَاثاً» (۱).

۶۶۔ چند موعظہ از پیامبر ﷺ

« وَ رَوَى أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ قَالَ الْفَضْلُ بْنُ الْعَبَّاسِ أَهْدِيَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بَغْلَةً أَهْدَاهَا لَهُ كِسْرَى أَوْ قَيْصَرُ فَرَكَبَهَا النَّبِيُّ ﷺ بِجُلٍّ مِنْ شَعْرٍ وَ أَرْدَفَنِي خَلْفَهُ ثُمَّ قَالَ لِي يَا غُلَامُ احْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظُكَ وَ احْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ تَعَرَّفْ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفُكَ فِي الشَّدَةِ إِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَ إِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعْنِ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ مَضَى الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ فَلَوْ جَهَدَ النَّاسُ أَنْ يَنْفَعُوكَ بِأَمْرٍ لَمْ يَكْتُبَهُ اللَّهُ لَكَ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ وَ لَوْ جَهَدُوا أَنْ يَضُرُّوكَ بِأَمْرٍ لَمْ يَكْتُبَهُ اللَّهُ عَلَيْكَ لَمْ يَقْدِرُوا عَلَيْهِ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَعْمَلَ بِالصَّبْرِ مَعَ الْيَقِينِ فَافْعَلْ فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاصْبِرْ فَإِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكَرَّرَ خَيْرٌ كَثِيراً وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَ أَنَّ الْفَرَجَ مَعَ الْكُرْبِ وَ أَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (۲).

۱۔ الکافی، ج ۲، ص ۱۴۱، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۷۷، حدیث ۱۷۳، وج ۲۱، ص ۵۳۲، حدیث ۲۷۷۸۱، قرب الاسناد، ص ۴۰، حدیث ۱۲۹، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۶۲، باب ۹۵، وج ۹۹، ص ۲۱۳، باب ۱.  
 ۲۔ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۲، حدیث ۵۹۰۰، بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۱۶، باب ۸، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۲، حدیث ۸۶۶۹، وج ۱۱، ص ۴۹۵، ۱۵۳۵۹، وج ۱۵، ص ۲۶۳، حدیث ۲۰۴۵۷.

## ٦٧- ثواب شهادت در راه خدا

« وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَنْ قُتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَمْ يُعْرِفْهُ اللَّهُ شَيْئاً مِنْ سَيِّئَاتِهِ <sup>(١)</sup> .

## ٦٨- فضیلت سوره قدر

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ وَ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْعُودَةِ قَالَ تَأْخُذُ قُلَّةً جَدِيدَةً فَتَجْعَلُ فِيهَا مَاءً ثُمَّ تَقْرَأُ عَلَيْهَا ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴾ ثَلَاثِينَ مَرَّةً ثُمَّ تُعَلِّقُ وَ تَشْرَبُ مِنْهَا وَ تَتَوَضَّأُ وَ يَزْدَادُ فِيهَا مَاءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ <sup>(٢)</sup> .

## ٦٩- تفسیر سوره ﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴾

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد عن أبي عبد الله عليه السلام في ﴿ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لِمَا أَعْبُدُوا مَا تَعْبُدُونَ ﴾ <sup>(٣)</sup> . أَعْبُدُ رَبِّي وَفِي ﴿ وَ لِي دِينِ ﴾ <sup>(٤)</sup> ، دِينِي الْإِسْلَامَ ، عَلَيْهِ أَحْيَى وَ عَلَيْهِ أَمُوتَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ <sup>(٥)</sup> .

١- وسائل الشيعه، ج ١٥، ص ١٦، حديث ١٩٩١٩، الكافي، ج ٥، ص ٥٤، حديث ٦.

٢- الكافي، ج ٦، ص ٤٢١، تهذيب الاحكام، ج ٩، ص ١٢٢، حديث ٢٦٢.

٣- الكافرون، آية ١ و ٢.

٤- الكافرون، آية ٦.

٥- قرب الاسناد، ص ٤٥، حديث ١٤٤، بحار الانوار، ج ٩٢، ص ٣٣٩، باب ١.

### ۷۰ - پسر نوح

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول ﴿ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ ﴾ <sup>(۱)</sup> أي ابنها و هي لغة طي <sup>(۲)</sup>.

### ۷۱ - در مذمت گناه

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الشُّكَّ وَالْمَعْصِيَةَ فِي النَّارِ لَيْسَا مِنَّا وَلَا إِلَيْنَا <sup>(۳)</sup>.

### ۷۲ - ایمان و یقین

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال أمير المؤمنين عليه السلام إن الشك والمعصية في النار ليسا منا ولا إلينا وإن قلوب المؤمنين لمطوية بالإيمان طياً فإذا أراد الله إنارة ما فيها فتحها بالوحي فزرع فيها الحكمة زارعها و حاصدها <sup>(۴)</sup>.

۱- سوره هود، آیه ۴۲.

۲- قرب الاسناد، ص ۴۱، حدیث ۱۳۲، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۴۸، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۲۸، بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۱۶، باب ۱۲.

۳- الکافی، ج ۲، ص ۴۰۰.

۴- قرب الاسناد، ص ۳۵، حدیث ۱۱۲، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۵۴، باب ۲۱.

۷۳ - با توبه از گناه پاک می‌شوید

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد قال وقال أبو عبد الله عليه السلام: لا يزني الزاني وهو مؤمن ولا يسرق السارق وهو مؤمن وإنما أعني ما دام على بطنها فإذا توضأ وتاب كان في حال غير ذلك»<sup>(۱)</sup>.

۷۴ - نعمت غیر مترقبه

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد قال وقال أبو عبد الله عليه السلام كم من نعمة لله عز وجل على عبده في غير أملة وكم من مؤمل أملا والخيار في غيره وكم من ساع إلى حتفه وهو مبطن عن حظه»<sup>(۲)</sup>.

۷۵ - مرگ و اجل

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد قال قال أبو عبد الله عليه السلام: ﴿ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴾<sup>(۳)</sup> قال:

۱- قرب الاسناد، ص ۳۴، حدیث ۱۱۰، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۶، حدیث ۲۱، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۷۸.

۲- قرب الاسناد، ص ۴۰، حدیث ۱۲۸، تحف العقول، ص ۳۶۱، امالی للطوسی، ج ۱، ص ۱۳۲، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۹۱، حدیث ۴.

۳- سورة جمعه، آیه ۸.

يَعُدُّ السنين ثم يَعُدُّ الشهور ثم يَعُدُّ الأيام ثم يَعُدُّ الساعات ثم يَعُدُّ النفس ﴿<sup>(١)</sup>﴾<sup>(٢)</sup> .  
فإذا جاء أجلهم لا يستأخرون ساعة ولا يستقدمون ﴿<sup>(٣)</sup>﴾ .

### ٧٦ - مقدرات الهی

« [عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن محمد عن أبي عبد الله عليه السلام قال : سمعته يقول ألا إن الأمر ينزل من السماء إلى الأرض كل يوم كقطر المطر إلى كل نفس بما قدر الله لها من زيادة أو نقصان في أهل أو مال أو نفس فإذا أصاب أحدكم مصيبة في أهل أو مال أو نفس أو رأى عند آخر غفيرة فلا تكون له فتنة فإن المرء المسلم ما لم يغش دناءة يظهر تخشعاً لها إذا ذكرت و يغري بها لثام الناس كان كالياسر الفالاج الذي ينتظر أول فوزة من قداحه توجب له المغنم و تدفع عنه المغرم فذلك المرء المسلم البريء من الخيانة و الكذب ينتظر إحدى الحسنين إما داعي الله فما عند الله خير له و إما رزق من الله فإذا هو ذو أهل و مال و معه دينه و حسبه المال و البنون حرث الحياة الدنيا و العمل الصالح حرث الآخرة و قد يجمعهما الله عز و جل لأقوام»<sup>(٣)</sup> .

١- الاعراف، آية ٣٤.

٢- قرب الاسناد، ص ٤١، حديث ١٣١، الكافي، ج ٣، ص ٢٦٢، حديث ٤٤، بحار الانوار، ج

٦، ص ١٤٥، ذيل الحديث ١٨.

٣- قرب الاسناد، ص ٣٩، حديث ١٢٣، تفسير القمي، ج ٢، ص ٣٦، بحار الانوار، ج ٨٤، ص

٢٣٦، باب ١٥.

۷۷- زنان زینت خود را آشکار نکنند

« وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿ وَ لَنَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِنَّا مَّا ظَهَرْنَا مِنْهَا ﴾ قَالَ الْخَاتَمُ وَ الْمَسَكَةُ وَ هِيَ الْقَلْبُ » (۱).

۷۸- زنا، روح ایمان را از بین می برد

« عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ فِي قُرْبِ الْأِسْنَادِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ إِذَا زَنَى الرَّجُلُ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْهُ رُوحَ الْإِيمَانِ فَقُلْنَا الرُّوحُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ﴿ وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ ﴾ (۲) قَالَ نَعَمْ » (۳).

۷۹- ثواب تشییع جنازه

« وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ مَنْ أَخَذَ بِقَائِمَةِ السَّرِيرِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ خَمْسًا وَ عِشْرِينَ كَبِيرَةً وَ إِذَا رُبِعَ خَرَجَ مِنَ الذُّنُوبِ » (۴).

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰۱، حدیث ۲۵۴۲۸.

۲- المجادله، آیه ۲۲.

۳- قرب الاسناد، ص ۳۴، حدیث ۱۰۹، الکافی، ج ۲، ص ۲۱۳، حدیث ۱. عقاب الاعمال.

ص ۳۱۳، حدیث ۸، بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۷۸، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۵۹.

حدیث ۱۳۲۵۸.

۴- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۵۴، حدیث ۳۲۶۸، الکافی، ج ۳، ص ۱۷۴، حدیث ۲.



### ۸۰ - وظیفہ ہمسایگان

« وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يَنْبَغِي لِجِيرَانِ صَاحِبِ الْمُصِيبَةِ أَنْ يُطْعَمُوا الطَّعَامَ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ »<sup>(۱)</sup>.

### ۸۱ - آثار منفی میگزاری

« وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ إِذَا شَرِبَ الرَّجُلُ النَّبِيذَ الْمَخْمُورَ فَلَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَشْرِبَةِ وَإِنْ كَانَ يَصِفُ مَا تَصِفُونَ »<sup>(۲)</sup>.

### ۸۲ - خود را شبیه یہودیان نکنید

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اَكْتَسُوا أَفْنِيَّتَكُمْ وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ »<sup>(۳)</sup>.

### ۸۳ - عطر قلب را نیرو می بخشد

« وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۳۷، حدیث ۳۵۰۳، الکافی، ج ۳، ص ۲۱۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۲۹۴، حدیث ۳۱۹۴۱.

۳- الکافی، ج ۶، ص ۵۳۱، باب نوادر، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۱۷، حدیث ۶۶۵۷.

بصير قال قال أبو عبد الله عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله الطيب يشد القلب» (۱).

#### ۸۴ - به کم قانع باشيد

«الحميري في قرب الإسناد، عن أحمد بن إسحاق بن سعد عن بكر بن محمد الأزدي عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال إذا كان غروب الشمس وكل الله تعالى ملكاً بالشمس يقول أو ينادي أيها الناس أقبلوا على ربكم فإن ما قل وكفى خير مما كثر وألهي وملك مؤكلاً بالشمس عند طلوعها يقول يا ابن آدم لئلا للموت و ابن الخراب و اجتمع للفناء» (۲).

#### ۸۵ - فضيلت روزه گرفتن در ماه شعبان

«عبد الله بن جعفر في قرب الإسناد عن أحمد بن إسحاق عن بكر بن محمد عن أبي عبد الله عليه السلام قال قلت ما تقول في صيام شعبان فقال صومه قلت فالفضل قال يوم بعد النصف ثم صل» (۳).

#### ۸۶ - فضيلت تسبيح خدا

«[عبد الله بن جعفر الحميري عن أحمد بن إسحاق] عن بكر بن

۱- الكافي، ج ۶، ص ۵۱۰، حديث ۶، وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۱۴۲، حديث ۱۷۴۹.  
 ۲- قرب الإسناد، ص ۳۹، حديث ۱۲۵، الاختصاص، ص ۲۳۴، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۲۲۹، حديث ۱۸۰۸۲.  
 ۳- قرب الإسناد، ص ۳۸، حديث ۱۲۲، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۷۲، حديث ۱۳، وسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۵۰۷، حديث ۱۳۹۷۴.

محمد الأزدي عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال أمير المؤمنين عليه السلام من أراد أن يكتب له بالمكيال الأوفى فليقل في دبر كل صلاة ﴿سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ <sup>(١)</sup> <sup>(٢)</sup>.

### ٨٧ - حضور فرشتگان

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ لَيْسَ شَيْءٌ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ إِلَّا الرَّهَانُ وَ مُلَاعَبَةُ الرَّجُلِ أَهْلَهُ » <sup>(٣)</sup>.

### ٨٨ - شکر نعمت ، نعمتت افزون کند

« [ثواب الأعمال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا إِسْحَاقُ مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدِ نِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ وَ جَهَرَ بِحَمْدِ اللَّهِ عَلَيْهَا فَفَرَّغَ مِنْهَا حَتَّى يُؤْمَرَ لَهُ بِالْمَزِيدِ » <sup>(٤)</sup>.

١- الصافات، آیه ١٨٠-١٨٢.

٢- قرب الاسناد، ص ٣٣، حدیث ١٠٧، الکافی، ج ٢، ص ٣٦٠، حدیث ٣، من لا یحضره الفقیه، ج ١، ص ٢١٣، حدیث ٩٥٤، مکارم الاخلاق، ص ٣٠٤، باختلاف یسیر، بحار الانوار، ج ٨٦، ص ٢٣.

٣- الکافی، ج ٥، ص ٤٩ و ٥٥٤، وسائل الشیعه، ج ١٩، ص ٢٥٠، حدیث ٢٤٥٢٢، و ص ٢٥١، حدیث ٢٤٥٢٥، و ج ٢١ ص ١١٨، ٧٩، حدیث ٢٥١٨٥.

٤- بحار الانوار، ج ٦٨، ص ٥١، وسائل الشیعه، ج ٧، ص ١٧٥، حدیث ٩٠٤٣.

## ۸۹ - مستحب بودن خوردن خرما و ...

« الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ  
 بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ جَمِيعاً عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ  
 بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ لَمَّا قَدِمَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْحِيرَةَ رَكِبَ دَابَّتَهُ وَ مَضَى إِلَى  
 الْخَوَزَنَةِ فَنَزَلَ فَاسْتَتَلَّ بِظِلِّ دَابَّتِهِ وَ مَعَهُ غُلَامٌ لَهُ أَسْوَدُ فَرَأَى رَجُلًا مِنْ أَهْلِ  
 الْكُوفَةِ قَدْ اشْتَرَى نَخْلًا فَقَالَ لِلْغُلَامِ مَنْ هَذَا فَقَالَ لَهُ هَذَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام  
 فَجَاءَ بِطَبَقٍ ضَخْمٍ فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَقَالَ لِلرَّجُلِ مَا هَذَا فَقَالَ هَذَا الْبَرْنِيُّ فَقَالَ  
 فِيهِ شِفَاءٌ وَ نَظَرَ إِلَى السَّابِرِيِّ فَقَالَ مَا هَذَا فَقَالَ السَّابِرِيُّ فَقَالَ هَذَا عِنْدَنَا  
 الْبَيْضُ وَ قَالَ لِلْمُشَانِ مَا هَذَا فَقَالَ الرَّجُلُ الْمُشَانُ فَقَالَ عليه السلام هَذَا عِنْدَنَا أُمَّ  
 جِرْدَانَ وَ نَظَرَ إِلَى الصَّرْفَانِ فَقَالَ مَا هَذَا فَقَالَ الرَّجُلُ الصَّرْفَانُ فَقَالَ هُوَ عِنْدَنَا  
 الْعَجْوَةُ وَ فِيهِ شِفَاءٌ <sup>(۱)</sup> .

## « فصل سوّم »

احمد بن اسحاق رضي الله عنه وروايات اواز امام كاظم و امام رضا عليهما السلام

٩٠ - دعای امام كاظم عليه السلام

أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ حَدَّثَنِي بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ  
الْأَوَّلِ عليه السلام قَالَ كَانَ يَقُولُ «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَخَذْتَ بِنَاصِيَتِي وَ قَلْبِي فَلَمْ تُمْلِكْنِي  
مِنْهُمَا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِهِمَا فَأَنْتَ وَلِيَّهُمَا فَأَهْدِهِمَا إِلَيَّ سِوَاءِ السَّبِيلِ يَا رَبِّ يَا  
رَبِّ يَا رَبِّ مَا أَقْدَرَكَ مَا أَقْدَرَكَ مَا أَقْدَرَكَ عَلَى تَعْوِيضِ كُلِّ مَنْ كَانَتْ لَهُ  
قَبْلِي تَبِعَةٌ وَ تَغْفِرْ لِي فَإِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ»<sup>(١)</sup>.

٩١ - جواز ازدواج موقت

« مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ

١- قرب الاسناد، ص ٣١٤، حديث ١٢١٩، بحار الانوار، ج ٩٥، ص ٣٤١، حديث ١.

بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنِ الْمُتَعَةِ أَهِيَ مِنَ الْأَرْبَعِ فَقَالَ  
«لَا» <sup>(١)</sup>.

## ٩٢ - اوقات جاری کردن حد

« محمد بن عیسی بن عبید و أحمد بن إسحاق جميعاً عن سعدان بن مسلم عن بعض أصحابنا قال خرج أبو الحسن عليه السلام في بعض حوائجه فمرَّ برجلٍ يُحدُّ في الشتاء فقال سبحان الله ما ينبغي هذا فقلتُ و لهذا حدٌّ؟ قال: نعم ينبغي لمن يحدُّ في الشتاء أن يحدَّ في حرِّ النهارِ و لمن حدَّ في الصيف أن يحدَّ في بردِ النهارِ» <sup>(٢)</sup>.

## ٩٣ - احكام طواف

« مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ مَعَا عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام اسْتَلَمَ الْحَجَرَ ثُمَّ طَافَ حَتَّى إِذَا كَانَ أُسْبُوعُ الْمُتَزَمِ وَسَطَ الْبَيْتِ وَ تَرَكَ الْمُتَزَمَ الَّذِي يَلْتَزِمُ أَصْحَابُنَا وَ بَسَطَ يَدَهُ عَلَى الْكَعْبَةِ فَمَكَثَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ مَضَى إِلَى الْحَجْرِ فَاسْتَلَمَهُ وَ صَلَّى خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام ثُمَّ عَادَ إِلَى الْحَجْرِ فَاسْتَلَمَهُ ثُمَّ مَضَى حَتَّى إِذَا بَلَغَ الْمُتَزَمَ فِي آخِرِ

١- وسائل الشيعة، ج ٢١، ص ١٨، حديث ٢٦٤٠٦، الكافي، ج ٥، ص ٤٥١، حديث ٢، قرب الاسناد، ص ٤٣، حديث ١٣٩، تهذيب الاحكام، ج ٧، ص ٢٥٨، حديث ١١١٧، الاستبصار، ج ٣، ص ١٤٧، حديث ٥٣٥، بحار الانوار، ج ١٠٣، ص ٣١٢، حديث ٢.  
٢- الكافي، ج ٧، ص ٢١٧، قرب الاسناد، ص ٣١٥، حديث ١٢٢٣، تهذيب الاحكام، ج ٧، ص ٢٥٨، حديث ٤٢، بحار الانوار، ج ٧٧، ص ٣٦٥، وسائل الشيعة، ج ٢٨، ص ٢٢.

أُسْبُوعَ التَّرَمِّ وَسَطَ الْبَيْتِ وَبَسَطَ يَدَهُ ثُمَّ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ وَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام ثُمَّ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ وَطَافَ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ الْأُسْبُوعِ التَّرَمِّ وَسَطَ الْبَيْتِ ثُمَّ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام ثُمَّ عَادَ إِلَى الْحَجَرِ فَاسْتَلَمَ مَا بَيْنَ الْحَجَرِ إِلَى الْبَابِ ثُمَّ مَكَثَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ أَتَى الْحَجَرَ فَصَلَّى ثَمَانَ رَكَعَاتٍ فَكَانَ آخِرُ عَهْدِهِ بِالْبَيْتِ تَحْتَ الْمِيزَابِ وَبَسَطَ يَدَهُ وَدَعَا ثُمَّ مَكَثَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ خَرَجَ مِنْ بَابِ الْحَنَاطِينِ حَتَّى إِذَا أَتَى ذَا طُوًى وَكَانَ وَجْهُهُ إِلَى الْمَدِينَةِ» (١).

#### ٩٤ - احكام وضوى خصى

« مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ جَمِيعاً عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام فِي خَصِيِّ يَبُولُ فَيَلْقَى مِنْ ذَلِكَ شِدَّةً وَ يَرَى الْبَلَلَ بَعْدَ الْبَلْلِ، قَالَ: يَتَوَضَّأُ ثُمَّ يَنْضَحُ فِي النَّهَارِ مَرَّةً وَاحِدَةً» (٢).

#### ٩٥ - آداب حمام

« مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ مَعاً عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ كُنْتُ فِي الْحَمَّامِ فِي الْبَيْتِ الْأَوْسَطِ فَدَخَلَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام وَ عَلَيْهِ النُّورَةُ قَالَ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَردَدْتُ عَلَيْهِ وَ تَأَخَّرْتُ فَدَخَلَ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْحَوْضُ فَاغْتَسَلْتُ وَ خَرَجْتُ» (٣).

١- بحار الانوار، ج ٩٦، ص ١٩٤، باب ٢٥، وسائل الشيعة، ج ١٣، ص ٣٤٨، باب ٢٦.

٢- قرب الاسناد، ص ٣١٦، حديث ١٢٢٥.

٣- بحار الانوار، ج ٧٣، ص ٧١، باب ٣، ج ٧٦، ص ٧١، باب ٤، من لا يحضره الفقيه، ج ١،

## ٩٦ - چیزی که سجده بر آن صحیح است

«أبي رَحِمَهُ اللهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْقُمِّيِّ عَنْ يَاسِرِ الْخَادِمِ قَالَ مَرَّ بِي أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام وَأَنَا أُصَلِّي عَلَى الطَّبْرِيِّ وَقَدْ أَلْقَيْتُ عَلَيْهِ شَيْئاً أَسْجُدُ عَلَيْهِ فَقَالَ لِي مَا لَكَ لَا تَسْجُدُ عَلَيْهِ أَلَيْسَ هُوَ مِنْ نَبَاتِ الْأَرْضِ»<sup>(١)</sup>.

---

→ ص ٦٥، حدیث ٢٥١، تهذیب الاحکام، ج ١، ص ٣٧٤، حدیث ١١٤٧، قرب الاسناد، ص ٣١٦، حدیث ١٢٢٤.

١- علل الشرائع، ج ٢، ص ٣٤١، الاستبصار، ج ١، ص ٣٣١، حدیث ٣، وسائل الشیعه، ج ٥، ص ٣٤٨، تهذیب الاحکام، ج ٢، ص ٣٠٨، حدیث ١٠٥، بحار الانوار، ج ٨٢، ص ١٤٨، حدیث ٤.



## « فصل چهارم »

احمد بن اسحاق رضي الله عنه وروايات او از امام جواد عليه السلام

۹۷ - چشمه نور

« حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ حَرِيشٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ﴿ نُورٌ كَهَيْئَةِ الْعَيْنِ عَلَى رَأْسِ النَّبِيِّ وَالْأَوْصِيَاءِ لَا يُرِيدُ أَحَدٌ مِّنَّا عِلْمَ أَمْرٍ مِّنْ أَمْرِ الْأَرْضِ أَوْ مِنْ أَمْرِ السَّمَاءِ إِلَى الْحُجُبِ الَّتِي بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ الْعَرْشِ إِلَّا رَفَعَ طَرْفَهُ إِلَى ذَلِكَ النُّورِ فَرَأَى تَفْسِيرَ الَّذِي أَرَادَ فِيهِ مَكْتُوبًا ﴾ <sup>(۱)</sup> .

۹۸ - تفسير ليلة القدر

« أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ حَرِيشٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَجُلٌ مِّنْ أَهْلِ بَيْتِهِ عَنْ سُورَةِ ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ

۱ - بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۴۲، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۱۳۵، باب ۸.

الْقَدْرِ ﴿ فَقَالَ وَيْلَكَ سَأَلْتَ عَنْ عَظِيمِ إِيَّاكَ وَ السُّؤَالَ عَنْ مِثْلِ هَذَا فَقَامَ  
 الرَّجُلُ قَالَ فَأَتَيْتُهُ يَوْمًا فَأَقْبَلْتُ عَلَيْهِ فَسَأَلْتُهُ فَقَالَ ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ﴿ نُورٌ عِنْدَ  
 الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ لَا يُرِيدُونَ حَاجَةً مِنَ السَّمَاءِ وَلَا مِنَ الْأَرْضِ إِلَّا ذِكْرًا وَهَا  
 لِذَلِكَ النُّورِ فَأَتَاهُمْ بِهَا فَإِنَّ مِمَّا ذَكَرَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام مِنَ الْحَوَائِجِ أَنَّهُ  
 قَالَ لِأَبِي بَكْرٍ يَوْمًا ﴿ لِمَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ  
 عِنْدَ رَبِّهِمْ ﴿ فَاشْهَدْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَاتَ شَهِيدًا فَإِيَّاكَ أَنْ تَقُولُ إِنَّهُ  
 مَيِّتٌ وَاللَّهُ لَيَأْتِيَنَّكَ فَاتَّقِ اللَّهَ إِذَا جَاءَكَ الشَّيْطَانُ غَيْرَ مُتَمَثِّلٍ بِهِ فَبَعَثَ  
 [فَعَجِبَ] بِهِ أَبُو بَكْرٍ فَقَالَ إِنْ جَاءَنِي وَاللَّهِ أَطَعْتُهُ وَخَرَجْتُ مِمَّا أَنَا فِيهِ قَالَ وَ  
 ذَكَرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لِذَلِكَ النُّورِ فَعَرَجَ إِلَى أَرْوَاحِ النَّبِيِّينَ فَإِذَا  
 مُحَمَّدٌ صلى الله عليه وآله قَدْ أَلْبَسَ وَجْهَهُ ذَلِكَ النُّورَ وَ أَتَى وَ هُوَ يَقُولُ يَا أَبَا بَكْرٍ آمِنْ  
 بِعَلِيِّ عليه السلام وَ بِأَحَدِ عَشْرٍ مِنْ وُلْدِهِ إِنَّهُمْ مِثْلِي إِلَّا النُّبُوَّةَ وَ تَبَّ إِلَى اللَّهِ بِرِدِّ مَا فِي  
 يَدَيْكَ إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُ لَا حَقَّ لَكَ فِيهِ قَالَ ثُمَّ ذَهَبَ فَلَمْ يَرِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ أَجْمَعُ  
 النَّاسَ فَأَخْطَبُهُمْ بِمَا رَأَيْتُ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِمَّا أَنَا فِيهِ إِلَيْكَ يَا عَلِيُّ عَلَى أَنْ  
 تُؤْمِنَنِي قَالَ مَا أَنْتَ بِفَاعِلٍ وَ لَوْ لَا أَنَّكَ تَنْسَى مَا رَأَيْتَ لَفَعَلْتَ قَالَ فَانْطَلَقَ  
 أَبُو بَكْرٍ إِلَى عُمَرَ وَ رَجَعَ نُورٌ ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ﴿ إِلَى عَلِيِّ عليه السلام فَقَالَ لَهُ قَدْ اجْتَمَعَ  
 أَبُو بَكْرٍ مَعَ عُمَرَ فَقُلْتُ أَوْ عَلِمَ النُّورُ قَالَ إِنْ لَهُ لِسَانًا نَاطِقًا وَ بَصَرًا نَافِذًا  
 يَتَجَسَّسُ الْأَخْبَارَ لِلْأَوْصِيَاءِ وَ يَسْتَمِعُ الْأَسْرَارَ وَ يَأْتِيهِمْ بِتَفْسِيرِ كُلِّ أَمْرٍ يَكُتُمُ  
 بِهِ أَعْدَاؤُهُمْ فَلَمَّا أَخْبَرَ أَبُو بَكْرٍ الْخَبَرَ عُمَرَ قَالَ سَحَرَكَ وَ إِنَّهَا لَفِي بَنِي هَاشِمٍ  
 لَقَدِيمَةٌ قَالَ ثُمَّ قَامَا يُخْبِرَانِ النَّاسَ فَمَا دَرِيَا مَا يَقُولَانِ قُلْتُ لِمَاذَا قَالَ لِأَنَّهُمَا  
 قَدْ نَسِيَاهُ وَ جَاءَ النُّورُ فَأَخْبَرَ عَلِيًّا عليه السلام خَبَرَهُمَا فَقَالَ بَعْدًا لَهُمَا ﴿ كَمَا بَعَدَتْ

ثُمَّ ﴿ بَيَانُ لَعَلِّ الْمُرَادِ بِتُورٍ ﴾ ﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ﴾ الرُّوحُ الْمَذْكُورُ فِي تِلْكَ  
السُّورَةِ الْكَرِيمَةِ ﴿ (۱) .

۹۹ - گفتگو با فرشتگان

« حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ حَرِيشٍ  
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي ع قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ ع إِنَّ الْأَوْصِيَاءَ مُحَدَّثُونَ  
يُحَدِّثُهُمْ رُوحُ الْقُدُسِ وَلَا يَرَوْنَهُ وَكَانَ عَلِيٌّ ع يَعْزِضُ عَلَى رُوحِ الْقُدُسِ مَا  
يُسْأَلُ عَنْهُ فَيُوجِسُ فِي نَفْسِهِ أَنْ قَدْ أَصَبَتْ بِالْجَوَابِ فَيُخْبِرُ فَيَكُونُ كَمَا  
قَالَ ﴿ (۲) .

۱۰۰ - دانش افزایی در شب جمعه

« حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبَّاسِ بْنِ حَرِيشٍ عَنْ أَبِي  
جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع وَاللَّهِ إِنَّ أَرْوَاحَنَا وَأَرْوَاحَ النَّبِيِّينَ لَتُؤَافِي  
الْعَرْشَ كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٍ فَمَا تَرِدُ فِي أَيْدَانِنَا إِلَّا بِحَمِّ الْغَفِيرِ مِنَ الْعِلْمِ ﴿ (۳) .

۱- بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۸۰، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۵۱، باب ۳، وج ۲۹، ص ۳۰، باب ۵.

۲- بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۵۳، باب ۳، بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۵۷، باب ۵۳، وج ۲۶، ص ۹۰، باب ۳، وج ۳۹، ص ۱۵۱، باب ۸۱.

۳- بصائر الدرجات ج ۱، ص ۱۳۲، بحار الانوار ج ۲۶، ص ۹۰، باب ۳، مسند الامام الجواد ع، ص ۹۵.

## « فصل پنجم »

احمد بن اسحاق رحمته الله وروایات او از امام هادی عليه السلام

### ۱۰۱ - اسم اعظم

« قال أحمد بن علي دعانا عيسى بن الحسن أنا و أبا علي و كان أعرج فقال أدخلني ابن عمي أحمد بن إسحاق على أبي الحسن عليه السلام فرأيته و كلمه بكلام لم أفهمه ثم قال له جعلني الله فداك هذا ابن عمي عيسى بن الحسن و به بياض في ذراعه قد سيء به فقال لي تقدم يا عيسى فتقدمت فقال أخرج ذراعك فأخرجتها فمسح عليها و تكلم بكلام خفي قال في آخره ثلاث مرات « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ » و التفت إلى أحمد بن إسحاق فقال له كان علي بن موسى الرضا عليه السلام يقول « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ » أقرب إلى الاسم الأعظم من بياض العين إلى سوادها ثم قال يا

عيسى أدخل يدك في كمك و أخرجها فأدخلتها و أخرجتها فإذا ليس في ذراعي قليل و لا كثير من ذلك البياض بحمد الله»<sup>(١)</sup>.

### ١٠٢ - ديدن خدا محال است

« وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الرَّؤْيِيَّةِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ النَّاسُ فَكَتَبَ لِي تَجُوزُ الرَّؤْيِيَّةُ مَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الرَّائِي وَ الْمَرْئِي هَوَاءٌ لَمْ يَنْفُذْهُ الْبَصَرُ فَإِذَا انْقَطَعَ الْهَوَاءُ عَنِ الرَّائِي وَ الْمَرْئِي لَمْ تَصِحَّ الرَّؤْيِيَّةُ وَ كَانَ فِي ذَلِكَ الْإِشْتِبَاهُ لِأَنَّ الرَّائِي مَتَى سَاوَى الْمَرْئِي فِي السَّبَبِ الْمَوْجِبِ بَيْنَهُمَا فِي الرَّؤْيِيَّةِ وَ جَبَّ الْإِشْتِبَاهُ وَ كَانَ ذَلِكَ التَّشْبِيهُ لِأَنَّ الْأَسْبَابَ لَا بُدَّ مِنْ اتِّصَالِهَا بِالْمُسَبَّبَاتِ »<sup>(٢)</sup>.

### ١٠٣ - خلقت امام

« رَأَيْتُ فِي بَعْضِ مُؤَلَّفَاتِ أَصْحَابِنَا رِوَايَةً هَذِهِ صُورَتُهَا قَالَ حَدَّثَنِي هَارُونَ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ سَعْدَانَ الْبَصْرِيِّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيِّ وَ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ وَ سَهْلِ بْنِ زِيَادِ الْأَدَمِيِّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ عِدَّةٍ مِنَ الْمَشَائِخِ وَ الثَّقَاتِ عَنْ سَيِّدِنَا أَبِي الْحَسَنِ وَ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ الْإِمَامَ أَنْزَلَ قَطْرَةً مِنْ مَاءِ الْجَنَّةِ فِي الْمُرْنِ فَتَسْقُطُ فِي ثَمْرَةٍ مِنْ

١- دلائل الامامة، ج ١، ص ٢٢٢.

٢- الكافي، ج ١، ص ٩٧، بحار الانوار، ج ٤، ص ٣٤، الاحتجاج، ج ٢، ص ٤٨٦، حديث

٣٢، متشابه القرآن، ج ١، ص ٩٣.

تِمَارِ الْجَنَّةِ فَيَأْكُلُهَا الْحُجَّةُ فِي الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا اسْتَقَرَّتْ فِيهِ فَيَمُضِي لَهُ  
 أَرْبَعُونَ يَوْمًا سَمِعَ الصَّوْتِ فَإِذَا آتَتْ لَهُ أَرْبَعَةٌ أَشْهُرٌ وَقَدْ حُمِلَ كُتِبَ عَلَى  
 عَضُدِهِ الْأَيْمَنِ ﴿ وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَّا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ  
 السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴾ فَإِذَا وُلِدَ قَامَ بِأَمْرِ اللَّهِ وَ رُفِعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ فِي كُلِّ مَكَانٍ  
 يَنْظُرُ فِيهِ إِلَى الْخَلَائِقِ وَ أَعْمَالِهِمْ وَ يَنْزِلُ أَمْرُ اللَّهِ إِلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْعَمُودِ وَ  
 الْعَمُودُ نَصَبُ عَيْنِهِ حَيْثُ تَوَلَّى وَ نَظَرَ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَخَلْتُ عَلَى عَمَّاتِي  
 فَرَأَيْتُ جَارِيَةً مِنْ جَوَارِيهِنَّ قَدْ زِينَتْ تُسَمَّى نَرْجِسُ فَنَظَرْتُ إِلَيْهَا نَظْرًا  
 أَطْلَتْهُ فَقَالَتْ لِي عَمَّتِي حَكِيمَةٌ أَرَاكَ يَا سَيِّدِي تَنْظُرُ إِلَى هَذِهِ الْجَارِيَةِ نَظْرًا  
 شَدِيدًا فَقُلْتُ لَهُ يَا عَمَّةُ مَا نَظَرِي إِلَيْهَا إِلَّا نَظَرَ التَّعَجُّبِ مِمَّا لِلَّهِ فِيهِ مِنْ إِرَادَتِهِ  
 وَ خَيْرَتِهِ قَالَتْ لِي أَحْسَبُكَ يَا سَيِّدِي تُرِيدُهَا فَأَمَرْتُهَا أَنْ تَسْتَأْذِنَ أَبِي عَلِيٍّ  
 بِنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تَسْلِيمِهَا إِلَيَّ فَفَعَلْتُ فَأَمَرَهَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِذَلِكَ فَجَاءَتْني بِهَا» (١).

١٠٤ - توثيق ابو عمرو ( عثمان بن سعيد ) توسط امام هادی عَلَيْهِ السَّلَامُ

« عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ سَعْدِ  
 الْقَمِيِّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ( صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ) فِي  
 يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي أَنَا أَعِيبٌ وَ أَشْهَدُ وَ لَّا يَتَّهَيُّ لِي الْوُصُولُ إِلَيْكَ  
 إِذَا شَهِدْتُ فِي كُلِّ وَقْتٍ فَقَوْلَ مَنْ نَقْبَلُ وَ أَمْرَ مَنْ نَمْتَلُ فَقَالَ لِي ( صَلَوَاتُ

اللَّهِ عَلَيْهِ) هَذَا أَبُو عَمْرٍو الثَّقَةُ الْأَمِينُ مَا قَالَهُ لَكُمْ فَعَنِّي يَقُولُهُ وَمَا أَدَّاهُ إِلَيْكُمْ  
فَعَنِّي يُؤَدِّيهِ فَلَمَّا مَضَى أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام وَصَلْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ ابْنِهِ الْحَسَنِ  
صَاحِبِ الْعَسْكَرِ عليه السلام ذَاتَ يَوْمٍ فَقُلْتُ لَهُ مِثْلَ قَوْلِي لِأَبِيهِ فَقَالَ لِي هَذَا أَبُو  
عَمْرٍو الثَّقَةُ الْأَمِينُ ثِقَةُ الْمَاضِي وَثِقَتِي فِي الْحَيَاةِ وَالْمَمَاتِ فَمَا قَالَهُ لَكُمْ  
فَعَنِّي يَقُولُهُ وَمَا أَدَّى إِلَيْكُمْ فَعَنِّي يُؤَدِّيهِ، قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونَ قَالَ أَبُو عَلِيٍّ  
قَالَ أَبُو الْعَبَّاسِ الْحَمِيرِيُّ فَكُنَّا كَثِيرًا مَا نَتَذَكَّرُ هَذَا الْقَوْلَ وَنَتَوَاصَفُ جَلَالَةَ  
مَحَلِّ أَبِي عَمْرٍو»<sup>(١)</sup>.

#### ١٠٥ - فضيلت روز نهم ربيع الاول

« قَالَ السَّيِّدُ بْنُ طَاوُسٍ عليه السلام فِي كِتَابِ زَوَائِدِ الْفَوَائِدِ رَوَى ابْنُ أَبِي  
الْعَلَاءِ الْهَمْدَانِيُّ الْوَاسِطِيُّ وَيَحْيَى بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جَرِيحِ الْبَغْدَادِيِّ قَالَا تَنَازَعْنَا  
فِي ابْنِ الْخَطَّابِ وَاشْتَبَهَ عَلَيْنَا أَمْرُهُ فَقَصَدْنَا جَمِيعًا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ الْقُمِّيَّ  
صَاحِبَ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام بِمَدِينَةِ قُمْ فَقَرَعْنَا عَلَيْهِ الْبَابَ فَخَرَجَتْ  
عَلَيْنَا صَبِيَّةٌ عِرَاقِيَّةٌ فَسَأَلْنَاهَا عَنْهُ فَقَالَتْ هُوَ مَشْغُولٌ بِعِيدِهِ فَإِنَّهُ يَوْمٌ عِيدٍ فَقُلْتُ  
سُبْحَانَ اللَّهِ إِنَّمَا الْأَعْيَادُ أَرْبَعَةٌ لِلشَّيْخَةِ الْفِطْرُ وَالْأَضْحَى وَالْغَدِيرُ وَالْجُمُعَةُ  
قَالَتْ فَإِنَّ أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ يَرَوِي عَنْ سَيِّدِهِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ  
الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام أَنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمٌ عِيدٍ وَهُوَ أَفْضَلُ الْأَعْيَادِ عِنْدَ أَهْلِ الْبَيْتِ عليهم السلام

١- بحار الانوار، ج ٥١، ص ٣٤٤، اعلام النوري، ج ١، ص ٤٢١، الغيبة للطوسي، ج ١، ص  
٣٥٤ و ٣٦٠.

وَعِنْدَ مَوَالِيهِمْ قُلْنَا فَاسْتَأْذِنِي عَلَيْهِ وَعَرَّفِيهِ مَكَانَنَا قَالَا فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَعَرَفْتُهُ  
فَخَرَجَ عَلَيْنَا وَهُوَ مَسْتُوْرٌ بِمِزْرٍ يَفُوحُ مِسْكَاً وَهُوَ يَمْسَحُ وَجْهَهُ فَأَنْكَرْنَا ذَلِكَ  
عَلَيْهِ فَقَالَ لَا عَلَيْكُمَا فِائِي اغْتَسَلْتُ لِلْعِيدِ قُلْنَا أَوْلَا هَذَا يَوْمُ عِيدٍ قَالَ نَعَمْ وَكَانَ  
يَوْمُ التَّاسِعِ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ قَالَا فَادْخَلْنَا دَارَهُ وَاجْلَسْنَا ثُمَّ قَالَ إِنِّي  
قَصَدْتُ مَوْلَايَ أَبِي [أَبَا] الْحَسَنِ عليه السلام كَمَا قَصَدْتُ مَانِي بِسُرْمَنْ رَأَى فَاسْتَأْذَنْتُ  
عَلَيْهِ فَأَذِنَ لِي فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ ع فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ وَهُوَ يَوْمُ التَّاسِعِ مِنْ شَهْرِ  
رَبِيعِ الْأَوَّلِ فَرَأَيْتُ سَيِّدَنَا عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ السَّلَامُ قَدْ أَوْعَزَ إِلَى كُلِّ وَاحِدٍ  
مِنْ خَدَمِهِ أَنْ يَلْبَسَ مَا يُمَكِّنُهُمْ مِنَ الثِّيَابِ الْجَدِّدِ وَ كَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ مِجْمَرَةٌ  
يُحْرِقُ الْعُودَ فِيهَا بِنَفْسِهِ فَقُلْتُ لَهُ يَا بَاتِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام هَلْ  
تَجَدَّدَ لِأَهْلِ الْبَيْتِ فِي هَذَا الْيَوْمِ فَرَحَ فَقَالَ عليه السلام وَ أَيُّ يَوْمٍ أَعْظَمُ حُرْمَةً عِنْدَ  
أَهْلِ الْبَيْتِ مِنْ هَذَا الْيَوْمِ التَّاسِعِ مِنْ شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عليه السلام  
أَنَّ حُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانَ دَخَلَ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ عَلَى جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم  
قَالَ حُذَيْفَةُ رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ وَ لَدَيْهِ عليه السلام يَأْكُلُونَ مَعَ رَسُولِ  
اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ هُوَ يَتَبَسَّمُ فِي وَجُوهِهِمْ وَ يَقُولُ لَوْلَدَيْهِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليه السلام  
كُلَّاهِنِيًّا لَكُمَا بَرَكَهٌ هَذَا الْيَوْمِ وَ سَعَادَتُهُ فَإِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي يُهْلِكُ اللَّهُ فِيهِ عَدُوَّهُ  
وَ عَدُوَّ جَدِّكُمْ وَ إِنَّهُ الْيَوْمُ الَّذِي يَقْبَلُ اللَّهُ أَعْمَالَ شِيعَتِكُمَا وَ مُحِبِّيَكُمَا وَ الْيَوْمُ  
الَّذِي يُصَدِّقُ فِيهِ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ ﴿ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا ﴾ وَ  
الْيَوْمُ الَّذِي نُسِفَ فِيهِ فِرْعَوْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ وَ ظَالِمُهُمْ وَ غَاصِبُهُمْ حَقَّهُمْ وَ الْيَوْمُ  
الَّذِي يُقَدِّمُ اللَّهُ إِلَى ﴿ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا ﴾ قَالَ حُذَيْفَةُ  
فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَ فِي أُمَّتِكَ وَ أَصْحَابِكَ مَنْ يَنْتَهِكُ هَذِهِ الْمَحَارِمَ



قَالَ نَعَمْ يَا حُذَيْفَةَ جِئْتُ مِنَ الْمُنَافِقِينَ يَرْتَأَسُ عَلَيْهِمْ وَ يَسْتَعْمِلُ فِي أُمَّتِي  
 الرُّؤْيَا وَ يَحْمِلُ عَلَى عَاتِقِهِ دِرَّةَ الْخِزْيِ وَ يَصُدُّ النَّاسَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ يُحَرِّفُ  
 كِتَابَ اللَّهِ وَ يُغَيِّرُ سُنَّتِي وَ يَشْتَمِلُ عَلَى إِرْثِ وُلْدِي وَ يَنْصِبُ نَفْسَهُ عِلْمًا وَ  
 يَتَطَاوَلُ عَلَى إِمَامِهِ مِنْ بَعْدِي وَ يَسْتَخْلِبُ أَمْوَالَ النَّاسِ مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا وَ يُنْفِقُهَا  
 فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُكْذِبُنِي وَ يُكْذِبُ أَخِي وَ وَزِيرِي وَ يَحْسُدُ ابْنَتِي عَنْ  
 حَقِّهَا فَتَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ فَيَسْتَجِيبُ دُعَاءَهَا فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ قَالَ  
 حُذَيْفَةُ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَادْعُ رَبِّكَ لِيُهْلِكَ فِي حَيَاتِكَ فَقَالَ رَسُولُ  
 اللَّهِ ﷺ يَا حُذَيْفَةُ لَا أَحِبُّ أَنْ أُجْتَرَى عَلَى قَضَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَا قَدْ سَبَقَ  
 فِي عِلْمِهِ لَكِنْ سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَجْعَلَ لِلْيَوْمِ الَّذِي يُهْلِكُهُ فِيهِ فَضِيلَةٌ  
 عَلَى سَائِرِ الْأَيَّامِ لِيَكُونَ ذَلِكَ سُنَّةً يَسْتَنُّ بِهَا أَحِبَّائِي وَ شِيعَةُ أَهْلِ بَيْتِي وَ  
 مُحِبِّيهِمْ [مُحِبُّوهُمْ] فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ جَلَّ مِنْ قَائِلٍ يَا مُحَمَّدُ إِنَّهُ كَانَ فِي سَابِقِ  
 عِلْمِي أَنْ تَمْسَكَ وَ أَهْلَ بَيْتِكَ مِحْنُ الدُّنْيَا وَ بَلَاؤُهَا وَ ظَلَمُ الْمُنَافِقِينَ وَ  
 الْغَاصِبِينَ مِنْ عِبَادِي مَنْ نَصَحْتَ لَهُمْ وَ خَانُوكَ وَ مَحَضْتَ لَهُمْ وَ غَشُّوكَ وَ  
 صَافَيْتَهُمْ وَ كَشَحُوكَ وَ أَرْضَيْتَهُمْ وَ كَذَّبُوكَ وَ جَنَيْتَهُمْ وَ أَسْلَمُوكَ فَإِنِّي  
 بِحَوْلِي وَ قُوَّتِي وَ سُلْطَانِي لِأَفْتَحَنَّ عَلَى مَنْ يَغْصِبُ بَعْدَكَ عَلِيًّا وَ صِيكَ حَقًّا  
 أَلْفَ بَابٍ مِنَ النَّيْرَانِ مِنْ أَسْفَلِ الْفَيْلُوقِ وَ لِأَصْلِيئَتِهِ وَ أَصْحَابِهِ قَعْرًا يُشْرِفُ  
 عَلَيْهِ إِبْلِيسُ آدَمَ فَيَلْعَنُهُ وَ لِأَجْعَلَنَّ ذَلِكَ الْمُنَافِقَ عِبْرَةً فِي الْقِيَامَةِ كَفَرَاعِنَةَ  
 الْأَنْبِيَاءِ وَ أَعْدَاءِ الدِّينِ فِي الْمَحْشَرِ وَ لِأَحْشُرَنَّهُمْ وَ أَوْلِيَاءَهُمْ وَ جَمِيعَ الظَّالِمَةِ وَ  
 الْمُنَافِقِينَ إِلَى جَهَنَّمَ زُرْقًا كَالْحِينِ أَدْلَةً حَيَارَى نَادِمِينَ وَ لِأُضِلَّنَّهُمْ فِيهَا أَبَدًا  
 الْأَبْدِينَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ مُرَافِقَكَ وَ وَصِيكَ فِي مَنْزِلَتِكَ يَمَسُّهُ الْبَلْوَى مِنْ

فِرْعَوْنِهِ وَغَاصِبِهِ الَّذِي يَجْتَرِي وَيُبَدِّلُ كَلَامِي وَيُشْرِكُ بِي وَيَصُدُّ النَّاسَ  
عَنْ سَبِيلِي وَيَنْصِبُ مِنْ نَفْسِهِ عِجْلًا لِمَتِكَ وَيَكْفُرُ بِي فِي عَرْشِي إِنِّي قَدْ  
أَمَرْتُ مَلَائِكَتِي فِي سَبْعِ سَمَاوَاتِي وَشِيعَتِكَ وَمُحِبِّكَ أَنْ يُعَيِّدُوا فِي الْيَوْمِ  
الَّذِي أَهْلَكْتَهُ فِيهِ وَأَمَرْتُهُمْ أَنْ يَنْصِبُوا كُرْسِيَّ كِرَامَتِي بِإِزَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ  
يُثْنُوا عَلَيَّ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِشِيعَتِكَ وَلِمُحِبِّكَ مِنْ وُلْدِ آدَمَ يَا مُحَمَّدُ وَأَمَرْتُ  
الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ أَنْ يَرْفَعُوا الْقَلَمَ عَنِ الْخَلْقِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ لَا يَكْتُبُونَ شَيْئًا  
مِنْ خَطَايَاهُمْ كِرَامَةً لَكَ وَ لِيُوصِيكَ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ  
عِيدِ لَكَ وَ لِأَهْلِ بَيْتِكَ وَ لِمَنْ يَتَّبِعُهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ شِيعَتِهِمْ وَ آلِيَّتُ عَلَيَّ  
نَفْسِي بِعِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عُلُوِّي فِي مَكَانِي لِأَحِبُّونَ مَنْ يُعَيِّدُ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ  
مُحْتَسِبًا فِي ثَوَابِ الْحَافِينَ وَ لِأَشْفَعَنَّهُ فِي ذَوِي رَحِمِهِ وَ لِأَزِيدَنَّ فِي مَالِهِ إِنْ  
وَسَّعَ عَلَيَّ نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ وَ لِأُعْتَقَنَّ مِنَ النَّارِ فِي كُلِّ حَوْلٍ فِي مِثْلِ ذَلِكَ الْيَوْمِ  
آلِفًا مِنْ شِيعَتِكَ وَ مُحِبِّكَمْ وَ مَوَالِيكُمْ وَ لِأَجْعَلَنَّ سَعْيَهُمْ مَشْكُورًا وَ ذَنْبَهُمْ  
مَغْفُورًا وَ عَمَلَهُمْ مَقْبُولًا قَالَ حُذَيْفَةُ ثُمَّ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَدَخَلَ بَيْتَ أُمِّ  
سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا وَ رَجَعْتُ عَنْهُ وَ أَنَا غَيْرُ شَاكٍ فِي أَمْرِ الثَّانِي حَتَّى  
رَأَيْتُ بَعْدَ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ أُتِيحَ الشَّرُّ وَ عَاوَدَ الْكُفْرَ وَ ارْتَدَّ عَنِ  
الدِّينِ وَ شَمَّرَ لِلْمُلْكِ وَ حَرَّفَ الْقُرْآنَ وَ أَحْرَقَ بَيْتَ الْوَحْيِ وَ ابْتَدَعَ السُّنَنَ وَ  
غَيَّرَهَا وَ غَيَّرَ الْمِلَّةَ وَ نَقَلَ السُّنَّةَ وَ رَدَّ شَهَادَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ وَ كَذَّبَ فَاطِمَةَ  
بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ اغْتَضَبَ فَكَرَمِهَا وَ أَرْضَى الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى وَ  
الْمَجُوسَ وَ أَسْخَطَ قُرَّةَ عَيْنِ الْمُصْطَفَى وَ لَمْ يُرْضِهَا وَ غَيَّرَ السُّنَنَ كُلَّهَا وَ دَبَّرَ  
عَلَيَّ قَتْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ وَ أَظْهَرَ الْجَوْرَ وَ حَرَّمَ مَا حَلَّلَهُ اللَّهُ وَ حَلَّلَ مَا حَرَّمَ

اللَّهُ وَ أَتَقَى النَّاسَ أَنْ يَخْتَدُوا النَّقْدَ مِنْ جُلُودِ الْإِبِلِ وَ لَطَمَ وَجْهَ الزَّكِيَّةِ عليها السلام وَ  
صَعِدَ مِنْبَرَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا وَ افْتَرَى عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ  
عَانَدَهُ وَ سَفَّهُ رَأْيَهُ قَالَ حُذَيْفَةُ فَاسْتَجَابَ اللَّهُ دَعْوَةَ مَوْلَايَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ  
الصَّلَاةِ وَ السَّلَامِ عَلَى ذَلِكَ الْمُنَافِقِ وَ جَرَى كَمَا جَرَى قَتْلُهُ عَلَى يَدِ قَاتِلِهِ  
رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى قَاتِلِهِ قَالَ حُذَيْفَةُ فَدَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَمَّا قُتِلَ  
ذَلِكَ الْمُنَافِقُ لِأَهْنَتِهِ بِقَتْلِهِ وَ مَصِيرِهِ إِلَى ذَلِكَ الْخِزْيِ وَ الْإِنْتِقَامِ فَقَالَ أَمِيرُ  
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَا حُذَيْفَةُ تَذَكُرُ الْيَوْمَ الَّذِي دَخَلْتَ فِيهِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ  
أَنَا وَ سِبْطَاهُ نَأْكُلُ مَعَهُ فَذَلِكَ عَلَى فَضْلِ هَذَا الْيَوْمِ دَخَلْتَ فِيهِ عَلَيْهِ فَقُلْتُ نَعَمْ  
يَا أَخَا رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ عليه السلام هُوَ وَ اللَّهُ هَذَا الْيَوْمُ الَّذِي أَقْرَأَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ  
تَعَالَى فِيهِ عُيُونَ أَوْلَادِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ إِنِّي لَأَعْرِفُ لِهَذَا الْيَوْمِ اثْنَيْنِ وَ  
سَبْعِينَ اسْمًا قَالَ حُذَيْفَةُ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنِّي أَحِبُّ أَنْ تُسْمِعَنِي  
أَسْمَاءَ هَذَا الْيَوْمِ التَّاسِعِ مِنْ شَهْرِ رَجَبِ الْأَوَّلِ فَقَالَ عليه السلام يَا حُذَيْفَةُ هَذَا يَوْمُ  
الِاسْتِرَاحَةِ وَ يَوْمُ تَنْفِيسِ الْهَمِّ وَ الْكَرْبِ وَ الْغَدِيرِ الثَّانِي وَ يَوْمُ تَحْطِيطِ  
الْأَوْزَارِ وَ يَوْمُ الْحَبْوَةِ وَ يَوْمُ رَفْعِ الْقَلَمِ وَ يَوْمُ الْهَدْيِ وَ يَوْمُ الْعَقِيقَةِ وَ يَوْمُ  
الْبَرَكَاتِ وَ يَوْمُ الثَّارَاتِ وَ عِيدُ اللَّهِ الْأَكْبَرِ وَ يَوْمُ يُسْتَجَابُ فِيهِ الدَّعَوَاتُ وَ يَوْمُ  
الْمَوْقِفِ الْأَعْظَمِ وَ يَوْمُ التَّوَلِيَةِ وَ يَوْمُ الشَّرْطِ وَ يَوْمُ نَزْعِ الْأَسْوَارِ وَ يَوْمُ نَدَامَةِ  
الظَّالِمِينَ وَ يَوْمُ انْكِسَارِ الشَّيْعَةِ [الشُّوْكَةِ] وَ يَوْمُ نَفْيِ الْهُمُومِ وَ يَوْمُ الْفَتْحِ وَ  
يَوْمُ الْعَرْضِ وَ يَوْمُ الْقُدْرَةِ وَ يَوْمُ التَّصْفِيحِ وَ يَوْمُ فَرَحِ الشَّيْعَةِ وَ يَوْمُ التَّرْوِيَةِ وَ  
يَوْمُ الْإِنَابَةِ وَ يَوْمُ الزَّكَاةِ الْعُظْمَى وَ يَوْمُ الْفِطْرِ الثَّانِي وَ يَوْمُ سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ  
يَوْمُ التَّجْرِعِ بِالرِّيقِ وَ يَوْمُ الرِّضَا وَ عِيدُ أَهْلِ الْبَيْتِ عليهم السلام وَ يَوْمُ ظَفَرَتْ بِهِ بَنُو

إِسْرَائِيلَ وَ يَوْمُ قَبْلِ اللَّهِ أَعْمَالَ الشَّيْعَةِ وَ يَوْمُ تَقْدِيمِ الصَّدَقَةِ وَ يَوْمُ طَلَبِ الزِّيَادَةِ وَ يَوْمُ قَتْلِ الْمُنَافِقِ وَ يَوْمُ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ وَ يَوْمُ سُرُورِ أَهْلِ الْبَيْتِ عليه السلام وَ يَوْمُ الْمَشْهُودِ وَ يَوْمُ يَعْضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ وَ يَوْمُ هَدْمِ الضَّلَالَةِ وَ يَوْمُ النَّيْلَةِ وَ يَوْمُ الشَّهَادَةِ وَ يَوْمُ التَّجَاوُزِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ وَ يَوْمُ الْمُسْتَطَابِ وَ يَوْمُ ذَهَابِ سُلْطَانِ الْمُنَافِقِ وَ يَوْمُ التَّسَدِيدِ وَ يَوْمُ يَسْتَرِيحُ فِيهِ الْمُؤْمِنُونَ وَ يَوْمُ الْمُبَاهَلَةِ وَ يَوْمُ الْمُفَاخَرَةِ وَ يَوْمُ قَبُولِ الْأَعْمَالِ وَ يَوْمُ النَّحِيلِ وَ يَوْمُ النَّحِيلَةِ وَ يَوْمُ الشُّكْرِ وَ يَوْمُ نُصْرَةِ الْمَظْلُومِ وَ يَوْمُ الزِّيَارَةِ وَ يَوْمُ التَّوَدُّدِ وَ يَوْمُ النَّحِيبِ وَ يَوْمُ الْوُصُولِ وَ يَوْمُ الْبَرَكَاتِ وَ يَوْمُ كَشْفِ الْبِدْعِ وَ يَوْمُ الزُّهْدِ فِي الْكِبَائِرِ وَ يَوْمُ الْمُنَادِي وَ يَوْمُ الْمَوْعِظَةِ وَ يَوْمُ الْعِبَادَةِ وَ يَوْمُ الْإِسْلَامِ قَالَ حَدِيثُهُ فَقُمْتُ مِنْ عِنْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ قُلْتُ فِي نَفْسِي لَوْلَمْ أُدْرِكْ مِنْ أَفْعَالِ الْخَيْرِ مَا أَرْجُو بِهِ الثَّوَابَ إِلَّا حُبَّ هَذَا الْيَوْمِ لَكَانَ مُنَايَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْعَلَاءِ الْهَمْدَانِيُّ وَ يَحْيَى بْنُ جَرِيحٍ فَقَامَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا نُقْبَلُ رَأْسَ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ وَ قُلْنَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَا قَبَّضْنَا حَتَّى شَرَّفْنَا بِفَضْلِ هَذَا الْيَوْمِ الْمُبَارَكِ وَ انصَرَفْنَا مِنْ عِنْدِهِ وَ عِيدُنَا فِيهِ فَهُوَ عِيدُ الشَّيْعَةِ»<sup>(۱)</sup>.

۱۰۶ - دادن زکات به فقیر

« مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ أَنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا كَتَبَ عَلَى يَدَيْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام أُعْطِيَ الرَّجُلَ مِنْ إِخْوَانِي مِنَ الزَّكَاةِ الدِّرْهَمَيْنِ وَ الثَّلَاثَةَ فَكَتَبَ أَفْعَلُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى» <sup>(١)</sup>.

### ١٠٧ - احكام وصيت

« مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ كَتَبَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام أَنَّ دُرَّةَ بِنْتَ مُقَاتِلِ تُوْفِيَتْ وَ تَرَكَتْ ضَيْعَةً أَشْقَاصاً فِي مَوَاضِعَ وَ أَوْصَتْ لِسَيِّدِهَا مِنْ أَشْقَاصِهَا بِمَا يَبْلُغُ أَكْثَرَ مِنَ الثُّلْثِ وَ نَحْنُ أَوْصِيَائُهَا وَ أَحْبَبْنَا أَنْ نُنْهِيَ إِلَى سَيِّدِنَا فَإِنْ هُوَ أَمَرَ بِإِمْضَاءِ الْوَصِيَّةِ عَلَى وَجْهِهَا أَمْضَيْنَاهَا وَ إِنْ أَمَرَ بِغَيْرِ ذَلِكَ انْتَهَيْنَا إِلَى أَمْرِهِ فِي جَمِيعِ مَا يَأْمُرُ بِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ فَكَتَبَ عليه السلام بِخَطِّهِ لَيْسَ يَجِبُ لَهَا مِنْ تَرَكَتِهَا إِلَّا الثُّلْثُ وَ إِنْ تَفَضَّلْتُمْ وَ كُنْتُمْ الْوَرَثَةَ كَانَ جَائِزاً لَكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» <sup>(٢)</sup>.

### ١٠٨ - احكام لباس نماز گزار

« مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ « الْأَبْهَرِيُّ» <sup>(٣)</sup> قَالَ كَتَبْتُ إِلَيْهِ جُعِلَتْ فِدَاكَ

١- وسائل الشيعه، ج ٩، ص ٢٥٦، حديث ١١٩٦٥، من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ١٠، حديث ١٦٠٢.

٢- الكافي، ج ٧، ص ١٠، من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ١٣٧، حديث ٤٨٠، وسائل الشيعه، ج ١٩، ص ٢٧٥، حديث ٢٤٥٨٠.

٣- احتمال تصحيف اشعري به ابهرى مى رود، در غير اين صورت احمد بن اسحاق ابهرى شخصى مجهول الحال مى باشد، معجم الرجال الحديث، ج ٢، ص ٤٥.

عِنْدَنَا جَوَارِبُ وَ تَكْكُ تُعْمَلُ مِنْ وَبَرِ الْأَرَانِبِ فَهَلْ تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِي وَبَرِ الْأَرَانِبِ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ وَ لَا تَقِيَّةٍ فَكَتَبَ ﷺ لَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا»<sup>(۱)</sup>.

### ۱۰۹ - حکم اجاره

« وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ «الرازی»<sup>(۲)</sup> قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ ﷺ رَجُلٌ اسْتَأْجَرَ ضَيْعَةً مِنْ رَجُلٍ فَبَاعَ الْمُؤَاجِرُ تِلْكَ الضَّيْعَةَ الَّتِي آجَرَهَا بِحَضْرَةِ الْمُسْتَأْجِرِ وَ لَمْ يُنْكِرِ الْمُسْتَأْجِرُ الْبَيْعَ وَ كَانَ حَاضِرًا لَهُ شَاهِدًا عَلَيْهِ فَمَاتَ الْمُشْتَرِي وَ لَهُ وَرَثَةٌ أُرْجِعُ ذَلِكَ فِي الْمِيرَاثِ أَوْ يَبْقَى فِي يَدِ الْمُسْتَأْجِرِ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ إِجَارَتَهُ فَكَتَبَ ﷺ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ إِجَارَتَهُ»<sup>(۳)</sup>.

- ۱- تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۰۶، حدیث ۱۳، الاستبصار، ج ۱، ص ۳۸۳، حدیث ۱۰، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۳۵۶، حدیث ۵۳۷۹.
- ۲- علامه شوشتری: احمد بن اسحاق به رازی مشهور نیست، اگر چه می توان به این مساله که یکی از این دو شهر، (قم یاری) موطن وی و دیگری مسکن او بوده اشکال را دفع نمود، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۳۹۷.
- ۳- الکافی، ج ۵، ص ۲۷۱، حدیث ۳، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۲، حدیث ۳۹۱۴، مع اختلاف السند، تهذیب، الاحکام، ج ۷، ص ۲۰۸، حدیث ۵۶، مع اختلاف فی السند، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۱۳۶، حدیث ۲۴۳۱۰.

## « فصل ششم »

احمد بن اسحاق رحمته الله وروایات او از امام حسن عسکری علیه السلام

۱۱۰ - هیچ یک از پدرانم مثل من دچار شک مردم نشدند

« حدثنا محمد بن الحسن رضى الله عنه قال حدثنا عبد الله بن جعفر الحميري قال حدثنا أحمد بن إسحاق قال خرج عن أبي محمد عليه السلام إلى بعض رجاله في عرض كلام له ما مني أحد من آبائي بما منيت به من شك هذه العصابة فيي فإن كان هذا الأمر أمراً اعتقدتموه ودينتم به إلى وقت ثم ينقطع فللشك موضع وإن كان متصلاً ما اتصلت أمور الله عز وجل فما معنى هذا الشك »<sup>(۱)</sup>.

۱ - کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲۲، حدیث ۱۰، باب ۱، تحف العقول، الطبعة الثانية، ص ۱۳۶۳،

١١١ - هديه به احمد بن اسحاق رضي الله عنه و معجزه امام حسن عسكري عليه السلام

« مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام فَسَأَلْتُهُ أَنْ يَكْتُبَ لِأَنْظُرَ إِلَى خَطِّهِ فَأَعْرِفَهُ إِذَا وَرَدَ فَقَالَ عليه السلام نَعَمْ ثُمَّ قَالَ يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْخَطَّ سَيَخْتَلِفُ عَلَيْكَ مِنْ بَيْنِ الْقَلَمِ الْغَلِيظِ إِلَى الْقَلَمِ الدَّقِيقِ فَلَا تَشْكَنَّ ثُمَّ دَعَا بِالذَّوَاةِ فَكَتَبَ وَجَعَلَ يَسْتَمِدُّ إِلَى مَجْرَى الذَّوَاةِ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي وَهُوَ يَكْتُبُ أَسْتَوْهِبُهُ الْقَلَمَ الَّذِي كَتَبَ بِهِ فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ الْكِتَابَةِ أَقْبَلَ يُحَدِّثُنِي وَهُوَ يَمْسَحُ الْقَلَمَ بِمَنْدِيلِ الذَّوَاةِ سَاعَةً، ثُمَّ قَالَ: هَاكَ يَا أَحْمَدُ فَنَاولْنِيهِ فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي أَغْتَمُّ بِشَيْءٍ يُصِيبُنِي فِي نَفْسِي وَقَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَاكَ فَلَمْ يَقْضَ لِي ذَلِكَ فَقَالَ وَمَا هُوَ يَا أَحْمَدُ فَقُلْتُ سَيِّدِي رُوِيَ لَنَا عَنْ آبَائِكَ أَنَّ نَوْمَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَى أَقْفِيَّتِهِمْ وَنَوْمَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى أَيْمَانِهِمْ وَنَوْمَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى شَمَائِلِهِمْ وَنَوْمَ الشَّيَاطِينِ عَلَى وُجُوهِهِمْ فَقَالَ كَذَلِكَ هُوَ فَقُلْتُ سَيِّدِي فَإِنِّي أَجْتَهِدُ أَنْ أَنَامَ عَلَى يَمِينِي فَمَا يُمَكِّنُنِي وَلَا يَأْخُذُنِي النَّوْمُ عَلَيْهَا فَسَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ يَا أَحْمَدُ اذْنُ مِنِّي فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَقَالَ ادْخُلْ يَدَكَ تَحْتَ ثِيَابِكَ فَأَدْخُلْتُهَا فَأَخْرَجَ يَدَهُ مِنْ تَحْتِ ثِيَابِهِ وَأَدْخَلَهَا تَحْتَ ثِيَابِي فَمَسَحَ بِيَدِهِ الْأَيْمَنِي عَلَى جَانِبِي الْأَيْسَرِ وَبِيَدِهِ الْأَيْسَرِي عَلَى جَانِبِي الْأَيْمَنِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَالَ أَحْمَدُ فَمَا أَقْدِرُ أَنْ أَنَامَ عَلَى يَسَارِي مُنْذُ فَعَلَ بِي ذَلِكَ وَمَا يَأْخُذُنِي نَوْمٌ عَلَيْهَا أَصْلًا»<sup>(١)</sup>.

→ قم موسسه النشر الاسلامي الجامعة المدرسين، ص ٤٨٧، بحار الانوار، ج ٢٣، ص ٣٨، باب ١، ج ٧٨، ص ٣٧٢، حديث ٧، «و فيها خرج في بعض توقيعاته عليه السلام، عند اختلاف قوم من شيعته في أمره...».

١- بحار الانوار، ج ٥، ص ٢٨٦، باب ٣، ج ٧٣، ص ١٩٠، باب ٤٣، وسائل الشيعة، ج ٦،



۱۱۲ - نامه امام حسن عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق رضی الله عنه

« حدثنا أبو العباس أحمد بن الحسين بن عبد الله بن مهران الآبي الأزدي العروضي بمر و قال حدثنا أحمد بن الحسن بن احمد بن إسحاق القمي <sup>(۱)</sup> قال لما ولد الخلف الصالح عليه السلام ورد عن مولانا أبي محمد الحسن بن علي عليه السلام إلى جدي أحمد بن إسحاق كتاب فإذا فيه مكتوب بخط يده عليه السلام الذي كان ترد به التوقيعات عليه وفيه ولد لنا مولود فليكن عندك مستورا وعن جميع الناس مكتوما فإننا لم نظهره عليه إلا الأقرب لقرابته والمولي لولايته أحببنا إعلامك ليسرك الله له (به) مثل ما سرنا به والسلام <sup>(۲)</sup> .

۱۱۳ - خدا را شکر که مهدی (عج) را دیدم

« الْمُظَفَّرُ الْعَلَوِيُّ عَنْ ابْنِ الْعِيَّاشِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ كَثُومٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الرَّازِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يُخْرِجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهَ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم خُلُقًا وَ خُلُقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي غَيْبِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا <sup>(۳)</sup> .

→ ص ۵۰۲، حدیث ۸۵۴۸، الدعوات ج ۱، ص ۷۰، مفتاح الفلاح، ج ۱، ص ۲۸۱، الکافی، ج ۱، ص ۵۱۳، المناقب، ج ۴، ص ۲۲۳.

۱ - صحیح آن احمد بن الحسن بن علی بن احمد بن اسحاق القمی می باشد، فصل چهارم از بخش اول.

۲ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۳.

۳ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶، باب ۱، و ص ۱۶۱، باب ۱۰، کمال الدین، ج ۲، ص ۴۰۸، حدیث ۷، حلیة الابرار، ج ۲، ص ۵۵۲.

## ۱۱۴ - امام، حجّت خدا

«الصدوق رضی اللہ عنہ حدثنا أبي و ابن الوليد معاً عن الحميري عن أحمد بن إسحاق قال دخلت على أبي محمد العسكري رضی اللہ عنہ فقال يا أحمد ما كان حالكم فيما كان الناس فيه من الشك والارتياب فقلت له يا سيدي لما ورد الكتاب لم يبق منّا رجلٌ ولا امرأةٌ ولا غلامٌ بلغ الفهم إلا قال بالحقّ فقال يا أحمد ما علمتم أن الأرض لا تخلو من حجةٍ وأنا ذلك الحجة أو قال أنا الحجة»<sup>(۱)</sup>.

## ۱۱۵ - حیات امام عصر (عج)

«الطوسي أخبرنا جماعة عن أبي المفضل الشيباني عن أبي نعيم نصر بن عصام بن المغيرة الفهري المعروف بقرقارة عن أبي سعيد المراغي عن أحمد بن إسحاق أنه سأل أبا محمد رضی اللہ عنہ عن صاحب هذا الأمر فأشار بيده أي إنه حي غليظ الرقبة»<sup>(۲)</sup>.

۱۱۶ - حضرت مهدی عليه السلام ظهور خواهد كرد

«علي بن عبد الله الوراق عن سعد عن أحمد بن إسحاق قال دخلتُ

۱- کمال الدین، ج ۱، ص ۲۲۲، حدیث ۹، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۸، باب ۱، وج ۵۰، ص ۳۳۵، حدیث ۱۳، عیون المعجزات، ص ۱۳۸، مدینة المعاجز، ج ۷، ص ۶۰۳، حدیث ۲۵۹۱.

۲- الغیبة للطوسی، ج ۱، ص ۲۵۱، حدیث ۲۲۰، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۱، باب ۱۰، حدیث ۱۲.

عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَ أَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ بَعْدَهُ  
فَقَالَ لِي مُبْتَدِئًا يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُخْلِ الْأَرْضَ  
مُنْذُ خَلَقَ آدَمَ وَ لَا تَخْلُو إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ بِهِ يَدْفَعُ  
الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ بِهِ يُنْزَلُ الْغَيْثُ وَ بِهِ يُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ قَالَ فَقُلْتُ  
يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام فَمَنْ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ بَعْدَكَ فَنَهَضَ عليه السلام فَدَخَلَ الْبَيْتَ  
ثُمَّ خَرَجَ وَ عَلَى عَاتِقِهِ غُلَامٌ كَأَنَّ وَجْهَهُ الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ مِنْ أَبْنَاءِ ثَلَاثِ سِنِينَ  
فَقَالَ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ لَوْ لَأَكْرَمْتُكَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى حُجَجِهِ مَا عَرَضْتُ  
عَلَيْكَ ابْنِي هَذَا إِنَّهُ سَمِي رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام وَ كُنِيئُهُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا  
وَ عَدْلًا كَمَا مِلْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ مَثَلُهُ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ  
الْخَضِرِ عليه السلام وَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ ذِي الْقَرْنَيْنِ عليه السلام وَ اللَّهُ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْجُو فِيهَا مِنْ  
التَّهْلُكَةِ إِلَّا مَنْ يُثَبِّتَهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ لِلدُّعَاءِ بِتَعْجِيلِ فَرَجِهِ قَالَ  
أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ فَقُلْتُ لَهُ يَا مَوْلَايَ هَلْ مِنْ عِلْمَةٍ يَطْمِئِنُّ إِلَيْهَا قَلْبِي فَنَطَقَ  
الْغُلَامُ (عج) بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ فَصِيحَ فَقَالَ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُسْتَقِيمُ مِنْ  
أَعْدَائِهِ فَلَا تَطْلُبْ أَثْرًا بَعْدَ عَيْنٍ يَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ قَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ  
فَخَرَجْتُ مَسْرُورًا فَرِحًا فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْعَدِ عُدْتُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ  
رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام لَقَدْ عَظُمَ سُرُورِي بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَمَا السُّنَّةُ الْجَارِيَةُ فِيهِ مِنْ  
الْخَضِرِ عليه السلام وَ ذِي الْقَرْنَيْنِ عليه السلام فَقَالَ طُولُ الْغَيْبَةِ يَا أَحْمَدُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ  
رَسُولِ اللَّهِ عليه السلام وَ إِنَّ غَيْبَتَهُ لَتَطُولُ قَالَ إِي وَ رَبِّي حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ  
أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ فَلَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَهْدَهُ بِوَلَايَتِنَا وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ

الإيمانَ وَايَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ يَا أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ هَذَا أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ اكْتُمْهُ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ تَكُنْ غَدًا فِي عِلِّيِّينَ قَالَ الصَّدُوقُ رَحِمَهُ اللَّهُ لَمْ أَسْمَعْ هَذَا الْحَدِيثَ إِلَّا مِنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِ وَ وَجَدْتُهُ مُثَبَّتًا بِخَطِّهِ فَسَأَلْتُهُ عَنْهُ فَرَوَاهُ لِي قِرَاءَةً عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ كَمَا ذَكَرْتُهُ»<sup>(١)</sup>.

### ١١٧ - نص بر امامت حضرت مهدي (عج)

«أخبرني أبو القاسم عن محمد بن يعقوب عن محمد بن يحيى عن أحمد بن إسحاق عن أبي هاشم الجعفري قال قلت لأبي محمد الحسن بن علي عليه السلام جلالتك تمنعني عن مسألتك فتأذن لي أن أسألك فقال سل قلت يا سيدي هل لك ولد قال نعم قلت إن حدث حدث فأين أسأل عنه قال بالمدينة»<sup>(٢)</sup>.

### ١١٨ - شبيهه به حضرت خضر و ذو القرنين عليهما السلام

«الراوندي : قال الحسن بن علي العسكري عليه السلام لأحمد بن إسحاق و

١- بحار الانوار، ج ٥٢، ص ٢٣، باب ١٨، كمال الدين، ج ٢، ص ٣٨٤ و ٣٨٥، باب ٣٨، الصراط المستقيم، ج ٢، ص ٢٣١، كشف الغم، ج ٢، ص ٥٢٦، منتخب الانوار المضيئة، ج ١، ص ١٤٣، اعلام الوري، ج ١، ص ٤٣٩،  
٢- الارشاد، ج ٢، ص ٢٤٨، الكافي، ج ١، ص ٣٢٨، حديث ٢، الغيبة للطوسي، ص ٢٣٢، حديث ١٩٩، روضة الواعظين، ص ٢٦٢، اعلام الوري، ج ١، ص ٤٤١، حلية الابرار، ج ٢، ص ٥٤٩، بحار الانوار، ج ٥١، ص ١٦١، حديث ١١.

قد أتاه ليسأله عن الخلف بعده فقال مبتدئاً مثله كمثل الخضر و مثله كمثل ذي القرنين إن الخضر شرب من ماء الحياة فهو لا يموت حتى ينفخ في الصور و إنه ليحضر الموسم كل سنة و يقف بعرفة فيؤمن على دعاء المؤمنين و يستأنس الله به و حشة قائمنا في غيبته و يصل به و حدثه فله البقاء في الدنيا مع الغيبة عن الأبصار»<sup>(۱)</sup>.

### ۱۱۹ - احترام به سادات

«تَارِيخُ قُمْ، لِلْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقُمِّيِّ قَالَ رُوِيَ عَنْ مَشَايِخِ قُمْ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ عليه السلام كَانَ بِقُمْ يَشْرَبُ الْخَمْرَ عَلَانِيَةً فَقَصَدَ يَوْمًا لِحَاجَةِ بَابِ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَشْعَرِيِّ وَكَانَ وَكَيْلًا فِي الْأَوْقَافِ بِقُمْ فَلَمَّ يَأْذُنُ لَهُ وَرَجَعَ إِلَى بَيْتِهِ مَهْمُومًا فَتَوَجَّهَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِلَى الْحَجِّ فَلَمَّا بَلَغَ سُرَّ مَنْ رَأَى اسْتَأْذَنَ عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام فَلَمَّ يَأْذُنُ لَهُ فَبَكَى أَحْمَدُ لِذَلِكَ طَوِيلًا وَتَضَرَّعَ حَتَّى أَذِنَ لَهُ فَلَمَّا دَخَلَ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِمَ مَنَعْتَنِي الدُّخُولَ عَلَيْكَ وَ أَنَا مِنْ شِيعَتِكَ وَ مَوَالِيكَ قَالَ عليه السلام لِأَنَّكَ طَرَدْتَ ابْنَ عَمِّنَا عَنْ بَابِكَ فَبَكَى أَحْمَدُ وَ حَلَفَ بِاللَّهِ أَنَّهُ لَمْ يَمْنَعَهُ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ إِلَّا لِأَنَّهُ يَتُوبُ مِنْ شُرْبِ الْخَمْرِ قَالَ صَدَقْتَ وَ لَكِنْ لَا بُدَّ عَنْ إِكْرَامِهِمْ وَ احْتِرَامِهِمْ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَنْ لَا تُحَقِّرَهُمْ وَ لَا تَسْتَهِينَ بِهِمْ لِأَنِّي سَابِهِمْ إِنِّي نَافَتُكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ فَلَمَّا

رَجَعَ أَحْمَدُ إِلَى قَوْمِ أَتَاهُ أَشْرَافُهُمْ وَكَانَ الْحُسَيْنُ مَعَهُمْ فَلَمَّا رَأَاهُ أَحْمَدُ وَثَبَ إِلَيْهِ وَاسْتَقْبَلَهُ وَأَكْرَمَهُ وَأَجْلَسَهُ فِي صَدْرِ الْمَجْلِسِ فَاسْتَعْرَبَ الْحُسَيْنُ ذَلِكَ مِنْهُ وَاسْتَبَدَّعَهُ وَسَأَلَهُ عَنْ سَبَبِهِ فَذَكَرَ لَهُ مَا جَرَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام فِي ذَلِكَ فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِكَ نَدِمَ مِنْ أفعالِهِ الْقَبِيحَةِ وَتَابَ مِنْهَا وَرَجَعَ إِلَى بَيْتِهِ وَأَهْرَقَ الْخُمُورَ وَكَسَرَ آلائِهَا وَصَارَ مِنَ الْأَتْقِيَاءِ الْمُتَوَرِّعِينَ وَالصُّلَحَاءِ الْمُتَعَبِّدِينَ وَكَانَ مُلَازِمًا لِلْمَسَاجِدِ مُعْتَكِفًا فِيهَا حَتَّى أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ وَدُفِنَ قَرِيبًا مِنْ مَزَارِ فَاطِمَةَ «المعصومة» رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا» (١).

### ١٢٠ - ادای قرض

دَاوُدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْجَعْفَرِيُّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَيْهِ بِسُرٍّ مَنْ رَأَى وَ أَنَا أُرِيدُ الْحَجَّ لِأَوْدَعَهُ فَخَرَجَ مَعِي فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى آخِرِ الْحَاجِزِ نَزَلَ فَنَزَلْتُ مَعَهُ فَخَطَّ بِيَدِهِ الْأَرْضَ خَطَّةً شَبِيهَةً بِالْدَائِرَةِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا عَمَّ خُذْ مَا فِي هَذِهِ يَكُونُ فِي نَفَقَتِكَ وَ تَسْتَعِينُ بِهِ عَلَيَّ حِجَّكَ فَضَرَبْتُ بِيَدِي فَإِذَا سَبِيكَةٌ ذَهَبٍ فَكَانَ فِيهَا مِائَتًا مِثْقَالٍ دَخَلَ أَبُو عَمْرٍو عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدٍ وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْأَشْعَرِيُّ وَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيُّ عَلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام فَشَكَا إِلَيْهِ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ دَيْنًا عَلَيْهِ فَقَالَ يَا أَبَا عَمْرٍو وَكَانَ وَ كَيْلَهُ أَدْفَعُ إِلَيْهِ ثَلَاثِينَ أَلْفَ دِينَارٍ وَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرِ ثَلَاثِينَ أَلْفَ دِينَارٍ وَ خُذْ أَنْتَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ دِينَارٍ « فَهَذِهِ

١ - بحار الانوار ج ٥٠، ص ٣٢٣، باب ٤، مستدرک الوسائل، ج ١٢، ص ٣٧٤، حديث ١٤٣٣٥.

مُعْجِزَةٌ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهَا إِلَّا الْمُلُوكُ وَ مَا سَمِعْنَا بِمِثْلِ هَذَا الْعَطَاءِ»<sup>(۱)</sup>.

### ۱۲۱ - قتل راهزنان

« عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَقَدْ تَجَارَيْنَا ذَكَرَ الصَّعَالِيكَ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَامِرٍ حَدَّثَنِي هَذَا وَأَوْمَأَ إِلَى أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيَّ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام يَسْأَلُ عَنْهُمْ فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَقْتُلُهُمْ»<sup>(۲)</sup>.

### ۱۲۲ - نوشیدن دارویی که سوسمار داخل آن شده

« الْمَكَارِمُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ قَالَ كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام سَأَلْتُهُ عَنِ الْإِسْقَنْقُورِ يُدْخَلُ فِي دَوَاءِ الْبَاهِ لَهُ مَخَالِيبٌ وَ ذَنْبٌ أَوْ يَجُوزُ أَنْ يُشْرَبَ فَقَالَ إِذَا كَانَ لَهُ قُشُورٌ فَلَا بَأْسَ»<sup>(۳)</sup>.

۱- بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۷۲، باب ۳، المناقب، ج ۴، ص ۴۰۹.

۲- الكافي، ج ۷، ص ۲۹۶، حدیث ۳، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۲۱۱، حدیث ۳۶، وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۳۸۲، حدیث ۳۵۰۱۳.

۳- بحار الانوار، ج ۶۲، ص ۱۹۹، باب ۴، ج ۶۵، ص ۱۹۹، حدیث ۲۱، مکارم الاخلاق، ص ۱۶۷، «الإسقنقور و السقنقور ضرب من الزخافات يكون في البلاد الحاره، اكبر من الغطاءة و اضخم، قصير الذنب و يعرف «بالتمساح» البرى المنجد: (أسق).

## « فصل هفتم »

احمد بن اسحاق رحمته الله و رواياتی از امام مهدي عليه السلام

۱۲۳ - احمد بن اسحاق رحمته الله و دیدار با حضرت مهدي عليه السلام

« مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَاتِمِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى  
الْوَشَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ طَاهِرِ الْقُمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَحْرِ بْنِ سَهْلِ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ  
أَحْمَدَ بْنِ مَسْرُورٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِيِّ قَالَ كُنْتُ امراً لِهَجَاءِ بِجَمْعِ  
الْكِتَابِ الْمُشْتَمَلَةِ عَلَى غَوَامِضِ الْعُلُومِ وَدَقَائِقِهَا كَلِفاً بِاسْتِظْهَارِ مَا يَصِحُّ مِنْ  
حَقَائِقِهَا مُغَرِّماً بِحِفْظِ مُشْتَبِهَاتِهَا وَ مُسْتَعْلِقِهَا شَجِيحاً عَلَى مَا أَظْفَرُ بِهِ مِنْ  
مَعَاذِلِهَا وَ مُشْكِلاتِهَا مُتَعَصِّباً لِمَذْهَبِ الْإِمَامِيَّةِ رَاغِباً عَنِ الْأَمْنِ وَ السَّلَامَةِ  
فِي انْتِظَارِ التَّنَازُعِ وَ التَّخَاصُمِ وَ التَّعَدِّيِّ إِلَى التَّبَاغُضِ وَ التَّشَاتُمِ مُعَيِّباً لِلْفِرْقِ  
ذَوِي الْخِلَافِ كَاشِفاً عَنِ مَثَالِبِ أَيْمَتِهِمْ هَتَّاءً كَأَنَّ لِحُجُبِ قَادَتِهِمْ إِلَى أَنْ بُلِيَتْ



بِأَشَدِّ النَّوَاصِبِ مُنَازَعَةً وَأَطْوَلِهِمْ مُخَاصَمَةً وَأَكْثَرِهِمْ جَدَلًا وَأَشْنَعِهِمْ سُؤَالَ  
وَأَثْبَتَهُمْ عَلَى الْبَاطِلِ قَدَمًا فَقَالَ ذَاتَ يَوْمٍ وَأَنَا أَنْظِرُهُ تَبًّا لَكَ وَلِأَصْحَابِكَ  
يَا سَعْدُ إِنَّكُمْ مَعَاشِرَ الرَّافِضَةِ تَقْصِدُونَ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ بِالطَّعْنِ  
عَلَيْهِمَا وَتَجْحَدُونَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَتَّبِعُهُمَا وَإِمَامَتُهُمَا هَذَا الصِّدِّيقُ الَّذِي  
فَاقَ جَمِيعَ الصَّحَابَةِ بِشَرَفِ سَابِقَتِهِ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَا أَخْرَجَهُ  
مَعَ نَفْسِهِ إِلَى الْغَارِ إِلَّا عِلْمًا مِنْهُ بِأَنَّ الْخِلَافَةَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنَّهُ هُوَ الْمُقَلِّدُ لِأَمْرِ  
التَّأْوِيلِ وَالْمُلْتَمَى إِلَيْهِ أَزِمَّةُ الْأُمَّةِ وَعَلَيْهِ الْمُعْوَلُ فِي شَعْبِ الصَّدْعِ وَلَمْ  
الشَّعْثِ وَسَدِّ الْخَلَلِ وَإِقَامَةِ الْحُدُودِ وَتَسْرِيبِ الْجِيُوشِ لِفَتْحِ بِلَادِ الشِّرْكِ  
فَكَمَا أَشْفَقَ عَلَى نُبُوتِهِ أَشْفَقَ عَلَى خِلَافَتِهِ إِذْ لَيْسَ مِنْ حُكْمِ الْإِسْتِتَارِ وَ  
التَّوَارِي أَنْ يَرُومَ الْهَارِبُ مِنَ الشَّيْءِ مُسَاعِدَةً إِلَى مَكَانٍ يَسْتَخْفِي فِيهِ وَلَمَّا  
رَأَيْنَا النَّبِيَّ ﷺ مُتَوَجِّهًا إِلَى الْإِنْجِحَارِ وَلَمْ تَكُنِ الْحَالُ تُوجِبُ اسْتِدْعَاءَ  
الْمُسَاعِدَةِ مِنْ أَحَدٍ اسْتَبَانَ لَنَا قَصْدُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بِأَبِي بَكْرٍ إِلَى الْغَارِ لِلْعِلَّةِ  
الَّتِي شَرَحْنَاهَا وَإِنَّمَا أَبَاتَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى فِرَاشِهِ لِمَا لَمْ يَكُنْ لِيَكْتَرِثَ لَهُ وَلَمْ  
يَحْفَلُ بِهِ وَلا اسْتِثْقَالَهُ لَهُ وَلِعِلْمِهِ بِأَنَّهُ إِنْ قُتِلَ لَمْ يَتَعَذَّرْ عَلَيْهِ نَصْبُ غَيْرِهِ مَكَانَهُ  
لِلْخُطُوبِ الَّتِي كَانَ يَصْلُحُ لَهَا قَالَ سَعْدٌ فَأُورِدْتُ عَلَيْهِ أَجُوبَةً شَتَّى فَمَا زَالَ  
يَقْصِدُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهَا بِالنَّقْضِ وَالرَّدِّ عَلَيَّ ثُمَّ قَالَ يَا سَعْدُ دُونَكَهَا أُخْرَى بِمِثْلِهَا  
تُخْطَفُ آنَافُ الرِّوَاغِضِ أَلَسْتُمْ تَزْعُمُونَ أَنَّ الصِّدِّيقَ الْمُبَرَّى مِنْ دَنَسِ  
الشُّكُوكِ وَالْفَارُوقَ الْمُحَامِيَّ عَنِ بَيْضَةِ الْإِسْلَامِ كَانَا يُسِرَّانِ النِّفَاقَ وَ  
اسْتَدْلَلْتُمْ بِبَلِيَّةِ الْعَقَبَةِ أَخْبَرَنِي عَنِ الصِّدِّيقِ وَالْفَارُوقِ أَسْلَمَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا

قَالَ سَعْدٌ فَاخْتَلْتُ لِدَفْعِ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ عَنِّي خَوْفًا مِنَ الْإِلْزَامِ وَحَذَرًا مِنْ أَنِّي  
 إِنِ أَقْرَرْتُ لَهُمَا بِطَوَاعِيَّتِهِمَا لِلْإِسْلَامِ احْتَجَّ بِأَنَّ بَدْءَ النِّفَاقِ وَنَشْوَهُ فِي الْقَلْبِ  
 لَا يَكُونُ إِلَّا عِنْدَ هُبُوبِ رَوَائِحِ الْقَهْرِ وَالْغَلْبَةِ وَإِظْهَارِ الْبَأْسِ الشَّدِيدِ فِي حَمْلِ  
 الْمَرْءِ عَلَى مَنْ لَيْسَ يَنْقَادُ لَهُ قَلْبُهُ نَحْوَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا  
 قَالُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَحَدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيْمَانُهُمْ لَمَّا  
 رَأَوْا بَأْسَنَا ﴾ ، وَإِنْ قُلْتُ أَسْلَمَا كَرِهًا كَانَ يَقْصِدُنِي بِالطَّعْنِ إِذْ لَمْ يَكُنْ ثَمَّ  
 سُيُوفٌ مُنْتَضَاةٌ كَانَتْ تُرِيهِمْ [ تُرِيهِمَا ] الْبَأْسَ قَالَ سَعْدٌ فَصَدَرْتُ عَنْهُ مُزُورًا  
 قَدْ انْتَفَخَتْ أَحْشَائِي مِنَ الْغَضَبِ وَتَقَطَّعَ كَيْدِي مِنَ الْكَرْبِ وَ كُنْتُ قَدْ  
 اتَّخَذْتُ طُومَارًا وَ أَثْبَتْتُ فِيهِ نَيْفًا وَ أَرْبَعِينَ مَسْأَلَةً مِنْ صِعَابِ الْمَسَائِلِ لَمْ  
 أَجِدْ لَهَا مُجِيبًا عَلَى أَنْ أَسْأَلَ فِيهَا خَيْرَ أَهْلِ بَلَدِي أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ صَاحِبَ  
 مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام فَارْتَحَلْتُ خَلْفَهُ وَ قَدْ كَانَ خَرَجَ قَاصِدًا نَحْوَ مَوْلَانَا بِسْرٍ  
 مَنْ رَأَى فَلَحِقْتُهُ فِي بَعْضِ الْمَنَاهِلِ فَلَمَّا تَصَافَحْنَا قَالَ لِخَيْرٍ لِحَاقِكَ بِي قُلْتُ  
 الشُّوقُ ثُمَّ الْعَادَةُ فِي الْأَسْئَلَةِ قَالَ قَدْ تَكَافَأْنَا عَلَى هَذِهِ الْخُطَّةِ [ أَيِ الْخِصْلَةِ ]  
 الْوَاحِدَةِ فَقَدْ بَرِحَ بِي الْقَرَمُ إِلَى لِقَاءِ مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ  
 عَنْ مَعَاضِلَ فِي التَّأْوِيلِ وَ مَشَاكِلَ فِي التَّنْزِيلِ فَدُونَكهَا الصُّحْبَةَ الْمُبَارَكَةَ  
 فَإِنَّهَا تَقِفُ بِكَ عَلَى ضَفَّةِ بَحْرِ لَا تَنْقُضِي عَجَائِبُهُ وَ لَا تَفْنِي غَرَائِبُهُ وَ هُوَ  
 إِمَامُنَا فَوَرَدْنَا سُرَّ مَنْ رَأَى فَانْتَهَيْنَا مِنْهَا إِلَى بَابِ سَيِّدِنَا عليه السلام فَاسْتَأْذَنَّا فَخَرَجَ  
 إِلَيْنَا الْأِذْنَ بِالْدُخُولِ عَلَيْهِ وَ كَانَ عَلَى عَاتِقِ أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ جِرَابٌ قَدْ غَطَّاهُ  
 بِكِسَاءٍ طَبْرِيٍّ فِيهِ سِتُّونَ وَ مِائَةٌ صُرَّةٌ مِنَ الدَّنَانِيرِ وَ الدَّرَاهِمِ عَلَى كُلِّ صُرَّةٍ

مِنْهَا خْتَمٌ صَاحِبِهَا قَالَ سَعْدٌ فَمَا شَبَّهْتُ مَوْلَانَا أَبَا مُحَمَّدٍ عليه السلام حِينَ غَشِيَنَا نُورٌ  
 وَجْهَهُ إِلَّا بِبَدْرِ قَدْ اسْتَوْفَى مِنْ لَيَالِيهِ أَرْبَعًا بَعْدَ عَشْرِ وَعَلَى فَخِذِهِ الْأَيْمَنِ غُلَامٌ  
 يُنَاسِبُ الْمُشْتَرِي فِي الْخِلْقَةِ وَالْمَنْظَرِ وَعَلَى رَأْسِهِ فَرْقٌ بَيْنَ وَفَرْتَيْنِ كَأَنَّهُ  
 أَلْفٌ بَيْنَ وَאוَيْنِ وَ بَيْنَ يَدَيْ مَوْلَانَا رُمَانَةٌ ذَهَبِيَّةٌ تَلْمَعُ بَدَائِعُ نُقُوشِهَا وَسَطٌ  
 غَرَائِبِ الْفُصُوصِ الْمُرَكَّبَةِ عَلَيْهَا قَدْ كَانَ أَهْدَاهَا إِلَيْهِ بَعْضُ رُؤَسَاءِ أَهْلِ  
 الْبَصْرَةِ وَ بِيَدِهِ قَلَمٌ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَسْطُرَ بِهِ عَلَى الْبَيَاضِ قَبْضَ الْغُلَامِ عَلَى  
 أَصَابِعِهِ فَكَانَ مَوْلَانَا عليه السلام يُدْخِرُ الرُّمَانَةَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ يَشْغَلُهُ بِرِدِّهَا لِنَلَّا يَصُدُّهُ  
 عَنْ كِتَابَةِ مَا أَرَادَ فَسَلَّمْنَا عَلَيْهِ فَأَلْطَفَ فِي الْجَوَابِ وَأَوْمَأَ إِلَيْنَا بِالْجُلُوسِ فَلَمَّا  
 فَرَعْنَا مِنْ كِتَابَةِ الْبَيَاضِ الَّذِي كَانَ بِيَدِهِ أَخْرَجَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ جِرَابَهُ مِنْ طَيِّ  
 كِسَائِهِ فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَنَظَرَ الْهَادِي عليه السلام إِلَى الْغُلَامِ وَقَالَ لَهُ يَا بُنَيَّ فَضَّ  
 الْخَاتَمَ عَنْ هَدَايَا شَيْعَتِكَ وَ مَوَالِيكَ فَقَالَ يَا مَوْلَايَ أَيْجُوزُ أَنْ أُمُدَّ يَدًا  
 طَاهِرَةً إِلَى هَدَايَا نَجِسَةٍ وَ أَمْوَالٍ رَجِسَةٍ قَدْ شِيبَ أَحْلَاهَا بِأَحْرَمِهَا فَقَالَ  
 مَوْلَايَ عليه السلام يَا ابْنَ إِسْحَاقَ اسْتَخْرِجْ مَا فِي الْجِرَابِ لِيَمَيِّزَ مَا بَيْنَ الْأَحْلِ وَ  
 الْأَحْرَمِ مِنْهَا فَأَوْلُ صُرَّةٍ بَدَأَ أَحْمَدُ بِإِخْرَاجِهَا فَقَالَ الْغُلَامُ هَذِهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ  
 مِنْ مَحَلَّةٍ كَذَا بِقَمٍّ تَشْتَمِلُ عَلَى اثْنَيْنِ وَ سِتِّينَ دِينَارًا فِيهَا مِنْ ثَمَنِ حُجَيْرَةٍ  
 بَاعَهَا صَاحِبُهَا وَ كَانَتْ إِرْثًا لَهُ مِنْ أَخِيهِ خَمْسَةً وَ أَرْبَعُونَ دِينَارًا وَ مِنْ أَثْمَانِ  
 تِسْعَةِ أَثْوَابٍ أَرْبَعَةَ عَشَرَ دِينَارًا وَ فِيهَا مِنْ أُجْرَةِ حَوَانِيَتٍ ثَلَاثَةَ دَنَانِيرٍ فَقَالَ  
 مَوْلَانَا عليه السلام صَدَقْتَ يَا بُنَيَّ دُلَّ الرَّجُلَ عَلَى الْحَرَامِ مِنْهَا فَقَالَ عليه السلام فَتَشَّ عَنْ  
 دِينَارٍ رَازِيٍّ السِّكَّةِ تَارِيخُهُ سَنَةٌ كَذَا قَدْ انْطَمَسَ مِنْ نِصْفِ إِحْدَى صَفْحَتَيْهِ

نَقَشُهُ وَ قُرَاضَةَ أَمْلِيَّةٍ وَ زُنْهَارُ رُبْعِ دِينَارٍ وَ الْعِلَّةُ فِي تَحْرِيمِهَا أَنَّ صَاحِبَ هَذِهِ  
الْجُمْلَةِ وَ زَنَ فِي شَهْرِ كَذَا مِنْ سَنَةِ كَذَا عَلَى حَائِكٍ مِنْ جِيرَانِهِ مِنَ الْغَزْلِ مَنًّا  
وَ رُبْعٍ مَنْ فَاتَتْ عَلَى ذَلِكَ مُدَّةٌ قَبِيضٍ فِي انْتِهَائِهَا لِذَلِكَ الْغَزْلِ سَارِقًا فَأَخْبَرَ  
بِهِ الْحَائِكُ صَاحِبَهُ فَكَذَّبَهُ وَ اسْتَرَدَّ مِنْهُ بَدَلَ ذَلِكَ مَنًّا وَ نِصْفَ مَنْ غَزَلًا أَدَقَّ  
مِمَّا كَانَ دَفَعَهُ إِلَيْهِ وَ اتَّخَذَ مِنْ ذَلِكَ ثَوْبًا كَانَ هَذَا الدِّينَارُ مَعَ الْقُرَاضَةِ ثَمَنُهُ  
فَلَمَّا فَتَحَ رَأْسَ الصُّرَّةِ صَادَفَ رُقْعَةً فِي وَسْطِ الدَّنَانِيرِ بِاسْمِ مَنْ أَخْبَرَ عَنْهُ وَ  
بِمِقْدَارِهَا عَلَى حَسَبِ مَا قَالَ وَ اسْتَخْرَجَ الدِّينَارَ وَ الْقُرَاضَةَ بِتِلْكَ الْعَلَامَةِ ثُمَّ  
أَخْرَجَ صُرَّةً أُخْرَى فَقَالَ الْغُلَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَذِهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ مِنْ مَحَلَّةِ كَذَا بِقَمٍّ  
تَشْتَمِلُ عَلَى خَمْسِينَ دِينَارًا لَا يَحِلُّ لَنَا مَسُّهَا قَالَ وَ كَيْفَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّهَا مِنْ  
ثَمَنِ حِنْطَةٍ خَافَ صَاحِبُهَا عَلَى أَكَّارِهِ فِي الْمُقَاسَمَةِ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ قَبِضَ حِصَّتَهُ  
مِنْهَا بِكَيْلٍ وَافٍ وَ كَالَ مَا خَصَّ الْأَكَّارَ بِكَيْلٍ بَخْسٍ فَقَالَ مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ يَا  
بُنَيَّ ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ إِسْحَاقَ احْمِلْهَا بِأَجْمَعِهَا لِتُرُدَّهَا أَوْ تُوصِي بِرَدِّهَا عَلَى  
أَرْبَابِهَا فَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي شَيْءٍ مِنْهَا وَ اثْنَا بَثْوِبِ الْعَجُوزِ قَالَ أَحْمَدُ وَ كَانَ  
ذَلِكَ الثَّوْبُ فِي حَقِيبَةٍ لِي فَنَسِيْتُهُ فَلَمَّا انْصَرَفَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ لِيَأْتِيَهُ  
بِالثَّوْبِ نَظَرَ إِلَيَّ مَوْلَانَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ مَا جَاءَ بِكَ يَا سَعْدُ فَقُلْتُ شَوَّقَنِي  
أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِلَى لِقَاءِ مَوْلَانَا قَالَ فَالْمَسَائِلُ الَّتِي أَرَدْتُ أَنْ تَسْأَلَ عَنْهَا  
قُلْتُ عَلَى حَالِهَا يَا مَوْلَايَ قَالَ فَسَلْ قُرَّةَ عَيْنِي وَ أَوْمَأَ إِلَيَّ الْغُلَامُ عَمَّا بَدَأَكَ  
مِنْهَا فَقُلْتُ لَهُ مَوْلَانَا وَ ابْنِ مَوْلَانَا إِنَّا رُوِينَا عَنْكُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَسَلَّمَ جَعَلَ  
طَلَّاقَ نِسَائِهِ بِيَدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى أُرْسَلَ يَوْمَ الْجَمَلِ إِلَى عَائِشَةَ أَنْكِ

قَدْ أَرْهَجْتَ عَلَى الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ بِفِتْنَتِكَ وَأُورَدْتَ بَنِيكَ حِيَاضَ الْهَلَاكِ  
 بِجَهْلِكَ فَإِنْ كَفَفْتَ عَنِّي غَرْبَكَ وَإِلَّا طَلَّقْتُكَ وَنِسَاءَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَدْ  
 كَانَ طَلَاقُهُنَّ وَفَاتُهُ قَالَ مَا الطَّلَاقُ قُلْتُ تَخْلِيَةُ السَّبِيلِ قَالَ وَإِذَا كَانَ وَفَاةُ  
 رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَدْ خَلَى لِهِنَّ السَّبِيلَ فَلِمَ لَا يَحِلُّ لِهِنَّ الْأَزْوَاجُ قُلْتُ لِأَنَّ اللَّهَ  
 تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَرَّمَ الْأَزْوَاجَ عَلَيْهِنَّ قَالَ وَكَيْفَ وَقَدْ خَلَى الْمَوْتُ سَبِيلَهُنَّ  
 قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي يَا ابْنَ مَوْلَايَ عَنْ مَعْنَى الطَّلَاقِ الَّذِي فَوَّضَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ  
 حُكْمَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ؑ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَظَّمَ شَأْنَ نِسَاءِ  
 النَّبِيِّ ﷺ فَخَصَّهُنَّ بِشَرَفِ الْأُمَّهَاتِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ  
 هَذَا الشَّرْفَ بَاقٍ لِهِنَّ مَا دُمْنَ لِلَّهِ عَلَى الطَّاعَةِ فَأَيُّهُنَّ عَصَتْ اللَّهَ بَعْدِي  
 بِالْخُرُوجِ عَلَيْكَ فَأُطْلِقَ لَهَا فِي الْأَزْوَاجِ وَأَسْقَطَهَا مِنْ شَرَفِ أُمُومَةٍ  
 الْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْفَاحِشَةِ الْمُبَيَّنَةِ الَّتِي إِذَا أَتَتِ الْمَرْأَةُ بِهَا فِي أَيَّامِ  
 عِدَّتِهَا حَلَّ لِلزَّوْجِ أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ بَيْتِهِ قَالَ الْفَاحِشَةُ الْمُبَيَّنَةُ هِيَ السَّحْقُ دُونَ  
 الزَّنى فَإِنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا زَنَتْ وَأُقِيمَ عَلَيْهَا الْحَدُّ لَيْسَ لِمَنْ أَرَادَهَا أَنْ يَمْتَنِعَ بَعْدَ  
 ذَلِكَ مِنَ التَّزْوِيجِ بِهَا لِأَجْلِ الْحَدِّ وَإِذَا سَحَقَتْ وَجَبَ عَلَيْهَا الرَّجْمُ وَالرَّجْمُ  
 خِزْيٌ وَمَنْ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِرَجْمِهِ فَقَدْ أَخْزَاهُ وَمَنْ أَخْزَاهُ فَقَدْ أَبْعَدَهُ وَ  
 مَنْ أَبْعَدَهُ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَقْرِبَهُ قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَنْ أَمْرِ اللَّهِ  
 تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِنَبِيِّهِ مُوسَى ؑ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالنَّوَادِ الْمُقَدَّسِ  
 طَوًى ﴿ فَإِنَّ فُقَهَاءَ الْفَرِيقَيْنِ يَزْعُمُونَ أَنَّهَا كَانَتْ مِنْ إِهَابِ الْمَيْتَةِ فَقَالَ ؑ مَنْ  
 قَالَ ذَلِكَ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى مُوسَى وَاسْتَجْهَلَهُ فِي نُبُوتِهِ لِأَنَّهُ مَا خَلَا الْأَمْرَ فِيهَا

مِنْ خَطِيئَتَيْنِ إِمَّا أَنْ تَكُونَ صَلَاةُ مُوسَى فِيهِمَا جَائِزَةً أَوْ غَيْرَ جَائِزَةٍ فَإِنْ كَانَتْ  
 صَلَاتُهُ جَائِزَةً جَازَ لَهُ لُبْسُهُمَا فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ ﴿ إِذْ لَمْ تَكُنْ مُقَدَّسَةً ﴾ وَ إِنْ  
 كَانَتْ مُقَدَّسَةً مُطَهَّرَةً فَلَيْسَ بِأَقْدَسَ وَأَطْهَرَ مِنَ الصَّلَاةِ وَإِنْ كَانَتْ صَلَاتُهُ غَيْرَ  
 جَائِزَةٍ فِيهِمَا فَقَدْ أُوجِبَ عَلَى مُوسَى ﷺ أَنَّهُ لَمْ يَعْرِفِ الْحَلَالَ مِنَ الْحَرَامِ وَ  
 عِلْمَ [لَمْ يَعْلَمْ] مَا تَجُوزُ فِيهِ الصَّلَاةُ وَ مَا لَمْ تَجُزْ وَ هَذَا كُفْرٌ قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي يَا  
 مَوْلَايَ عَنِ التَّأْوِيلِ فِيهِمَا قَالَ إِنْ مُوسَى ﷺ نَاجَى رَبَّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ فَقَالَ  
 يَا رَبِّ إِنِّي قَدْ أَخْلَصْتُ لَكَ الْمَحَبَّةَ مِنِّي وَ غَسَلْتُ قَلْبِي عَمَّنْ سِوَاكَ وَ كَانَ  
 شَدِيدَ الْحُبِّ لِأَهْلِهِ فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ﴿ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ ﴾ أَيِ انْزِعْ  
 حُبَّ أَهْلِكَ مِنْ قَلْبِكَ إِنْ كَانَتْ مَحَبَّتُكَ لِي خَالِصَةً وَ قَلْبُكَ مِنَ الْمَيْلِ إِلَى  
 مَنْ سِوَايَ مَغْسُورًا قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ عَنْ تَأْوِيلِ  
 ﴿ كَهَيْعَص ﴾ قَالَ هَذِهِ الْحُرُوفُ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ أَطَّلَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا عَبْدُهُ  
 زَكْرِيَّا ﷺ ثُمَّ قَصَّهَا عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ وَ ذَلِكَ أَنْ زَكْرِيَّا ﷺ سَأَلَ رَبَّهُ أَنْ  
 يُعَلِّمَهُ أَسْمَاءَ الْخَمْسَةِ فَأَهْبَطَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ ﷺ فَعَلَّمَهُ إِيَّاهَا فَكَانَ زَكْرِيَّا إِذَا  
 ذَكَرَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ سَرِي عَنْهُ هَمُّهُ وَ أَنْجَلَى كَرْبُهُ وَ إِذَا ذَكَرَ  
 اسْمَ الْحُسَيْنِ ﷺ خَنَقَتْهُ الْعَبْرَةُ وَ وَقَعَتْ عَلَيْهِ الْبُهْرَةُ فَقَالَ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَهِي مَا  
 بَالِي إِذَا ذَكَرْتُ أَرْبَعًا مِنْهُمْ تَسَلَّيْتُ بِأَسْمَائِهِمْ مِنْ هُمُومِي وَ إِذَا ذَكَرْتُ  
 الْحُسَيْنَ ﷺ تَدَمَعُ عَيْنِي وَ تَثُورُ زَفْرَتِي فَأَنْبَأَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَنْ قِصَّتِهِ  
 وَ قَالَ ﴿ كَهَيْعَص ﴾ فَالْكَافُ اسْمُ كَرْبَلَاءَ وَ الْهَاءُ هَلَاكُ الْعِثْرَةِ وَ الْيَاءُ يَزِيدُ وَ  
 هُوَ ظَالِمُ الْحُسَيْنِ ﷺ وَ الْعَيْنُ عَطَشُهُ وَ الصَّادُ صَبْرُهُ فَلَمَّا سَمِعَ ذَلِكَ

زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُفَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ مَنَعَ فِيهَا النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ وَ  
 أَقْبَلَ عَلَى الْبُكَاءِ وَ النَّحِيبِ وَ كَانَتْ نُذْبَتُهُ إِلَيْهِمْ أَوْ تَفَجَّعُ خَيْرَ خَلْقِكَ بِوَلَدِهِ أَوْ  
 تُنَزَّلُ بِلَوَى هَذِهِ الرَّزِيَّةِ بِفِنَائِهِ إِلَهِي أَتَلْبَسُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ ثِيَابَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ  
 إِلَهِي أَتُحَلُّ كُرْبَةَ هَذِهِ الْفَجِيعَةِ بِسَاحَتَيْهِمَا ثُمَّ كَانَ يَقُولُ إِلَهِي ارْزُقْنِي وَلَدًا تَقْرَأُ  
 بِهِ عَيْنِي عَلَى الْكِبَرِ وَ اجْعَلْهُ وَارِثًا وَ صِيًّا وَ اجْعَلْ مَحَلَّهُ مِنِّي مَحَلَّ  
 الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا رَزَقْتَنِيهِ فَافْتِنِي بِحُبِّهِ ثُمَّ أَفْجِعْنِي بِهِ كَمَا تَفْجِعُ مُحَمَّدًا  
 حَبِيبَكَ بِوَلَدِهِ فَرَزَقَهُ اللَّهُ يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ فَجَّعَهُ بِهِ وَ كَانَ حَمْلُ يَحْيَى سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَ  
 حَمْلُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَذَلِكَ وَ لَهُ قِصَّةٌ طَوِيلَةٌ قُلْتُ فَأَخْبِرْنِي يَا مَوْلَايَ عَنِ الْعِلَّةِ  
 الَّتِي تَمْنَعُ الْقَوْمَ مِنَ اخْتِيَارِ إِمَامٍ لِأَنْفُسِهِمْ قَالَ مُصْلِحٌ أَوْ مُفْسِدٌ قُلْتُ مُصْلِحٌ  
 قَالَ فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ تَقَعَ خَيْرُهُمْ عَلَى الْمُفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا يَعْلَمَ أَحَدٌ بِمَا يَخْطُرُ  
 بِبَالِ غَيْرِهِ مِنْ صِلَاحٍ أَوْ فَسَادٍ قُلْتُ بَلَى قَالَ فَهِيَ الْعِلَّةُ أَوْ رِذَالُكَ بِبُرْهَانٍ  
 يَثْبُقُ بِهِ ( يَنْقَادُ لَهُ ) عَقْلُكَ أَخْبِرْنِي عَنِ الرُّسُلِ الَّذِينَ اصْطَفَاهُمُ اللَّهُ وَ أَنْزَلَ  
 عَلَيْهِمُ وَ الْكِتَابَ أَيَّدَهُمُ بِالْوَحْيِ وَ الْعِصْمَةَ إِذْ هُمْ أَعْلَامُ الْأُمَّمِ وَ أَهْدَى إِلَى  
 الْإِخْتِيَارِ مِنْهُمْ مِثْلُ مُوسَى وَ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ يَجُوزُ مَعَ وَفُورِ عَقْلِهِمَا وَ كَمَالِ  
 عِلْمِهِمَا إِذَا هُمَا بِالْإِخْتِيَارِ أَنْ يَقَعَ خَيْرُهُمَا عَلَى الْمُنَافِقِ وَ هُمَا يَظُنَّانِ أَنَّهُ  
 مُؤْمِنٌ قُلْتُ لَا فَقَالَ هَذَا مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ مَعَ وَفُورِ عَقْلِهِ وَ كَمَالِ عِلْمِهِ وَ نُزُولِ  
 الْوَحْيِ عَلَيْهِ اخْتَارَ مِنْ أَعْيَانِ قَوْمِهِ وَ وُجُوهِ عَسْكَرِهِ لِمِيقَاتِ رَبِّهِ سَبْعِينَ رَجُلًا  
 مِنْهُمْ لَا يَشْكُ فِي إِيمَانِهِمْ وَ إِخْلَاصِهِمْ فَوَقَعَتْ خَيْرُهُ عَلَى الْمُنَافِقِينَ قَالَ اللَّهُ  
 عَزَّ وَ جَلَّ ﴿ وَ اخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا - إِلَى قَوْلِهِ - لَنْ

نُؤْمِنُ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ﴿١٠﴾ فَلَمَّا وَجَدْنَا  
 اخْتِيَارَ مَنْ قَدْ اصْطَفَاهُ اللَّهُ لِلنَّبُوءَةِ وَاقِعًا عَلَى الْأَفْسَادِ دُونَ الْأَصْلَحِ وَهُوَ يَظُنُّ  
 أَنَّهُ الْأَصْلَحُ دُونَ الْأَفْسَادِ عَلِمْنَا أَنَّ لَنَا اخْتِيَارًا إِلَّا لِمَنْ يَعْلَمُ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَ  
 تُكِنُّ الضَّمَائِرُ وَ يَتَصَرَّفُ عَلَيْهِ السَّرَائِرُ وَ أَنَّ لَنَا خَطَرَ لِاخْتِيَارِ الْمُهَاجِرِينَ وَ  
 الْأَنْصَارِ بَعْدَ وَقُوعِ خَيْرَةِ الْأَنْبِيَاءِ عَلَى ذَوِي الْفُسَادِ لَمَّا أَرَادُوا أَهْلَ الصَّلَاحِ ثُمَّ  
 قَالَ مَوْلَانَا ﷺ يَا سَعْدُ وَ حِينَ ادَّعَى خَضْمُكَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ لَمَّا أَخْرَجَ  
 مَعَ نَفْسِهِ مُخْتَارَ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِلَى الْغَارِ إِلَّا عِلْمًا مِنْهُ أَنَّ الْخِلَافَةَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنَّهُ  
 هُوَ الْمُقَلَّدُ أُمُورَ التَّأْوِيلِ وَ الْمُلْقَى إِلَيْهِ أَرْمَةٌ الْأُمَّةِ الْمُعْوَلُ عَلَيْهِ فِي لَمِّ الشَّعْثِ  
 وَ سَدِّ الْخَلَلِ وَ إِقَامَةِ الْحُدُودِ وَ تَسْرِيْبِ الْجُيُوشِ لِفَتْحِ بِلَادِ الْكُفْرِ فَكَمَا أَشْفَقَ  
 عَلَى نُبُوتِهِ أَشْفَقَ عَلَى خِلَافَتِهِ إِذْ لَمْ يَكُنْ مِنْ حُكْمِ الْإِسْتِتَارِ وَ التَّوَارِي أَنْ  
 يَرُومَ الْهَارِبُ مِنَ الشَّرِّ مُسَاعِدَةً مِنْ غَيْرِهِ إِلَى مَكَانٍ يَسْتَخْفِي فِيهِ وَ إِنَّمَا  
 أَبَاتَ عَلِيًّا عَلَى فِرَاشِهِ لِمَا لَمْ يَكُنْ يَكْتَرِثُ لَهُ وَ لَمْ يَحْفَلُ بِهِ وَ لَاسْتِثْقَالِهِ إِيَّاهُ وَ  
 عِلْمِهِ أَنَّهُ إِنْ قُتِلَ لَمْ يَتَعَذَّرْ عَلَيْهِ نَصَبَ غَيْرِهِ مَكَانَهُ لِلْخُطُوبِ الَّتِي كَانَ يَصْلُحُ  
 لَهَا فَهَلَّا نَقَضَتْ عَلَيْهِ دَعْوَاهُ بِقَوْلِكَ أَلَيْسَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْخِلَافَةُ  
 بَعْدِي ثَلَاثُونَ سَنَةً فَجَعَلَ هَذِهِ مَوْقُوفَةً عَلَى أَعْمَارِ الْأَرْبَعَةِ الَّذِينَ هُمُ الْخُلَفَاءُ  
 الرَّاشِدُونَ فِي مَذْهَبِكُمْ فَكَانَ لَا يَجِدُ بُدًّا مِنْ قَوْلِهِ لَكَ بَلَى قُلْتُ فَكَيْفَ تَقُولُ  
 حِينَئِذٍ أَلَيْسَ كَمَا عَلِمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَّ الْخِلَافَةَ مِنْ بَعْدِهِ لِأَبِي بَكْرٍ عَلِمَ  
 أَنَّهَا مِنْ بَعْدِ أَبِي بَكْرٍ لِعُمَرَ وَ مِنْ بَعْدِ عُمَرَ لِعُثْمَانَ وَ مِنْ بَعْدِ عُثْمَانَ لِعَلِيٍّ فَكَانَ  
 أَيْضًا لَا يَجِدُ بُدًّا مِنْ قَوْلِهِ لَكَ نَعَمْ ثُمَّ كُنْتَ تَقُولُ لَهُ فَكَانَ الْوَاجِبُ عَلَى



رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنْ يُخْرِجَهُمْ جَمِيعاً [ عَلَى التَّرْتِيبِ ] إِلَى الْغَارِ وَ يُشْفِقَ عَلَيْهِمْ كَمَا أَشْفَقَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَ لَا يَسْتَخِفُّ بِقَدْرِ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةِ بِتَرْكِهِ إِيَّاهُمْ وَ تَخْصِيصِهِ أَبَا بَكْرٍ وَ إِخْرَاجِهِ مَعَ نَفْسِهِ دُونَهُمْ وَ لَمَّا قَالَ أَخْبَرَنِي عَنِ الصِّدِّيقِ وَ الْفَارُوقِ أَسْلَمَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً ؟ لِمَ لَمْ تَقُلْ لَهُ بَلْ أَسْلَمَا طَمَعاً لِأَنَّهَمَا كَانَا يُجَالِسَانِ الْيَهُودَ وَ يَسْتَخْبِرَانِهِمْ عَمَّا كَانُوا يَجِدُونَ فِي التَّوْرَةِ وَ سَائِرِ الْكُتُبِ الْمُتَقَدِّمَةِ النَّاطِقَةِ بِالْمَلَاحِمِ مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ مِنْ قِصَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ مِنْ عَوَاقِبِ أَمْرِهِ فَكَانَتْ الْيَهُودُ تَذْكُرُ أَنَّ مُحَمَّدًا ﷺ يُسَلِّطُ عَلَى الْعَرَبِ كَمَا كَانَ بُخْتَنْصَرُ سَلَّطَ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَا بُدَّ لَهُ مِنَ الظَّفَرِ بِالْعَرَبِ كَمَا ظَفَرَ بُخْتَنْصَرُ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ غَيْرَ أَنَّهُ كَاذِبٌ فِي دَعْوَاهُ أَنَّهُ نَبِيٌّ فَأَتَيَا مُحَمَّدًا فَسَاعَدَاهُ عَلَى [ قَوْلِ ] شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ بَايَعَاهُ طَمَعاً فِي أَنْ يَنَالَ كُلُّ مِنْهُمَا مِنْ جِهَتِهِ وَ لِيَايَةَ بَلَدٍ إِذَا اسْتَقَامَتْ أُمُورُهُ وَ اسْتَبَّتْ أحوَالُهُ فَلَمَّا أَيَسَا مِنْ ذَلِكَ تَلَّثَمَا وَ صَعَدَا الْعَقَبَةَ مَعَ عِدَّةٍ مِنْ أُمَّتَيْهِمَا مِنَ الْمُنَافِقِينَ عَلَى أَنْ يَقْتُلُوهُ فَدَفَعَ اللَّهُ كَيْدَهُمْ وَ رَدَّهُمْ بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْراً كَمَا أَتَى طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرُ عَلِيّاً ﷺ فَبَايَعَاهُ وَ طَمَعَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا أَنْ يَنَالَ مِنْ جِهَتِهِ وَ لِيَايَةَ بَلَدٍ فَلَمَّا أَيَسَا نَكَثَا بَيْعَتَهُ وَ خَرَجَا عَلَيْهِ فَصَرَخَ اللَّهُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مَصْرَعاً أَشْبَاهِهِمَا مِنَ النَّاكِثِينَ قَالَ سَعْدُ ثُمَّ قَامَ مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْهَادِي ﷺ لِلصَّلَاةِ مَعَ الْغُلَامِ فَانصَرَفَتْ عَنْهُمَا وَ طَلَبْتُ أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ فَاسْتَقْبَلَنِي بِاِكْيَافٍ فَقُلْتُ مَا أَبْطَاكَ وَ أَبْكَاكَ قَالَ قَدْ فَقَدْتُ الثَّوْبَ الَّذِي أُرْسَلَنِي مَوْلَانِي لِإِحْضَارِهِ فَقُلْتُ لَا عَلَيْكَ فَأَخْبَرَهُ فَدْخَلَ عَلَيْهِ وَ انصَرَفَ مِنْ عِنْدِهِ مُتَبَسِّمًا وَ

هُوَ يُصَلِّي عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَقُلْتُ مَا الْخَبْرُ قَالَ وَجَدْتُ الثَّوْبَ مَبْسُوطاً  
تَحْتَ قَدَمِي مَوْلَانَا ﷺ يُصَلِّي عَلَيَّ قَالَ سَعْدٌ فَحَمِدْنَا اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ عَلَى  
ذَلِكَ وَجَعَلْنَا نَخْتَلِفُ بَعْدَ ذَلِكَ إِلَى مَنْزِلِ مَوْلَانَا ﷺ أَيَّاماً فَلَا نَرَى الْغُلَامَ بَيْنَ  
يَدَيْهِ فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ الْوَدَاعِ دَخَلْتُ أَنَا وَأَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ وَكَهْلَانُ مِنْ أَهْلِ  
بَلَدِنَا فَانْتَصَبَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بَيْنَ يَدَيْهِ قَائِماً وَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ  
قَدْ دَنَّتِ الرَّحْلَةُ وَاشْتَدَّ الْمِحْنَةُ وَنَحْنُ نَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ الْمُصْطَفَى  
جَدِّكَ وَ عَلِيَّ الْمُرْتَضَى أَبِيكَ وَ عَلِيَّ سَيِّدَةَ النِّسَاءِ أُمَّكَ وَ عَلِيَّ سَيِّدِي  
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَمَّكَ وَ أَبِيكَ وَ عَلِيَّ الْأَيْمَةَ الطَّاهِرِينَ مِنْ بَعْدِهِمَا آبَائِكَ  
وَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ وَ عَلِيَّ وَ لَدِيكَ وَ نَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ أَنْ يُعَلِّيَ كَعْبِكَ وَ يَكْبِتَ  
عَدُوَّكَ وَ لَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا آخِرَ عَهْدِنَا مِنْ لِقَائِكَ قَالَ فَلَمَّا قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ  
اسْتَعْبَرَ مَوْلَانَا ﷺ حَتَّى اسْتَهَلَّتْ دُمُوعُهُ وَ تَقَاطَرَتْ عِبْرَاتُهُ ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ  
إِسْحَاقَ لَا تُكَلِّفُ فِي دُعَائِكَ شَطَطاً فَإِنَّكَ مُلَاقٍ لِلَّهِ فِي صَدْرِكَ هَذَا فَخَرَّ  
أَحْمَدُ مَغْشِياً عَلَيْهِ فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سَأَلْتُكَ بِاللَّهِ وَ بِحُرْمَةِ جَدِّكَ إِلَّا شَرَّفْتَنِي  
بِخِرْقَةٍ أَجْعَلُهَا كَفْناً فَأَدْخَلَ مَوْلَانَا ﷺ يَدَهُ تَحْتَ الْبِسَاطِ فَأَخْرَجَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ  
دِرْهَمًا فَقَالَ خُذْهَا وَ لَا تُنْفِقْ عَلَيَّ نَفْسِكَ غَيْرَهَا فَإِنَّكَ لَنْ تَعُدَمَ مَا سَأَلْتَ وَ  
إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَنْ يُضَيِّعَ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا قَالَ سَعْدٌ فَلَمَّا انْصَرَفْنَا  
بَعْدَ مُنْصَرَفِنَا مِنْ حَضْرَةِ مَوْلَانَا ﷺ مِنْ حُلُوَانِ عَلِيٍّ ثَلَاثَةَ فَرَاسِخَ حَمَّ أَحْمَدُ بْنُ  
إِسْحَاقَ وَ صَارَتْ عَلَيْهِ عِلَّةٌ صَعْبَةٌ أَيْسَ مِنْ حَيَاتِهِ فِيهَا فَلَمَّا وَرَدْنَا حُلُوَانَ وَ  
نَزَلْنَا فِي بَعْضِ الْخَانَاتِ دَعَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلَدِهِ كَانَ قَاطِئاً

بِهَا ثُمَّ قَالَ تَفَرَّقُوا عَنِّي هَذِهِ اللَّيْلَةَ وَ اِثْرُ كُونِي وَ حُدِي فَانصَرَفْنَا عَنْهُ وَ رَجَعَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا إِلَى مَرْقَدِهِ قَالَ سَعْدٌ فَلَمَّا حَانَ أَنْ يَنْكَشِفَ اللَّيْلُ عَنِ الصُّبْحِ أَصَابَتْني فِكْرَةٌ فَفَتَحْتُ عَيْنِي فَإِذَا أَنَا بِكَافُورِ الْخَادِمِ خَادِمِ مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام وَ هُوَ يَقُولُ أَحْسَنَ اللَّهُ بِالْخَيْرِ عَزَاكُمْ وَ جَبَرَ بِالْمُحِبُّوبِ رَزِيَّتَكُمْ قَدْ فَرَعْنَا مِنْ غُسْلِ صَاحِبِكُمْ وَ تَكْفِينِهِ فَقَوْمُوا لِذَفْنِهِ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْرَمِكُمْ مَحَلًّا عِنْدَ سَيِّدِكُمْ ثُمَّ غَابَ عَنْ أَعْيُنِنَا فَاجْتَمَعْنَا عَلَى رَأْسِهِ بِالْبُكَاءِ وَ الْعَوِيلِ حَتَّى قَضَيْنَا حَقَّهُ وَ فَرَعْنَا مِنْ أَمْرِهِ رَحِمَهُ اللَّهُ « (۱) » .

#### ۱۲۴ - آیا حضرت مهدی عليه السلام را دیده‌ای؟

« عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ : اجْتَمَعْتُ أَنَا وَ الشَّيْخُ أَبُو عَمْرٍو عليه السلام عِنْدَ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ فَعَمَزَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الْخَلْفِ فَقُلْتُ لَهُ : يَا أَبَا عَمْرٍو إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ شَيْءٍ وَ مَا أَنَا بِشَاكٍ فِيمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْهُ فَإِنَّ اعْتِقَادِي وَ دِينِي أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ إِلَّا إِذَا كَانَ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعِينَ يَوْمًا فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ رُفِعَتِ الْحُجَّةُ وَ أُغْلِقَ بَابُ التَّوْبَةِ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا فَأَوْلَيْكَ أَشْرَارٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُمُ الَّذِينَ تَقُومُ عَلَيْهِمْ

۱ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۵۴، (و به مناسبت قسمت‌هایی از این حدیث در کتابهای ذیل آمده است)، بحار الانوار، ج ۳۰، ص ۱۸۲، ج ۵۲، ص ۸۱، باب ۱۹، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۱ - ۴۶۸، دلائل الامامة، ج ۱، ص ۲۷۴ و ۲۷۶ و ۲۸۱، منتخب الانوار المضية، ج ۱، ص ۱۴۵ و ۱۴۹ و ۱۵۵ و ۱۵۷، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۷۹ و ۴۸۲ و ۴۸۴.

الْقِيَامَةَ وَ لَكِنِّي أَحْبَبْتُ أَنْ أَزْدَادَ يَقِينًا وَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُرِيَهُ كَيْفَ يُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنِ قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ لِيَطْمَئِنَّ قَلْبِي وَ قَدْ أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ وَ قُلْتُ مَنْ أَعَامِلُ أَوْ عَمَّنْ أَخْذُ وَ قَوْلَ مَنْ أَقْبَلُ فَقَالَ لَهُ الْعَمْرِيُّ تَقْتِي فَمَا أَدَى إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُودِي وَ مَا قَالَ لَكَ عَنِّي فَعَنِّي يَقُولُ فَاسْمَعْ لَهُ وَ أَطِعْ فَإِنَّهُ الثِّقَّةُ الْمَأْمُونُ وَ أَخْبَرَنِي أَبُو عَلِيٍّ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ مِثْلِ ذَلِكَ فَقَالَ لَهُ الْعَمْرِيُّ وَ ابْنُهُ ثِقَتَانِ فَمَا أَدَى إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُودِيَانِ وَ مَا قَالَ لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهُمَا وَ أَطِعْهُمَا فَإِنَّهُمَا الثِّقَتَانِ الْمَأْمُونَانِ فَهَذَا قَوْلُ إِمَامَيْنِ عليهما السلام قَدْ مَضَى فَيْكَ قَالَ فَخَرَّ أَبُو عَمْرٍ وَ سَاجِدًا وَ بَكَى ثُمَّ قَالَ سَلْ حَاجَتَكَ فَقُلْتُ لَهُ أَنْتَ رَأَيْتَ الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام فَقَالَ إِي وَ اللَّهُ وَ رَقَبَتُهُ مِثْلُ ذَا وَ أَوْ مَا بِيَدِهِ فَقُلْتُ لَهُ فَبَقِيَتْ وَاحِدَةٌ فَقَالَ لِي هَاتِ قُلْتُ فَالِاسْمُ قَالَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَسْأَلُوا عَنْ ذَلِكَ وَ لَا أَقُولُ هَذَا مِنْ عِنْدِي فَلَيْسَ لِي أَنْ أُحْلِلَ وَ لَا أُحْرِمَ وَ لَكِنْ عَنْهُ (عج) فَإِنَّ الْأَمْرَ عِنْدَ السُّلْطَانِ أَنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ عليه السلام مَضَى وَ لَمْ يُخَلِّفْ وَ لَدَا وَ قَسَمَ مِيرَاثَهُ وَ أَخَذَهُ مَنْ لَا حَقَّ لَهُ فِيهِ وَ هُوَ ذَا عِيَالِهِ يَجُولُونَ لَيْسَ أَحَدٌ يَجْسُرُ أَنْ يَتَعَرَّفَ إِلَيْهِمْ أَوْ يُنِيلَهُمْ شَيْئًا وَإِذَا وَقَعَ الْإِسْمُ وَقَعَ الطَّلَبُ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَمْسِكُوا عَنْ ذَلِكَ» (١).

١- اصول كافي، ج ١، ص ٣٢٩ و ٣٣٣، بحار الانوار، ج ٥١، ص ٣٤٧، اعلام الوری، ج ١، ص ٤٢١، الغيبة للطوسي، ج ١، ص ٣٥٩ و ٣٦٠ و ص ٢٤٣، وسائل الشيعة، ج ٢٧، ص ١٢٨،

۱۲۵ - آیا حضرت مهدی علیه السلام را دیده‌ای؟

« حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ قَالَ كُنْتُ مَعَ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عِنْدَ الْعَمْرِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقُلْتُ لِلْعَمْرِيِّ: إِنِّي أَسْأَلُكَ عَنْ مَسْأَلَةٍ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي قِصَّةِ إِبْرَاهِيمَ ﴿ أَوْ لَمْ تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي ﴾ هَلْ رَأَيْتَ صَاحِبِي؟ قَالَ نَعَمْ وَ لَهُ عُنُقٌ مِثْلُ ذِي وَ أَشَارَ بِيَدَيْهِ جَمِيعاً إِلَىٰ عُنُقِهِ قَالَ قُلْتُ فَالِاسْمُ قَالَ إِيَّاكَ أَنْ تَبْحَثَ عَنْ هَذَا فَإِنَّ عِنْدَ الْقَوْمِ أَنَّ هَذَا النَّسْلَ قَدْ انْقَطَعَ » (۱)

۱۲۶ - آیا حضرت مهدی علیه السلام را دیده‌ای؟

« عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَجَجْنَا فِي بَعْضِ السِّنِينَ بَعْدَ مُضِيِّ أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام فَدَخَلْتُ عَلَىٰ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ فَرَأَيْتُ أَبَا عَمْرٍو عِنْدَهُ، فَقُلْتُ إِنَّ هَذَا الشَّيْخُ وَ أَشْرْتُ إِلَيَّ أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ وَ هُوَ عِنْدَنَا الثِّقَّةُ الْمَرَضِيُّ حَدَّثَنَا فِيكَ بِكَيْتٍ وَ كَيْتٍ وَ اقْتَصَصْتُ عَلَيْهِ مَا تَقَدَّمَ يَعْنِي مَا ذَكَرْنَاهُ عَنْهُ مِنْ فَضْلِ أَبِي عَمْرٍو وَ مَحَلِّهِ وَ قُلْتُ أَنْتَ الْآنَ مَمَّنْ لَا يَشْكُ فِي قَوْلِهِ وَ صِدْقِهِ فَاسْأَلُكَ بِحَقِّ اللَّهِ وَ بِحَقِّ الْإِمَامَيْنِ عليهما السلام اللَّذَيْنِ وَ ثَقَّاکَ هَلْ رَأَيْتَ ابْنَ أَبِي مُحَمَّدٍ الَّذِي هُوَ صَاحِبُ الزَّمَانِ؟ فَبَكَى ثُمَّ قَالَ عَلَيَّ أَنْ لَا تُخْبِرَ بِذَلِكَ أَحَدًا وَ أَنَا حَتَّىٰ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ قَدْ رَأَيْتُهُ (عج) وَ عُنُقُهُ هَكَذَا يُرِيدُ أَنَّهَا أَغْلَظُ الرَّقَابِ حُسْنًا وَ تَمَامًا قُلْتُ فَالِاسْمُ؟ قَالَ قَدْ نَهَيْتُمْ عَنْ هَذَا » (۲)

۱ - کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۳، باب ۳، تبصرة الولی، ص ۷۳، حدیث ۴۱.

۲ - الغيبة للطوسی، ج ۱، ص ۳۵۵، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۴۵، باب ۱۶.

١٢٧ - عنایت حضرت مهدی عليه السلام به احمد بن اسحاق رحمته الله

« قال حدثنا محمد بن علي بن القاسم القمي ، قال حدثني أحمد بن الحسين القمي الآبي أبو علي ، قال كتب محمد بن أحمد بن الصلت القمي ، إلى الدار كتاباً ذكر فيه قصة أحمد بن إسحاق القمي و صحبته ، و أنه يريد الحج و احتاج إلى ألف دينار ، فإن رأى سيدي أن يأمر بإقراضه إياه و يسترجع منه في البلد إذا انصرفنا فافعل فوق (عج) هي له مناصلة ، و إذا رجع فله عندنا سواها » و كان أحمد يضعفه لا يطمع نفسه في أن يبلغ الكوفة ، و في هذه من الدلالة»<sup>(١)</sup>.

١٢٨ - احمد بن اسحاق رحمته الله و... ثقه هستند

« وَ مِنْهُمْ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ وَ جَمَاعَةٌ خَرَجَ التَّوْقِيعُ فِي مَدْحِهِمْ رَوَى أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ قَالَ كُنْتُ وَ أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ بِالْعَسْكَرِ فَوَرَدَ عَلَيْنَا رَسُولٌ مِنْ قِبَلِ الرَّجُلِ (عج) فَقَالَ لَنَا الْغَائِبُ الْعَلِيلُ ثَقَهُ وَ أَيُوبُ بْنُ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ وَ أَحْمَدُ بْنُ حَمْرَةَ [بْنِ الْيَسَعِ] وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ ثِقَاتٌ جَمِيعاً »<sup>(٢)</sup>.

١- اختيار معرفة الرجال، ج ٢، ص ٨٣١، ش ١٠٥١.

٢- بحار الانوار، ج ٥١، ص ٣٦٣، اختيار معرفة الرجال، ج ٢، ص ٨٣١، ش ١٠٥٣، رجال العلامة الحلي، ج ١، ص ٢٧٥.

۱۲۹ - نامہ حضرت مہدی علیہ السلام بہ احمد بن اسحاق رحمۃ اللہ علیہ

[الغیبة للشیخ الطوسی] جماعۃ عن التلعکبری عن أحمد بن علی عن  
 الأسدی عن سعید عن أحمد بن إسحاق رحمۃ اللہ علیہ أنه جاءه بعض أصحابنا يعلمه أن  
 جعفر بن علی رحمۃ اللہ علیہ كتب إليه كتاباً يعرفه فيه نفسه و يعلمه أنه القيم بعد أبيه و  
 أن عنده من علم الحلال و الحرام ما يحتاج إليه و غیر ذلك من العلوم كلها  
 قال أحمد بن إسحاق فلما قرأت الكتاب كتبت إلى صاحب الزمان (عج) و  
 صیرت كتاب جعفر في درجه فخرج الجواب إلي في ذلك « بسم الله  
 الرحمن الرحيم أتاني كتابك أبقاك الله و الكتاب الذي أنفدته درجه و  
 أحاطت معرفتي بجميع ما تضمنه على اختلاف ألفاظه و تكرر الخطاء فيه و  
 لو تدبرته لوقفت على بعض ما وقفت عليه منه و الحمد لله رب العالمين  
 حمداً لا شريك له على إحسانه إلينا و فضله علينا أباي الله عز و جل للحق إلا  
 إثمماً و للباطل إلا زهوفاً و هو شاهد علي بما أذكره ولي عليكم بما أقوله  
 إذا اجتمعنا ليوم لا ريب فيه و يسألنا عما نحن فيه مختلفون إنه لم يجعل  
 لصاحب الكتاب على المكتوب إليه و لا عليك و لا على أحد من الخلق  
 إمامة مفترضة و لا طاعة و لا ذممة و سألين لكم ذممة تكتفون بها إن شاء الله  
 يا هذا يرحمك الله إن الله تعالى لم يخلق الخلق عبثاً و لا أهملهم سدى بل  
 خلقهم بقدرته و جعل لهم أسماعاً و أبصاراً و قلوباً و ألباباً ثم بعث إليهم  
 النبيين عليهم السلام مبشرين و منذرين يأمرونهم بطاعته و ينهونهم عن معصيته و  
 يعرفونهم ما جهلوه من أمر خالقهم و دينهم و أنزل عليهم كتاباً و بعث إليهم  
 ملائكة يأتين بينهم و بين من بعثهم إليهم بالفضل الذي جعله لهم عليهم و ما

آتَاهُمْ مِنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَةِ وَ الْبَرَاهِينِ الْبَاهِرَةِ وَ الْآيَاتِ الْغَالِبَةِ فَمِنْهُمْ مَنْ  
 جَعَلَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَ سَلَامًا وَ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا وَ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَهُ تَكْلِيمًا وَ جَعَلَ  
 عَصَاهُ تُعْبَانًا مُبِينًا وَ مِنْهُمْ مَنْ أَحْيَا الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ  
 بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ عَلَّمَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ أَوْتَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ثُمَّ بَعَثَ  
 مُحَمَّدًا ﷺ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ وَ تَمَّمَ بِهِ نِعْمَتَهُ وَ خَتَمَ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ وَ أَرْسَلَهُ إِلَى  
 النَّاسِ كَافَّةً وَ أَظْهَرَ مِنْ صِدْقِهِ مَا أَظْهَرَ وَ بَيَّنَّ مِنْ آيَاتِهِ وَ عَلَامَاتِهِ مَا بَيَّنَّ ثُمَّ  
 قَبَضَهُ ﷺ حَمِيدًا فَقِيدًا سَعِيدًا وَ جَعَلَ الْأَمْرَ بَعْدَهُ إِلَى أَخِيهِ وَ ابْنِ عَمِّهِ وَ  
 وَصِيِّهِ وَ وَاثِرِهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ ثُمَّ إِلَى الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ وَاحِدًا  
 وَاحِدًا أَحْيَا بِهِمْ دِينَهُ وَ أَتَمَّ بِهِمْ نُورَهُ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ إِخْوَانِهِمْ وَ بَنِي  
 عَمِّهِمْ وَ الْأَدْنَيْنِ فَالْأَدْنَيْنِ مِنْ ذَوِي أَرْحَامِهِمْ فُرْقَانًا بَيِّنًا يُعْرَفُ بِهِ الْحُجَّةُ مِنَ  
 الْمُحْجُوجِ وَ الْإِمَامُ مِنَ الْمَأْمُومِ بِأَنْ عَصَمَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَّاهُمْ مِنَ الْعُيُوبِ  
 وَ طَهَّرَهُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَ نَزَّهَهُمْ مِنَ اللَّبْسِ وَ جَعَلَهُمْ خُزَانَ عِلْمِهِ وَ مُسْتَوْدَعَ  
 حِكْمَتِهِ وَ مَوْضِعَ سِرِّهِ وَ أَيَّدَهُمْ بِالْأَدْلَالِ وَ لَوْ لَأَذَلِكَ لَكَانَ النَّاسُ عَلَى سِوَاءٍ  
 وَ لَادَّعَى أَمْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كُلُّ أَحَدٍ وَ لَمَّا عُرِفَ الْحَقُّ مِنَ الْبَاطِلِ وَ لَأَ الْعَالِمُ  
 مِنَ الْجَاهِلِ وَ قَدْ ادَّعَى هَذَا الْمُبْطِلُ الْمُفْتَرِي عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ بِمَا ادَّعَاهُ فَلَا  
 أُدْرِي بِأَيَّةِ حَالَةٍ هِيَ لَهُ رَجَاءٌ أَنْ يُتِمَّ دَعْوَاهُ أَوْ يَفْقَهُ فِي دِينِ؟ اللَّهُ فَوَ اللَّهُ مَا  
 يَعْرِفُ حَلَالًا مِنْ حَرَامٍ وَ لَا يَفْرُقُ بَيْنَ خَطَاةٍ وَ صَوَابٍ أَمْ يَعْلَمُ؟ فَمَا يَعْلَمُ حَقًّا  
 مِنْ بَاطِلٍ وَ لَا مُحْكَمًا مِنْ مُتَشَابِهِ وَ لَا يَعْرِفُ حَدَّ الصَّلَاةِ وَ وَقْتَهَا أَمْ بَوْرَعٌ؟  
 فَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَى تَرْكِهِ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يَزْعُمُ ذَلِكَ لِطَلْبِ  
 الشَّعْوَذَةِ وَ لَعَلَّ خَبْرَهُ قَدْ تَأَدَّى إِلَيْكُمْ وَ هَاتِيكَ ظُرُوفٌ مُسْكِرَةٌ مَنْصُوبَةٌ وَ



آثَارُ عِصْيَانِهِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَشْهُورَةٌ قَائِمَةٌ أَمْ بِآيَةٍ فَلَيَاتِ بِهَا أَمْ بِحُجَّةٍ ؟  
فَلْيُقِمْهَا أَمْ بِدَلَالَةٍ ؟ فَلْيَذْكُرْهَا .

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ ﴿ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَم  
تَنْزِيلِ الْكِتَابِ مِنْ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا  
إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا  
تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ  
انْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ  
يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ هُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ  
غَافِلُونَ وَ إِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَ كَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿ (۱)

فَالْتَمِسْ تَوَلَّى اللَّهُ تَوْفِيقَكَ مِنْ هَذَا الظَّالِمِ مَا ذَكَرْتُ لَكَ وَ اُمْتَحِنُهُ وَ  
اسْأَلُهُ عَنْ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يُفَسِّرُهَا أَوْ صَلَاةٍ يُبَيِّنُ حُدُودَهَا وَ مَا يَجِبُ فِيهِمَا  
لِتَعْلَمَ حَالَهُ وَ مِقْدَارَهُ وَ يَظْهَرَ لَكَ عَوَارِضُهُ وَ نَقْصَانُهُ وَ اللَّهُ حَسِيبُهُ .

حَفِظَ اللَّهُ الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَ أَقْرَهُ فِي مُسْتَقَرِّهِ وَ قَدْ أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ  
أَنْ تَكُونَ الْإِمَامَةُ فِي أَخَوَيْنِ بَعْدَ (إِلَّا) الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) وَ إِذَا أَدِنَ اللَّهُ  
لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَ اضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ وَ انْحَسَرَ عَنْكُمْ وَ إِلَى اللَّهِ أَرْغَبُ  
فِي الْكِفَايَةِ وَ جَمِيلِ الصُّنْعِ وَ الْوَلَايَةِ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (۲) .

۱- احقاف، آیه ۱-۶ .

۲- بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۸۱، باب ۵، وج ۵۰، ص ۲۲۸ و ۲۳۱، باب ۶، وج ۵۳ ص  
۱۹۳، باب ۳۱، الغيبة للطوسي ج ۱، ص ۲۸۷، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۶۸ .

۱۳۰ - وفات احمد بن اسحاق رضی الله عنه در حلوان

« جعفر بن معروف الكشي قال كتب أبو عبد الله البلخي إلي يذكر عن الحسين بن روح القمي أن أحمد بن إسحاق كتب إليه يستأذنه في الحج فأذن له وبعث إليه بثوب فقال أحمد بن إسحاق نعي إلي نفسي فأنصرف من الحج فمات بحلوان، أحمد بن إسحاق بن سعد القمي عاش بعد وفاة أبي محمد عليه السلام، وأتيت بهذا الخبر ليكون أصح لصلاحه و ما ختم له به»<sup>(۱)</sup>.

۱- اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۳۱، ش ۱۰۵۲.

# البيوم تصاوير

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله الذي شيّد قواعد الأحكام بنيته محمد سيد الأنام وخاتمة انبيائه العظام وعترته  
الفر الكرام صلوات الله عليهم أجمعين من الآن إلى يوم القيامة. وبعد فقد قال النبي الأكرم  
صلى الله عليه وآله وسلّم «من حفظ على امتي أربعين حديثاً ينتفعون بها بعثه الله يوم القيامة فقيهاً  
عالمًا»

وقال ابو جعفر (عليه السلام) «والذي نفسي بيده لحديث واحد تأخذه عن صادق خيراً من الدنيا و  
ما حملت من ذهب وفضة».

واستجازني في الرواية لأحاديث يناهج الحكمه ومعادن المعصية (سلام الله عليهم) العالم  
العامل الكامل المجهّد نفسه في تحصيل العلوم الدينية وتهذيب الملكات النفسانية الشيخ  
مهدي العبدى الوند رضى الله تعالى  
فأجرت له ان يروى عنى كلما صحت لى روايته بطرقى الكثيرة واعلاها ما انتهى إلى العلامة  
آية العظمى والحجة السيد حسين الطباطبائى البروجردى أعلى الله تعالى مقامه والعلامة آية الله  
العظمى الحاج الشيخ عبد الكريم الحائرى البزرجى طيب الله مرسته فهو نراده الله توفيقاً مجازان  
يسرى عنى الجوامع الأربعة لمحمد بن الثلاثة الكافى والفقير والتهذيب والاستبصار والجوامع  
الأربعة للمتأخرين الوسائل والمستدرک وبحار الأنوار والوافى واسئله سلمه الله تعالى ان لا  
ينسانى من الدعوات كما انى لا اتساه انشاء الله تعالى



|| ربيع الأول ١٤٢٧

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله الذي رفع منازل العلماء وفضل مدادهم على دماء الشهداء والروايد لثباته خاتماً الأوصياء والصلاة والسلام على خير خلق الله وأفضل البرايا سيدنا ونبينا وحيب قلوبنا محمد خاتماً الأنبياء وعلى عمرته الأركب الأضياء والنعيم الدائم على أعدائهم الأتقياء. وبعد فقد استجازني في الرواية حسب الأصول المحترمة المحمدي الشيخ صدرى العبدى درسا تباركا

فأجزته بنية اتصال سنده من طريق مشايخي العظام في الرواية إلى أئمة الهدى صلوا عليهم منهم شيخي الخلد واستاذ الفقه مثال <sup>الله أجمعين</sup> في رث <sup>الله</sup> في الودع

والشيخ محمد الطائفة وزعيمها آية الله العظمى السيد محمد رضا الموسوي الكلبايكاني قدس سره في الخلد واستاذ الفقه والأصول والمصنف <sup>الله</sup> في

المقول المقاسيل اعلا كلمة الحق والذاعن حريم قداسة أهل البيت عليهم القية المحقق والأصول المديحنا ومولانا آية الله العظمى <sup>الله</sup> في

الشيخ حسين الوحيد الخراساني <sup>الله</sup> في الخلد ومعاني الخلد في الأعلام الأقطاب آية الله الشيخ محي الدين العامقا <sup>الله</sup> في

غيرهم من الفقهاء الكرام عن مشايخهم العظام والحمد لله والشيخ آغا ميرزا الطهراني العلامة النوراني صاحب المستدرك والشيخ الأعظم الأنصاري و

الشيخ محمد رضا المجدد <sup>الله</sup> في الأعلام الأقطاب آية الله الشيخ كاشف الغطاء عن السدجور العلوي عن جدي العلامة الوحيد الجبها عن والده المولى محمد <sup>الله</sup> في

أكل عن خالي العلامة المجلسي <sup>الله</sup> في العلامة المجلسي <sup>الله</sup> في العلامة المجلسي <sup>الله</sup> في العلامة المجلسي <sup>الله</sup> في العلامة المجلسي <sup>الله</sup> في

(التهدية) عن الشيخ علي عبد المسي عن الشيخ ضياء الدين علي بن الشهيد الوحيد الشيخ فخر الدين عن والده (الشهيد الأول) عن فخر المحققين

عن والده العلامة المجلسي عن المحقق الأول عن السيد الجليل فخر بن محمد عن شاذان جبرئيل القمي عن الشيخ عماد الدين الطبري عن الشيخ الفقيه

أبي علي الحسن بن الشيخ الطوسي عن والده الشيخ الطاهر عن الشيخ المفيد عن رئيس المحدثين الشيخ الصدوق وعن العلامة الجليل جعفر بن محمد بن

عن عمه الإمام محمد بن يعقوب الكوفي فأجزت أن يروي عني كل ما تحت يدي روايته عن مشايخي العظام إلى الأئمة الهداة المهديين صلوا عليهم <sup>الله</sup> في

وأوصيه وابتغى بهجته الذي إليه ترجع العباد وأن يبذل غاية جهده الحسنى على ملكة الإخلاص تعاقب القبول والعمل ويسعى في تزيين نفسه

التيمة التي هي أعز الأتقى عليه وأن لا يتفعل عن أن يورث عمل ولا حسنا وغدا حسنا ولا عمل وأوصيه دائما أن يفتخر هذه الأيام بالعلل ويبدل

جهدا حديا التاوارثا وهو يكره ولا أهل البيت عليهم الصلاة في قلوب المؤمنين وخبر قلوب ضيقة المسمين وينبغي له دامت أن يعي لآخرته الباقية

بمثل عباده الدنيا لغانية فإن (كل قس بما كسبه) وإن الآخرة لمن يكون مصداق لقوله عز (ذلك اللذرا الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في

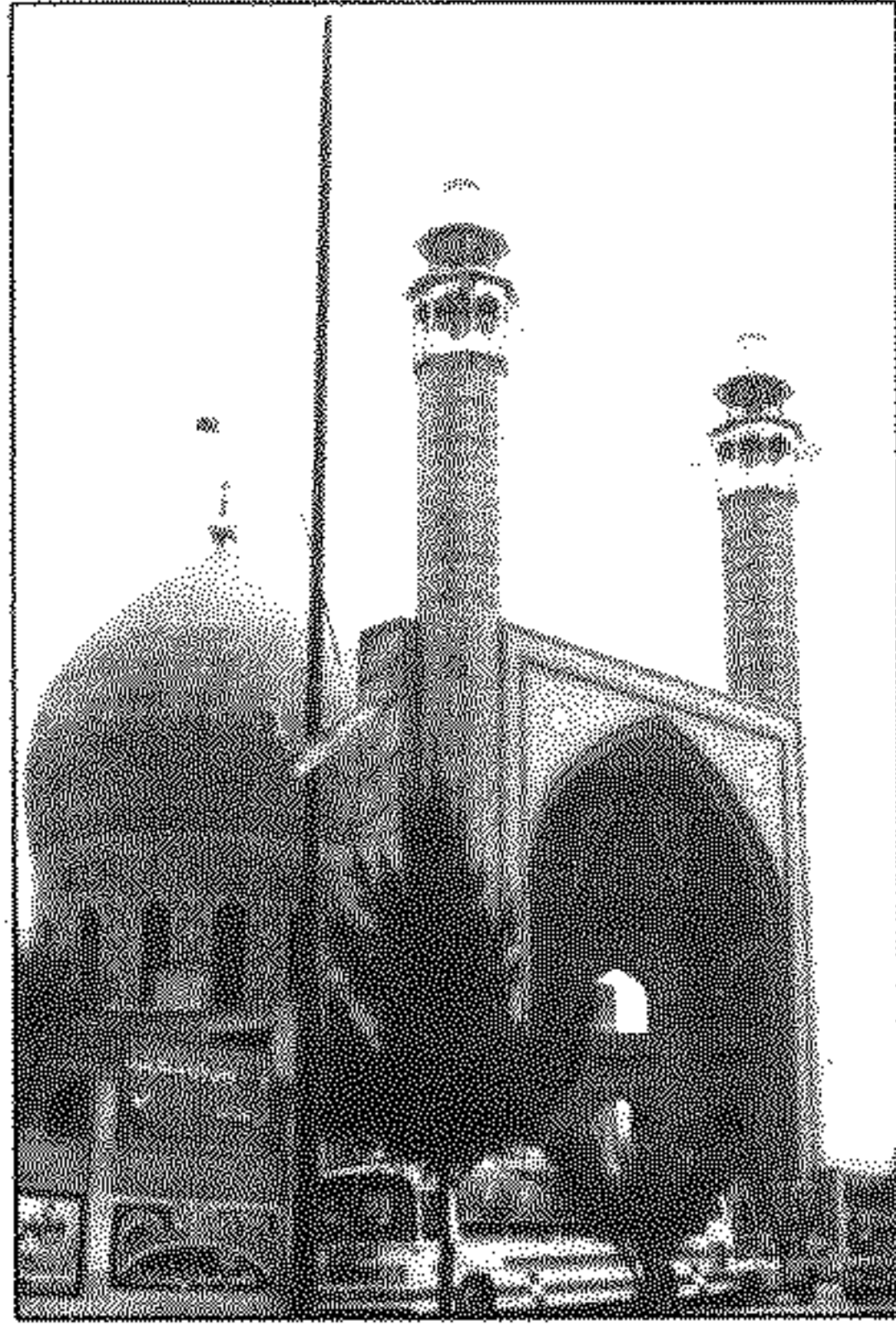
ولا فسادا والعاقبة للمتقين) وإن الجنة لمن يكون مصداق لقوله جل (وأما من خاف مقام ربه ونهى النفس عن الهوى فإن الجنة هي المأوى) <sup>الله</sup> في

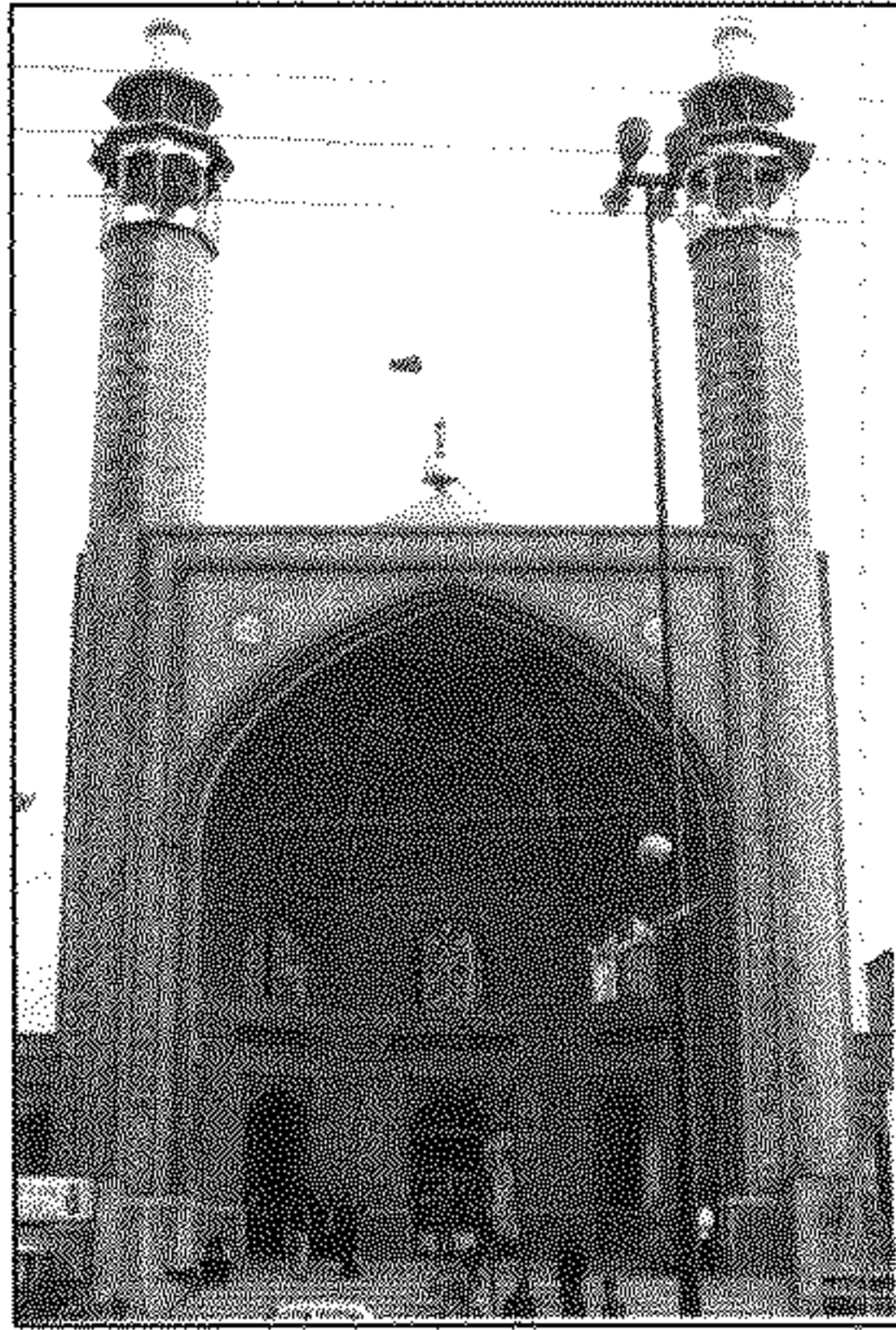
وابتهل الله تعالى أن يأخذ بيده الكريم إما في سخير دينه ودنياه وآخرته وأن يجعله عالما من أئمة اللذين ويسفأ فاطعا لأعداء الحق و

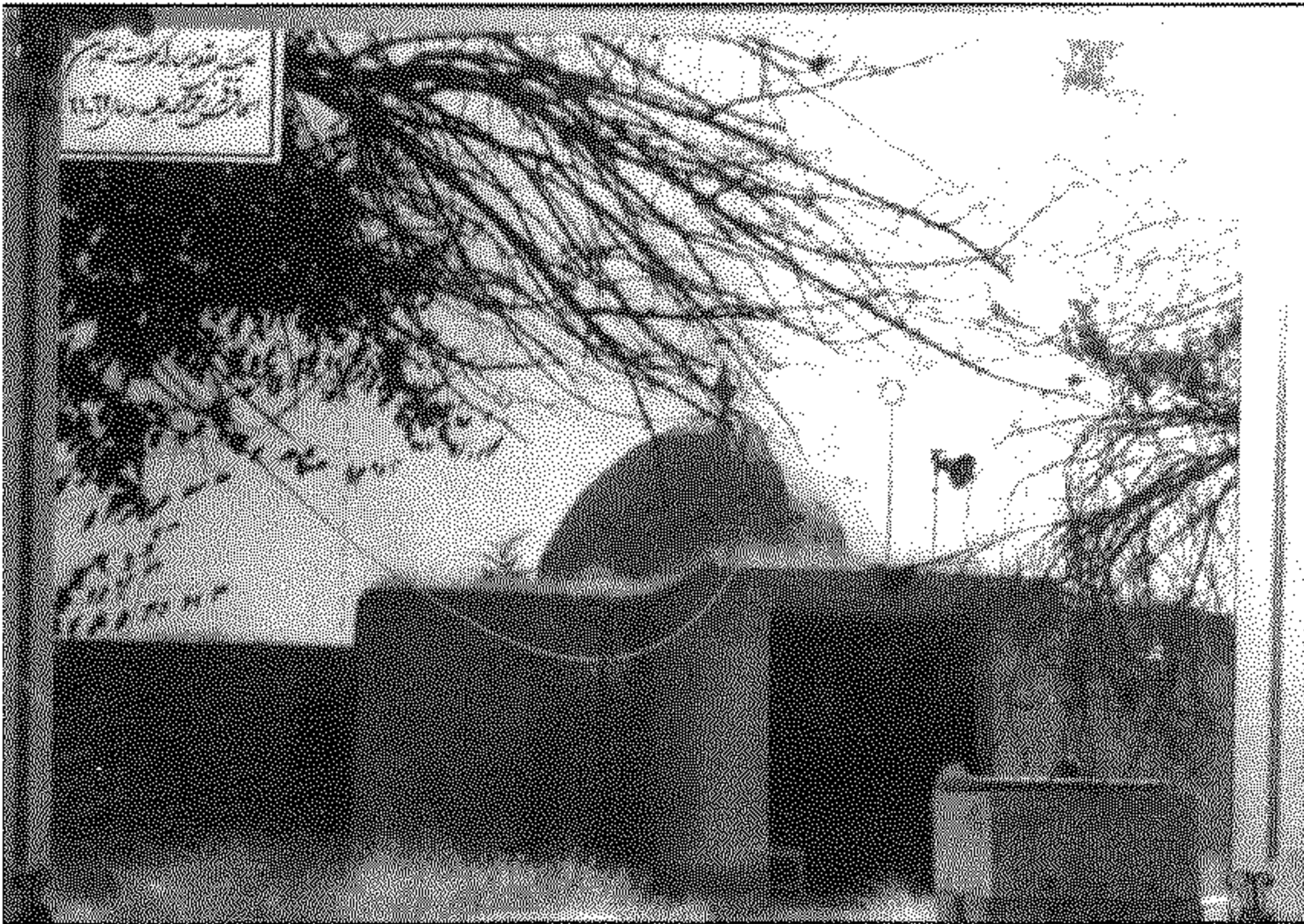
واليقين وأرجو أن لا ينسى من صالح دعواته وأخلاقه وجلواته كما أرجو أن لا ينسى إن شاء الله تعالى

إنه سبحانه وتعالى التوفيق والسداد وهو حبا ونعم الوكيل وأخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

بسم الله الرحمن الرحيم  
 ١٤١٥ هـ









## کتاب نامه

- ۱- آن سفر کرده: ( دیدار حضرت ولی عصر (عج) با احمد بن اسحاق قمی، مجید مسعودی، حمزه، چاپ دوم (اول ناشر)، ۱۳۸۱ شمسی.
- ۲- احمد بن اسحاق، امین امامت: ناصر باقری بیدهندی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی قم، قم، اول، ۱۳۷۶ شمسی.
- ۳- اختیار معرفة الرجال (معروف بر رجال الکشی): شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ ه.ق)، مؤسسة آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۴ ه.ق.
- ۴- الاحتجاج: ابو منصور، احمد بن علی طبرسی (قرن ششم ه.ق)، نشر مرتضی، مشهد مقدس، ۱۴۰۳ ه.ق.
- ۵- الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد: ابو عبدالله محمد بن نعمان عکبری معروف به شیخ مفید، (۳۳۶ - ۴۱۳ ه.ق)، نشر کنگره جهانی شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ ه.ق.

۳۳۳..... ستاره سر پل نهاب

۶- استبصار فيما اختلف من الاخبار: محمد بن الحسن الطوسي، (۳۸۵-

۴۶۰ هـ ق)، دارالکتب الاسلاميه، تهران، سوم، ۱۳۹۰ هـ ق.

۷- اعلام الوری باعلام الهدی: امين الاسلام، فضل بن حسن طبرسی

(۴۶۰-۵۴۸ هـ ق)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، سوم.

۸- امالی شیخ صدوق: ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی،

معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ ق)، انتشارات کتابخانه اسلامیه،

چهارم، ۱۳۶۲ شمسی.

۹- امالی شیخ طوسی: ابو جعفر محمد بن حسن معروف به شیخ طوسی

(۳۸۵-۴۶۰ هـ ق)، انتشارات دار الثقافه، قم، اول، ۱۴۱۴ هـ. در چند

مورد اندک از امالی چاپ نشر مکتبه الداوری، قم، استفاده شده است.

۱۰- الاختصاص: شیخ مفید، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت.

۱۱- بشارة المصطفى لشیعه المرتضى: عمادالدین، محمد بن ابی القاسم

طبری، (متوفای بعد از ۵۵۳ هـ ق)، خنیدریه، نجف اشرف، دوم، ۱۳۸۳

هـ ق.

۱۲- بصائر الدرجات: محمد بن حسن بن فروخ صفار، (متوفای ۲۹۰ هـ

ق) مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، دوم، ۱۴۰۴ هـ ق.

۱۳- بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال: ملا علی علیاری تبریزی، (متوفای

۱۳۲۷ هـ ق)، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانیپور، قم

، دوم، ۱۳۷۱ شمسی.

۱۴- بحار الانوار: محمد باقر بن محمد تقی بن مقصود علی، معروف به

مجلسی دوم (۱۰۳۷-۱۱۱۱ هـ ق)، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ هـ ق.

در چند مورد اندک از بحار الانوار، چاپ ایران استفاده گردیده.

۱۵ - پیشگامان تشیع، تحقیقی در رجال اشعریان: رضا فرشچیان، زائر، قم، اول، ۱۳۸۴ ش.

۱۶ - تفسیر عیاشی: ابونصر محمد بن مسعود عیاشی (تولد ۳۲۰ هـ ق)، نشر المكتبة العلمية الاسلامية، تهران، ۱۳۸۰ هـ ق.

۱۷ - تفسیر قمی: علی بن ابراهیم قمی (تولد ۳۰۷ هـ ق)، منشورات موسسه دارالکتاب للطباعة، قم، ۱۴۰۴ هـ ق.

۱۸ - تحف العقول عن آل الرسول ﷺ: ابو محمد حسن بن علی بن شعبة حرانی (قرن چهارم هـ ق)، دفتر انتشارات جامعه مدرسین، قم، دوم، ۱۳۶۳ شمسی.

۱۹ - تبصرة الولی: سید هاشم بحرانی، موسسه معارف اسلامی.

۲۰ - التوحید: شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، دوم، ۱۳۵۷ شمسی.

۲۱ - تهذیب الاحکام: شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چهارم، ۱۳۶۵ شمسی.

۲۲ - تنقیح المقال فی علم الرجال: علامه شیخ عبدالله ما مقانی، (متوفای ۱۳۵۱ هـ ق)، چاپ المرتضویه، نجف اشرف، اول، ۱۳۵۰، ۱۳۵۲ هـ ق.

۲۳ - ترجمه کلیات علم الرجال: جعفر سبحانی، ترجمه، علی اکبر روحی، مسلم قلی پور گیلانی، انتشارات قم، قم، دوم، ۱۳۸۱ شمسی.

۲۴ - تاریخ قم: حسن بن محمد قمی، مترجم، حسن بن علی قمی، توس، تهران، ۱۳۶۱ شمسی.

٢٥ - ثقات الرواة: سيد حسن موسى اصفهاني، مؤسسة الامام المنتظر، قم، اول، ١٣٨٢ شمسي.

٢٦ - ثواب الأعمال: شيخ صدوق، انتشارات شريف رضى، قم، دوم، ١٣٦٤ شمسي.

٢٧ - جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الاسناد: محمد بن علي الاردبيلي الغروي الحائري، (متوفى ١١٠١ هـ ق) مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفي، قم، ١٤٠٣ هـ ق.

٢٨ - حلية الابرار في فضائل محمد و آله الاطهار: سيد هاشم بحراني، (ت ١١٠٧ هـ ق) دارالكتب، دفتر انتشارات جامعه مدرسين، قم، اول، ١٣٩٧ هـ ق.

٢٩ - خلاصة الاقوال في علم الرجال، المعروف برجال العلامة: حسن بن يوسف بن علي بن مطهر، معروف به علامه حلي، (٦٤٨، ٧٢٦ هـ ق)، انتشارات الرضى، قم، ١٤٠٢ هـ ق.

٣٠ - الخرائج و الجرائح: ابوالحسن سعيد بن هبة الله، معروف به قطب الدين راوندى، (متوفى ٥٧٣ هـ ق)، مؤسسة امام مهدي (عج)، قم، اول، ١٤٠٩ هـ ق.

٣١ - الخصال: شيخ صدوق، جامعه مدرسين، قم، دوم، ١٤٠٣ هـ ق.

٣٢ - دعائم الاسلام: للقاضي ابو حنيفة النعمان، افست مؤسسة آل البيت (ع)، قم.

٣٣ - الدعوات: قطب الدين راوندى، مدرسه امام مهدي (عج)، قم، اول، ١٤٠٧ هـ ق.

- ۳۴- **دلائل الامامة**: ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری ( ۲۲۶ - ۳۱۰ هـ ق )، دارالذخائر للمطبوعات، قم، در چند مورد اندک از دلائل الامامة، چاپ منشورات المطبعة الحیدریه، نجف الاشرف، استفاده گردیده است.
- ۳۵- **رجال برقی**: احمد بن محمد بن خالد البرقی، (متوفای ۲۷۴ یا ۲۸۰ هـ ق)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ هـ ق.
- ۳۶- **رجال نجاشی**: ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن العباس النجاشی الاسدی الکوفی، ( ۳۷۲ - ۴۵۰ هـ ق )، موسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسین، قم، ۱۴۰۷ هـ ق.
- ۳۷- **رجال طوسی**: ابو جعفر محمد بن الحسن معروف به شیخ طوسی ( ۳۸۵ - ۴۶۰ هـ ق )، انتشارات شریف الرضی، قم.
- ۳۸- **رجال ابن داوود**: تقی الدین الحسن بن علی بن داود الحلّی (متوفای بعد از ۷۰۷) حیدریه، نجف اشرف، ۱۳۹۲ هـ ق.
- ۳۹- **روضة الواعظین**: فتال نیشابوری، انتشارات شریف رضی، قم، اول، ۱۳۶۸ هـ ق.
- ۴۰- **زندگانی احمد بن اسحاق قمی**، سفیر حضرت امام زمان (عج): احمد توکلی کرمانی، حکمت، قم، اول، ۱۳۴۶ شمسی.
- ۴۱- **ژاک دومرگان**: هیات علمی فرانسه در ایران، مطالعات جغرافیایی.
- ۴۲- **ستارگان حرم**: جلد اول، گروهی از نویسندگان فرهنگ کوثر، زائر، قم، اول، ۱۳۷۷ شمسی.
- ۴۳- **سیره پیشوایان**: مهدی پیشوایی، موسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (علیه السلام)، قم، ششم، ۱۳۷۶ شمسی.

- ۴۴- سفینه البحار: شیخ عباس قمی، (متوفای ۱۳۵۹ هـ ق).
- ۴۵- شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات: حاکم حسکانی، (متوفای ۴۰۹ هـ ق)، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۴۱۱ هـ ق.
- ۴۶- الصراط المستقیم: ابو محمد علی بن یونس النباطی البیاضی، (۸۰۴- ۸۷۷ هـ ق)، حیدریه، نجف اشرف، اول، ۱۳۸۴ هـ ق.
- ۴۷- طرائف المقال فی معرفة الرواة: سید علی اصغر جابلقی (متوفای ۱۳۱۳ هـ ق)، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، اول، ۱۴۱۰ هـ ق.
- ۴۸- طب الائمة عليهم السلام: عبدالله و حسین ابنا بسطام (قرن چهارم هـ ق)، انتشارات شریف رضی، قم، دوم، ۱۴۱۱ هـ. در مواردی اندک از طب الائمة، چاپ حیدریه، نجف اشرف استفاده گردیده.
- ۴۹- عیون المعجزات: حسین بن عبدالوهاب، (قرن پنجم هـ ق)، مکتبه الداوری، قم.
- ۵۰- عدد القویه: رضی الدین، علی بن یوسف حلی (متوفای اوئل قرن هشتم هـ ق)، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، اول، ۱۴۰۸ هـ ق.
- ۵۱- علل الشرایع: شیخ صدوق، انتشارات مکتبه الداوری، قم.
- ۵۲- علم الحدیث پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدرايه: حجة الاسلام دکتر سیدرضا مؤدب، انتشارات احسن الحدیث، اول، ۱۳۷۸، قم.
- ۵۳- العمدة: ابن بطریق، یحیی بن حسن حلی (۵۳۳- ۶۰۰ هـ ق)،

- انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ هـ ق.
- ۵۴- **عیون أخبار الرضا** علیه السلام: شیخ صدوق، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ هـ ق.
- ۵۵- **الغیبة**: للطوسی، مؤسسه معارف اسلامی، قم، اول، ۱۴۱۱ هـ ق.
- ۵۶- **فرج المهموم**: ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر حسنی، معروف به سید بن طاووس، (۵۸۹-۶۶۴ هـ ق)، دار الذخائر، قم.
- ۵۷- **فصول المختارة من العیون و المحاسن**: ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری معروف به شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ هـ ق)، نشر کنگره هزاره شیخ مفید، قم، اول، ۱۴۱۳ هـ ق.
- ۵۸- **الفهرست للطوسی**: شیخ الطلائفة ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، منشورات الشریف الرضی، قم.
- ۵۹- **فلاح السائل**: سید بن طاووس، (۵۸۹-۶۶۴ هـ ق) انتشارات دفتر تبلیغات، قم.
- ۶۰- **قرب الاسناد**: ابوالعباس عبدالله بن جعفر الحمیری، (قرن سوم هـ ق)، مؤسسة آل البيت (ع)، قم، اول، ۱۴۱۳ هـ ق.
- ۶۱- **قاموس الرجال**: علامه شیخ محمد تقی شوشتری، (متوفای ۱۴۱۶ هـ ق)، مؤسسة النشر الاسلامی لجماعة المدرسین، قم، دوم، ۱۴۱۰ هـ ق.
- ۶۲- **الكافی**: ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (متوفای ۳۲۹ هـ ق) دارالکتب الاسلامیة، تهران، چهارم، ۱۳۶۵ شمسی.
- ۶۳- **کامل الزیارات**: ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (متوفای ۳۶۷ هـ ق)، نشر المرتضویه، نجف اشرف، ۱۳۵۶ شمسی.
- ۶۴- **کشف الغمة فی معرفة الائمة**: ابوالحسن علی بن عیسی بن ابی الفتح

۲۲۸ ..... ستارة سر پل ذهاب

اربلى، (متوفای ۶۹۲ هـ ق) نشر مكتبة بنى هاشمى، تبريز، ۱۳۸۱ هـ ق.

۶۵- كمال الدين و تمام النعمة: شيخ صدوق، دارالكتب الاسلاميه، قم،  
دوم، ۱۳۹۵ هـ ق.

۶۶- کرمانشاهان باستان: مسعود گلزارى، محمد حسين جليلى.

۶۷- لغت نامه دهخدا: على اكبر دهخدا، (۱۲۵۸ - ۱۳۳۴ شمسی) ج ۲۴،  
چاپخانه موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه، ۱۳۵۱ شمسی.

۶۸- معانى الاخبار: شيخ صدوق، دارالمعرفة، بيروت، لبنان.

۶۹- مدينة المعاجز الائمة الاثني عشر و دلائل الحجج على البشر: سيد  
هاشم بحراني، بنياد معارف اسلامى، قم، اول، ۱۴۱۳ هـ ق.

۷۰- مفاخر اسلام: على دوانى، امير كبير، تهران، اول، ۱۳۶۶ شمسی.

۷۱- منتهى الآمال: شيخ عباس قمى، هجرت، قم، دهم، ۱۳۷۶ شمسی.

۷۲- مجمع الرجال: علامه زكى الدين المولى عناية الله بن على بن محمود  
القهبائى (متوفای ۱۰۱۹ هـ ق)، موسسه مطبوعاتى اسماعيليان، قم.

۷۳- معالم العلماء فى فهرست كتب الشيعة و اسماء المصنفين منهم: محمد  
بن على بن شهر آشوب مازندراني (متوفای ۵۸۸ هـ ق) حيدريه، نجف  
الاشرف، ۱۳۸۰ هـ ق.

۷۴- معجم الرجال الحديث: سيد ابوالقاسم خوئى، (متوفای ۱۴۱۴ هـ ق)  
مركز نشر آثار الشيعة، قم.

۷۵- منهج المقال: ميرزا محمد بن على استر آبادى (متوفای ۱۰۲۸ هـ ق)،  
چاپ سنگى، ۱۳۰۶ هـ ق.

۷۶- منتهى المقال: شيخ محمد بن اسماعيل مازندراني، معروف به ابو على



حائری (متوفای ۱۲۱۵ یا ۱۲۱۶ هـ ق)، مؤسسة آل البيت (ع)، لاحیا التراث، قم، اول، ۱۴۱۶ هـ ق.

۷۷- المحاسن: احمد بن محمد بن خالد البرقی (متوفای ۲۷۴ یا ۲۸۰ هـ ق)، دارالکتب الاسلامیة، قم، دوم، ۱۳۷۱ هـ ق.

۷۸- مکارم الاخلاق: رضی الدین، حسن بن فضل طبرسی، (قرن ششم هجری هـ ق)، انتشارات شریف رضی، قم، چهارم ۱۴۱۲ هـ ق. در موارد اندکی از چاپ منشورات مؤسسة الاعلمی، بیروت استفاده گردیده.

۷۹- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: میرزا حسین بن میرزا محمد تقی نوری طبرسی، معروف به منخند نوری، (۱۲۴۵ - ۱۳۲۰ هـ ق)، مؤسسة آل البيت (ع)، قم، اول، ۱۴۰۸ هـ ق.

۸۰- من لا یحضره الفقیه: شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۳ هـ ق، در مواردی اندک از چاپ دارالتعارف - دارصعب، استفاده گردیده.

۸۱- مسند الامام الجواد علیه السلام: عزیزالله عطاردی، المؤتمر العالمی للامام الرضا علیه السلام، قم، ۱۴۱۰ هـ ق.

۸۲- مسند الامام الهادی علیه السلام: عزیزالله عطاردی، کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، مشهد، ۱۴۱۰ هـ ق.

۸۳- معجم البلدان: شهاب الدین ابی عبدالله یاقوت بن عبدالله الحموی الرومی البغدادی، معروف به یاقوت حموی (۵۷۴ - ۶۲۶ هـ ق) دارالکتاب العربی، بیروت، لبنان.

۸۴- متشابه القرآن: محمد بن شهر آشوب مازندرانی (۴۸۹ - ۵۸۸ هـ ق)،

۱۱۶ ..... ستاره سرپل ذهاب

انتشارات بيدار، قم، ۱۳۲۸ شمسی.

۸۵- المناقب آل ابي طالب: محمد بن شهر آشوب مازندرانی، موسسه

انتشارات علامه، قم، ۱۳۷۹ شمسی.

۸۶- مجله نور علم: جامعه مدرسین، شماره ۴ و ۵، مقاله آقای سيد محمد

جواد حسینی جلالی.

۸۷- منتخب الانوار المضيئة: علی بن عبدالکریم نیلی نجفی، (تولد قرن

هشتم ه ق)، چاپخانه خیام، قم، ۱۴۰۱، ه ق.

۸۸- مفتاح الفلاح: شیخ بهایی (۹۵۳ - ۱۰۳۰ ه ق)، دارالاضواء، بیروت،

لبنان، اول، ۱۴۰۵ ه ق.

۸۹- نقد الرجال: علامه سيد مصطفی حسینی تفرشی (متوفای ۱۰۴۴ ه

ق)، انتشارات الرسول المصطفی، قم.

۹۰- نجم الثاقب: میرزا حسین طبرسی نوری، انتشارات مسجد مقدس

جمکران، قم، هفتم، ۱۳۸۲ شمسی.

۹۱- وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة: شیخ محمد بن الحسن حرّ

عاملی، معروف به شیخ حرّ عاملی (۱۰۳۳ - ۱۱۰۴ ه ق)، موسسه آل

البيت (ع)، قم، اول، ۱۴۰۹ ه ق. در موارد اندکی از چاپ مکتبه

الاسلامیه، تهران، پنجم، ۱۳۹۸ ه ق. استفاده گردیده.

۹۲- هداية المحدثين الى طريقة المحمدين: محمد امین بن محمد علی

الکاظمی، منشورات مکتبه آية الله العظمی المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۵ ه

ق.

۹۳- اليقين: سيد بن طاووس، موسسه دارالکتاب، قم، اول، ۱۴۱۳ ه ق.

## فهرست مطالب

۵	مقدمه حضرت آیت الله میر سید محمد یثربی کاشانی .....
۹	پیشگفتار .....

### بخش اوّل (زندگی نامه)

۱۷	فصل اوّل ( مردی از تیار خوبان ) .....
۱۸	تحقیقی در نسب .....
۱۹	پدری دانشمند .....
۲۰	پدر بزرگی فرزانه .....
۲۲	جدّ اول .....
۲۲	جدّ چهارم .....
۲۵	جدّ پنجم .....
۲۶	جدّ اعلا .....
۲۹	فصل دوّم ( در منظر دانشمندان ) .....
۲۹	در منظر دانشمندان قرن سوّم، چهارم و پنجم هجری .....

- پیامبر ﷺ طلاق همسرانش را به حضرت علی علیه السلام تفویض کرد ... ۶۷
- فاحشهٔ مُبینه چیست؟ ..... ۶۸
- معنای آیه ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾ چیست؟ ... ۶۹
- تأویل آیه ﴿كَيْعَصُ﴾ چیست؟ ..... ۷۰
- چرا مردم نمی‌توانند امام انتخاب کنند؟ ..... ۷۱
- پاسخ امام عصر علیه السلام به شبهات آن ناصبی ..... ۷۲
- قیام حضرت مهدی (عج) ..... ۷۷
- احترام به سادات ..... ۷۹
- فضیلت عالم بر عابد ..... ۸۰
- پاداش کسی که به دیدن دوست مؤمنش رود ..... ۸۱
- ثواب دست دادن با برادر مؤمن ..... ۸۱
- پاداش خوشحال کردن مؤمن ..... ۸۱
- احترام به سالخورده‌گان ..... ۸۲
- ریشه‌های کفر ..... ۸۲
- چرا دعا مستجاب نمی‌شود؟ ..... ۸۳
- وقت استجاب دعا ..... ۸۴
- فایدهٔ دعا ..... ۸۴
- فضیلت نماز اول وقت ..... ۸۵
- شرف و عزت مؤمن به چیست؟ ..... ۸۵
- تجدید وضو ده حسنه دارد ..... ۸۵
- قبولی اعمال به شناخت اهل بیت علیهم السلام است ..... ۸۶
- خوشبخت‌ترین انسان ..... ۸۶
- چگونگی صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام ..... ۸۷

- ۸۷ ..... ده منزلت امام علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
- ۸۸ ..... نوشاندن آب فرات به کودکان
- ۸۸ ..... ثواب برگزاری مجالس اهل بیت علیهم السلام
- ۹۱ ..... فصل پنجم ( پرواز به ملکوت )
- ۹۴ ..... دلایل دیگر
- ۹۴ ..... نامه امام عصر (عج) به احمد بن اسحاق رضی الله عنه
- ۹۹ ..... آیا حضرت مهدی (عج) را دیده‌ای؟
- ۱۰۱ ..... دیدار حسن بن نصر با امام عصر (عج)
- ۱۰۵ ..... فصل ششم (سرپل ذهاب و بارگاه احمد بن اسحاق رضی الله عنه)
- ۱۰۷ ..... بارگاه احمد بن اسحاق رضی الله عنه
- ۱۰۸ ..... مشخصات فنی
- ۱۰۹ ..... لوح مزار

### بخش دوم (مسند احمد بن اسحاق رضی الله عنه)

- ۱۱۳ ..... مُسند چیست؟
- ۱۱۵ ..... «فصل اول»
- ۱۱۵ ..... ۱- ولایت اهل بیت علیهم السلام
- ۱۱۶ ..... ۲- استحباب نوشاندن آب فرات به کودکان
- ۱۱۷ ..... «فصل دوم»
- ۱۱۷ ..... ۳- ولایت اهل بیت علیهم السلام
- ۱۱۷ ..... ۴- ولایت و عمل
- ۱۱۸ ..... ۵- قبولی اعمال به شناخت اهل بیت علیهم السلام است
- ۱۱۸ ..... ۶- آثار محبت اهل بیت علیهم السلام

- ۷- در پناه آل محمد علیهم السلام ..... ۱۱۸
- ۸- امام زمان (عج) ..... ۱۱۹
- ۹- قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ..... ۱۱۹
- ۱۰- دعا و سفارش امام صادق علیه السلام به شیعیان ..... ۱۲۰
- ۱۱- ثواب برگزاری مجالس اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۲۱
- ۱۲- ده منزلت امام علی علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله ..... ۱۲۲
- ۱۳- فضیلت امیرالمؤمنین علی علیه السلام ..... ۱۲۲
- ۱۴- ایمان حضرت ابی طالب علیه السلام ..... ۱۲۳
- ۱۵- کیفیت صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۱۲۴
- ۱۶- سیره امام سجاد علیه السلام ..... ۱۲۴
- ۱۷- چگونگی تغسیل و تدفین ائمه علیهم السلام ..... ۱۲۵
- ۱۸- چگونگی بیعت زنان با پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۱۲۶
- ۱۹- با حالت جنابت به زیارت ائمه علیهم السلام نروید ..... ۱۲۷
- ۲۰- آداب نماز ..... ۱۲۷
- ۲۱- آداب نماز جمعه ..... ۱۲۸
- ۲۲- وظیفه مأموم در نماز جماعت ..... ۱۲۹
- ۲۳- ازدواج موقت ..... ۱۲۹
- ۲۴- جایز بودن ازدواج موقت ..... ۱۲۹
- ۲۵- سنت نبوی ..... ۱۳۰
- ۲۶- تقیه سپر مؤمن است ..... ۱۳۰
- ۲۷- تجدید وضو ده حسنه دارد ..... ۱۳۱
- ۲۸- مصیبت زده چه لباسی بپوشد؟ ..... ۱۳۱
- ۲۹- در معنا و مفهوم مولا ..... ۱۳۱

- ۳۰ - فروش آن در این صورت بهتر است ..... ۱۳۲
- ۳۱ - احکام ذبح حیوانات ..... ۱۳۲
- ۳۲ - چرا دعا مستجاب نمی شود؟ ..... ۱۳۳
- ۳۳ - وقت استجاب دعا ..... ۱۳۴
- ۳۴ - فایده دعا ..... ۱۳۴
- ۳۵ - دعای امام صادق علیه السلام ..... ۱۳۴
- ۳۶ - دعائی دیگر از امام صادق علیه السلام ..... ۱۳۵
- ۳۷ - دعای امام صادق علیه السلام بعد از نماز طواف ..... ۱۳۵
- ۳۸ - دعای امام صادق علیه السلام بعد از نماز ..... ۱۳۶
- ۳۹ - دعای بعد از نماز مغرب ..... ۱۳۸
- ۴۰ - دعای قنوت در نماز عید فطر و قربان ..... ۱۳۸
- ۴۱ - این دعا را در ماه مبارک رمضان بخوانید ..... ۱۳۹
- ۴۲ - دعای خدا حافظی با ماه مبارک رمضان ..... ۱۴۰
- ۴۳ - دعای هنگام افطار در ماه مبارک رمضان ..... ۱۴۲
- ۴۴ - اعمال ماه مبارک رمضان ..... ۱۴۲
- ۴۵ - اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان ..... ۱۴۳
- ۴۶ - زیارت امام حسین علیه السلام ..... ۱۴۳
- ۴۷ - دعا جهت رفع اندوه ..... ۱۴۶
- ۴۸ - دعا جهت رفع تب ..... ۱۴۷
- ۴۹ - دعای ورم و زخم ..... ۱۴۷
- ۵۰ - هنگام خواب این دعا را بخوانید ..... ۱۴۸
- ۵۱ - نیکی به مؤمن ..... ۱۴۸
- ۵۲ - احترام به سالخوردهگان ..... ۱۴۹

- ۵۳ - ثواب دست دادن با برادر مومن ..... ۱۴۹
- ۵۴ - پاداش برآوردن حاجت مسلمان ..... ۱۴۹
- ۵۵ - پاداش کسی که حاجت مومنی را برآورد ..... ۱۵۰
- ۵۶ - پاداش کسی که به دیدن دوست مؤمنش رود ..... ۱۵۰
- ۵۷ - پاداش خوشحال کردن مومن ..... ۱۵۰
- ۵۸ - مؤمن سبک بار است ..... ۱۵۱
- ۵۹ - امر کننده به خیر و شر ..... ۱۵۱
- ۶۰ - روح ایمان ..... ۱۵۲
- ۶۱ - ریشه‌های کفر ..... ۱۵۲
- ۶۲ - فضیلت عالم بر عابد ..... ۱۵۲
- ۶۳ - شرف و عزت مومن به چیست ؟ ..... ۱۵۳
- ۶۴ - فضیلت نماز اول وقت ..... ۱۵۳
- ۶۵ - خوشبخت‌ترین انسان ..... ۱۵۳
- ۶۶ - چند موعظه از پیامبر ﷺ ..... ۱۵۴
- ۶۷ - ثواب شهادت در راه خدا ..... ۱۵۵
- ۶۸ - فضیلت سوره قدر ..... ۱۵۵
- ۶۹ - تفسیر سوره ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾ ..... ۱۵۵
- ۷۰ - پسر نوح ..... ۱۵۶
- ۷۱ - در مذمت گناه ..... ۱۵۶
- ۷۲ - ایمان و یقین ..... ۱۵۶
- ۷۳ - با توبه از گناه پاک می‌شوید ..... ۱۵۷
- ۷۴ - نعمت غیر مترقبه ..... ۱۵۷
- ۷۵ - مرگ و اجل ..... ۱۵۷



- ۷۶- مقدرات الهی ..... ۱۵۸
- ۷۷- زنان زینت خود را آشکار نکنند ..... ۱۵۹
- ۷۸- زنا، روح ایمان را از بین می برد ..... ۱۵۹
- ۷۹- ثواب تشییع جنازه ..... ۱۵۹
- ۸۰- وظیفه همسایگان ..... ۱۶۰
- ۸۱- آثار منفی میگساری ..... ۱۶۰
- ۸۲- خود را شبیه یهودیان نکنید ..... ۱۶۰
- ۸۳- عطر قلب را نیرو می بخشد ..... ۱۶۰
- ۸۴- به کم قانع باشید ..... ۱۶۱
- ۸۵- فضیلت روزه گرفتن در ماه شعبان ..... ۱۶۱
- ۸۶- فضیلت تسبیح خدا ..... ۱۶۱
- ۸۷- حضور فرشتگان ..... ۱۶۲
- ۸۸- شکر نعمت، نعمت افزون کند ..... ۱۶۲
- ۸۹- مستحب بودن خوردن خرما و ..... ۱۶۳
- «فصل سوّم» ..... ۱۶۵
- ۹۰- دعای امام کاظم علیه السلام ..... ۱۶۵
- ۹۱- جواز ازدواج موقت ..... ۱۶۵
- ۹۲- اوقات جاری کردن حد ..... ۱۶۶
- ۹۳- احکام طواف ..... ۱۶۶
- ۹۴- احکام وضوی خصی ..... ۱۶۷
- ۹۵- آداب حمام ..... ۱۶۷
- ۹۶- چیزی که سجده بر آن صحیح است ..... ۱۶۸
- «فصل چهارم» ..... ۱۶۹

۲۳۹	فهرست مطالب
۱۶۹	۹۷ - چشمه نور.....
۱۶۹	۹۸/ - تفسیر لیلۃ القدر.....
۱۷۱	۹۹ - گفتگو با فرشتگان.....
۱۷۱	۱۰۰ - دانش افزایی در شب جمعه.....
۱۷۳	«فصل پنجم».....
۱۷۳	۱۰۱ - اسم اعظم.....
۱۷۴	۱۰۲ - دیدن خدا محال است.....
۱۷۴	۱۰۳ - خلقت امام.....
۱۷۵	۱۰۴ - توثیق ابو عمرو (عثمان بن سعید) توسط امام هادی <small>علیه السلام</small> ..
۱۷۶	۱۰۵ - فضیلت روز نهم ربیع الاول.....
۱۸۱	۱۰۶ - دادن زکات به فقیر.....
۱۸۲	۱۰۷ - احکام وصیت.....
۱۸۲	۱۰۸ - احکام لباس نماز گزار.....
۱۸۳	۱۰۹ - حکم اجاره.....
۱۸۵	«فصل ششم».....
۱۸۵	۱۱۰ - هیچ یک از پدرانم مثل من دچار شک مردم نشدند.....
	۱۱۱ - هدیه به احمد بن اسحاق <small>رضی الله عنه</small> و معجزه امام حسن
۱۸۶	عسکری <small>علیه السلام</small> .....
۱۸۷	۱۱۲ - نامه امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> به احمد بن اسحاق <small>رضی الله عنه</small> .....
۱۸۷	۱۱۳ - خدا را شکر که مهدی (عج) را دیدم.....
۱۸۸	۱۱۴ - امام، حجّت خدا.....
۱۸۸	۱۱۵ - حیات امام عصر (عج).....
۱۸۸	۱۱۶ - حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> ظهور خواهد کرد.....

۲۴۰ ..... ستاره سرپل ذهاب

۱۱۷ - نص بر امامت حضرت مهدی (عج) ..... ۱۹۰

۱۱۸ - شبیه به حضرت خضر و ذو القرنین علیه السلام ..... ۱۹۰

۱۱۹ - احترام به سادات ..... ۱۹۱

۱۲۰ - ادای قرض ..... ۱۹۲

۱۲۱ - قتل راهزنان ..... ۱۹۳

۱۲۲ - نوشیدن دارویی که سوسمار داخل آن شده ..... ۱۹۳

۱۹۵ ..... «فصل هفتم»

۱۲۳ - احمد بن اسحاق رحمه الله و دیدار با حضرت مهدی علیه السلام ..... ۱۹۵

۱۲۴ - آیا حضرت مهدی علیه السلام را دیده‌ای؟ ..... ۲۰۶

۱۲۵ - آیا حضرت مهدی علیه السلام را دیده‌ای؟ ..... ۲۰۸

۱۲۶ - آیا حضرت مهدی علیه السلام را دیده‌ای؟ ..... ۲۰۸

۱۲۷ - عنایت حضرت مهدی علیه السلام به احمد بن اسحاق رحمه الله ..... ۲۰۹

۱۲۸ - احمد بن اسحاق رحمه الله و ... ثقه هستند ..... ۲۰۹

۱۲۹ - نامه حضرت مهدی علیه السلام به احمد بن اسحاق رحمه الله ..... ۲۱۰

۱۳۰ - وفات احمد بن اسحاق رحمه الله در حلوان ..... ۲۱۳

۲۱۵ ..... آلبوم تصاویر

۲۲۱ ..... کتاب نامه

۲۳۱ ..... فهرست مطالب